

بِناَمِ خِدا

# احكام

بر اساس رساله عمليه مراجع عظام تقليد

✕ اجتهاد و تقليد

✕ طهارت

✕ وضو

✕ غسل

✕ تيمم

✕ نماز

✕ نمازهاي مستحب

✕ واجبات نماز

✕ مبطلات و شكيات نماز

✕ اذان و اقامه

✕ نماز مسافر و نماز قضا

✕ مسجد و نماز جماعت

✕ روزه

✕ خمس و زكات

✕ نگاه كردن و ازدواج

# امکاه اجتهاد و تقلید

انسان می توان از روی اجتهاد یا تقلید به احکام دین عمل کند. اجتهاد سعی و تلاش فراوان است در جهت استخراج احکام دین از منابع آن که مهمترین آنها قرآن و احادیث معصومین «علیه السلام» می باشد، پس از آموختن علوم دینی که انسان را کمک می کند تا بتواند احکام را از منابع آن استخراج کند. به کسی که دارای چنین توانایی علمی باشد مجتهد گویند و تقلید به معنای پیروی و دنباله روی است و در اینجا به معنای پیروی از مجتهد می باشد یعنی انسان کارهای خود را مطابق فتوای مجتهد انجام دهد. به مجتهدی که دیگران از او تقلید می کنند مرجع تقلید و به کسی که از مجتهد تقلید می کند مقلد می گویند. کسی که مجتهد نیست و نمی تواند احکام و دستورهای الهی را از منابع آن بدست آورد باید از مجتهد تقلید کند یعنی کارهای خود را مطابق فتوای او انجام دهد. وظیفه اکثر مردم در احکام دین تقلید است چون افراد کمی هستند که بتوانند در احکام اجتهاد کنند مجتهدی که انسان از او تقلید می کند باید عادل باشد. زنده باشد مرد باشد، بالغ باشد، عاقل باشد، حلال زاده باشد، شیعه ی دوازده امامی باشد، اعلم باشد.

در اصول دین انسان باید یقین و اعتقاد جزمی داشته باشد و این یقین از هر دلیل و طریقی حاصل شود کفایت می کند. چه به واسطه استدلال و برهان باشد یا از گفته والدین و مبلغین. هر چند نتواند استدلال کند. انسان در احکام غیر ضروری دین یا باید مجتهد باشد و بر طبق اجتهاد خودش عمل نماید و یا از مجتهد تقلید کند یعنی به دستور او رفتار نماید و یا در صورتی که آشنا به کیفیت احتیاط است عمل به احتیاط کند به طوری که یقین کند تکلیف خویش را انجام داده است مثلاً اگر عده ای از مجتهدین عملی را حرام می دانند و عده دیگر می گویند حرام نیست آن عمل را انجام ندهد و اگر عملی را بعضی واجب و بعضی مستحب می دانند انجام دهد و همچنین واجب است در کیفیت احتیاط نیز احتیاط کند. یعنی چنانچه احتیاط از چند طریق ممکن باشد باید طریقی را اختیار نماید که مطابق با احتیاط باشد.

مکلفی که مجتهد نباشد و اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد و تقلید هم نکند اعمال او باطل است یعنی نمی تواند به آن اکتفا کند و باید طبق مسأله که گفته خواهد شد عمل کند.

یکی از راه های شناخت عدالت حسن ظاهر است. یعنی با او رفت و آمد و معاشرت داشته باشد و در شرایط مختلف او را دیده باشد که مسائل شرعی را رعایت می کند و یا همسایگان و اهل محل خوبی او را تصدیق کنند.

در صورتی که دو مجتهد از نظر علمی مساوی باشند احتیاط لازم آن است که از کسی که اتقی و اورع است تقلید کند. مجتهد اعلم را از سه راه می توان شناخت: اول: خود انسان یقین و یا اطمینان پیدا کند، مانند اینکه انسان خود از اهل خبره باشد و بتواند مجتهد اعلم را بشناسد. دوّم: دو نفر عالم عادل که می توانند مجتهد اعلم را تشخیص دهند اعلم

بودن کسی را تصدیق نمایند بشرط آنکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت ننمایند. سوّم: اجتهاد و اعلم بودن شخصی به حدّی شایع باشد که از آن شیوع و شهرت برای انسان علم یا اطمینان حاصل شود.

اگر شناختن اعلم مشکل باشد باید از کسی تقلید نماید که گمان به اعلم بودن او دارد بلکه اگر احتمال ضعیفی بدهد که کسی اعلم است و احتمال اعلم بودن دیگری را ندهد باید از همان کس تقلید نماید و همینطور اگر علم داشته باشد که مثلاً دو نفر یا مساوی در علم هستند و یا یکی از آنها به طور معین، احتمالاً اعلم است و احتمال اعلمیت دیگری را ندهد، باید از آن شخص معین تقلید نماید و اگر چند نفر در نظر او اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند باید از یکی از آنان تقلید کند.

بدست آوردن فتوی مجتهد سه راه دارد: اوّل: شنیدن از خود مجتهد. دوّم: شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل می کنند و اکتفا به خبر دادن یک نفر عادل اشکال دارد مگر آنکه از قول او علم یا اطمینان حاصل شود. سوّم: دیدن فتوا در رساله مجتهد در صورتی که انسان بدرستی آن رساله اطمینان داشته باشد یعنی بداند که تمام رساله را خود مجتهد و یا افراد مورد وثوق وی ملاحظه نموده اند.

تقلید فقط در واجبات و محرمات لازم است اما تقلید در مستحبات واجب نیست، مگر اینکه مستحبی باشد که در آن احتمال وجوب باشد.

تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است می تواند به آنچه در رساله نوشته شده عمل نماید و اگر احتمال دهد که فتوای وی عوض شده جستجو لازم نیست.

باقی ماندن بر تقلید میت جایز است در صورتیکه مجتهد میت و مجتهد حیّ مساوی در علم باشند و چنانچه یکی از آن دو اعلم باشد تقلید از اعلم لازم است و در باقی ماندن بر تقلید میت فرقی بین مسائلی که عمل نموده و مسائلی که عمل ننموده وجود ندارد.

رجوع کردن از مجتهد زنده به مجتهد زنده دیگر در صورت تساوی آنها جایز است، و اگر دیگری اعلم باشد، رجوع به او واجب است.

وقتی فتوای مرجع تقلید تغییر کرد عمل کردن مقلد به فتوای قبلی جایز نیست ولی اگر فتوای قبلی مطابق احتیاط باشد عمل به آن بنا بر احتیاط مانعی ندارد.

اگر مکلفی مدّتی عبادات خویش را بدون تقلید انجام داده و مقدار آن عبادات را نداند در این صورت اگر بداند آن عبادات را مطابق با فتوای مجتهدی که باید از او تقلید می کرده است، انجام داده، آن عبادات صحیح است و در غیر این صورت واجب است به مقداری که یقین به فوت آن دارد قضاء کند، البته در صورتی که مرجع تقلید فعلی او قضا را واجب بداند و احتیاط مستحب این است که به مقداری قضا کند که علم به برائت ذمه پیدا کند.

واجب است بر مکلف که در مسأله لزوم «تقلید از اعلم» یا «عدم لزوم» آن از یک مجتهد اعلم تقلید نماید. اگر مجتهدی در احکام عبادات اعلم باشد و مجتهد دیگری در احکام معاملات، احتیاط آن است که مکلف تقلید را تقسیم نماید یعنی در عبادات از اولی و در معاملات از دومی تقلید نماید. واجب است مکلف در زمانی که در جستجوی اعلم است، به احتیاط عمل کند.

اگر مجتهد اعلم در مسأله ای فتوی دهد مقلد آن مجتهد نمی تواند در آن مسأله به فتوای دیگری عمل بنماید ولی اگر فتوی ندهد و احتیاط واجب نماید مقلد می تواند یا به این احتیاط عمل کند یا به مجتهدی که علم او از مجتهد اول کمتر یا مساوی است رجوع نماید.

## احکام طهارت

فهرست عناوین مبحث طهارت

✕ آب مطلق و مضاف

✕ احکام آب ها

✕ نجاسات

✕ مُطَهَّرَات

✕ آب مطلق و مضاف

آب یا مطلق است یا مضاف؛ آب مضاف آبی است که آن را از چیزی بگیرند، مثل آب هندوانه و گلاب، یا با چیزی مخلوط باشد، مثل آبی که به قدری با گل و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن آب نگویند، و غیر اینها آب مطلق است، و آن بر پنج قسم است: اول: آب کر، دوم: آب قلیل، سوم آب جاری، چهارم: آب باران، پنجم: آب چاه .

### آب گُسر

آب کر مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هریک سه وجب و نیم است بریزند آن ظرف را پر کند و وزن آن از صد و بیست و هشت من تبریز بیست مثقال کمتر باشد.

اگر عین نجس مانند بول و خون به آب کر برسد چنانچه به واسطه آن بو یا رنگ یا مزه آب تغییر کند آب نجس می شود و اگر تغییر نکند نجس نمی شود.

اگر یکی از اوصاف آب کر به واسطه غیر نجاست تغییر کند، نجس نمی شود.

اگر عین نجس مانند خون به آبی که بیشتر از کر است برسد و بو یا رنگ یا مزه قسمتی از آن را تغییر دهد، چنانچه مقداری که تغییر نکرده کمتر از کر باشد تمام آب نجس می شود، و اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد فقط مقداری که بو یا رنگ یا مزه آن تغییر کرده نجس است.

آب فواره اگر متصل به کر باشد در صورتی که قبل از قطره قطره شدن به آب نجس متصل شود و بنابر احتیاط واجب با آن مخلوط شود آن را پاک می کند ولی اگر بعد از قطره قطره شدن روی آب نجس بریزد، آن را پاک نمی کند.

اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کر است بشویند، آبی که از آن چیز می ریزد اگر متصل به کر باشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک است.

اگر مقداری از آب گریخ بیند و باقی آن به قدر کر نباشد چنانچه نجاست به آن برسد نجس می شود، و هر قدر از یخ هم آب شود نجس است.

آبی که به اندازه کر بوده، اگر انسان شک کند از کر کمتر شده یا نه حکم آب کر را دارد؛ یعنی نجاست را پاک می کند و اگر نجاستی هم به آن برسد نجس نمی شود و آبی که کمتر از کر بوده و انسان شک دارد به مقدار کر رسیده یا نه، حکم آب کر را ندارد.

کر بودن آب به دو راه ثابت می شود: اول: خود انسان یقین یا اطمینان پیدا کند. دوم: دو مرد عادل خبر دهند و در ثابت شدن آن به خبر ذوالید اشکال است.

### آب قلیل

آب قلیل آبی است که آب باران و چاه و جاری و کر نباشد.

اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد یا چیز نجس به آن برسد نجس می شود ولی اگر از بالا روی چیز نجس بریزد مقداری که به آن چیز می رسد نجس و هر چه بالاتر از آن است پاک می باشد و نیز اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا رود در صورتی که نجاست به بالا برسد پائین نجس نمی شود و اگر نجاست به پایین برسد بالا نجس می شود.

آب قلیلی که روی چیز نجس ریخته شود و از آن جدا گردد نجس است و همچنین بنا بر اقوی باید از آب قلیلی هم که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می ریزند و از آن جدا می شود، اجتناب کنند. ولی آبی که با آن مخرج بول و غائط را می شویند با پنج شرط پاک است: اول: آن که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد. دوم: نجاستی از خارج به آن نرسیده باشد. سوم: نجاست دیگری مثل خون، با بول یا غائط بیرون نیامده باشد. چهارم: ذره های غائط در آب پیدا نباشد. پنجم: بیشتر از مقدار معمول، نجاست به اطراف مخرج نرسیده باشد.

### آب جاری

آب جاری آبی است که دارای ماده است و جریان دارد مانند این که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد، چون آب چشمه و قنات.

آب جاری اگرچه کمتر از کر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده، پاک است.

اگر نجاستی به آب جاری برسد، مقداری از آن که بو یا رنگ یا مزه اش به واسطه نجاست تغییر کرده نجس است و طرفی که متصل به چشمه است اگرچه کمتر از کر باشد پاک است و آبهای دیگر نهر، اگر به اندازه کر باشد یا به واسطه آبی که تغییر نکرده به آب طرف چشمه متصل باشد، پاک، و گرنه نجس است.

آب چشمه ای که جاری نیست ولی به گونه ای است که اگر از آن بردارند همچنان می جوشد چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده، پاک است.

آبی که کنار نهر ایستاده و متصل به آب جاری است، اگر نجاست به آن برسد تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.

چشمه ای که مثلاً در زمستان می جوشد و در تابستان از جوشش می افتد فقط وقتی که می جوشد، اگر کمتر از کر هم باشد با ملاقات نجس، متنجس نمی شود مگر اینکه بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر کند.

آب لوله های حمام اگر متصل به کر باشد مثل آب جاری است و آب لوله های ساختمانها اگر متصل به کر باشد چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکند پاک است.

آبی که روی زمین جریان دارد ولی از زمین نمی جوشد، چنانچه کمتر از کر باشد و نجاست به آن برسد نجس می شود. اما اگر از بالا به پایین بریزد، چنانچه نجاست به پایین آن برسد بالای آن نجس نمی شود.

### آب باران

اگر به چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست یک مرتبه باران بیارد جائی که باران به آن برسد پاک می شود و در فرش و لباس و مانند اینها فشار لازم نیست ولی باریدن دو سه قطره کافی نیست بلکه باید طوری باشد که بگویند باران می آید.

اگر باران به عین نجس بیارد و به جای دیگر ترشح کند؛ چنانچه عین نجاست همراه آن نباشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک است. پس اگر باران بر خون بیارد و ترشح کند، چنانچه ذره ای خون در آن باشد، یا آن که بو یا رنگ یا مزه خون را گرفته باشد، نجس است.

اگر روی سقف ساختمان عین نجاست باشد، تا وقتی باران بر بام می بارد آبی که به چیز نجس رسیده و از سقف یا ناودان می ریزد پاک است و بعد از قطع شدن باران اگر معلوم باشد آبی که می ریزد به چیز نجس رسیده است، نجس می باشد.

زمین نجسی که باران بر آن بیارد پاک می شود و اگر باران بر زمین جاری شود و به جای نجسی که زیر سقف است برسد، آن را نیز پاک می کند. خاک نجسی که به واسطه باران گل شود و آب آن را فرا گیرد پاک می شود.

هرگاه آب باران در جایی جمع شود اگرچه کمتر از کر باشد چنانچه موقعی که باران می آید چیز نجسی را در آن بشویند و آب، بو یا رنگ یا مزه نجاست نگیرد، آن چیز نجس پاک می شود.

اگر بر فرش پاکی که روی زمین نجس است باران بیارد و بر زمین نجس جاری شود، فرش نجس نمی شود و زمین هم پاک می گردد.

اگر آب باران یا آب دیگر در گودالی جمع شود و کمتر از کر باشد چنانچه بعد از قطع شدن باران، نجاست به آن برسد، نجس می شود.

### آب چاه

آب چاهی که از زمین می جوشد، اگرچه کمتر از کر باشد چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است، ولی مستحب است پس از رسیدن بعضی از نجاستها، مقداری که در کتابهای مفصل گفته شده، از آب آن چاه بکشند.

اگر نجاستی در چاه ریخته شود و بو یا رنگ یا مزه آب آن را تغییر دهد، موقعی پاک می شود که با آبی که از چاه می جوشد مخلوط گردد و به سبب آن، تغییر آب چاه از بین برود.

### احکام آب ها

آب مضاف، چیز نجس را پاک نمی کند، وضو و غسل هم با آن باطل است.

اگر ذره ای نجاست به آب مضاف برسد نجس می شود، ولی چنانچه آب مضاف از بالا روی چیز نجس بریزد، مقداری که به چیز نجس رسیده نجس، و مقداری که بالاتر از آن است پاک می باشد. مثلاً اگر گلاب را از گلابدان روی دست نجس بریزند، آنچه به دست رسیده نجس، و آنچه به دست نرسیده پاک است، و نیز اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا برود اگر نجاست به بالا برسد، پائین آن نجس نمی شود.

اگر آب مضاف نجس، طوری با آب کر یا جاری مخلوط شود که دیگر آب مضاف به آن نگویند، پاک می شود. آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده یا نه، مثل آب مطلق است یعنی چیز نجس را پاک می کند، وضو و غسل هم با آن صحیح است، و آبی که مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یا نه مثل آب مضاف است، یعنی چیز نجس را پاک نمی کند، وضو و غسل هم با آن باطل است.

آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف، و معلوم نیست که قبلاً مطلق یا مضاف بوده، نجاست را پاک نمی کند، وضو و غسل هم با آن باطل است. ولی اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد و نجاست به آن برسد، حکم به نجس بودن آن نمی شود.



آبی که عین نجاست، مثل خون و بول به آن برسد و بو یا رنگ یا مزه آن را تغییر دهد اگرچه کر یا جاری باشد نجس می شود. ولی اگر بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاستی که بیرون آن است عوض شود، مثلاً مرداری که پهلوی آب است بوی آن را تغییر دهد، نجس نمی شود.

آبی که عین نجاست مثل خون یا بول در آن ریخته و بو یا رنگ یا مزه آن را تغییر داده، چنان که به کر یا جاری متصل شود، یا باران بر آن بیارد، یا باد، باران را در آن بریزد، یا آب باران در موقع باریدن از ناودان در آن جاری شود و تغییر آن از بین برود پاک می شود. ولی بنا بر احتیاط واجب باید آب باران یا کر یا جاری با آن مخلوط گردد.

اگر چیز نجسی که نیاز به فشار دادن ندارد را در آب کر یا جاری آب بکشند، آبی که بعد از بیرون آوردن، از آن می ریزد پاک است، ولی چیزهایی که مثل لباس و فرش بنا بر احتیاط در آب کر و یا جاری هم نیاز به خارج کردن غساله آن با فشار و مانند آن دارد، بنا بر احتیاط غساله آن نجس است.

آبی که پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه پاک است. و آبی که نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه، نجس است.

نیم خورده سگ و خوک و مشرک، نجس و خوردن آن حرام است و نیم خورده حیوانات حرام گوشت پاک و خوردن آن مکروه می باشد.

### نجاسات

نجاسات یازده چیز است: اول: بول، دوم: غائط، سوم: منی، چهارم: مُردار، پنجم: خون، ششم و هفتم: سگ و خوک، هشتم: مشرک، نهم: شراب، دهم: فَقَاع، یازدهم: عرق شتر نجاست خوار

### بول و غائط

بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد یعنی اگر رگ آن را ببرند، خون از آن جستن می کند، نجس است.

فضله پرندگان حرام گوشت، پاک است.

بول و غائط حیوان نجاستخوار، نجس است و همچنین است بول و غائط حیوانی که انسان آن را وطی کرده، یعنی با آن نزدیکی نموده، و همینطور گوسفندی که گوشت آن از خوردن شیر خوک، محکم شده است.

### منی

منی حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است.

## مردار

مردار حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است، چه خودش مرده باشد یا برخلاف دستوری که در شرع معین شده، آن را کشته باشند و ماهی چون خون جهنده ندارد، اگرچه در آب بمیرد، پاک است.

چیزهایی از مردار که مثل پشم و مو و کرک و استخوان و دندان، روح ندارد اگر از غیر حیوانی باشد که مثل سنگ نجس است، پاک می باشد.

اگر از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد و در حالی که زنده است گوشت یا چیز دیگری را که روح دارد جدا کنند، نجس است. پوستهای مختصر لب و جاهای دیگر بدن که موقع افتادنشان رسیده، اگرچه آنها را بکنند پاک است.

تخم مرغی که از شکم مرغ مرده بیرون می آید، اگرچه پوست روی آن سفت نشده باشد، پاک است. اگر بره و بزغاله بمیرند، پنیر مایه ای که در شیردان آنها می باشد پاک است، ولی ظاهر آن را باید آب کشید.

دواجات روان و عطر و روغن و واکس و صابون که از کشورهای غیر مسلمان می آورند اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد، پاک است. گوشت و پیه و چرمی که در دست مسلمان باشد، پاک است ولی اگر بدانند که آن مسلمان از کافر گرفته و رسیدگی نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه، نجس نمی باشد ولی خوردن آنها حرام است و نماز در لباسی که از آن چرم باشد، صحیح نیست.

## خون

خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می کند، نجس است، پس خون حیوانی که مانند ماهی و پشه خون جهنده ندارد، پاک می باشد.

اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که در شرع معین شده بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید، خونی که در بدنش می ماند، پاک است، ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه این که سر حیوان در جای بلندی بوده خون به بدن حیوان برگردد، آن خون نجس است.

خونی که در تخم مرغ می باشد نجس نیست و احتیاط مستحب آن است که از آن اجتناب شود. زردابه ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است، پاک می باشد.

خونی که گاهی موقع دوشیدن شیر دیده می شود نجس است و شیر را نجس می کند. خونی که از لای دندانها می آید، اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود، پاک است، و فرو بردن آب دهان در این صورت اشکال ندارد.

خونی که به واسطه کوبیده شدن زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند، پاک است، و اگر به آن خون بگویند در صورتی نجس است که ناخن یا پوست سوراخ شود، و در این صورت اگر مشقت ندارد باید برای وضو و غسل، خون را بیرون آورند و اگر مشقت دارد باید اطراف آن را به طوری که نجاست زیاد نشود، بشویند و پارچه یا چیزی مثل پارچه، بر آن بگذرانند و روی پارچه دست تر بکشند.

اگر انسان نداند که خون، زیر پوست مرده یا گوشت به واسطه کوبیده شدن به آن حالت درآمده پاک است. اگر موقع جوشیدن غذا ذره ای خون در آن بیفتد، تمام غذا و ظرف آن نجس می‌شود و جوشیدن و حرارت و آتش پاک کننده نیست.

### سگ و خوگ

سگ و خوگی که در خشکی زندگی می‌کنند حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبت های آنها، نجس است ولی سگ و خوگ دریایی پاک است.

### مشرك

مشرك یعنی افرادی که خدایی غیر از خدای یگانه را پرستند (بت پرست) یا برای خدا شریک قائل باشند و دو یا چند خدا را پرستند، نجس می‌باشند ولی کسانی که وحدت خدای سبحان را قبول دارند و یکی از پیامبران الهی را قبول داشته باشند (یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و صابئیان) پاک می‌باشند و اهل کتاب اگر به واسطه تحریف در دین خود مشرك شده باشند حکم سایر مشرکین را دارند و نجس می‌باشند و همچنین کسانی که بی دین بوده و هیچ خدایی را قبول ندارند نجس می‌باشند. ناصبی‌ها نیز که دشمن ائمه اطهار (علیهم السلام) هستند نجس می‌باشند. خوارج و نیز مسلمانانی که مشرك شده باشند و حضرت علی (علیه السلام) را خدا بدانند یا یکی از ضروریات دین را انکار کنند به نحوی که به انکار خدا و رسول خدا برگردد نجس می‌باشند.

تمام بدن مشرك، حتی مو و ناخن و رطوبت های او نجس است. اگر پدر و مادر و جدّ و جدّه بچه نابالغ مشرك باشند آن بچه هم نجس است، و اگر یکی از اینها مسلمان باشد بچه پاک است.

کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه اگر چنانچه مسلمان یا کافر بودن آن در گذشته نیز معلوم نباشد پاک است. ولی احکام دیگر مسلمانان را ندارد. مثلاً نمی‌تواند با زن مسلمان ازدواج کند یا در قبرستان مسلمانان دفن شود.

اگر مسلمانی به یکی از دوازده امام دشنام دهد، یا با آنان دشمنی داشته باشد، نجس است.

اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس) پاک می باشند. مرتدّ از لحاظ نجس و پاکی حکم گروهی را دارد که به دین آنها در آمده است بنابراین اگر مشرک شده باشد نجس و اگر به دین یهودی و نصرانی گرویده باشد محکوم به طهارت است.

### شراب

شراب و هر چیزی که انسان را مست کند، چنانچه به خودی خود روان باشد، نجس است و اگر مثل بنگ و حشیش، روان نباشد اگرچه چیزی در آن بریزند که روان شود، پاک است.

الکل سفید و طّبی که الکل خالص می باشد و مصارف طّبی دارد پاک می باشد. مگر اینکه از شراب و فقاغ گرفته شده باشد که در این صورت نجس است. همچنین مواد پاک کننده دیگر که از مشتقات الکل است و در مراکز درمانی کاربرد دارد پاک می باشد. همچنین الکل صنعتی که همان الکل سفید به اضافه مقداری مواد سمّی است و کاربرد صنعتی دارد پاک می باشد. ادکلن و مواد صنعتی دیگر نیز که مشتمل بر الکل می باشد پاک هستند.

اگر انگور و آب انگور به خودی خود یا به واسطه پختن جوش بیاید خوردنش حرام ولی نجس نیست. خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگر جوش بیایند پاک، و خوردن آنها حلال است.

### فقاغ

فقاغ که از جو گرفته می شود و به آن آب جو می گویند نجس است، ولی آبی که به دستور طبیب از جو می گیرند و به آن ماء الشعیر می گویند پاک می باشد.

### عرق شتر نجاستخوار

عرق شتر نجاستخوار، نجس است، ولی اگر حیوانات دیگر، نجاستخوار شوند از عرق آنها اجتناب لازم نیست.

### عرق جنب از حرام

عرق جنب از حرام، نجس نیست، ولی احتیاط واجب آن است که با بدن یا لباسی که به آن آلوده شده، نماز نخوانند.

اگر انسان در موقعی که نزدیکی با زن، حرام است (مثلاً در روزه ماه رمضان) با زن خود نزدیکی کند بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود در نماز اجتناب نماید. اگر جنب از حرام نتواند غسل نماید، و عوض غسل تیمم نماید بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود در نماز اجتناب نماید.

اگر کسی از حرام جنب شود و بعد با حلال خود نزدیکی کند بنا بر احتیاط واجب، باید از عرق خود در نماز اجتناب کند، ولی اگر اول با حلال خود نزدیکی کند و بعد از حرام، جنب شود، واجب نیست از عرق خود اجتناب کند.

## مُطَهَّرَات

یازده چیز، نجاست را پاک می کند و آنها را مطهرات گویند: اول: آب، دوم: زمین، سوم: آفتاب، چهارم: استحاله، پنجم: سرکه شدن انگور ششم: انتقال، هفتم: اسلام، هشتم: تبعیت، نهم: برطرف شدن عین نجاست، دهم: استبراء حیوان نجاستخوار، یازدهم: غائب شدن مسلمان. و احکام چهار مورد از مطهرات متداول تر به طور تفصیل در مسائل آینده گفته می شود.

## آب

آب کر با چهار شرط، چیز نجس را پاک می کند. اول: مطلق باشد، پس آب مضاف مانند گلاب و عرق بید، چیز نجس را پاک نمی کند. دوم: پاک باشد. سوم: وقتی چیز نجس را می شویند آب بو یا رنگ یا مزه نجاست نگیرد. چهارم: بعد از آب کشیدن چیز نجس، عین نجاست در آن نباشد و اگر آب قلیل باشد علاوه بر این چهار شرط، شرطهای دیگری هم دارد که بعداً ذکر می شود.

ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست، ولی در آب کر و جاری یک مرتبه کافی است. و ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن ظرف آب یا چیز روان دیگری خورده، باید اول با خاک پاک، خاک مال کرد، و می توان خاک را با آب مخلوط کرد به نحوی که عرفاً از خاک بودن خارج نشود آنگاه ظرف را خاک مالی نمود، و بعد دو مرتبه با آب قلیل شست، و احتیاط واجب این است که اگر با آب کر و یا جاری شسته می شود باز دو مرتبه باشد ولی با آب باران یک مرتبه کافی است و همچنین ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته بنا بر احتیاط واجب باید پیش از شستن، خاک مال کرد.

اگر دهانه ظرفی که سگ دهن زده، تنگ باشد و نشود آن را به هیچوجه خاک مال کرد در این صورت ظرف قابل پاک شدن نیست.

ظرفی را که خوک از آن چیز روانی بخورد، باید با آب قلیل هفت مرتبه شست، و بنا بر احتیاط واجب در گُر و جاری نیز هفت مرتبه باید شُست و لازم نیست آن را خاک مال کنند، اگرچه احتیاط مستحب آن است که خاک مال شود. اگر بخواهند ظرفی را که به شراب نجس شده با آب قلیل آب بکشند باید سه مرتبه بشویند، و بهتر است هفت مرتبه شسته شود.

کوزه ای که از گل نجس ساخته شده و یا آب نجس در آن فرو رفته اگر در آب کر یا جاری بگذارند به هر جای آن که آب برسد پاک می شود، و اگر بخواهند باطن آن هم پاک شود باید به قدری در آب گُر یا جاری بماند که آب به تمام آن فرو رود و فرو فرو رفتن رطوبت کافی نیست.

ظرف نجس را با آب قلیل دو جور می شود آب کشید.

اول :سه مرتبه پر کنند و خالی کنند.

دوم :سه دفعه قدری آب در آن بریزند و در هر دفعه آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند.

اگر ظرف بزرگی مثل پاتیل و خمره نجس شود چنانچه با آب قلیل سه مرتبه آن را از آب پر کنند و خالی کنند پاک می شود و همچنین است اگر سه مرتبه از بالا آب در آن بریزند به طوری که تمام اطراف آن را بگیرد و آبی که در ته آن جمع شده خارج کنند و در هر دفعه ظرفی را که با آن آنها را بیرون می آورند آب بکشند.

اگر چیز نجس را بعد از برطرف کردن عین نجاست، یک مرتبه در آب کر یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می شود. و احتیاط واجب آن است که فرش و لباس و مانند اینها را طوری فشار یا حرکت دهند که آب داخل آن خارج شود.

اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده با آب قلیل آب بکشند، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد، یک مرتبه دیگر که آب روی آن بریزند پاک می شود. ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید بعد از هر دفعه، فشار دهند تا غسله آن بیرون آید (غساله آبی است که در وقت شستن و بعد از آن از چیزی که شسته می شود خودبخود یا به وسیله فشار خارج می شود).

اگر چیزی به بول پسر شیرخواری که دو سال آن تمام نشده و غذاخور نشده و شیرخوک نخورده، نجس شود، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می شود. ولی احتیاط مستحب آن است که یک مرتبه دیگر هم آب روی آن بریزند، و در لباس و فرش و مانند اینها فشار لازم نیست.

اگر چیزی به غیر بول نجس شود؛ چنانچه بعد از برطرف کردن نجاست یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود پاک می گردد، و نیز اگر در دفعه اولی که آب روی آن می ریزند نجاست آن برطرف شود پاک می شود. ولی در هر صورت لباس و مانند آن را باید فشار دهند تا غسله آن بیرون آید.

اگر حصیر نجس را که با نخ بافته شده، در آب کر یا جاری فرو برند، بعد از برطرف شدن عین نجاست، پاک می شود.

اگر ظاهر گندم و برنج و صابون و مانند اینها نجس شود با فرو بردن در آب کر و جاری، پاک می گردد. و اگر باطن آنها نجس شود پاک نمی گردد.

اگر انسان شک کند که آب نجس به باطن صابون رسیده یا نه، باطن آن پاک است.

اگر ظاهر برنج و گوشت یا چیزی مانند اینها نجس شده باشد، چنانچه آن را در ظرفی بگذارند و سه مرتبه آب قلیل روی آن بریزند و خالی کنند پاک می شود، و ظرف آن هم پاک می گردد. ولی اگر بخواهند لباس یا چیزی را که فشار لازم دارد در ظرفی بگذارند و آب بکشند باید در هر مرتبه که آب روی آن می ریزند آن را فشار دهند و غسله آن را کاملاً بیرون بریزند.

لباس نجسی را که با نیل و مانند آن رنگ شده، اگر در آب کر یا جاری فرو برند و آب به تمام آن برسد آن لباس پاک می شود. اگر چه موقع فشار دادن، آب مضاف یا رنگین از آن بیرون آید.

اگر لباسی را در آب کر یا جاری آب بکشند و بعد مثلاً لجن آب را در آن بینند، چنانچه احتمال ندهند که آن لجن مانع رسیدن آب به لباس شده، آن لباس پاک است.

اگر بعد از آب کشیدن لباس و مانند آن خورده گل یا اشیائی دیگر در آن دیده شود چنانچه بداند مانع رسیدن آب نشده پاک است، ولی اگر آب نجس به باطن گل یا اشیاء رسیده باشد ظاهر گل و اشیاء، پاک و باطن آنها نجس است.

از هر چیز نجس تا عین نجاست را برطرف نکنند پاک نمی شود، ولی اگر بو یا رنگ نجاست در آن مانده باشد اشکال ندارد. پس اگر خون را از لباس برطرف کنند و لباس را آب بکشند و رنگ خون در آن بماند پاک می شود، اما چنانچه به واسطه بو یا رنگ یقین کنند یا احتمال دهند که ذره های نجاست در آن چیز مانده، نجس است.

اگر نجاست بدن را در آب کر یا جاری برطرف کنند بدن پاک می شود و بیرون آمدن و دوباره در آب رفتن لازم نیست.

به طور کلی برخورد با عین نجس در داخل دهان موجب نجس شدن غذا، دندان مصنوعی و مسواک و آب دهان نمی شود و با زوال عین نجاست غذا و دندان پاک است و نیاز به تطهیر ندارد.

اگر موی سر و صورت را با آب قلیل آب بکشند باید فشار دهند که غسله آن جدا شود مگر این که موی زیاد نباشد به نحوی که اطمینان باشد که بدون فشار هم بیشتر غسله خارج می شود.

اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشند، اطراف آنجا که متصل به آن است و معمولاً موقع آب کشیدن آن جا نجس می شود در صورتی که آبی که برای پاک شدن محل نجس می ریزند به آن اطراف جاری شود با پاک شدن محل نجاست پاک می شوند. و همچنین است اگر چیز پاکی را پهلوی چیز نجس بگذارند و روی هردو آب بریزند؛ مثلاً اگر برای آب کشیدن یک انگشت نجس، روی همه انگشتها آب بریزند و آب نجس به همه آنها برسد، بعد از پاک شدن انگشت نجس، تمام انگشتها پاک می شود.

گوشت و دنبه ای که نجس شده مثل چیزهای دیگر آب کشیده می شود. و همچنین است اگر بدن یا لباس، چربی کمی داشته باشد که از رسیدن آب به آنها جلوگیری نکند، با آب کشیدن پاک می شود.

اگر ظرف یا بدن نجس باشد و بعد به طوری چرب شود که از رسیدن آب به آنها جلوگیری کند، چنانچه بخواهند ظرف و بدن را آب بکشند، باید چربی را برطرف کنند تا آب به آنها برسد.

چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست، اگر زیر شیری که متصل به کر است یک دفعه بشویند پاک می شود، و نیز اگر عین نجاست در آن باشد، چنانچه عین نجاست آن، زیر شیر یا به وسیله دیگری برطرف شود و آبی که از آن چیز می ریزد بو یا رنگ یا مزه نجاست به خود نگرفته باشد، پاک می گردد. اما اگر آبی که از آن می ریزد بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد باید به قدری آب روی آن بریزند تا آبی که از آن جدا می شود، بو یا رنگ یا مزه نجاست را نداشته باشد.

اگر چیزی را آب بکشد و یقین کند پاک شده و بعد شک کند که عین نجاست را از آن برطرف کرده یا نه، اگر بداند آب به آن محل رسیده آن چیز پاک است.

اگر زمینی که نجس شده مثل شن و ماسه باشد که آب در آن فرو می رود با آب قلیل آب بکشند ظاهر آن پاک می شود ولی زیر آن نجس می شود.

زمین سنگ فرش و آجر فرش و زمین سختی که آب در آن فرو نمی رود اگر نجس شود با آب قلیل پاک می گردد، ولی باید به قدری آب روی آن بریزند که جاری شود و چنانچه آبی که روی آن ریخته اند از سوراخی بیرون رود همه زمین پاک می شود و اگر آب خودبخود تخلیه نشود چنانچه آنرا با وسیله ای مثل پارچه دستمال، یا وسیله مکنده دیگری جمع کنند و بنابر احتیاط دوباره آب قلیل روی آن بریزند و به صورت سابق جمع کنند، پاک می شود.

اگر ظاهر نمک سنگومانند آن نجس شود، با آب کمتر از کر هم پاک می شود.

اگر با شکر نجس قند درست کنند و در آب کر یا جاری بگذارند، پاک نمی شود.

#### زمین

زمین با پنج شرط، کف پا و ته کفش نجس را پاک می کند. اول: آن که زمین پاک باشد. دوم: آن که خشک باشد. سوم: آن که اگر عین نجس مثل خن و بول، یا متنجس مثل گلی که نجس شده در کف پا و ته کفش باشد به واسطه راه رفتن یا مالیدن پا به زمین برطرف شود. چهارم: زمین باید خاک یا سنگ یا آجر فرش و مانند اینها باشد و با راه رفتن روی فرش و حصیر و سبزه، کف پا و ته کفش نجس، پاک نمی شود. پنجم: به واسطه راه رفتن نجس شده باشد و اگر به غیر از راه رفتن نجس شده باشد، پاک شدن آن با راه رفتن محل اشکال است.



کف پا و ته کفش نجس، به واسطه راه رفتن روی آسفالت که با قیر پوشیده شده و روی زمینی که با چوب فرش شده پاک نمی شود.

برای پاک شدن کف پا و ته کفش نجس، بهتر است پانزده قدم یا بیشتر راه بروند، اگرچه با کمتر از پانزده قدم یا مالیدن پا به زمین، نجاست برطرف شود.

لازم نیست کف پا و ته کفش نجس تر باشد بلکه اگر خشک هم باشد با راه رفتن پاک می شود.

بعد از آن که کف پا یا ته کفش نجس، با راه رفتن پاک شد مقداری از اطراف آن هم که معمولاً به گل آلوده می شود پاک می گردد.

کسی که با دست و زانو راه می رود، اگر کف دست یا زانوی او نجس شود پاک شدن دست و زانوی او به وسیله راه رفتن محل اشکال است. و همچنین است ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چهارپایان و چرخ اتومبیل و مانند اینها.

اگر بعد از راه رفتن ذره های کوچکی از نجاست که دیده نمی شود، در کف پا یا ته کفش بماند بنا بر احتیاط واجب باید آن ذره ها را هم برطرف کرد، ولی باقی بودن بو و رنگ اشکال ندارد.

آن قسمت از کفش و کف پا که به زمین نمی رسد به واسطه راه رفتن پاک نمی شود و پاک شدن کف جوراب به واسطه راه رفتن، محل اشکال است، ولی اگر کف جوراب از پوست باشد به وسیله راه رفتن پاک می شود.

## آفتاب

آفتاب، زمین و ساختمان و چیزهایی را که مانند درب و پنجره در ساختمان به کار برده شده، و همچنین میخی را که به دیوار کوبیده اند و جزء ساختمان حساب می شود با شش شرط پاک می کند. اول: چیز نجس، تر باشد پس اگر خشک باشد باید به وسیله ای آن را تر کنند تا آفتاب آن را خشک کند. دوم: اگر عین نجاست در آن چیز باشد پیش از تابیدن آفتاب آن را برطرف کنند. سوم: چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند اینها بتابد و چیز نجس را خشک کند، آن چیز پاک نمی شود، ولی اگر ابر یا پرده به قدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند اشکال ندارد. چهارم: آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند پس اگر مثلاً چیز نجس به واسطه باد و آفتاب خشک شود پاک نمی گردد، ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده، اشکال ندارد. پنجم: آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته، یک مرتبه خشک کند، پس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشک کند، و دفعه دیگر زیر آن را خشک نماید، فقط روی آن پاک می شود و زیر آن نجس می ماند. ششم: بین روی زمین یا ساختمان که آفتاب به آن می تابد با داخل آن، هوا یا جسم پاک دیگری فاصله نباشد.

آفتاب حصیر نجس را پاک می کند و همچنین درخت و گیاه به واسطه آفتاب پاک می شود.

اگر آفتاب به زمین نجس بتابد، بعد انسان شک کند که زمین موقع تابیدن آفتاب تر بوده یا نه، یا تری آن به واسطه آفتاب خشک شده یا نه، آن زمین نجس است، و همچنین است اگر شک کند که پیش از تابش آفتاب، عین نجاست از زمین برطرف شده یا نه، یا شک کند چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه، آن زمین نجس است.

اگر آفتاب به یک طرف دیوار نجس بتابد، طرفی که آفتاب به آن نتابیده پاک نمی شود، ولی اگر دیوار به قدری نازک باشد که به واسطه تابش به یک طرف، طرف دیگرش هم خشک شود پاک می گردد.

## اسلام

اگر مشرک شهادتین بگوید، یعنی بگوید: «اشهدان لا اله الا الله واشهد ان محمداً رسول الله» مسلمان می شود و بعد از مسلمان شدن، بدن و آب دهان و بینی و عرق او پاک است. ولی اگر موقع مسلمان شدن عین نجاست در بدن او بوده، باید آن را برطرف کند و جای آن را آب بکشد و نیز اگر پیش از مسلمان شدن، عین نجاست برطرف شده باشد لازم است جای آن را آب بکشد.

اگر موقعی که مشرک بوده لباس او با رطوبت به بدنش رسیده باشد و آن لباس در موقع مسلمان شدن در بدن او نباشد نجس است، بلکه اگر در بدن او هم باشد باید از آن اجتناب کند.

اگر مشرک شهادتین بگوید و انسان نداند قلباً مسلمان شده یا نه، پاک است، ولی اگر بداند قلباً مسلمان نشده بنا بر احتیاط واجب باید از او اجتناب کرد.

## برطرف شدن عین نجاست

اگر بدن حیوان به عین نجس مثل خون، یا متنجس مثل آب نجس، آلوده شود، چنانچه آنها برطرف شود بدن آن حیوان پاک می شود. و همچنین است باطن بدن انسان مثل توی دهان و بینی. مثلاً اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در آب دهان از بین برود، آب کشیدن توی دهان لازم نیست.

اگر غذا لای دندان مانده باشد و داخل دهان خون بیاید، آن غذا پاک است و دندان مصنوعی هم همین حکم را دارد.

جایی را که انسان نمی داند از ظاهر بدن است یا باطن آن، اگر ملاقات با

نجس بکند لازم نیست آب بکشد اگرچه آب کشیدن احوط است.

اگر گرد و خاک نجس به لباس و فرش و مانند اینها بنشیند، چنانچه هردو خشک باشند نجس نمی شود، و اگر گرد و خاک یا لباس و مانند اینها تر باشد باید محل نشستن گرد و خاک را آب بکشند.

# احکام وضو

## فهرست عناوین مبمٹ وضو

✕ کلیات وضو

✕ وضوی ارتماسی

✕ شرایط وضو

✕ چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

✕ چیزهایی که وضو را باطل می کند

✕ احکام وضوی جبیره

## کلیات وضو

در وضو واجب است صورت و دستها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند. درازای صورت را باید از بالای پیشانی (جایی که موی سر بیرون می آید) تا آخر چانه شست، و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می گیرد باید شسته شود، و اگر مختصری از این مقدار را نشوید وضو باطل است و برای آن که یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده باید کمی از اطراف آن را هم بشوید.

اگر صورت یا دست کسی کوچکتر یا بزرگتر از حد معمول باشد باید ملاحظه کند که افراد معمولی تا کجای صورت خود را می شویند و او هم تا همانجا را بشوید، و اگر دست و صورتش هر دو بر خلاف معمول باشد اما با هم متناسب باشند لازم نیست ملاحظه معمول را بکند بلکه به دستوری که در مسأله پیش گفته شد وضو بگیرد، و نیز اگر در پیشانی او مو روئیده یا جلوی سرش مو ندارد باید به اندازه معمول پیشانی را بشوید.

اگر احتمال دهد چرک یا چیز دیگری در ابروها و گوشه های چشم و لب او هست که نمی گذارد آب به آنها برسد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، باید پیش از وضو بررسی کند که اگر هست برطرف نماید.

اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد باید آب را به پوست برساند، و اگر پیدا نباشد شستن مو کافی است، و رساندن آب به زیر آن لازم نیست.

اگر شك كند كه پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه، واجب است احتیاطاً هم مو را بشوید و هم آب را به پوست برساند.

شستن توی بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی شود واجب نیست، ولی برای آن که یقین کند همه جاهائی که باید شسته شود شسته شده، مقداری از آنها را هم بشوید.

باید صورت را بنا بر احتیاط واجب از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید وضو اشکال دارد و دستها را باید از مرفق به طرف سر انگشتان بشوید.

اگر دست را تر کند و به صورت و دستها بکشد، چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست، آب کمی بر آنها جاری شود کافی است.

بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید.

برای آن که یقین کند آرنج را کاملاً شسته باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.

کسی که پیش از شستن صورت، دستهای خود را تا مچ شسته، در موقع وضو باید تا سر انگشتان را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید وضوی او باطل است.

در وضو، شستن صورت و دستها، مرتبه اول واجب و مرتبه دوم جایز و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام می باشد، و اگر با یک مشت آب، تمام عضو شسته شود و به قصد وضو بریزد یک مرتبه حساب می شود چه قصد بکند یک مرتبه را، یا قصد نکند.

بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، و لازم نیست با دست راست باشد یا از بالا به پائین مسح نماید.

یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است جای مسح می باشد، و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است، اگرچه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه سه انگشت بسته، مسح نماید.

لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است. ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند روی قسمتی از پیشانی می ریزد، یا به جاهای دیگر سر می رسد، باید بیخ موها را مسح کند، یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید، و اگر موهایی را که به صورت می ریزد یا به جاهای دیگر سر می رسد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید، یا بر موی جاهای دیگر سر، که جلوی آن آمده مسح کند باطل است.

بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند.

پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است، ولی احتیاط مستحب آن است که با تمام کف دست، روی پا را مسح کند. بنا بر احتیاط واجب باید در مسح پا دست را بر سر انگشتها بگذارد و روی پا را به تدریج مسح کند و اگر همه دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد صحیح نمی باشد.

در مسح سر و روی پا باید دست را روی آنها بکشد، و اگر دست را نگهدارد و سر یا پا را بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.

جای مسح باید خشک باشد. و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند مسح باطل است. ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می شود بگویند فقط از تری کف دست است اشکال ندارد.

اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد نمی تواند دست را با آب خارج تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید.

اگر رطوبت کف دست فقط به اندازه مسح سر باشد، می تواند سر را با همان رطوبت مسح کند، و برای مسح پاها از اعضاء دیگر وضو رطوبت بگیرد.

مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است، ولی اگر به واسطه سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند اینها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد، مسح کردن بر آنها اشکال ندارد، و اگر روی کفش نجس باشد باید چیز پاکتی بر آن بیندازد و بر آن چیز مسح کند.

اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد باید تیمم نماید.

### **وضوی ارتماسی**

وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو، با مراعات شستن از بالا به پایین در آب فرو برد و یا آنها را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد و اگر موقعی که دستها را در آب فرو می برد نیت وضوء کند و تا وقتی که آنها را از آب بیرون می آورد و ریزش آب تمام می شود به قصد وضوء باشد وضوی او صحیح است.

در وضوی ارتماسی هم باید صورت و دستها از بالا به پایین شسته شود، پس اگر وقتی که صورت و دستها را در آب فرو می برد قصد وضو کند باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج در آب فرو برد و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج بیرون آورد.

اگر وضوی بعضی از اعضاء را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکالی ندارد.

### شرایط وضو

شرایط صحیح بودن وضو سیزده چیز است.

شرط اول: آب وضو پاک باشد.

شرط دوم: آب وضو مطلق باشد.

وضو با آب نجس و آب مضاف باطل است، اگرچه انسان نجس بودن یا مضاف بودن آن را نداند یا فراموش کرده باشد، و اگر با آن وضو نمازی هم خوانده باشد، باید آن نماز را دوباره با وضوی صحیح بخواند.

اگر غیر از آب گل آلود مضاف، آب دیگری برای وضو ندارد، چنانچه وقت نماز تنگ است باید تیمم کند، و اگر وقت دارد باید صبر کند تا آب صاف شود و وضو بگیرد.

شرط سوم: آب وضو مباح باشد.

وضو با آب غضبی و با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه، حرام و باطل است، ولی اگر سابقاً راضی بوده و انسان نمی داند که از رضایتش برگشته یا نه، وضو صحیح است، و نیز اگر آب وضو از صورت و دستها در جای غضبی بریزد، وضوی او صحیح است.

وضو گرفتن از حوض مدرسه ای که انسان نمی داند آن حوض را برای همه مردم وقف کرده اند یا برای محصلین همان مدرسه، در صورتی که معمولاً مردم از آب آن وضو بگیرند و وضوء گرفتن مردم کاشف از اجازه عمومی باشد، اشکال ندارد.

کسی که نمی خواهد در مسجدی نماز بخواند اگر نداند که حوض آن را برای همه مردم وقف کرده اند یا برای کسانی که در آن جا نماز می خوانند، نمی تواند از حوض آن وضو بگیرد، ولی اگر معمولاً کسانی هم که نمی خواهند در آن جا نماز بخوانند از حوض آن وضو می گیرند و وضو گرفتن مردم کاشف از اجازه عمومی باشد، می تواند از حوض آن وضو بگیرد.

وضو گرفتن از حوض تیمچه ها و مسافرخانه ها و مانند اینها برای کسانی که ساکن آن جاها نیستند در صورتی صحیح است که معمولاً کسانی هم که ساکن آن جاها نیستند با آب آنها وضو بگیرند و وضو گرفتن مردم کاشف از اجازه عمومی باشد.

وضو گرفتن در نه‌های بزرگ اگرچه انسان نداند که صاحب آنها راضی است اشکال ندارد، ولی اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند احتیاط واجب آن است که با آب آنها وضو نگیرند.

اگر نداند یا فراموش کند آب غصبی است، و با آن وضو بگیرد، وضو صحیح است.

شرط چهارم: ظرف آب وضو مباح باشد.

شرط پنجم: ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.

اگر آب وضو در ظرف غصبی است و غیر از آن، آب دیگری ندارد باید تیمم کند و چنانچه با آن آب وضو بگیرد باطل است. و اگر آب مباح دیگری دارد چنانچه در آن ظرف غصبی، وضوی ارتماسی بگیرد و یا با آن ظرف، آب به صورت و دستها بریزد وضویش باطل است، ولی اگر با کف دست، آب را از آن ظرف بردارد و به صورت و دستها بریزد وضویش صحیح است. اگرچه از جهت تصرف در ظرف غصبی، فعل حرام مرتکب شده است، و وضوی او از ظرف طلا و نقره، به احتیاط واجب مثل وضوی از ظرف غصبی است.

اگر در حوضی که مثلاً یک آجر یا یک سنگ آن غصبی است وضو بگیرد صحیح است.

اگر در صحن یکی از امامان یا امامزادگان که سابقاً قبرستان بوده حوض یا نه‌ری بسازند، چنانچه انسان نداند که زمین صحن را برای قبرستان وقف کرده اند وضو گرفتن در آن حوض و نه‌ اشکال ندارد.

شرط ششم: اعضای وضو موقع شستن و مسح کردن، پاک باشد.

اگر پیش از تمام شدن وضو جایی را که شسته و مسح کرده نجس شود، وضو صحیح است.

اگر غیر از اعضای وضو جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است. ولی اگر مخرج را از بول یا غائط تطهیر نکرده باشد بهتر آن است که اول آن را تطهیر کند، و بعد وضو بگیرد.

اگر یکی از اعضای وضو نجس باشد و بعد از وضو شک کند که پیش از وضو آن جا را آب کشیده یا نه، چنانچه در موقع وضو ملتفت پاک بودن و نجس بودن آن جا نبوده وضو باطل است، و اگر می‌داند ملتفت بوده، یا شک دارد که ملتفت بوده یا نه، وضو صحیح است. و در هر صورت جایی را که نجس بوده باید آب بکشد.



اگر در صورت یا دستها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید در آب کر یا جاری فرو برد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید، بعد به دستوری که گفته شد وضوی ارتماسی بگیرد.

شرط هفتم: وقت برای نماز و وضو کافی باشد.

هرگاه وقت به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند، ولی اگر برای وضو و تیمم یک اندازه وقت لازم است باید وضو بگیرد.

کسی که در تنگی وقت نماز باید تیمم کند، اگر وضو بگیرد وضو صحیح است چه برای آن نماز وضو بگیرد یا برای کار دیگر.

شرط هشتم: به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد، و اگر برای خنک شدن یا به قصد دیگری وضو بگیرد باطل است.

لازم نیست نیت وضو را به زبان بگوید یا از قلب خود بگذراند ولی باید در تمام وضو متوجه باشد که وضو می گیرد. به طوری که اگر از او پرسند چه می کنی بگوید وضو می گیرم.

شرط نهم: وضو را به ترتیبی که گفته شد بجا آورد، یعنی اول صورت و بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح نماید، و بنابر احتیاط واجب باید پای راست را پیش از پای چپ مسح کند، و اگر به این ترتیب وضو نگیرد باطل است.

شرط دهم: کارهای وضو را پشت سرهم انجام دهد.

اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد، وضو باطل است. و اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد مثلاً موقعی که می خواهد دست چپ را بشوید رطوبت دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد، بهتر آن است که دوباره وضو را از سر بگیرد.

اگر کارهای وضو را پشت سرهم بجا آورد ولی به واسطه گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و مانند اینها رطوبت خشک شود وضوی او صحیح است.

راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد، بنابراین اگر بعد از شستن صورت و دستها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.

شرط یازدهم: شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها را خود انسان انجام دهد، و اگر دیگری او را وضو دهد، و یا کمک کند، وضو باطل است.

کسی که نمی تواند وضو بگیرد باید کسی را به کمک بگیرد تا او را وضو دهد و چنانچه مزد هم بخواهد، در صورتی که بتواند باید بدهد، ولی باید بنابر احتیاط واجب خود او و نائب هر دو نیت وضو کنند و با دست خود مسح نماید و اگر نمی تواند باید نایش دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد، و اگر این هم ممکن نیست باید از دست او رطوبت بگیرند و با آن رطوبت، سر و پای او را مسح کنند. و به احتیاط مستحب در صورت امکان علاوه بر وضو تیمم هم بکنند.

هر کدام از کارهای وضو را که می تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن کمک بگیرد.

شرط دوازدهم: استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.

کسی که می ترسد که اگر وضو بگیرد، مریض شود یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند چنانچه وضو بگیرد وضویش بنابر احتیاط واجب باطل است ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است، اگرچه احتیاط مستحب آن است که با آن وضو نماز نخواند و تیمم کند و چنانچه با آن وضو نماز خوانده احتیاط مستحب آن است که دوباره آن را اعاده نماید.

اگر رساندن آب به صورت و دستها به مقدار کمی که وضو با آن صحیح است ضرر ندارد و بیشتر از آن ضرر دارد، باید با همان مقدار وضو بگیرد.

شرط سیزدهم: در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد.

اگر می داند چیزی به اعضاء وضو چسبیده ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را به زیر آن برساند.

اگر زیر ناخن چرک باشد، وضو اشکال ندارد، ولی اگر ناخن را بگیرند باید برای وضو آن چرک را برطرف کنند، و نیز اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد و چرک زیر آن جزء ظاهر به حساب آید باید چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است برطرف نمایند.

اگر در صورت و دستها و جلوی سر و روی پاها به واسطه سوختن یا چیز دیگر برآمدگی پیدا شود، شستن و مسح روی آن کافی است. و چنانچه سوراخ شود رساندن آب به زیر پوست لازم نیست، بلکه اگر پوست یک قسمت آن کنده شود، لازم نیست آب را به زیر قسمتی که کنده نشده برساند ولی چنانچه پوستی که کنده شده گاهی به بدن می چسبد و گاهی بلند می شود باید آن را قطع کند یا آب را به زیر آن و هم روی آن برساند.

اگر انسان شك كند كه به اعضاى وضوى او چيزى چسبيده يا نه ؛ چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، مثل آن كه بعد از گل كارى شك كند گل به دست او چسبيده يا نه، بايد بررسى كند يا به قدرى دست بمالد تا اطمينان پيدا كند كه اگر بوده برطرف شده يا آب به زير آن رسيده است.

جايى را كه بايد شست و مسح كرد هر قدر چرك باشد اگر چرك آن مانع از رسيدن آب به بدن نباشد اشكال ندارد. و همچنين است اگر بعد از گچ كارى و مانند آن چيز سفيدى كه جلوگيرى از رسيدن آب به پوست نمى نمايد بر دست بماند، ولى اگر شك كند كه با بودن آنها آب به بدن مى رسد يا نه، بايد آنها را برطرف كند.

اگر پيش از وضو بدانند كه در بعضى از اعضاى وضو مانعى از رسيدن آب هست و بعد از وضو شك كند كه در موقع وضو آب را به آن جا رسانده يا نه چنانچه احتمال بدهد هنگام وضو ملتفت بوده، وضوى او صحيح است.

اگر در بعضى از اعضاى وضو مانعى باشد كه گاهى آب بخودى خود زير آن مى رسد و گاهى نمى رسد و انسان بعد از وضو شك كند كه آب زير آن رسيده يا نه، چنانچه بدانند موقع وضو ملتفت رسيدن آب به زير آن نبوده بايد دوباره وضو بگيرد.

اگر بعد از وضو چيزى را كه مانع از رسيدن آب است در اعضاى وضو ببيند و نداند موقع وضو بوده يا بعد پيدا شده، وضوى او صحيح است، ولى اگر بدانند كه در وقت وضو ملتفت آن مانع نبوده، بايد دوباره وضو بگيرد.

اگر بعد از وضو شك كند چيزى كه مانع رسيدن آب است در اعضاى وضو بوده يا نه، و احتمال او از نظر عقلايى به جا باشد در صورتى كه احتمال التفات در حال وضو بدهد وضو پيش صحيح است.

### چيزهائى كه بايد براى آنها وضو گرفت

براى شش چيز وضو گرفتن لازم است:

۱. براى نمازهاى واجب غير از نماز ميت.
۲. براى سجده و تشهد فراموش شده، اگر بين آنها و نماز، حدثى از او سرزده مثلاً بول كرده باشد.
۳. براى طواف واجب خانه كعبه.
۴. اگر نذر يا عهد كرده يا قسم خورده باشد كه وضو بگيرد.
۵. اگر نذر كرده باشد كه جائى از بدن خود را به خط قرآن برساند.
۶. براى آب كشيدن قرآنى كه نجس شده يا بيرون آوردن آن از مستراح و مانند آن، در صورتى كه مجبور باشد دست يا جاي ديگر بدن خود را به خط قرآن برساند، ولى چنانچه معطل شدن به مقدار وضو، بى احترامى به قرآن باشد بايد بدون اين كه وضو بگيرد، قرآن را از مستراح و مانند آن بيرون آورد يا اگر نجس شده آب بكشد و تا ممكن است از دست گذاشتن به خط قرآن خوددارى كند.

مس نمودن خط قرآن، یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد، حرام است. ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند مس آن اشکال ندارد.

جلوگیری بچه و دیوانه از مس خط قرآن واجب نیست، ولی اگر مس نمودن آنان بی احترامی به قرآن باشد، باید جلوگیری کنند.

کسی که وضو ندارد، خوب است اسم خداوند متعال را به هر زبانی که نوشته شده باشد مس ننماید.

اگر پیش از وقت نماز به قصد این که با طهارت باشد وضو بگیرد یا غسل کند صحیح است و نیز اگر به قصد قربت وضو بگیرد کافیت.

مستحب است انسان برای نماز میت و زیارت اهل قبور و رفتن به مسجد و حرم امامان (علیهم السلام) وضو بگیرد، و همچنین برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن و نیز برای مس حاشیه قرآن و برای خوابیدن، وضو گرفتن مستحب است. و نیز مستحب است کسی که وضو دارد دوباره وضو بگیرد، و اگر برای یکی از این کارها وضو بگیرد هر کاری را که باید با وضو انجام داد می تواند به جا آورد مثلاً می تواند با آن وضو نماز بخواند.

### چیزهایی که وضو را باطل می کند

هفت چیز وضو را باطل می کند:

۱. بول.
۲. غائط.
۳. باد معده و روده که از مخرج غائط خارج شود.
۴. خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود، ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی شود.
۵. چیزهایی که عقل را از بین می برد، مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی.
۶. استحاضه زنان، که بعداً گفته می شود.
۷. کاری که برای آن باید غسل کرد مانند جنابت و ثبوت این حکم در مثل مس میت مبنی بر احتیاط است.

### احکام وضوی جبیره

چیزی که با آن زخم و جای شکسته را می بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می گذارند جبیره نامیده می شود. اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید به طور معمول وضو گرفت.

اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت و دستها است و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، باید اطراف آن را بشوید و چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، احتیاط آن است که دست تر بر آن بکشد و اگر ضرر دارد بنا بر احتیاط واجب پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر را روی پارچه بکشد و اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی شود آب کشید، باید اطراف زخم را به طوری که در وضو گفته شد، از بالا به پایین بشوید و بنا بر احتیاط واجب در فرض اخیر تیمم هم بنماید.

اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها است و روی آن باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، مسح لازم نیست ولی باید بعد از وضو تیمم هم بکند.

اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد، چنانچه باز کردن آن ممکن است و زحمت و مشقت هم ندارد و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید روی آن را باز کند و وضو بگیرد، چه زخم و مانند آن در صورت و دستها باشد، یا جلوی سر و روی پاها.

اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دستها باشد و بشود روی آن را باز کرد، چنانچه ریختن آب، روی آن ضرر دارد و کشیدن دست تر ضرر ندارد، واجب است دست تر روی آن بکشد.

اگر نمی شود روی زخم را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته پاک است و رساندن آب به زخم ممکن است و ضرر و زحمت و مشقت ندارد باید آب را به روی زخم برساند، و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته نجس است، چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به روی زخم بدون زحمت و مشقت ممکن باشد، باید آن را آب بکشد و موقع وضو آب را به زخم برساند، و در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد، یا آن که رساندن آب به روی زخم ممکن نباشد یا زخم نجس است و نمی تواند آن را آب بکشد، زخم را به طوری که در وضو گفته شد بشوید و اگر جیره پاک است روی آن مسح کند و اگر جیره نجس است یا نمی شود روی آن را دست تر کشید مثلاً دوابی است که به دست چسبیده، پارچه پاکی را به طوری که جزء جیره حساب شود روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد و اگر این هم ممکن نیست احتیاط واجب آن است که وضو بگیرد و تیمم هم بکند.

اگر جیره، تمام صورت یا تمام یکی از دستها را فرا گرفته باشد باز احکام جیره جاری، و وضوی جیره ای کافی است، ولی اگر بیشتر اعضای وضو را گرفته باشد، احکام جیره جاری نمی باشد و باید تیمم نماید.

کسی که در کف دست و انگشتها جیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است، می تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند و می تواند با سایر جاهای ذراع مسح نماید.

اگر جیره تمام پهنای روی پا را گرفته ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید جاهایی که باز است روی پا را، و جایی که جیره است روی جیره را مسح کند.

اگر در صورت یا دستها چند جیره باشد، باید بین آنها را بشوید و اگر جیره ها در سر یا روی پاها باشد، اگر به اندازه مسح واجب باز باشد همان جا را مسح می کند و گرنه باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جیره است باید به دستور جیره عمل نماید.

اگر جیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست، باید به دستور جیره عمل کند، و بنابر احتیاط تیمم هم بنماید، و اگر برداشتن جیره ممکن است باید جیره را بردارد. و اگر زخم در صورت و دستها است اطراف آن را بشوید و اگر در سر یا روی پاها است اطراف آن را مسح کند و برای جای زخم به دستوری که در زخم گفته شد عمل نماید.

اگر در جای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست، ولی به جهت دیگری آب برای همه دست و صورت ضرر دارد، باید تیمم کند و بنابر احتیاط واجب اگر برای مقداری از دست و صورت ضرر دارد باید اطراف آن را بشوید و تیمم هم بنماید.

اگر جایی از اعضای وضو را رگ زده است و نمی تواند آن را آب بکشد یا آب برای آن ضرر دارد اگر روی آن بسته است، باید به دستور جیره عمل کند، و اگر باز است بعد از شستن اطراف آن بنابر احتیاط واجب پارچه ای روی آن قرار داده و دست تر بر روی آن بکشد.

اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست، یا به قدری مشقت دارد که نمی شود تحمل کرد، باید به دستور جیره عمل کند.

غسل جیره ای مثل وضوی جیره ای است، ولی بنابر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی به جا آورند نه ارتماسی.

کسی که وظیفه او تیمم است، اگر در بعضی از جاهای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد باید به دستور وضوی جیره ای، تیمم جیره ای نماید.

کسی که باید با وضو یا غسل جیره ای نماز بخواند، چنانچه بداند که تا آخر وقت عذر او برطرف نمی شود، می تواند در اول وقت نماز بخواند، ولی اگر امید دارد که تا آخر وقت عذر او برطرف شود احتیاط واجب آن است که صبر کند و اگر عذر او برطرف نشد در آخر وقت نماز را با وضو یا غسل جیره ای به جا آورد.

کسی که نمی داند باید تیمم کند یا وضوی جیره ای بگیرد، بنابر احتیاط واجب باید هر دو را به جا آورد.

نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره ای خوانده صحیح است و بعد از آن که عذرش برطرف شد، برای نمازهای بعد هم لازم نیست وضو بگیرد، ولی اگر برای آن که نمی دانسته تکلیفش جبیره است یا تیمم، هردو را انجام داده باشد باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

# احکام غسل

## فهرست عناوین مبمٹ غسل

### ☒ نمونه انجام غسل

### ☒ انواع غسلهای واجب

#### شیوه انجام غسل

غسل را چه واجب باشد و چه مستحب، به دو قسم می شود انجام داد: ترتیبی و ارتماسی.

#### غسل ترتیبی

در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست بعد طرف چپ بدن را بشوید. و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مسأله به این ترتیب عمل نکند غسل او باطل است.

نصف ناف و نصف عورت را باید با طرف راست بدن و نصف دیگر را باید با طرف چپ بشوید، بلکه بهتر است تمام ناف و عورت با هر دو طرف شسته شود.

برای آن که یقین کند هر سه قسمت، یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را کاملاً غسل داده، باید هر قسمتی را که می شوی مقدار از قسمتهای دیگر را هم با آن قسمت بشوید. بلکه احتیاط مستحب آن است که تمام طرف راست گردن را با طرف راست بدن و تمام طرف چپ گردن را با طرف چپ بدن بشوید.

اگر بعد از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته و نداند کجای بدن است باید دوباره غسل کند.

اگر بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته، چنانچه از طرف چپ باشد، شستن همان مقدار کافی است. و اگر از طرف راست باشد باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف چپ را بشوید. و اگر از سر و گردن باشد باید بعد از شستن آن مقدار دوباره طرف راست و بعد طرف چپ را بشوید.

اگر پیش از تمام شدن غسل، در شستن مقداری از طرف چپ شک کند، شستن همان مقدار کافی است، ولی اگر بعد از اشتغال به شستن طرف چپ در شستن شستن طرف راست یا مقداری از آن شک کند یا بعد از اشتغال به شستن طرف راست در شستن سر و گردن یا مقداری از آن شک نماید لازم نیست به شکش اعتنا کند.

#### غسل ارتماسی



در غسل ارتماسی باید آب در یک آن، تمام بدن را بگیرد، پس اگر به نیت غسل ارتماسی یکباره یا به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب رود غسل او صحیح است.

در غسل ارتماسی اگر همه بدن زیر آب باشد و بعد از نیت غسل، بدن را حرکت دهد غسل او صحیح است. ولی احتیاط مستحب این است که بیشتر بدن خارج از آب باشد و پس از نیت زیر آب رود.

اگر بعد از غسل ارتماسی بفهمد به مقداری از بدن آب نرسیده چه جای آن را بداند یا نداند، باید دوباره غسل کند.

اگر برای غسل ترتیبی وقت ندارد و برای ارتماسی وقت دارد، باید غسل ارتماسی کند.

کسی که روزه واجب گرفته یا برای حج یا عمره احرام بسته، نمی تواند غسل ارتماسی کند ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند صحیح است.

### احکام غسل کردن

در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست. و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد کافی است.

عرق جنب از حرام نجس نیست و کسی که از حرام جنب شده اگر با آب گرم هم غسل کند صحیح است.

اگر در غسل به اندازه سر مویی از بدن نشسته بماند، غسل باطل است، ولی شستن جاهایی از بدن که دیده نمی شود، مثل توی گوش و بینی، واجب نیست.

جایی را که شک دارد از ظاهر بدن است یا از باطن آن بنا بر احتیاط واجب لازم است بشوید مگر این که سابقاً باطن بوده و خارجاً شک شود که آیا ظاهر شده یا نه که در این صورت شستن آن لازم نیست.

اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن به قدری گشاد باشد که داخل آن دیده شود و جزء ظاهر بدن به حساب آید، باید آن را شست و اگر دیده نشود و جزء ظاهر بدن محسوب نشود، شستن داخل آن لازم نیست.

چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است باید برطرف کند و اگر پیش از آن که یقین کند برطرف شده غسل نماید، غسل او مجزی نیست.

اگر موقع غسل شک کند چیزی که مانع از رسیدن آب باشد در بدن او هست یا نه، چنانچه شکش منشأ عقلایی داشته باشد، باید واریسی کند تا مطمئن شود که مانعی نیست.

در غسل باید موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می شود، بشوید و بنابر احتیاط شستن موهای بلند هم لازم می باشد.

تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن، در صحیح بودن غسل هم شرط است ولی در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید. و نیز در غسل ترتیبی، لازم نیست بعد از شستن هر قسمت فوراً قسمت دیگر را بشوید بلکه اگر بعد از شستن سر و گردن مقداری صبر کند و بعد طرف راست را بشوید و بعد از مدتی طرف چپ را بشوید اشکال ندارد. مگر زن مستحاضه که حکم آن بعداً گفته می شود.

کسی که قصد دارد پول حمامی را ندهد یا بدون این که بداند حمامی راضی است بخواهد نسیه بگذارد، اگر چه بعد حمامی را راضی کند، غسل او باطل است.

اگر بخواهد پول حرام یا پولی که خمس آن را نداده به حمامی بدهد، غسل او باطل است.

اگر حمامی راضی باشد که پول حمام نسیه بماند ولی کسی که غسل می کند قصدش این باشد که طلب او ندهد یا از مال حرام بدهد غسل او باطل است.

اگر مخرج غائط را در آب خزینه تطهیر کند و پیش از غسل شک کند که چون در خزینه تطهیر کرده حمامی به غسل کردن او راضی است یا نه، غسل او باطل است، مگر این که پیش از غسل حمامی را راضی کند.

اگر شک کند که غسل کرده یا نه، باید غسل کند ولی اگر بعد از غسل شک کند، که غسل او درست بوده یا نه، لازم نیست دوباره غسل نماید.

اگر در بین غسل حدث اصغر از او سر بزند، مثلاً بول کند، می تواند غسل را تمام نماید و بعد وضو بگیرد. و بهتر آن است که غسل را احتیاطاً به قصد آنچه بر ذمه او است از اتمام یا اعاده از سر بگیرد و لکن وضوی بعد از غسل در این صورت هم واجب است.

هر گاه به خیال اینکه به اندازه غسل و نماز وقت دارد برای نماز غسل کند، اگر چه بعد از غسل بفهمد که به اندازه غسل وقت نداشته غسل او صحیح است.

کسی که جنب شده اگر شک کند غسل کرده یا نه نمازهایی را که خوانده صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید غسل کند.

کسی که چند غسل بر او واجب است می تواند به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد، یا آنها را جدا جدا انجام دهد.

اگر روی بدن شخصی آیه قرآن یا اسم خداوند نوشته شده باشد قبل از جنب شدن باید آن را پاک کند و الا بعد از جنب شدن واجب است فوراً غسل کند و باید مراقب باشد که هنگام غسل کردن دست روی آن نکشد و فقط آب روی آن جاری کند. اما اگر خالکوبی زیر پوست باشد، اشکال ندارد و لازم نیست بلافاصله غسل کند.

کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد. اما با غسلهای واجب دیگر نمی تواند بدون وضو نماز بخواند بلکه باید وضو هم بگیرد.

## انواع غسلهای واجب

غسلهای واجب هفت قسم است

۱. غسل جنابت
۲. غسل حیض
۳. غسل نفاس
۴. غسل استحاضه
۵. غسل مس میت
۶. غسل میت
۷. غسلی که به واسطه نذر و قسم و مانند اینها واجب می شود.

## غسل جنابت

غسل جنابت به خودی خود مستحب است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن لازم می شود. ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست.

لازم نیست در وقت غسل نیت کند که: غسل واجب یا مستحب می کنم، و اگر فقط به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم غسل کند کافی است.

## احکام جنابت

به دو چیز انسان جنب می شود:

۱. جماع.
۲. بیرون آمدن منی، چه در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد با شهوت باشد یا بی شهوت، با اختیار باشد یا بی اختیار.

اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن، بدن سست شده، آن رطوبت حکم منی را دارد، و اگر هیچ یک از این سه نشانه یا بعضی از اینها را نداشته باشد، حکم منی را ندارد. ولی در زن و مریض لازم نیست آن آب با جستن بیرون آمده باشد، بلکه اگر با شهوت بیرون آمده باشد در حکم منی است و لازم نیست بدن او سست شود.

مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند، و اگر بول نکند و بعد از غسل، رطوبتی از او بیرون آید که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی را دارد.

اگر انسان جماع کند و به اندازه ختنه گاه یا بیشتر داخل شود، در زن باشد یا در مرد، در قُبُل باشد یا در دُبُر، بالغ باشند یا نابالغ اگرچه منی هم بیرون نیاید هر دو جنب می شود.

اگر شک کند که به مقدار ختنه گاه وارد شده یا نه، غسل بر او واجب نیست.

اگر نعوذ بالله حیوانی را وطی کند یعنی با او نزدیکی نماید و منی از او بیرون آید غسل تنها کافی است، و اگر منی بیرون نیاید چنانچه پیش از وطی، وضو داشته باز هم غسل تنها کافی است، و اگر وضو نداشته باشد احتیاط واجب آن است که غسل کند و وضو هم بگیرد.

اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید، یا انسان شک کند که منی از او بیرون آمده یا نه، غسل بر او واجب نیست.

کسی که نمی تواند غسل کند ولی تیمم برایش ممکن است، بعد از داخل شدن وقت نماز بدون جهت با عیال خود نزدیکی کند اشکال دارد ولی اگر برای لذت بردن یا خوف بر نفس باشد اشکال ندارد.

اگر در لباس خود منی ببیند و بداند که از خود او است و برای آن غسل نکرده، باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد بعد از بیرون آمدن منی خوانده قضا کند، ولی نمازهایی را که احتمال می دهد بعد از بیرون آمدن منی خوانده لازم نیست قضا نماید.

چیزهایی که بر جنب حرام است

پنج چیز بر جنب حرام است:

۱. رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا، و اسامی مبارکه پیامبران و امامان (علیهم السلام)، که بنا بر احتیاط واجب حکم اسم خدا را دارد.
۲. رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، اگرچه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.

۳. توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقف نکند، اگر چه اولی آن است که حکم مسجد الحرام و مسجد پیامبر (صلی الله علیه وآله) را در حرم امامان (علیه السلام) رعایت نماید.

۴. گذاشتن چیزی در مسجد.

۵. خواندن سوره ای که سجده واجب دارد و آن چهار سوره است:

۱. سوره سی و دوم قرآن (الم تنزیل)

۲. سوره چهل و یکم (حم سجده)

۳. سوره پنجاه و سوم (والنجم)

۴. سوره نود و ششم (اقراء)

و اگر یک حرف از این چهار سوره را هم بخواند حرام است.

چیزهایی که بر جنب مکروه است

نه چیز بر جنب مکروه است:

اول و دوم: خوردن و آشامیدن، ولی اگر وضو بگیرد مکروه نیست.

سوم: واندن بیشتر از هفت آیه از سوره هایی که سجده واجب ندارد.

چهارم: رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خطهای قرآن.

پنجم: همراه داشتن قرآن.

ششم: خوابیدن، ولی اگر وضو بگیرد یا به واسطه نداشتن آب، تیمم بدل از غسل کند، مکروه نیست.

هفتم: خضاب کردن به حنا و مانند آن.

هشتم: مالیدن روغن به بدن.

نهم: جماع کردن، بعد از آن که محتمل شده، یعنی در خواب منی از او بیرون آمده است.

## غسل حیض

حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنها خارج می شود و زن را در موقع دیدن خون حیض، حائض می گویند. خون حیض در بیشتر اوقات، غلیظ و گرم و رنگ آن سرخ مایل به سیاهی یا سرخ تیره است و با فشار و کمی سوزش بیرون می آید. زنهای سیده بعد از تمام شدن شصت سال قمری یائسه می شوند یعنی خون حیض نمی بینند و زنهایی که سیده نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری یائسه می شوند.

خونی که دختر پیش از تمام شدن نه سال قمری و زن بعد از یائسه شدن می بیند حیض نیست.

چند چیز بر حائض حرام است:

اول: عبادتهایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، ولی بجا آوردن عبادتهایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست، مانند نماز میت، مانعی ندارد.

دوم: تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد.

سوم: جماع کردن در فرج، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن، اگرچه به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید بلکه احتیاط واجب آن است که مقدار کمتر از ختنه گاه را هم داخل نکند و وطی کردن در دُبر زن حائض، اگر راضی باشد، کراهت شدید دارد.

جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد حرام است. پس زنی که بیشتر از ده روز خون می بیند و باید به دستوری که بعداً گفته می شود روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، شوهرش نمی تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید.

اگر با همسر حائض خود جماع در قبل کند، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد و مقدار آن به ترتیب زیر می باشد:

شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد اگر در قسمت اول آن، جماع کند، هیجده نخود طلا کفاره به فقیر بدهد و اگر در قسمت دوم جماع کند، نه نخود طلا و اگر در قسمت سوم جماع کند، چهار نخود و نیم بدهد. مثلاً زنی که شش روز خون حیض می بیند، اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم با او جماع کند هیجده نخود طلا بدهد و در شب یا روز سوم و چهارم نه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم چهار نخود و نیم بدهد.

وطی در دُبر زن حائض، کفاره ندارد.

اگر قیمت طلا در وقتی که جماع کرده با وقتی که می خواهد به فقیر بدهد فرق کرده باشد، باید قیمت وقتی را که می خواهد به فقیر بدهد حساب کنید.

اگر کسی هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوم حیض، با زن خود جماع کند، باید هر سه کفاره را که روی هم سی و یک نخود و نیم می شود بدهد.

اگر انسان بعد از آن که در حال حیض جماع کرده و کفاره آن را داده دوباره جماع کند باز هم باید کفاره بدهد.

اگر با زن حائض چند مرتبه جماع کند و در بین آنها کفاره ندهد احتیاط واجب آن است که برای هر جماع یک کفاره بدهد.

اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود و اگر جدا نشود بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

اگر مرد با زن حائض زنا کند یا با زن حائض نامحرمی به گمان این که عیال خود او است جماع نماید، احتیاط واجب آن است که کفاره بدهد.

کسی که نمی تواند کفاره بدهد بنا بر احتیاط باید به اندازه سیرشدن یک فقیر گرسنه: صدقه بدهد و اگر نمی تواند استغفار کند.

طلاق دادن زن در حال حیض، به طوری که در کتاب طلاق گفته می شود باطل است.

اگر زن بگوید: حائضم یا از حیض پاک شده ام، باید حرف او را قبول کرد.

اگر زن در بین نماز حائض شود، نماز او باطل است.

اگر زن در بین نماز شک کند که حائض شده یا نه، به شک خود اعتنا نکند و نماز را ادامه دهد ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده نمازی که خوانده باطل است.

بعد از آن که زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادت‌های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، غسل کند. و دستور آن مثل غسل جنابت است ولی غسل حیض کفایت از وضو نمی کند، و برای نماز پیش از غسل یا بعد از آن باید وضو هم بگیرد و اگر پیش از غسل وضو بگیرد افضل است.

بعد از آن که زن از خون حیض، پاک شد، اگر چه غسل نکرده باشد، طلاق او صحیح است، و شوهرش هم می تواند با او جماع کند، ولی احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل از جماع با او خودداری نماید. اما کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده مانند توقف در مسجد و مس خط قرآن، تا غسل نکند بر او حلال نمی شود.

اگر آب برای غسل کافی نباشد ولی به اندازه ای باشد که بتواند وضو بگیرد، باید وضو بگیرد و عوض غسل تیمم نماید، و اگر به اندازه هیچ یک از آنها آب ندارد، باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو.

نمازهای یومیه ای که زن در حال حیض نخوانده قضا ندارد. ولی روزه های واجب را باید قضا نماید.

هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می شود باید فوراً نماز بخواند.

اگر زن نماز را تأخیر بیندازد و از اول وقت به اندازه انجام واجبات یک نماز بگذرد و حائض شود، قضای آن نماز بر او واجب است، ولی در تند خواندن و کند خواندن و چیزهای دیگر باید ملاحظه حال خود را بکند؛ مثلاً زنی که مسافر نیست اگر اول ظهر نماز نخواند، قضای آن در صورتی واجب می شود که به مقدار خواندن چهار رکعت نماز به دستوری که گفته شد از اول ظهر بگذرد و حائض شود، و برای زنی که مسافر است گذشتن وقت به مقدار خواندن دو رکعت کافی است و نیز باید ملاحظه تهیه شرایطی را که دارا نیست بنماید. پس اگر به مقدار فراهم آوردن آن مقدمات و خواندن یک نماز بگذرد و حائض شود قضا واجب است و گرنه واجب نیست.

اگر زن در آخر وقت نماز از خون پاک شود و به اندازه غسل و مقدمات دیگر نماز مانند تهیه کردن لباس یا آب کشیدن آن و خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر از یک رکعت وقت داشته باشد، باید نماز را بخواند و اگر نخواند باید قضای آن را بجا آورد.

اگر زن حائض به اندازه غسل وقت ندارد ولی می تواند با تیمم نماز را در وقت بخواند آن نماز بر او واجب نیست، اما اگر گذشته از تنگی وقت تکلیفش تیمم است مثل آن که آب برایش ضرر دارد، باید تیمم کند و آن نماز را بخواند و اگر نخواند واجب است قضای آن را بجا آورد.

اگر زن حائض بعد از پاک شدن شک کند که برای نماز وقت دارد یا نه، باید نمازش را بخواند.

اگر به خیال این که به اندازه تهیه مقدمات نماز و خواندن یک رکعت وقت ندارد نماز نخواند و بعد بفهمد وقت داشته، باید قضای آن نماز را بجا آورد.

مستحب است زن حائض در وقت نماز، خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد تیمم نماید و در جای نماز رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود.

خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه و مابین خطهای قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن برای حائض مکروه است.



## غسل نفاس

غسل نفاس مربوط به ولادت فرزند است و در زمان دیگری دیده نمی شود که زن پس از خونریزی زایمان باید آنرا انجام دهد.

## غسل استحاضه

یکی از خونهایی که از زن خارج می شود خون استحاضه است و زن را در موقع دیدن خون استحاضه، مستحاضه می گویند. خون استحاضه در بیشتر اوقات زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید و غلیظ هم نیست ولی ممکن است گاهی سیاه و سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید. به طور کلی هر خونی که از زن خارج شود و مربوط به زخم و جراحت نباشد و خون حیض و نفاس هم نباشد خون استحاضه است هر چند صفات مذکور را نداشته باشد.

استحاضه سه نوع است:

۱. قلیله: آن است که خون فقط سطح پنبه ای را که زن داخل فرج می گذارد آلوده کند.
۲. متوسطه: آن است که خون در پنبه فرو رود ولی به دستمالی که معمولاً زنها برای جلوگیری از خون می بندند، نرسد.
۳. کثیره: آن است که خون از پنبه به دستمال برسد.

در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد و ظاهر فرج را هم اگر خون به آن رسیده آب بکشد و بنا بر احتیاط واجب پنبه را عوض کند یا آب بکشد.

اگر پیش از نماز یا در بین نماز خون استحاضه متوسطه ببیند باید برای آن نماز غسل کند ولی در استحاضه متوسطه اگر قبل از نماز صبح غسل نماید تا صبح روز دیگر برای هر نماز کارهای استحاضه قلیله که در مسأله قبل گفته شد انجام دهد ولی اگر عمداً یا از روی فراموشی غسل نکند باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر برای آن هم غسل نکرد باید قبل از نماز مغرب و عشاء غسل نماید.

در استحاضه کثیره علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه که در مسأله پیش گفته شد، باید برای هر نماز دستمال را عوض کند، یا آب بکشد و یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشاء بجا آورد، و بین نماز ظهر و عصر فاصله نیندازد، و اگر فاصله بیندازد باید برای نماز عصر دوباره غسل کند. و نیز اگر بین نماز

مغرب و عشاء فاصله بیندازد باید برای نماز عشاء دوباره غسل کند.

اگر قبل از وقت نماز خون استحاضه متوسطه یا کثیره بیاید و قطع شود بنا بر احتیاط واجب باید برای نماز غسل و وضوی آن را بجا آورد مگر اینکه قبلاً برای آن غسل کرده باشد و قبل از غسل خون به طور کلی قطع شده باشد.

مستحاضه متوسطه و کثیره که باید هم وضو بگیرد و هم غسل کند هر کدام را اول بجا آورد صحیح است، ولی بهتر آن است که اول وضو بگیرد.

اگر استحاضه قلیله زن، بعد از نماز صبح، متوسطه شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند، و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید. و اگر بعد از غسل استحاضه متوسطه ادامه داشته باشد برای نماز صبح روز بعد دو مرتبه غسل کند.

اگر استحاضه قلیله یا متوسطه زن بعد از نماز صبح کثیره شود باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل، و برای نماز مغرب و عشا غسل دیگری بجا آورد و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید. و همینطور برای نماز صبح روز بعد، مگر اینکه قبل از غسل شب تبدیل به استحاضه قلیله شود یا کاملاً قطع شود.

زن مستحاضه برای هر نمازی چه واجب باشد و چه مستحب، باید وضو بگیرد و نیز اگر بخواهد نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند یا بخواهد نمازی را که فرادی خوانده است دوباره با جماعت بخواند باید تمام کارهایی را که برای استحاضه گفته شد انجام دهد، ولی برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده و سجده سهو، اگر آنها را بعد از نماز فوراً بجا آورد لازم نیست کارهای استحاضه را تکرار کند.

وقتی که خون زن مستحاضه به طور کلی قطع شد اگر استحاضه قلیله بوده فقط خود را تطهیر کند و برای نماز بعدی وضو بگیرد و اگر استحاضه متوسطه یا کثیره بوده باید غسل کند و برای نماز بعدی وضو بگیرد و این غسل را می تواند بعد از قطع خون انجام دهد هر چند وقت نماز نشده باشد.

اگر زن نداند استحاضه او چه قسم است، موقعی که می خواهد نماز بخواند باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد و بعد از آن که فهمید استحاضه او کدام یک از آن سه نوع است، کارهایی را که برای آن نوع دستور داده شده انجام دهد، ولی اگر بداند تا وقتی که نماز بخواند استحاضه او تغییر نمی کند پیش از داخل شدن وقت هم می تواند خود را واریسی نماید.

زن مستحاضه اگر پیش از آن که خود را واریسی کند مشغول نماز شود، چنانچه قصد قربت داشته و به وظیفه خود عمل کرده مثلاً استحاضه اش قلیله بوده و به وظیفه استحاضه قلیله عمل نموده، نماز او صحیح است و اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه اش نبوده مثل آن که استحاضه او متوسطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار کرده، نماز او باطل است.

زن مستحاضه اگر نتواند خود را واری نماید باید به آنچه مسلماً وظیفه اوست عمل کند مثلاً اگر نمی داند استحاضه او قلیله است یا متوسطه، باید کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد، ولی اگر بداند سابقاً کدام یک از آن سه نوع بوده باید به وظیفه همان نوع رفتار نماید.

خون استحاضه اگر در اول ظهورش از محلّ خودش حرکت کند ولی از بدن خارج نشود بر زن لازم نیست طبق احکام استحاضه عمل کند. اما اگر خارج شود تا زمانی که در مجرا است هر چند بیرون نیاید واجب است طبق احکام استحاضه عمل کند.

زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده خونی از او بیرون نیامده و تا بعد از نماز هم در داخل فرج نیست می تواند خواندن نماز را تأخیر بیندازد و می تواند نمازهای بعدی را هم با آن بخواند.

زن مستحاضه اگر بداند که پیش از گذشتن وقت نماز بکلی پاک می شود، یا به اندازه انجام غسل و وضو و خواندن نماز، خون بند می آید، باید صبر کند و نماز را در وقتی که پاک است بخواند بلکه بنابر احتیاط واجب در صورت احتمال قطع شدن خون هم باید صبر کند.

مستحاضه قلیله بعد از وضو، و مستحاضه کثیره و متوسطه بعد از غسل و وضو، باید فوراً مشغول نماز شود، ولی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز اشکال ندارد و در نماز هم می تواند کارهای مستحب مثل قنوت، و غیر آن را بجا آورد.

زن مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد باید دوباره غسل کند و بلافاصله مشغول نماز شود، ولی اگر خون در داخل فضای فرج نیاید تکرار غسل و وضو لازم نیست.

بر زن مستحاضه لازم است به هر مقدار که ممکن باشد بعد از وضو و غسل به وسیله پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری کند و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید نماز را اعاده کند بلکه بنابر احتیاط واجب قبل از نماز باید دوباره غسل کند و وضو هم بگیرد.

اگر در موقع غسل، خون قطع نشود غسل صحیح است. ولی اگر در بین غسل، استحاضه متوسطه کثیره شود، واجب است غسل را از سر بگیرد.

احتیاط واجب آن است که زن مستحاضه در تمام روزی که روزه است به مقداری که می تواند از بیرون آمدن خون جلوگیری کند.

روزه زن مستحاضه ای که غسل بر او واجب می باشد در صورتی صحیح است که در روز غسلهایی را که برای نمازهای روزش واجب است انجام دهد، و بنابر احتیاط غسل نماز مغرب و عشاء شبی که می خواهد فردای آن را روزه بگیرد را بجا آورد.

اگر بعد از نماز عصر، مستحاضه شود و تا غروب غسل نکند روزه او صحیح است.

اگر استحاضه قلیله زن پیش از نماز، متوسطه یا کثیره شود باید کارهای متوسطه یا کثیره را که گفته شد انجام دهد. و اگر استحاضه متوسطه، کثیره شود باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد و چنانچه برای استحاضه متوسطه غسل کرده باشد فایده ندارد و باید دوباره برای کثیره غسل کند.

اگر در بین نماز، استحاضه متوسطه زن کثیره شود، باید نماز را بشکند و برای استحاضه کثیره غسل کند و کارهای دیگر آن را انجام دهد و همان نماز را بخواند و اگر برای غسل وقت ندارد باید تیمم کند؛ و وضو هم بگیرد و اگر برای وضو هم وقت ندارد یک تیمم دیگر بکند و اگر برای تیمم هم وقت ندارد نمی تواند نماز را بشکند و باید نماز را تمام کند و بنابر احتیاط واجب قضا نماید، و همچنین است اگر در بین نماز، استحاضه قلیله او متوسطه یا کثیره شود ولی اگر استحاضه متوسطه بود باید علاوه بر غسل، وضو هم بگیرد.

اگر در بین نماز، خون بند بیاید و مستحاضه نداند که در باطن هم قطع شده بوده، بنابر احتیاط واجب باید وضو و غسل و نماز را دوباره بجا آورد.

اگر استحاضه کثیره زن متوسطه شود، باید برای نماز اول عمل کثیره و برای نمازهای بعد عمل متوسطه را بجا آورد. مثلاً اگر پیش از نماز ظهر استحاضه کثیره، متوسطه شود باید برای نماز ظهر غسل کند و برای نماز عصر و مغرب و عشاء فقط وضو بگیرد.

اگر پیش از هر نماز خون مستحاضه کثیره قطع شود و دوباره بیاید برای هر نماز باید یک غسل بجا آورد.

اگر استحاضه کثیره، قلیله شود باید برای نماز اول عمل کثیره و برای نمازهای بعد عمل قلیله را انجام دهد، و نیز اگر استحاضه متوسطه، قلیله شود باید برای نماز اول، عمل متوسطه و برای نمازهای بعد عمل قلیله را بجا آورد.

اگر مستحاضه یکی از کارهایی را که بر او واجب می باشد حتی عوض کردن پنبه را ترک کند، نمازش باطل است.

مستحاضه قلیله اگر بخواهد غیر از نماز کاری انجام دهد که شرط آن وضو داشتن است مثلاً بخواهد جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند بنابر احتیاط واجب باید وضو بگیرد زیرا وضویی که برای نماز گرفته کافی نیست.

رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی و توقف در سایر مساجد و خواندن سوره ای که سجده واجب دارد و نزدیکی با شوهر، برای زن مستحاضه اشکال ندارد، هر چند احتیاط مستحب در این است که برای این کارها غسلهای واجب خود را انجام داده باشد.

اگر زن در استحاضه کثیره بخواهد پیش از وقت نماز جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند باید غسل کند و در استحاضه متوسطه چنانچه در آن روز غسل کرده وضو کافی است.

نماز آیات بر مستحاضه واجب است و باید برای نماز آیات هم کارهایی را که برای نماز یومیه گفته شد انجام دهد.

هرگاه در وقت نماز یومیه نماز آیات بر مستحاضه واجب شود اگر بخواهد هر دو را پشت سر هم بجا آورد، باید برای نماز آیات هم تمام کارهایی را که برای نماز یومیه او واجب است انجام دهد و نمی تواند هر دو را با یک غسل و وضو بجا آورد.

اگر زن مستحاضه بخواهد نماز قضا بخواند باید برای هر نماز کارهایی را که برای نماز ادا بر او واجب است بجا آورد.

اگر زن بداند خونی که از او خارج می شود خون زخم نیست و شرعاً حکم حیض و نفاس را ندارد باید به دستور استحاضه عمل کند، حتی اگر شک داشته باشد که خون استحاضه است یا خونهای دیگر چنانچه نشانه آنها را نداشته باشد بنابر احتیاط واجب باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

#### غسل مس میت

اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن مرده ای که سرد شده و غسلش نداده اند برساند باید غسل مس میت کند.

#### غسل میت

هرگاه مسلمانی از دنیا برود، باید او را غسل داده و کفن کنند و بر او نماز بخوانند، سپس دفن کنند.

## احکام تیمم

### فهرست عناوین مبمٹ تیمم

✕ موارد تیمم

✕ چیزهایی که تیمم بر آنها صمیع است

✕ دستور تیمم

✕ امکام تیمم

### موارد تیمم

در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد:

مورد اول

تهیه آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد.

اگر انسان در آبادی باشد باید برای تهیه آب وضو و غسل، به قدری جستجو کند که از پیدا شدن آن ناامید شود، و اگر در بیابان باشد، چنانچه زمین آن پست و بلند است و یا به واسطه درخت و مانند آن راه رفتن در آن زمین مشکل است باید در هر یک از چهار طرف به اندازه پرتاب یک تیر قدیمی که با کمان پرتاب می کردند در جستجوی آب برود و اگر زمین آن این طور نیست باید در هر طرف به اندازه پرتاب دو تیر جستجو نماید.

اگر بعضی از چهار طرف هموار و بعضی دیگر پست و بلند یا راه رفتن در آن مشکل باشد باید در طرفی که هموار است به اندازه پرتاب دو تیر و در طرفی که این طور نیست به اندازه پرتاب یک تیر جستجو کند.

در هر طرفی که یقین دارد آب نیست، جستجو لازم نیست.

کسی که وقت نماز او تنگ نیست و برای تهیه آب وقت دارد، اگر یقین دارد در محلی دورتر از مقداری که باید جستجو کند آب هست در صورتی که مانعی نباشد و مشقت هم نداشته باشد باید برای تهیه آب برود و اگر گمان دارد آب هست، رفتن به آن محل لازم نیست. ولی اگر اطمینان داشته باشد بنا بر احتیاط واجب باید برای تهیه آب به آن محل برود.

لازم نیست خود انسان به جستجوی آب برود بلکه می تواند کسی را که به گفته او اطمینان دارد بفرستد و در این صورت اگر یک نفر از طرف چند نفر برود کافی است.

اگر احتمال دهد که داخل بار سفر خود یا در منزل یا در قافله آب هست، باید به قدری جستجو نماید که به نبودن آب یقین کند، یا از پیدا کردن آن ناامید شود.

اگر پیش از وقت نماز، جستجو نماید و آب پیدا نکند و تا وقت نماز همان جا بماند، لازم نیست دوباره به جستجوی آب برود.

اگر بعد از داخل شدن وقت نماز جستجو کند و آب پیدا نکند و تا وقت نماز بعد در همان جا بماند، چنانچه احتمال دهد آب پیدا می شود احتیاط واجب آن است که به جستجوی آب برود.

اگر از درنده یا دزد بر جان و مالش بترسد، یا جستجوی آب به قدری سخت باشد که نتواند تحمل کند یا وقت نماز به قدری تنگ باشد که هیچ نتواند جستجو کند، جستجو لازم نیست.

اگر در جستجوی آب نرود تا وقت نماز تنگ شود معصیت کرده، ولی نمازش با تیمم صحیح است.

کسی که یقین دارد آب پیدا نمی کند چنانچه دنبال آب نرود و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که اگر جستجو می کرد آب پیدا می شد نمازش باطل است.

اگر بعد از جستجو آب پیدا نکند و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد در جایی که جستجو کرده آب بوده، نماز او صحیح است.

اگر بعد از داخل شدن وقت نماز، وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند تهیه آب برای او ممکن نیست چنانچه بتواند وضوی خود را نگهدارد، نباید آن را باطل نماید.

اگر پیش از وقت نماز وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند تهیه آب برای او ممکن نیست چنانچه بتواند وضوی خود را نگهدارد احتیاط واجب آن است که آن را باطل نکند.

کسی که فقط به مقدار وضو یا به مقدار غسل آب دارد اگر بداند که اگر آن را بریزد آب پیدا نمی کند، چنانچه وقت نماز داخل شده باشد ریختن آن حرام است، و احتیاط واجب آن است که پیش از وقت نماز هم آن را نریزد.

کسی که می داند آب پیدا نمی کند، اگر بعد از داخل شدن وقت نماز وضوی خود را باطل کند یا آبی که دارد بریزد معصیت کرده ولی نمازش با تیمم صحیح است، اگرچه احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را بخواند.

## مورد دوّم

اگر به واسطه پیری، یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها یا نداشتن وسیله ای که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمم کند.

اگر برای کشیدن آب از چاه دلو و ریسمان و مانند اینها لازم دارد و مجبور است بخرد یا کرایه نماید، اگرچه قیمت آن چندین برابر معمول باشد، باید تهیه کند. و همچنین است اگر آب را به چندین برابر قیمت بفروشند. ولی اگر تهیه آنها به قدری پول می خواهد که نسبت به حال او آن مقدار ضرر دارد، واجب نیست تهیه نماید.

اگر ناچار شود که برای تهیه آب قرض کند باید قرض نماید ولی کسی که می داند یا گمان دارد که نمی تواند قرض خود را بدهد واجب نیست قرض کند.

اگر کندن چاه مشقتی که معمولاً تحمل نمی شود ندارد باید برای تهیه آب، چاه بکند.

اگر کسی مقداری آب بدون منتهی که معمولاً تحمل نمی شود به او بیخشد باید قبول کند.

## مورد سوّم

اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد یا بترسد که به واسطه استعمال آن مرض یا عیبی در او پیدا شود یا مرضش طول بکشد یا شدت کند یا به سختی معالجه شود باید تیمم نماید، ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد و از آن احتمال ترس برای او پیدا شود باید تیمم کند.

کسی که مبتلا به درد چشم است و آب برای او ضرر دارد باید تیمم نماید.

اگر به واسطه یقین یا ترس ضرر، تیمم کند و پیش از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمم او باطل است. و نمی تواند با آن نماز بخواند ولی اگر بعد از نماز بفهمد نمازش صحیح است. ولی برای نمازهای بعدی باید وضو بگیرد.

کسی که فکر می کند آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته، وضو و غسل او صحیح است.



#### مورد چهارم

هرگاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خود او یا عیال و اولاد او، یا رفیقش و کسانی که با او مربوطند مانند نوکر و کلفت از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد باید به جای وضو و غسل تیمم نماید، و نیز اگر بترسد حیوانش از تشنگی تلف شود باید آب را به آن بدهد و تیمم نماید. و همچنین است اگر کسی که حفظ جان او واجب است به طوری تشنه بماند که اگر انسان آب را به او ندهد تلف شود باید آب را به او دهد و تیمم نماید.

اگر غیر از آب پاکی که برای وضو یا غسل دارد آب نجسی هم به مقدار آشامیدن خود و کسانی که با او مربوطند داشته باشد باید آب پاک را برای آشامیدن بگذارد و با تیمم نماز بخواند ولی چنانچه آب را برای حیوانش بخواهد باید آب نجس را به آن بدهد و با آب پاک، وضو و غسل را انجام دهد.

#### مورد پنجم

کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی ماند باید بدن یا لباس را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند. ولی اگر چیزی نداشته باشد که بر آن تیمم کند، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

#### مورد ششم

اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد، مثلاً آب یا ظرفش غصبی است و غیر از آن، آب و ظرف دیگری ندارد باید به جای وضو و غسل تیمم کند.

#### مورد هفتم

هرگاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند.

اگر عمدتاً نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد، معصیت کرده، ولی نماز او با تیمم صحیح است، اگر چه احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را بخواند.

کسی که شک دارد اگر وضو بگیرد یا غسل کند وقت برای نماز او می ماند یا نه، باید تیمم کند.

کسی که به واسطه تنگی وقت تیمم کرده، تیمم او فقط برای عملی که وقت آن ضیق است مفید است و بعداً بلافاصله باطل می شود لذا چنانچه بعد از نماز آبی که داشته از دستش برود، یا عذر دیگری برای او پیدا شود اگرچه تیمم خود را نشکسته باشد، در صورتی که وظیفه اش تیمم باشد باید دوباره تیمم نماید.

کسی که آب دارد؛ اگر به واسطه تنگی وقت با تیمم مشغول نماز شود و در بین نماز آبی که داشته از دستش برود، برای نمازهای بعد نمی تواند با همان تیمم نماز بخواند بلکه باید دوباره تیمم نماید.

اگر انسان به قدری وقت دارد که می تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبی آن مثل اقامه و قنوت بخواند، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحبی آن به جا آورد بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند.

### چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

تیمم بر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ اگر پاک باشند صحیح است، و بر گل پخته مثل آجر و کوزه نیز صحیح است.

تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک و سنگ مرمر سیاه و سایر اقسام سنگها صحیح است ولی تیمم بر جواهر مثل سنگ عقیق و فیروزه باطل می باشد و احتیاط واجب آن است که به گچ و آهک پخته هم تیمم نکند.

اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گرد و غباری که در فرش و لباس و مانند اینهاست تیمم نماید و چنانچه گرد پیدا نشود باید به گل تیمم کند و اگر گل هم پیدا نشود احتیاط واجب آن است که نماز را بدون تیمم بخواند و واجب است بعداً قضای آن را به جا آورد.

اگر بتواند با تکاندن فرش و مانند آن خاک تهیه کند تیمم به گرد باطل است، و اگر بتواند گل را خشک کند و از آن خاک تهیه نماید، تیمم به گل باطل می باشد.

کسی که آب ندارد اگر برف یا یخ داشته باشد، چنانچه ممکن است باید آن را آب کند و با آن وضو بگیرد یا غسل نماید و اگر ممکن نیست و چیزی هم که تیمم به آن صحیح است ندارد، احتیاط واجب آن است که نماز را بدون وضو و تیمم بخواند و به هر حال باید بعداً قضا کند.

اگر خاک و ریگ با چیزی مانند کاه که تیمم به آن باطل است مخلوط شود، نمی تواند بر آن تیمم کند، ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ، از بین رفته حساب شود، تیمم بر آن خاک و ریگ صحیح است.

اگر چیزی ندارد که بر آن تیمم کند چنانچه ممکن است باید با خریدن و مانند آن تهیه نماید.

تیمم بر دیوار گلی صحیح است و احتیاط مستحب آن است که با بودن زمین یا خاک خشک، به زمین یا خاک نمناک تیمم نکند.

چیزی که بر آن تیمم می کند باید پاک باشد و اگر چیز پاکی که تیمم بر آن صحیح است ندارد، بنابر احتیاط واجب بدون تیمم و وضو نماز را بخواند و باید قضای آن را بعداً به جا آورد.

اگر یقین داشته باشد که تیمم بر چیزی صحیح است و بر آن تیمم نماید، بعد بفهمد تیمم به آن باطل بوده نمازهایی را که با آن تیمم خوانده باید دوباره بخواند.

چیزی که بر آن تیمم می کند باید غصبی نباشد.

تیمم در فضای غصبی باطل نیست، پس اگر در ملک خود، دستها را بر زمین بزند و بی اجازه داخل ملک دیگری شود و دستها را بر پیشانی بکشد، تیمم او باطل نمی شود.

اگر نداند چیزی که با آن تیمم می کند غصبی است، و یا فراموش کرده باشد، تیمم او صحیح است، مگر این که فراموش کننده خود غاصب باشد که بنابر احتیاط واجب تیممش باطل است.

کسی که در جای غصبی حبس است، اگر آب و خاک او غصبی است، باید با تیمم نماز بخواند.

مستحب است چیزی که بر آن تیمم می کند گردی داشته باشد که به دست بماند. و بعد از زدن دست بر آن، مستحب است دست را بتکاند که گرد آن بریزد.

تیمم بر زمین گود و خاک جاده و زمین شوره زار که نمک روی آن را ننگرفته مکروه است، و اگر نمک روی آن را گرفته باشد باطل است.

### دستور تیمم

در تیمم چهار چیز واجب است:

۱. نیت.
۲. زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.
۳. کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می روید تا ابروها و بالای بینی و بنابر احتیاط واجب باید دستها روی ابروها هم، کشیده شود.
۴. کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.

تیمم بدل از غسل و بدل از وضو با هم فرقی ندارند. ولی احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل را با دو ضرب انجام دهد به این نحو که: یک مرتبه دستها را به زمین بزند و بر پیشانی بکشد و مرتبه دیگر دستها را به زمین بزند و به پشت دستها بکشد، بلکه احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از وضوء هم با دو ضرب انجام دهد بلکه بهتر آن است که تیمم را به سه ضرب انجام دهد دو مرتبه پشت سرهم دستها را به زمین بزند و بر پیشانی بکشد و یک مرتبه دیگر به زمین بزند و بر پشت دستها بکشد.

### احکام تیمم

اگر مختصری از پیشانی و پشت دستها را هم مسح نکند تیمم باطل است چه عمداً مسح نکند یا مسأله را نداند یا فراموش کرده باشد، ولی دقت زیاد هم لازم نیست و همین قدر که بگویند تمام پیشانی و پشت دست مسح شده کافی است.

برای آن که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده باید مقداری بالاتر از مچ را هم مسح نماید، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

پیشانی و پشت دستها را بنابر احتیاط واجب باید از بالا به پایین مسح نماید و کارهای آن را باید پشت سرهم به جا آورد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می کند باطل است.

اگر بر او هم تیمم بدل از غسل واجب باشد هم تیمم بدل از وضو در موقع نیت باید معین کند که تیمم او بدل از غسل است یا بدل از وضو، و نیز اگر چند تیمم بدل از غسل باشد باید آن غسل را معین نماید و چنانچه اشتهاً به جای بدل از وضو، بدل از غسل یا به جای بدل از غسل، بدل از وضو نیت کند، یا مثلاً در تیمم بدل از غسل جنابت، نیت تیمم بدل از غسل مس میت نماید، اگر اشتباه او اشتباه در تشخیص نباشد تیمم، او باطل است و اگر بر او یک تیمم واجب باشد قصد امر فعلی را بنماید کافیست.

در تیمم باید پیشانی و کف دستها و پشت دستها پاک باشد ولی اگر کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد باید با همان کف دست نجس تیمم کند ولی اگر نجاست کف دست مسری باشد در این صورت باید با پشت دست یا ذراع تیمم نماید.

انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یا پشت دستها یا در کف دستها مانعی باشد، مثلاً چیزی به آنها چسبیده باشد، باید برطرف نماید.

اگر پیشانی یا پشت دستها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نمی تواند باز کند باید دست را روی آن بکشد و نیز اگر کف دست زخم باشد و نتواند پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته، باز کند باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد.

اگر پیشانی و پشت دستها مو داشته باشد اشکال ندارد ولی اگر موی سر روی پیشانی آمده باشد باید آن را عقب بزند.

اگر احتمال دهد که در پیشانی و کف دستها یا پشت دستها مانعی هست، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد باید جستجو نماید، تا یقین یا اطمینان پیدا کند که مانعی نیست.

اگر وظیفه او تیمم است و نمی تواند تیمم کند، باید نایب بگیرد. و کسی که نایب می شود باید او را با دست خود او تیمم دهد و اگر ممکن نباشد باید نایب، دست خود را به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستهای او بکشد.

اگر بعد از آن که وارد تیمم شد شک کند که قسمت پیش از آن را فراموش کرده یا نه، اعتنا نکند و تیمم او صحیح است، و نیز اگر بعد از بجا آوردن هر جزء شک کند که درست بجا آورده یا نه اعتنا نکند و تیمم او صحیح است.

اگر بعد از مسح دست چپ شک کند که درست تیمم کرده یا نه، تیمم او صحیح است.

کسی که وظیفه اش تیمم است بنا بر احتیاط واجب نباید یا احتمال بدهد پیش از وقت نماز برای نماز تیمم کند، ولی اگر برای کار واجب دیگر یا مستحبی تیمم کند و تا وقت نماز عذر او باقی باشد، می تواند با همان تیمم نماز بخواند.

کسی که وظیفه اش تیمم است، اگر بداند یا احتمال بدهد تا آخر وقت عذر او باقی می ماند، در وسعت وقت می تواند با تیمم نماز بخواند، ولی اگر بداند که تا آخر وقت عذر او برطرف می شود، باید صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند، یا در تنگی وقت با تیمم نماز را بجا آورد.

کسی که نمی تواند وضو بگیرد، یا غسل کند، می تواند نمازهای قضای خود را با تیمم بخواند هر چند احتمال بدهد که به زودی عذر او برطرف می شود ولی در صورت علم به زوال عذر بنا بر احتیاط واجب باید منتظر بماند. بلی اگر گمان به فوت شدن پیدا شود لازم است با تیمم آن را به جا آورد.

کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند، جایز است نمازهای مستحبی را که مثل نافله های شبانه روز وقت معین دارد با تیمم بخواند حتی در اول وقت، به شرط آن که علم به زوال عذر تا آخر وقت نداشته باشد.

اگر به واسطه نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، بعد از برطرف شدن عذر، تیمم او باطل می شود.

چیزهایی که وضو را باطل می کند، تیمم بدل از وضو را هم باطل می کند، و چیزهایی که غسل را باطل می نماید، تیمم بدل از غسل را هم باطل می نماید.

کسی که نمی تواند غسل کند، اگر چند غسل بر او واجب باشد، احتیاط واجب آن است که بدل هر یک از آنها یک تیمم نماید.

کسی که نمی تواند غسل کند، اگر بخواهد عملی را که برای آن غسل واجب است انجام دهد، باید بدل از غسل تیمم نماید و اگر نتواند وضو بگیرد و بخواهد عملی را که برای آن وضو واجب است انجام دهد، باید بدل از وضو تیمم نماید.

اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند لازم نیست برای نماز وضو بگیرد ولی اگر بدل از غسل های دیگر تیمم کند، باید وضو بگیرد، و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری هم بدل از وضو بنماید.

اگر بدل از غسل تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل می کند برای او پیش آید، چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید وضو بگیرد، و اگر نمی تواند وضو بگیرد، باید بدل از وضو تیمم نماید.

کسی که وظیفه اش آن است که بدل از وضو و بدل از غسل تیمم کند، همین دو تیمم کفایت می کند و تیمم دیگری لازم نیست.

کسی که وظیفه اش تیمم است اگر برای کاری تیمم کند، تا تیمم و عذر او باقی است، کارهایی را که باید با وضو یا غسل انجام داد، می تواند بجا آورد ولی اگر به خاطر تنگی وقت یا با داشتن آب برای نماز میت یا خوابیدن تیمم کرده فقط کاری را که برای آن تیمم نموده می تواند انجام دهد.

در چند مورد مستحب است نمازهایی را که انسان با تیمم خوانده است دوباره بخواند:

اول: اگر از استعمال آب ترس داشته و عمداً خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است.

دوم: اگر می دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی کند و عمداً خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است.

سوم: اگر تا آخر وقت عمداً در جستجوی آب نرود و با تیمم نماز بخواند و بعد بفهمد که اگر جستجو می کرد، آب پیدا می شد.

چهارم: اگر عمداً نماز را تأخیر انداخته و در آخر وقت با تیمم نماز خوانده است.

پنجم: اگر می دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی شود و آبی را که داشته ریخته است.

# احکام نماز

فهرست عناوین مبحث نماز

✕ نمازهای واجب

✕ نمازهای واجب یومیه

✕ احکام وقت نماز

✕ احکام قبله

✕ پوشانیدن بدن در نماز

✕ لباس نمازگزار

✕ مکان نمازگزار

نماز بهترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود، عبادتهای دیگر هم قبول می شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی شود. و همانطور که اگر انسان در هر شبانه روز پنج نوبت در نهر آبی شستشو کند چرک در بدنش نمی ماند، نمازهای پنجگانه هم انسان را از گناهان پاک می کنند. و سزاوار است که انسان نماز را در اول وقت بخواند و کسی که نماز را پست و سبک شمارد مانند کسی است که نماز نمی خواند. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «کسی که به نماز اهمیّت ندهد و آن را سبک شمارد سزاوار عذاب آخرت است»

روزی حضرت در مسجد تشریف داشتند مردی وارد و مشغول نماز شد و رکوع و سجودش را کاملاً بجا نیاورد، حضرت فرمودند: «اگر این مرد در حالی که نمازش این طور است از دنیا برود، به دین من از دنیا نرفته است»

پس انسان باید مواظب باشد که به عجله و شتابزدگی نماز نخواند و در حال نماز به یاد خدا باشد و متوجه باشد با چه کسی سخن می گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم بسیار پست و ناچیز ببیند و اگر انسان در موقع نماز کاملاً به این مطلب توجه کند، از خود بی خبر می شود، چنانچه در حال نماز تیر را از پای مبارک امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیرون کشیدند و آن حضرت متوجه نشدند.

و نیز باید نمازگزار توبه و استغفار نماید و گناهی که مانع قبول شدن نماز است، مانند حسد، کبر، غیبت، خوردن حرام، آشامیدن مسکرات و ندادن خمس و زکات و بلکه هر معصیتی را ترک کند. و همچنین سزاوار است کارهایی که ثواب نماز را کم می کند بجا نیاورد، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول به نماز نایستد، و در موقع نماز به آسمان نگاه نکند و نیز کارهایی که ثواب نماز را زیاد می کند بجا آورد، مثلاً انگشتی عقیق بدست کند و لباس پاکیزه بپوشد و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید.

## نمازهای واجب

نمازهای واجب شش است:

۱. نمازهای یومیّه
۲. نماز آیات
۳. نماز میت
۴. نماز طواف واجب خانه کعبه (مانند نماز طواف در عمره تمتّع و عمره مفرده، و نماز طواف در حجّ تمتّع و نماز طواف نساء)
۵. نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است، و همین طور مادر بنا بر احتیاط واجب.
۶. نمازی که به واسطه اجاره و نذر و قسم و عهد واجب می شود.

## نمازهای واجب یومیّه

نمازهای واجب یومیّه پنج است: ظهر و عصر؛ هر کدام چهار رکعت. مغرب، سه رکعت. عشا، چهار رکعت صبح، دو رکعت. در سفر باید نمازهای چهار رکعتی را با شرائطی که گفته می شود دو رکعت خواند.

## وقت نماز ظهر و عصر

اگر چوب یا چیزی مانند آن را، راست در زمین هموار فرو برند صبح که خورشید بیرون می آید سایه آن به طرف مغرب می افتد و هرچه آفتاب بالا می آید این سایه کم می شود و در شهرهای ما در اوّل ظهر شرعی به آخرین درجه کمی می رسد و ظهر که گذشت سایه آن به طرف مشرق برمی گردد و هرچه خورشید رو به مغرب می رود، سایه زیادتر می شود. بنابراین وقتی سایه به آخرین درجه کمی رسید و دو مرتبه رو به زیاد شدن گذاشت، معلوم می شود ظهر شرعی شده است. ولی در بعضی شهرها مثل مکه که گاهی موقع ظهر سایه به کلی از بین می رود بعد از آنکه سایه دوباره پیدا شد، معلوم می شود ظهر شده است.

چوب یا چیز دیگری را که برای معین کردن ظهر به زمین فرو می برند شاخص گویند.

نماز ظهر و عصر هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند: وقت مخصوص نماز ظهر از اوّل ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد. و وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر، وقت به مغرب مانده باشد که اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را نخوانده، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند. و مابین وقت مخصوص نماز ظهر و وقت مخصوص نماز عصر، وقت مشترک نماز ظهر و نماز عصر است، و اگر کسی در این وقت اشتبهاً نماز ظهر یا عصر را به جای دیگری بخواند، نمازش صحیح است.



اگر پیش از خواندن نماز ظهر، سهواً مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است، چنانچه در وقت مشترک باشد، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند یعنی نیت کند که آنچه تا حال خوانده ام و آنچه را مشغولم و آنچه بعد می خوانم همه نماز ظهر باشد و بعد از آنکه نماز را تمام کرد، نماز عصر را بخواند. و اگر در وقت مخصوص به ظهر باشد به احتیاط واجب نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند، و دوباره آن را بخواند.

نماز جمعه دو رکعت است و در روز جمعه جانشین نماز ظهر می شود و در زمان حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) امام معصوم (علیه السلام) و نائب خاص او واجب عینی است اما در زمان غیبت کبری واجب تخییری است یعنی میان نماز جمعه و نماز ظهر مخیر است ولی در زمانی که حکومت عدل اسلامی باشد و نماز جمعه اقامه شود بهتر آن است که نماز جمعه خوانده شود.

احتیاط واجب آن است که نماز جمعه را از موقعی که عرفاً اول ظهر می گویند تأخیر نیاندازند و اگر از اوائل ظهر تأخیر افتاد به جای نماز جمعه نماز ظهر بخوانند.

همانطور که بیان شده است برای هر یک از نمازهای ظهر و عصر، و مغرب و عشا یک وقت مخصوص وجود دارد، که اگر مکلف عمداً نماز عصر را در وقت مخصوص ظهر یا نماز عشا را عمداً در وقت مخصوص مغرب بخواند نمازش باطل است. اما اگر بخواند نماز دیگری مانند قضاء نماز صبح یا غیر آن را در وقت مخصوص ظهر یا مغرب بخواند نمازش صحیح است.

#### وقت نماز مغرب و عشاء

مغرب موقعی است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بالای سر انسان بگذرد.

نماز مغرب و عشا هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند:

وقت مخصوص نماز مغرب از اول مغرب است تا وقتی که از مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز بگذرد بنابراین اگر کسی مسافر باشد و تمام نماز عشا را سهواً در این وقت بخواند نمازش باطل است. و وقت مخصوص نماز عشا موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب مانده باشد که اگر کسی تا این موقع نماز مغرب را عمداً نخواند باید اول نماز عشا و بعد از آن نماز مغرب را بخواند.

و بین وقت مخصوص نماز مغرب و وقت مخصوص نماز عشا وقت مشترک نماز مغرب و عشا است که اگر کسی در این وقت اشتبهاً نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز ملتفت شود نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن بجا آورد.

وقت مخصوص و مشترک که معنی آن در مسأله پیش گفته شد برای اشخاص فرق می کند مثلاً اگر به اندازه خواندن دو رکعت نماز از اول ظهر بگذرد وقت مخصوص نماز ظهر کسی که مسافر است تمام شده و داخل وقت مشترک می شود، و برای کسی که مسافر نیست باید به اندازه خواندن چهار رکعت از اول ظهر بگذرد.

اگر پیش از خواندن نماز مغرب سهواً مشغول نماز عشا شود و در بین نماز بفهمد که اشتباه کرده است چنانچه تمام آنچه را خوانده یا مقداری از آن را در وقت مشترک خوانده و به رکوع رکعت چهارم نرفته است باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عشا را بخواند و چنانچه در وقت مختص مغرب بفهمد اشتباه کرده بنابر احتیاط واجب نمازش باطل است.

و اگر به رکوع رکعت چهارم رفته باید نماز عشا را تمام کند بعد نماز مغرب را بخواند.

آخر وقت نماز عشا نصف شب است، و احتیاط واجب آن است که برای نماز مغرب و عشا و مانند اینها شب را از اول غروب تا اذان صبح حساب کرد، و برای نماز شب و مانند آن تا اول آفتاب حساب کرد. (1)

اگر به واسطه عذری نماز مغرب یا نماز عشا را تا نصف شب نخواند بنابر احتیاط واجب باید تا قبل از اذان صبح بدون اینکه نیت ادا و قضا کند بجا آورد.

### وقت نماز صبح

نزدیک اذان صبح از طرف مشرق، سفیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را فجر اول گویند وقتی که آن سفیده در طرف مشرق و افق پهن و گسترده می شود آن را فجر دوم گویند که اول وقت نماز صبح است و آخر وقت نماز صبح موقعی است که آفتاب بیرون می آید.

### احکام وقت نماز

هنگامی انسان می تواند مشغول نماز شود که یقین کند وقت داخل شده است یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند، مشروط بر آنکه خبر و شهادت آنها حسنی باشد مثل اینکه شهادت بدهند که سایه شاخص بعد از کم شدن شروع به زیاد شدن نموده است. اذان شخص وقت شناس و مورد اطمینان نیز کافی است.

نابینا و کسی که در زندان گرفتار است و مانند اینها بنابر احتیاط واجب باید تا به داخل شدن وقت یقین نکنند مشغول نماز نشوند. ولی اگر انسان به واسطه وجود مانع در آسمان (مانند ابر و غبار و مانند اینها) که برای همه مانع از یقین کردن است نتواند در اول وقت نماز به داخل شدن وقت یقین کند چنانچه گمان داشته باشد که وقت داخل شده، می تواند مشغول نماز شود.

اگر انسان یقین کند که وقت نماز شده یا دو مرد عادل از روی حسّ به داخل شدن وقت خبر دهند و مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده است نماز او باطل است. و همچنین اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده نمازش باطل است و باید اعاده کند. ولی اگر در بین نماز بفهمد وقت داخل شد، یا بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده نماز او صحیح است.

اگر انسان بر اثر غفلت و فراموشی توجّه نداشته باشد که باید با یقین به داخل شدن وقت مشغول نماز شود، چنانچه بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را در وقت خوانده نماز او صحیح است و اگر بفهمد تمام نماز را پیش از وقت خوانده یا نفهمد که در وقت خوانده یا پیش از وقت، نمازش باطل است بلکه اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده است احتیاط واجب آن است که دوباره آن نماز را بخواند.

اگر یقین کند وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شک کند که وقت داخل شده یا نه، نماز او باطل است. ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده و شک کند که آنچه از نماز خوانده در وقت بوده یا نه نمازش صحیح است.

اگر وقت نماز به قدری تنگ است که انجام بعضی از مستحبات نماز باعث شود مقداری از واجبات در خارج وقت خوانده شود باید آن مستحبات را ترک کند مثلاً اگر به واسطه خواندن قنوت، مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می شود نباید قنوت را بخواند و اگر بخواند معصیت کرده ولی نمازش صحیح است.

کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند ولی نباید عمداً نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد.

کسی که مسافر نیست اگر تا مغرب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد باید نماز ظهر و عصر هر دو را بخواند، ولی اگر کمتر وقت دارد باید فقط نماز عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند، و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد باید نماز مغرب و عشا را بخواند، ولی اگر کمتر وقت دارد باید اول نماز عشا را به نیت ادا بخواند و بعداً نماز مغرب را بخواند و بنا بر احتیاط واجب در نماز مغرب نیت ادا و قضا ننماید.

کسی که مسافر است اگر تا مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز وقت دارد باید نماز ظهر و عصر را بخواند، ولی اگر کمتر وقت دارد باید فقط عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند، و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد باید نماز مغرب و عشا را بخواند ولی اگر کمتر وقت دارد باید فقط عشا را بخواند و بعداً مغرب را بدون نیت اداء و قضا بجا آورد، و چنانچه بعد از خواندن عشا معلوم شود که به مقدار یک رکعت یا بیشتر وقت به نصف شب مانده است باید فوراً نماز مغرب را به نیت ادا به جا آورد.

مستحب است انسان نماز را در اوّل وقت آن بخواند و راجع به آن خیلی سفارش شده است و هر چه به اوّل وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

هرگاه انسان عذری دارد که اگر بخواند در اوّل وقت نماز بخواند ناچار است با تیمّم نماز بخواند چنانچه بداند یا احتمال دهد که عذر او تا آخر وقت باقی است، می تواند در اوّل وقت نماز بخواند، ولی اگر مثلاً لباسش نجس باشد یا عذر دیگری داشته باشد و احتمال بدهد که عذر او از بین می رود بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند تا عذرش برطرف شود و چنانچه عذر او برطرف نشد در آخر وقت نماز بخواند. و لازم نیست به قدری صبر کند که فقط بتواند کارهای واجب نماز را انجام دهد. بلکه اگر برای مستحبات نماز مانند اذان و اقامه و قنوت هم وقت دارد می تواند با لباس نجس مثلاً نماز را با آن مستحبات بجا آورد.

کسی که مسائل نماز و شکایات و سهویات را نمی داند و احتمال می دهد که یکی از اینها در نماز پیش آید بنا بر احتیاط واجب باید برای یاد گرفتن آنها نماز را از اول وقت تأخیر بیندازد. ولی اگر اطمینان دارد که نماز را به طور صحیح تمام می کند، می تواند در اوّل وقت مشغول نماز شود، ولی اگر در نماز مسأله ای که حکم آن را نمی داند پیش آید می تواند به یکی از دو طرفی که احتمال می دهد عمل نماید و نماز را تمام کند. ولی بعد از نماز باید مسأله را بپرسد که اگر نمازش باطل بوده دوباره بخواند.

اگر وقت نماز وسعت دارد و طلبکار هم طلب خود را مطالبه می کند در صورتی که ممکن است باید اوّل قرض خود را بدهد بعد نماز بخواند. و همچنین است اگر کار واجب دیگری که باید فوراً آن را بجا آورد پیش آمد کند، مثلاً ببیند مسجد نجس است که باید اوّل مسجد را تطهیر کند بعد نماز بخواند و چنانچه اوّل نماز بخواند معصیت کرده ولی نماز او صحیح است.

### نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود

انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است.

اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است نمی تواند نیت را به نماز عصر برگرداند بلکه باید نماز را بشکند و نماز عصر را بخواند و همین طور است در نماز مغرب و عشا.

اگر در بین نماز عصر یقین کند که نماز ظهر را نخوانده است و نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را ادامه دهد و بعد متوجه شود که نماز ظهر را خوانده است باید نیت خود را به نماز عصر برگرداند و چنانچه مقداری از نماز را که به نیت ظهر خوانده مشتمل بر رکن بوده باید نماز را تمام کند و دوباره نماز عصر را بخواند. اما اگر مشتمل بر رکن نبوده باید آن قسمت را به نیت عصر بخواند و نماز او صحیح است هر چند احتیاط مستحب در اعاده آن است.

اگر در بین نماز عصر شك کند که نماز ظهر را خوانده است یا نه، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند، ولی اگر وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، مغرب می شود باید به نیت نماز عصر نماز را تمام کند و بنابر احتیاط نماز ظهرش را قضا کند.

اگر در نماز عشاء، پیش از رکوع رکعت چهارم شك کند که نماز مغرب را خوانده یا نه چنانچه وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز نصف شب می شود، باید به نیت عشاء نماز را تمام کند، و اگر بیشتر وقت دارد، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را سه رکعتی تمام کند بعد نماز عشاء را بخواند.

اگر در نماز عشاء بعد از رسیدن به رکوع رکعت چهارم شك کند که نماز مغرب را خوانده یا نه باید نماز را تمام کند بعد نماز مغرب را بخواند. و اگر این شك در وقت مخصوص به نماز عشاء باشد بنابر احتیاط نماز مغرب را قضا کند.

اگر انسان نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند و در بین نماز یادش بیاید نمازی را که باید پیش از آن بخواند نخوانده است، نمی تواند نیت را به آن نماز برگرداند. مثلاً موقعی که نماز عصر را احتیاطاً می خواند اگر یادش بیاید نماز ظهر را نخوانده است نمی تواند نیت را به نماز ظهر برگرداند.

برگرداندن نیت از نماز قضا به نماز ادا و از نماز مستحب به نماز واجب جایز نیست.

احتیاط واجب این است که اگر نمازی قضا شده است قبل از نماز ادای بعدی آن را قضا کند. و اگر مشغول نماز ادا شده و سپس متوجه شد که نمازی از همان روز قضا شده است به احتیاط واجب نیت خود را به قضا برگرداند. و اگر مشغول نماز ادا شود و بعداً متوجه شود که نماز قضا از قبل دارد مستحب است نیت خود را به نماز قضا برگرداند. در دو فرض قبل، اگر وقت تنگ باشد یا از محل عدول گذشته باشد مثلاً نماز صبح قضا شده و بعد از رکوع رکعت سوم متوجه شود نمی تواند عدول کند.

### احکام قبله

خانه کعبه که در مکه معظمه می باشد قبله است. و باید روبروی آن نماز خواند ولی کسی که دور است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند کافی است. و همچنین است کارهای دیگری که مانند سر بریدن حیوانات باید رو به قبله انجام گیرد.

کسی که نماز واجب را ایستاده می خواند باید طوری بایستد که بگویند رو به قبله ایستاده و لازم نیست زانوهای او و نوک پای او هم رو به قبله باشد.

کسی که باید نشسته نماز بخواند اگر نمی تواند به طور معمول بنشیند و در موقع نشستن، کف پاها را به زمین می گذارد باید در موقع نماز صورت و سینه و شکم او رو به قبله باشد و لازم نیست ساق پای او رو به قبله باشد.

کسی که نمی تواند نشسته نماز بخواند باید در حال نماز به پهلو راست طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر ممکن نیست باید به پهلو چپ طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر این را هم نتواند باید به پشت بخوابد به طوری که کف پای او رو به قبله باشد.

نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده را باید رو به قبله به جا آورد و در سجده سهو هم احتیاط آن است که رو به قبله باشد.

نماز مستحبی را می شود در حال راه رفتن و سواری «در ماشین - قطار - هواپیما و کشتی» خواند و اگر انسان در این دو حال، نماز مستحبی بخواند، لازم نیست رو به قبله باشد.

کسی که می خواهد نماز بخواند، باید برای پیدا کردن قبله کوشش نماید، تا یقین کند که قبله کدام طرف است و می تواند به گفته دو شاهد عادل که از روی نشانه های حسی شهادت می دهند یا به قول کسی که از روی قاعده علمی قبله را می شناسد و محل اطمینان است عمل کند و اگر اینها ممکن نشد باید به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان یا قبرهای آنان یا از راههای دیگر پیدا می شود عمل نماید، حتی اگر از گفته فاسق یا کافری که به واسطه قواعد علمی قبله را می شناسد گمان به قبله پیدا کند کافی است.

کسی که گمان به قبله دارد، اگر بتواند گمان قویتری پیدا کند نمی تواند به گمان خود عمل نماید مثلاً اگر میهمان از گفته صاحب خانه گمان به قبله پیدا کند ولی بتواند از راه دیگر «مثلاً قبله نما» گمان قویتری پیدا کند، نباید به حرف او عمل نماید.

قبله نماهای معمولی در صورتی که سالم باشد از وسائل خوب برای شناخت قبله است، و گمان حاصل از آن کمتر از راههای دیگر نیست، بلکه غالباً دقیقتر است.

اگر جهت قبله را نمی داند، می تواند با مراجعه به محراب مساجد و قبرهای مسلمانان جهت قبله را پیدا کند اما اگر با اجتهاد و کوشش خود یا با استفاده از وسائل جدید نظیر قبله نما به جهت دیگری اطمینان و علم پیدا کند. بنابر احتیاط واجب نمی تواند محراب مساجد و قبرها را ملاک قبله قرار دهد؛ لکن اگر گمان و ظن غالب پیدا کند که مسلمانان این منطقه در ساختن محراب مساجد و قبرها مسامحه کرده و دقت کافی نکرده اند، باید به آن طرف یا اطراف نماز بخواند که اطمینان یا ظن قوی به قبله دارد.

اگر برای پیدا کردن قبله وسیله ای ندارد یا با اینکه کوشش کرده گمانش به طرفی نمی رود، چنانچه وقت نماز وسعت دارد باید چهار نماز به چهار طرف بخواند و اگر به اندازه چهار نماز وقت ندارد باید به اندازه ای که وقت دارد نماز بخواند مثلاً اگر فقط به اندازه یک نماز وقت دارد باید یک نماز به هر طرفی که می خواهد بخواند، و باید نمازها را طوری بخواند که یقین کند یکی از آنها رو به قبله بوده است.

اگر یقین یا گمان کند که قبله در یکی از دو طرف است، باید به هر دو طرف نماز بخواند ولی احتیاط مستحب آن است که در صورت گمان، به چهار طرف نماز بخواند.

کسی که باید به چند طرف نماز بخواند، اگر بخواید نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشاء را بخواند بهتر آن است که نماز اول را به هر چند طرف که واجب است بخواند، بعد نماز دوم را شروع کند.

کسی که یقین به سمت قبله ندارد اگر بخواید غیر از نماز، کاری کند که باید رو به قبله انجام گیرد مثلاً بخواید سر حیوانی را ببرد باید به گمان عمل نماید و اگر گمان ممکن نیست به هر طرف که انجام دهد صحیح است.

اگر ظن به قبله پیدا کرد ولی در اثناء نماز ظن به جهت دیگری پیدا کرد باید باقیمانده نماز را در جهت دوم بخواند اما اگر آن مقداری که خوانده است به طرف راست یا چپ یا پشت به قبله بوده است در این صورت بنا بر احتیاط واجب نماز را دوباره طبق گمان جدید اعاده کند.

اگر بدون اینکه تحقیق کند از روی غفلت یا سهل انگاری به نماز ایستاد، چنانچه بعد از نماز بفهمد جهت قبله درست بوده و در خواندن نماز هم قصد قربت داشته باشد نمازش صحیح است اما اگر بعد از نماز بفهمد که جهت قبله درست نبوده نمازش باطل است و باید اعاده کند. البته قبله اعم است از سمت قبله و تا ده درجه به چپ یا راست.

اگر گوسفند یا شتری را عمداً بر خلاف جهت قبله سر ببرد یا نحر کند خوردن گوشت آن گوسفند و شتر حرام است اما اگر جهت قبله را نمی داند یا جهت قبله را فراموش کرده و یا جاهل و متعذر باشد چنانچه بر خلاف جهت قبله سر بریده باشد خوردن گوشت آن حلال است.

### پوشانیدن بدن در نماز

مرد باید در حال نماز، (اگر چه کسی او را نمی بیند) عورتین خود را بپوشاند و بهتر است از ناف تا زانوهای او را بپوشاند.

زن باید در موقع نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می شود و دستها تا مچ و پاها تا مچ پا لازم نیست. اما برای آنکه یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پائین تر از مچ پا را هم بپوشاند.

موقعی که انسان قضای سجده فراموش شده یا تشهد فراموش شده را به جامی آورد باید پوشش لازم را داشته باشد، بلکه بنا بر احتیاط در موقع سجده سهو هم، باید خود را مثل موقع نماز بپوشاند.

برای زنان در حال نماز، پوشانیدن موهای مصنوعی و زینت های پنهانی (مانند دستبند و گردن بند) و زینت صورت (مانند سرمه چشم) لازم نیست، اما واجب است از نامحرم بپوشاند.

اگر انسان عمدأ، در نماز عورتش را نپوشاند نمازش باطل است بلکه اگر از روی ندانستن مسأله هم باشد بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.

اگر در بین نماز بفهمد که عورتش پیدا است باید آن را بپوشاند و احتیاط واجب آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند. ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز عورت او پیدا بوده نمازش صحیح است.

اگر در حال ایستاده، لباسش عورت او را می پوشاند ولی ممکن است در حال دیگر، مثلاً در حال رکوع و سجود نپوشاند. چنانچه موقعی که عورت او پیدا می شود به وسیله ای آن را بپوشاند نماز او صحیح است. ولی احتیاط مستحب آن است که با آن لباس نماز نخواند.

انسان می تواند در نماز خود را با علف و برگ پوشاند ولی احتیاط مستحب آن است، موقعی خود را با اینها بپوشاند که چیز دیگری نداشته باشد.

اگر غیر از گل چیزی ندارد که در نماز خود را بپوشاند گل ساتر نیست و می تواند برهنه نماز بخواند. ولی احتیاط مستحب جمع است یعنی یک بار به کیفیت برهنه نماز بخواند و یک بار با گل عورتین را بپوشاند و نماز بخواند.

اگر چیزی ندارد که در نماز خود را با آن بپوشاند، چنانچه احتمال دهد که پیدا می کند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تأخیر بیندازد و اگر چیزی پیدا نکرد در آخر وقت مطابق وظیفه اش نماز بخواند.

کسی که می خواهد نماز بخواند اگر برای پوشانیدن خود حتی برگ درخت و علف نداشته باشد و احتمال ندهد که تا آخر وقت چیزی پیدا کند که خود را با آن بپوشاند در صورتی که نامحرم او را می بیند باید نشسته نماز بخواند و عورت خود را با ران خود بپوشاند. و اگر کسی او را نمی بیند ایستاده نماز بخواند و جلو خود را با دست بپوشاند و در هر صورت، رکوع و سجود را با اشاره انجام دهد و برای سجود سر را قدری پائین تر می آورد.

### لباس نماز گزار

لباس نماز گزار باید دارای شش شرط باشد: (با کلیک بر روی هر قسمت می توانید توضیحات مربوط به آن بخش را مشاهده کنید)

اول: آنکه پاک باشد.

دوم: آنکه بنا بر احتیاط واجب مباح باشد.

سوم: آن که از اجزاء مردار نباشد.



چهارم: آنکه از حیوان حرام گوشت نباشد.

پنجم و ششم: آنکه اگر نماز گزار مرد است، لباس او ابریشم خالص و طلا باف نباشد. تفصیل اینها در مسائل آینده گفته

می شود.

شرط اول:

لباس نماز گزار باید پاک باشد و اگر کسی عمدتاً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند نمازش باطل است.

کسی که نمی داند نماز با بدن و لباس نجس باطل است، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند نمازش باطل می باشد.

اگر به واسطه ندانستن مسأله، نداند یک چیز نجس است مثلاً نداند عرق شتر نجاستخوار یا عرق مشرک نجس است و با آن نماز بخواند نمازش باطل می باشد.

اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده نماز او صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر وقت دارد دوباره آن نماز را بخواند.

اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

کسی که در وسعت وقت مشغول نماز است اگر در بین نماز بدن یا لباس او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را با لباس نجس بخواند متوجه شود یا بفهمد که بدن یا لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس یا بیرون آوردن آن نماز را بهم نمی زند باید در بین نماز بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس او نجس است و شک کند یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده لباس را بیرون آورد و نماز را ادامه دهد. ولی چنانچه طوری باشد که اگر بدن یا لباس را آب بکشد یا بخواهد لباس را عوض کند یا بیرون آورد نماز بهم می خورد و یا اگر لباس را بیرون آورد برهنه می ماند، باید نماز را بشکند و با بدن و لباس پاک نماز بخواند.

کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است اگر در بین نماز لباس او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را با لباس نجس بخواند متوجه شود یا بفهمد که لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن یا عوض کردن یا بیرون آوردن لباس نماز را بهم نمی زند و می تواند لباس را بیرون آورد، باید لباس را آب بکشد یا عوض کند یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده، لباس را بیرون آورد و نماز را تمام کند. اما اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده و لباس را هم نمی تواند آب بکشد یا عوض کند باید لباس را بیرون آورد و به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را تمام کند. ولی چنانچه طوری است که اگر لباس را آب

بکشد یا عوض کند نماز بهم می خورد یا به واسطه سرما و مانند آن نمی تواند لباس را بیرون آورد باید با همان حال نماز را تمام کند و نمازش صحیح است.

کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است اگر در بین نماز بدن او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را با بدن نجس بخواند متوجه شود یا بفهمد که بدن او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده در صورتی که آب کشیدن بدن نماز را بهم نمی زند باید آب بکشد و اگر نماز را بهم می زند باید با همان حال نماز را تمام کند و نماز او صحیح است.

کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شک دارد چنانچه نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد پاک نبوده است، بنابر احتیاط مستحب اگر وقت نماز باقی است نمازش را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته آن را قضا کند.

اگر لباس را آب بکشد و یقین کند که پاک شده است و با آن نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد پاک نشده بنابر احتیاط واجب اگر وقت نماز باقی است باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته، نمازش را قضا کند.

اگر خونی در بدن یا لباس خود ببیند و یقین کند که از خونهای نجس نیست مثلاً یقین کند که خون پشه است، چنانچه بعد از نماز بفهمد از خونهای بوده که نمی شود با آن نماز خواند، نماز او صحیح است.

هرگاه یقین کند خونی که در بدن یا لباس اوست خون نجسی است که نماز با آن صحیح است مثلاً یقین کند خون زخم و دمل است چنانچه بعد از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل می باشد نمازش صحیح است.

اگر نجس بودن چیزی را فراموش کند و بدن یا لباسش با رطوبت به آن برسد و در حال فراموشی نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید نماز او صحیح است. و اگر بدون این که محل تماس با نجس را آب بکشد با آب قلیل غسل کند و نماز بخواند غسل و نماز او باطل است اما اگر با آب جاری یا کُر غسل کند چون با تماس اول محل پاک می شود غسل او صحیح است و نماز او هم اشکال ندارد. اما اگر محل تماس با نجس، یکی از اعضای وضو باشد و شخص بدون تطهیر با آب قلیل و با یک بار شستن وضو بگیرد و نماز بخواند وضو و نماز او باطل است و در فرض سابق اگر با آب کثیر وضو بگیرد یا محل وضو را سه بار بشوید تطهیر انجام شده و وضو و نماز او صحیح است.

کسی که یک لباس دارد، اگر بدن و لباسش نجس شود و آب به اندازه آب کشیدن یکی از آنها داشته باشد، چنانچه بتواند لباسش را بیرون آورد باید بدن را آب بکشد و نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد بجا آورد. و اگر به واسطه سرما یا عذر دیگر نتواند لباس را بیرون آورد، در صورتی که نجاست هردو مساوی باشد، مثلاً هردو بول یا خون باشد یا نجاست بدن شدیدتر یا بیشتر باشد مثلاً نجاست بدن بول باشد که باید دو مرتبه آن را با آب قلیل آب بکشد، احتیاط واجب آن است که بدن را آب بکشد. و اگر نجاست لباس بیشتر یا شدیدتر باشد مختار است هر کدام از بدن یا لباس را بخواند می تواند آب بکشد.

کسی که غیر از لباس نجس لباس دیگری ندارد و وقت تنگ است یا احتمال نمی دهد که لباس پاک پیدا کند باید نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد به جا آورد ولی همین شخص اگر به واسطه سرما یا عذر دیگر نمی تواند لباس را بیرون آورد در همان لباس نماز بخواند و نمازش صحیح است.

کسی که دو لباس دارد اگر بداند یکی از آنها نجس است و نتواند آنها را آب بکشد و نداند کدامیک از آنهاست. چنانچه وقت دارد باید با هر دو لباس نماز بخواند، مثلاً اگر می خواهد نماز ظهر و عصر بخواند باید با هر کدام یک نماز ظهر و یک نماز عصر بخواند و اگر وقت تنگ است بنا بر احتیاط واجب نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد بجا آورد و بنا بر احتیاط واجب آن نماز را با لباس پاک قضا نماید.

شرط دوّم:

لباس نماز گزار بنا بر احتیاط واجب باید مباح باشد و کسی که می داند پوشیدن لباس غضبی حرام است، اگر عمداً در لباس غضبی یا در لباسی که نخ یا تکمه یا چیز دیگر آن غضبی است نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است باید آن نماز را با لباس غیر غضبی اعاده کند و همین طور است اگر کسی از روی تقصیر نداند که پوشیدن لباس غضبی حرام است.

کسی که می داند پوشیدن لباس غضبی حرام است ولی نمی داند نماز را باطل می کند، اگر عمداً با لباس غضبی نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است و باید آن نماز را با لباس غیر غضبی اعاده کند.

اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غضبی است و با آن نماز بخواند نمازش صحیح است، ولی اگر خودش لباس را غضب کرده فراموش کند که غضب کرده است بنا بر احتیاط لازم نمازش باطل است و باید آن نماز را با لباس غیر غضبی اعاده کند.

اشیاء غضبی کوچک باشد یا بزرگ (مانند تسبیح، دستمال و...) اگر همراه نماز گزار باشد موجب بطلان نماز نمی شود.

اگر کسی برای حفظ جانش با لباس غضبی نماز بخواند یا مثلاً برای اینکه دزد لباس غضبی را نبرد با آن نماز بخواند نمازش صحیح است.

اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غضبی است و در بین نماز بفهمد چنانچه چیز دیگری که عورت او را بپوشاند در تن دارد و می تواند فوراً بدون اینکه موالات یعنی پی در پی بودن نماز بهم بخورد لباس غضبی را بیرون آورد باید آن را بیرون آورد و نمازش را ادامه داده و تمام کند و اگر چیز دیگری عورت او را نپوشانده یا نمی تواند فوراً لباس غضبی را بیرون آورد یا اگر بیرون آورد پی در پی بودن نماز بهم می خورد در صورتی که به مقدار یک رکعت هم وقت داشته باشد باید نمازش را بشکند و با لباس غیر غضبی نماز بخواند و اگر به این مقدار وقت ندارد، باید در حال نماز لباس را بیرون آورد و به دستور نماز برهنگان نماز را تمام نماید.

اگر با عین پولی که خمس یا زکوة آن را نداده لباس بخرد حکم لباس غصبی را دارد و نماز خواندن در آن لباس باطل است، و چنانچه لباس را به نسیه بخرد یا قرض کند و قصد داشته باشد که قیمت یا عوض آن را از پولی که خمس یا زکات آن را نداده یا از مال حرام بپردازد نماز با آن لباس باطل است .

شرط سوّم:

لباس نماز گزار باید از اجزاء حیوان مرده ای که خون جهنده دارد (یعنی حیوانی که اگر رگش را ببرند خون از آن جستن می کند) نباشد، بلکه اگر از حیوان حلال گوشت مرده ای مانند ماهی که خون جهنده ندارد لباس تهیه کند احتیاط مستحب آن است که با آن نماز نخواند.

اگر چیزی از مردار مانند گوشت و پوست آن که روح داشته همراه نماز گزار باشد، نمازش باطل است، گرچه لباس او هم نباشد.

اگر چیزی از مردار حلال گوشت مانند مو و پشم که روح ندارد همراه نماز گزار باشد یا با لباسی که از آنها تهیه کرده اند نماز بخواند نمازش صحیح است.

اگر غیر از لباس غصبی و لباسی که از مردار تهیه شده لباس دیگری ندارد و ناچار نیست لباس بپوشد باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

شرط چهارم:

لباس نماز گزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد و اگر موئی از آن هم همراه نماز گزار باشد نماز او باطل است.

اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت مانند گربه بر بدن یا لباس نماز گزار باشد، چنانچه تر باشد نماز باطل و اگر خشک شده و عین آن برطرف شده باشد نماز صحیح است.

اگر مو و عرق و آب دهان کسی بر بدن یا لباس نماز گزار باشد اشکال ندارد و همچنین است اگر مروارید و موم و عسل همراه او باشد.

اگر شک داشته باشد که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، چه در داخله تهیه شده باشد چه در خارجه، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

اگر انسان احتمال بدهد تکمه صدفی و مانند آن از حیوان است نماز خواندن با آن مانعی ندارد، و اگر بداند صدف است و احتمال بدهد صدف گوشت نداشته باشد نماز خواندن با آن مانع ندارد.

با پوست خز نماز خواندن اشکال ندارد ولی بنا بر احتیاط واجب با پوست سنجاب نماز نخواند.

اگر با لباسی که نمی داند از حیوان حرام گوشت است یا نه، نماز بخواند نمازش صحیح است، ولی اگر فراموش کرده باشد بنا بر احتیاط واجب باید آن نماز را دوباره بخواند.

نماز خواندن با چرمهای مصنوعی که به وسیله مواد پلاستیکی و مانند آن می سازند اشکال ندارد بنابراین هرگاه انسان شک کند که چیزی چرم مصنوعی است یا چرم واقعی یا از حیوان حرام گوشت است یا حیوان مرده یا حلال گوشت و مذکی نماز با آن اشکال ندارد.

اگر غیر از لباسی که از حیوان حرام گوشت تهیه شده لباس دیگری ندارد چنانچه ناچار باشد لباس بپوشد، می تواند با همان لباس نماز بخواند، و اگر ناچار نباشد باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را بجا آورد و بنا بر احتیاط واجب یک نماز دیگر هم با همان لباس بخواند.

شرط پنجم و ششم:

پوشیدن لباس طلا باف برای مرد حرام و نماز با آن باطل است، ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

زینت کردن به طلا مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل است. و باید از استعمال عینک طلا هم خودداری کند، ولی زینت کردن به طلا برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

اگر به جهت ندانستن یا فراموشی در طلا نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است.

زینت کردن به طلا یا پوشیدن لباس طلا باف برای مرد حرام است چه آشکار باشد یا پنهان و نماز با آن باطل است. بنابراین اگر زیر پیراهن مرد طلا باف باشد یا زنجیر طلا در گردن آویخته باشد گرچه پیدا نباشد حرام و نماز را باطل می کند.

لباس مرد نماز گزار باید ابریشم خالص نباشد و همچنین بنا بر احتیاط واجب چیزهایی مانند عرقچین و مانند آن که به تنهائی ساتر عورتین نیستند اگر ابریشم خالص باشند نماز با آن باطل است و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است.

اگر آستر تمام لباس یا آستر مقداری از آن ابریشم خالص باشد پوشیدن آن برای مرد حرام و نماز در آن باطل است.

اگر انگشتر یا زنجیر طلا و مانند آن در جیب مرد باشد اشکال ندارد و نماز را باطل نمی کند.

پوشیدن لباسی که نمی داند از ابریشم خالص است یا چیز دیگر، اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است.

دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد اشکال ندارد و نماز را باطل نمی کند.

پوشیدن لباس ابریشمی برای زن در نماز و غیر نماز اشکالی ندارد.

پوشیدن لباس غصبی و ابریشمی خالص و طلا باف و لباسی که از مردار تهیه شده در حال ناچاری مانعی ندارد، و نیز کسی که ناچار است لباس بپوشد و لباس دیگری غیر از اینها ندارد و تا آخر وقت هم ناچاری او از بین نمی رود، و اگر نمی تواند لخت شود می تواند با این لباسها نماز بخواند.

هرگاه لباس مرد نماز گزار مخلوط از ابریشم و غیر آن باشد نماز خواندن در آن صحیح است مشروط بر آنکه غیر ابریشم از جنسی باشد که نماز در آن صحیح است، اما اگر غیر ابریشم به قدری کم باشد که به حساب نیاید، نماز خواندن با آن لباس برای مرد جایز نیست.

اگر مرد غیر از لباس ابریشمی خالص یا طلا باف، لباس دیگری نداشته باشد، چنانچه ناچار نباشد لباس بپوشد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

اگر چیزی ندارد که در نماز عورت خود را با آن بپوشاند، واجب است اگرچه به کرایه یا خریداری باشد تهیه نماید. ولی اگر تهیه آن به قدری پول لازم دارد که نسبت به دارائی او زیاد است، و طوری است که اگر پول را به مصرف لباس برساند به حال او ضرر دارد باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

کسی که لباس ندارد اگر دیگری لباس به او ببخشد یا عاریه دهد، چنانچه قبول کردن آن برای او مشقتی که معمولاً تحمل نمی شود نداشته باشد باید قبول کند بلکه اگر عاریه کردن یا طلب بخشش برای او سختی که معمولاً تحمل نمی شود ندارد باید از کسی که لباس دارد، طلب بخشش یا عاریه نماید.

بنابر احتیاط واجب باید انسان از پوشیدن لباس شهرت که پارچه یا رنگ یا دوخت آن بر کسی که می خواهد آن را بپوشد معمول نیست، خودداری کند ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد.

مقصود از لباس شهرت لباسی است که عرفاً زننده باشد و از این جهت انگشت نما باشد یا مناسب زی و شأن شخص از حیث جنس یا رنگ یا نوع دوخت نباشد.

احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه نپوشد یعنی مردان به نحوی لباس نپوشند که بگویند لباس زنانه پوشیده اند و بر عکس، بنابراین پوشیدن دمپایی زنانه به تنهایی برای مردان اشکالی ندارد و برعکس. ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد.

کسی که ساتر ندارد و احتمال می دهد تا آخر وقت پیدا شود بنا بر احتیاط واجب باید نماز را از اول وقت تأخیر بیندازد و با ساتر نماز بخواند.

کسی که باید خوابیده نماز بخواند، اگر برهنه باشد و لحاف یا تشک او نجس یا ابریشم خالص یا از اجزاء حیوان حرام گوشت باشد احتیاط واجب آن است که در نماز، خود را با آنها نپوشاند.

مواردی که لازم نیست بدن و لباس نماز گزار پاک باشد

در سه صورت که تفصیل آنها بعداً گفته می شود اگر بدن یا لباس نماز گزار نجس باشد نماز او صحیح است:

۱. آنکه به واسطه زخم یا جراحت یا دملی که در بدن او است لباس یا بدنش به خون آلوده شده باشد.

۲. آنکه بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم (که تقریباً به اندازه سطح یک دو ریالی می شود) به خون آلوده باشد. به جز خون هایی که در مسأله ۸۶۱ می آید.

۳. آنکه ناچار باشد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

و در دو صورت اگر فقط لباس نماز گزار نجس باشد نماز او صحیح است.

۱. آنکه لباسهای کوچک او مانند جوراب و دستکش نجس باشد.

۲. آنکه لباس زنی که پرستار بچه است نجس شده باشد.

و احکام این پنج صورت مفصلاً در مسائل بعد گفته می شود.

اگر در بدن یا لباس نماز گزار، خون زخم یا جراحت یا دمل باشد، چنانچه به گونه ای است که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم یا برای شخص او دشوار است تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است، می تواند با آن خون، نماز بخواند و همچنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دوائی که روی زخم گذاشته اند و نجس شده در بدن یا لباس او باشد.

اگر خون بریدگی و زخمی که به زودی خوب می شود و شستن آن آسان است و به اندازه درهم یا بیشتر باشد در بدن یا لباس نماز گزار باشد، نماز او باطل است.

اگر جائی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد به رطوبت زخم نجس شود جایز نیست با آن نماز بخواند، ولی اگر مقداری از بدن یا لباس که معمولاً به رطوبت زخم آلوده می شود با رطوبت آن نجس شود نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

خون دهان و بینی حکم زخم بدن را ندارد و اگر لباس و بدن به واسطه آن نجس شود نمی توان با آن نماز خواند مگر این که کمتر از درهم باشد. ولی خون بواسیر حکم خون زخم بدن را دارد و نماز با آن اشکال ندارد.

کسی که بدنش زخم است اگر در بدن یا لباس خود خونی ببیند و نداند از زخم است یا خون دیگر، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

اگر چند زخم در بدن باشد و به طوری نزدیک هم باشند که یک زخم حساب شود تا وقتی همه خوب نشده اند نماز خواندن با خون آنها اشکال ندارد. ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هر کدام یک زخم حساب شود هر کدام که خوب شد، باید برای نماز، بدن و لباس را از خون آن آب بکشد.

اگر سر سوزنی خون حیض در بدن یا لباس نماز گزار باشد نماز او باطل است و بنابر احتیاط واجب نباید خون نفاس و استحاضه در بدن یا لباس نماز گزار باشد، و بهتر است از خون حیوان حرام گوشت پرهیزد. ولی خونهای دیگر مثل خون بدن انسان یا خون حیوان حلال گوشت اگرچه در چند جای بدن و لباس باشد در صورتی که روی هم کمتر از درهم باشد (که تقریباً به اندازه سطح یک دو ریالی می شود) نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

خونی که به لباس بی آستر بریزد و به پشت آن برسد یک خون حساب می شود ولی اگر پشت آن جدا خونی شود باید هر کدام را جدا حساب نمود پس اگر خونی که در پشت و روی لباس است روی هم کمتر از درهم باشد نماز با آن صحیح و اگر بیشتر باشد نماز با آن باطل است.

اگر خون، روی لباسی که آستر دارد بریزد و به آستر آن برسد، و یا به آستر بریزد و روی لباس خونی شود، باید هر کدام را جدا حساب نمود. پس اگر خون روی لباس و آستر کمتر از درهم باشد نماز با آن صحیح و اگر بیشتر باشد نماز با آن باطل است.

اگر خون بدن یا لباس کمتر از درهم باشد و رطوبتی به آن برسد در صورتی که خون و رطوبتی که به آن رسیده به اندازه درهم یا بیشتر شود و اطراف را آلوده کند نماز با آن باطل است بلکه اگر رطوبت و خون به اندازه درهم نشود و اطراف را هم آلوده نکند نماز خواندن با آن اشکال دارد ولی اگر رطوبت مخلوط به خون شود و مستهلک شده از بین برود نماز صحیح است.

اگر بدن یا لباس خونی نشود ولی به واسطه رسیدن به خون نجس شود اگرچه مقداری که نجس شده کمتر از درهم باشد، نمی شود با آن نماز خواند.

اگر خونی که در بدن یا لباس است کمتر از درهم باشد و نجاست دیگری به آن برسد مثلاً یک قطره بول روی آن بریزد نماز خواندن با آن جایز نیست.



اگر لباسهای کوچک نماز گزار مثل عرقچین، جوراب و دستکش که نمی شود با آنها عورت را پوشاند نجس باشد، چنانچه از مردار و حیوان حرام گوشت درست نشده باشد نماز با آنها صحیح است و نیز اگر با انگشتر یا عینک نجس نماز بخواند اشکال ندارد.

احتیاط واجب آن است که چیز نجسی که با آن می شود عورت را پوشاند همراه نماز گزار نباشد، اما همراه بودن چیز نجسی که نمی شود عورت را با آن پوشاند مانند دستمال کوچک و کلید و چاقو و پول نجس مانعی ندارد.

زنی که پرستار بچه است که بنا بر احتیاط واجب بچه پسر باشد نه دختر، و بیشتر از یک لباس ندارد، چنانچه نتواند لباس دیگری بخرد یا کرایه کند و یا عاریه نماید، هرگاه شبانه روزی یک مرتبه لباس خود را آب بکشد اگرچه تا روز دیگر لباسش به بول پسر نجس شود می تواند با آن لباس نماز بخواند ولی احتیاط واجب آن است که لباس خود را شبانه روز یک مرتبه برای اولین نمازی که لباسش پیش از آن نجس شده آب بکشد و نیز اگر بیشتر از یک لباس دارد ولی ناچار است که همه آنها را بپوشد، چنانچه شبانه روزی یک مرتبه به دستوری که گفته شده همه آنها را آب بکشد کافی است. و در صورتی که بتواند لباس دیگری بخرد یا کرایه کند احتیاط واجب این است که با لباس پاک نماز بخواند.

چیزهایی که در لباس نماز گزار مستحب است

گذاشتن عمامه با تحت الحنک، پوشیدن عبا خصوصاً برای کسی که امام جماعت باشد، پوشیدن لباس سفید و پوشیدن پاکیزه ترین لباسها، و استعمال بوی خوش و دست کردن انگشتری عقیق برای نماز گزار مستحب است.

چیزهایی که در لباس نماز گزار مکروه است

پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباس شرابخوار و پوشیدن لباس کسی که از نجاست پرهیز نمی کند، پوشیدن لباسی که نقش صورت دارد و نیز باز بودن تکمه های لباس و دست کردن انگشتری که نقش صورت دارد برای نماز گزار مکروه می باشد.

### مکان نماز گزار

مکان نماز گزار چند شرط دارد:

شرط اول: مباح باشد.

کسی که در ملک غصبی نماز می خواند اگرچه روی فرش و تخت و مانند اینها باشد نمازش باطل است ولی نماز خواندن در زیر سقف غصبی و خیمه غصبی مانعی ندارد.

نماز خواندن در ملکی که منفعت آن مال دیگری است بدون اجازه صاحب منفعت، باطل است، مثلاً در خانه اجاره ای اگر مالک خانه یا شخص دیگری بخواهد نماز بخواند بدون اجازه مستأجر نماز باطل است و همچنین است اگر در ملکی که دیگری در آن حقّی دارد نماز بخواند باطل است.

مثلاً اگر وصیت کرده باشد که ثلث مال او را به مصرفی برسانند تا وقتی ثلث را جدا نکنند نمی شود در ملک او نماز خواند.

کسی که در مسجد نشسته اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در محلّ دیگری بخواند.

اگر در جائی که نمی داند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد، یا در جائی که غصبی بودن آن را فراموش کرده نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید نماز او صحیح است مگر آنکه خودش غصب کرده باشد. که بنا بر احتیاط واجب باطل است.

اگر بداند جائی غصبی است، ولی نداند که در جای غصبی نماز باطل است و در آنجا نماز بخواند اگر جاهل مقصر باشد بنا بر احتیاط، نماز او باطل می باشد.

نماز مستحبی را می توان هنگام سواری حتی در حال اختیار خواند کما این که نماز واجب را می توان در حال اضطرار و ناچاری در حال سواری خواند و در این فرض اگر زین اسب یا صندلی ماشین و قطار و هواپیما غصبی باشد نماز باطل است.

تصرف در زمین غصبی که فعلاً مالک مشخصی ندارد جایز نیست و نماز خواندن در آن باطل است و برای تعیین تکلیف آن باید به مجتهد جامع الشرائط رجوع شود. همچنین تصرف در ساختمانی که با مصالحی ساخته شده که مالک آن معلوم نیست حکم تصرف در مال غصبی را دارد و جایز نیست اما نماز در این ساختمان اگر نماز بر روی زمین مباح باشد که با مصالح مذکور فرش نشده باشد باطل نیست.

کسی که در ملکی با دیگری شریک است اگر سهم او جدا نباشد، بدون اجازه شریکش نمی تواند در آن ملک تصرف کند و نماز بخواند.

اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد، تصرف او در آن ملک حرام و نمازش هم در آن باطل است، و همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر به ذمه بخرد و در موقع خریدن قصدش این باشد که از مالی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد.

اگر صاحب ملک به زبان، اجازه نماز خواندن بدهد و انسان بداند که قلباً راضی نیست، نماز خواندن در ملک او باطل است. و اگر اجازه ندهد و انسان یقین کند که قلباً راضی است نماز صحیح است.

میّتی که بدهکار است چنانچه بدهکاری وی از تمام اموال باقیمانده او بیشتر باشد هر نوع تصرفی در اموال او حرام و نماز خواندن ورثه در زمین و خانه او بدون رضایت طلبکاران باطل است. اما اگر بدهکاری وی از اموال باقیمانده او کمتر باشد تصرف در اموال او و نماز خواندن در خانه و زمین او با یکی از دو شرط زیر مجاز است: الف - از قرائن خارجی بدانند که طلبکاران او راضی هستند. ب - ورثه تصمیم داشته باشند بدون مسامحه بدهی او را پرداخت کنند.

تصرف در ملک میّتی که به مردم بدهکار است حرام و نماز در آن باطل است و این در صورتی است که بدهکاری به اندازه همه مال باشد.

ولی اگر بدهکاری او کمتر از مالش باشد و بدانند طلبکار یا طلبکاران راضی هستند یا ورثه تصمیم داشته باشند که بدون مسامحه بدهی او را بدهند، تصرف در آن ملک و نماز خواندن در آن اشکال ندارد لیکن در این صورت بنا بر احتیاط واجب باید از ولیّ میّت هم اجازه بگیرند.

اگر میّت قرض نداشته باشد ولی بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه یا غائب باشند، فقط به مقدار مصارف متعارف (کفن و دفن) که اگر انجام نشود جنازه روی زمین می ماند می توان در اموال او تصرف کرد. ولی سایر تصرفات در آن اموال حرام و نماز خواندن در خانه او باطل است مگر بعد از تعیین قیم و عمل بر طبق صلاحدید وی.

نماز خواندن در اماکن عمومی مانند هتل ها، مسافرخانه ها و حمام ها که برای ورود مسافران و مشتریان آماده است اشکال ندارد ولی نماز خواندن برای دیگران که مسافر و مشتری آن اماکن نیستند اگر قرینه ای که دلالت بر رضایت صاحب آن بکند وجود داشته باشد مانع ندارد، و نماز خواندن در اماکن خصوصی بدون اجازه مالک آن جایز نیست، ولی اگر اجازه تصرفات دیگری دهد که معلوم شود برای نماز خواندن نیز راضی است می تواند در آنجا نماز بخواند. مثل اینکه کسی را برای صرف غذا و استراحت دعوت کند که مسلماً برای نماز رضایت دارد.

در زمین های بسیار وسیعی که برای مردم اجتناب از آن غیر ممکن یا سخت است اگرچه صاحبانش کراهت داشته باشند نماز خواندن و نشستن و خوابیدن در آن اشکال ندارد، اگرچه در مالکین آنها صغیر و دیوانه باشد هر چند احتیاط این است که در صورت علم به عدم رضایت صاحبان آن ها از آن اجتناب شود.

شرط دوّم: استقرار است.

مکان نماز گزار باید آرام و بدون حرکت باشد، لذا نماز در وسائل نقلیه ای که در حال حرکت باعث تکان خوردن و عدم آرامش انسان می شود باطل است. مگر در زمان ناچاری - مثلاً تنگی وقت - که در این صورت نیز باید تا جایی که می تواند شرایط نماز را رعایت کند و هنگام حرکت و تکان خوردن چیزی نخواند و هرگاه وسیله نقلیه تغییر مسیر داد خود را به سمت قبله بچرخاند.

نماز خواندن در وسائل نقلیه ای که موجب حرکت و تکان خوردن انسان نمی شود و انسان در آن وسائل آرامش دارد؛ مثل کشتی، هواپیما، قطار با رعایت شرایط نماز، مثل قبله، اشکال ندارد. ولی اگر عرفاً با استقرار وطمأنینه منافات داشته باشد مثل قایق و ماشین سواری صحیح نیست مگر در حال ضرورت و تنگی وقت.

نماز روی خرمن گندم و جو و تپه ای از رمل و مانند اینها که نمی شود استقرار پیدا کرد باطل است، اما اگر حرکت کم باشد که بتوان واجبات نماز را انجام داد و شرایط دیگر را رعایت کرد مانع ندارد.

در جائی که به واسطه احتمال باد و باران و زیادی جمعیت و مانند اینها اطمینان ندارد که بتواند نماز را تمام کند، اگر به امید تمام کردن شروع کند اشکال ندارد و اگر به مانعی برنخورد نمازش صحیح است، و در جائی که ماندن در آن حرام است (مثلاً جائی که خطر خراب شدن سقف یا ریزش کوه یا تصادف و...) نباید نماز بخواند ولی اگر خواند نمازش صحیح است لیکن مرتکب حرام شده است. و همچنین روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است مانند فرش یا روزنامه ای که اسم خدا و آیات قرآن بر آن نوشته شده نباید نماز بخواند ولی اگر خواند نمازش صحیح است اما مرتکب حرام شده است.

احتیاط واجب آن است که در خانه کعبه و بر بام آن نماز واجب را نخواند ولی در حال ناچاری مانع ندارد.

خواندن نماز مستحب در خانه کعبه و بر بام آن اشکال ندارد بلکه مستحب است در داخل خانه کعبه مقابل هر رکنی دو رکعت نماز بخواند.

شرط سوّم: در جائی نماز بخواند که بتواند واجبات نماز را انجام دهد.

در جائی که سقف آن کوتاه است و نمی تواند در آنجا راست بایستد یا به اندازه ای کوچک است که جای رکوع و سجود ندارد نباید نماز بخواند، و اگر ناچار شود که در چنین جائی نماز بخواند باید قدری که ممکن است قیام و رکوع و سجود را بجا آورد.

انسان نباید جلوتر از قبر پیغمبر و امام (علیه السلام) نماز بخواند و بنابر احتیاط مستحب مساوی قبر مطهر معصوم نماز نخواند.

اگر در نماز چیزی مانند دیوار بین او و قبر مطهر معصوم حائل باشد که بی احترامی نشود اشکال ندارد ولی فاصله شدن صندوق شریف و ضریح و پارچه ای که روی آن افتاده کافی نیست.

شرط چهارم: موجب نجاست لباس و بدن نماز گزار نشود.

مکان نماز گزار اگر نجس است نباید به طوری تر باشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد مگر نجاستی باشد که در نماز معفو است. ولی جایی که پیشانی را بر آن می گذارد اگر نجس باشد نماز باطل است هر چند نجاست آن مسری نباشد و اگر مقدار واجب در سجده پاک باشد کافی است و احتیاط مستحب آن است که مکان نماز گزار اصلاً نجس نباشد.

شرط پنجم: مرد بر زن مقدم باشد.

در نماز، زن باید عقب تر از مرد بایستد و بهتر است جای سجده زن از جای ایستادن مرد کمی عقب تر باشد، بنابراین اگر زن جلوتر یا مساوی مرد بایستد نماز باطل است و در این حکم بین محرم و نامحرم یا زن و شوهر تفاوتی ندارند، و همینطور بین نماز واجب و مستحب فرق ندارد.

اگر زن در کنار مرد یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند نماز هر دو باطل است اما اگر یکی قبلاً وارد نماز شده باشد نماز او صحیح است ولی نماز دومی باطل است.

اگر میان مرد و زن دیوار یا پرده یا چیز دیگری باشد که یکدیگر را نبینند یا بین آنها ده ذراع که تقریباً ۵ متر است فاصله باشد نمازشان صحیح است.

اگر زن در طبقه دوم نماز بخواند گرچه جلوتر یا مساوی مرد باشد نمازش صحیح است حتی اگر ارتفاع کمتر از ۱۰ ذراع یعنی کمتر از پنج متر باشد.

شرط ششم: مسطح بودن مکان نماز گزار.

جای پیشانی نماز گزار از جای زانوها و سر انگشتان پای او نباید بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلندتر باشد.

جاهایی که نماز خواندن در آنها مستحب است

در شرع مقدّس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه مسجدها مسجد الحرام است و بعد از آن مسجد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و بعد مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدّس و بعد مسجد جامع هر شهر و بعد از آن مسجد محله، و بعد از مسجد محله، مسجد بازار است.

برای زنها بهتر آن است که نماز را در خانه و اطاق اختصاصی خود بخوانند. ولی اگر نماز در مسجد به هر جهتی غیر از مسجد بودن فضیلت بر نماز در خانه را داشته باشد مثل این که در مسجد جماعت است یا حضور قلب بیشتری وجود دارد بهتر است زنان برای درک این فضیلت با حجاب کامل به مسجد بروند و اگر راهی برای یاد گرفتن احکام و مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد واجب است به مسجد بروند.

نماز در حرم امامان (علیهم السلام) مستحب بلکه بهتر از مسجد است و نماز در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) برابر دو یست هزار نماز است.

زیاد رفتن به مسجد و رفتن در مسجدی که نماز گزار ندارد مستحب است و همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.

مستحب است انسان با کسی که از روی بی اعتنائی به مسجد حاضر نمی شود رابطه دوستی برقرار نکند، با او غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد.

جاهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است

نماز خواندن در موارد زیر مکروه است: حمام، زمین نمکزار، مقابل انسان، مقابل دری که باز است، در جاده و خیابان و کوچه اگر برای کسانی که عبور می کنند زحمت نباشد و چنانچه زحمت باشد حرام و نماز باطل است، مقابل آتش و چراغ، در آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشد، مقابل چاه و گودالی که محل بول باشد، روبروی عکس و روبروی مجسمه چیزی که روح دارد مگر آنکه روی آن پرده بکشند، در اطاقی که جنب در آن باشد، در جائی که عکس باشد اگرچه روبروی نماز گزار نباشد، مقابل قبر، روی قبر، بین دو قبر و در قبرستان.

کسی که در محل عبور مردم نماز می خواند، یا کسی روبروی اوست مستحب است جلوی خود چیزی بگذارد که میان او و آنها حائل گردد حتی اگر عصا، تسبیح یا ریسمانی باشد.

# احکام نمازهای مستحب

## فهرست عناوین مبمات نمازهای مستحب

نمازهای مستحبی زیاد است و آنها را نافله گویند. در بین نمازهای مستحبی به خواندن نافله های شبانه روز بیشتر سفارش شده و آنها در غیر روز جمعه سی و چهار رکعت هستند که هشت رکعت آن نافله ظهر و هشت رکعت نافله عصر و چهار رکعت نافله مغرب و دو رکعت نافله عشا و یازده رکعت نافله شب و دو رکعت نافله صبح می باشد. و چون دو رکعت نافله عشا را بنابر احتیاط مستحب باید نشسته خواند، یک رکعت حساب می شود. ولی در روز جمعه بر شانزده رکعت نافله ظهر و عصر، چهار رکعت اضافه می شود.

از یازده رکعت نافله شب، هشت رکعت آن باید به نیت نافله شب و دو رکعت آن به نیت نماز شفع و یک رکعت آن به نیت نماز وتر خوانده شود. دستور کامل نافله شب در کتابهای دعا گفته شده است.

نمازهای نافله را می شود نشسته خواند، ولی بهتر است دو رکعت نماز نافله نشسته را یک رکعت حساب کند، مثلاً کسی که می خواهد نافله ظهر را که هشت رکعت است نشسته بخواند بهتر است شانزده رکعت بخواند و اگر می خواهد نماز وتر را نشسته بخواند، دو نماز یک رکعتی نشسته بخواند.

نافله ظهر و عصر در سفر ساقط است و نباید خواند ولی نافله عشا را به نیت اینکه شاید مطلوب باشد می تواند بجا آورد.

## وقت نافله های یومیه

نافله نماز ظهر پیش از نماز ظهر خوانده می شود و وقت آن از اوّل ظهر است تا موقعی که سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می شود به اندازه دو هفتم شاخص شود، مثلاً اگر ارتفاع شاخص هفتاد سانتیمتر باشد، هر وقت مقدار سایه ای که بعد از ظهر پیدا می شود به بیست سانتیمتر برسد آخر وقت نافله ظهر است.

نافله عصر پیش از نماز عصر خوانده می شود و وقت آن تا موقعی است که سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می شود به چهار هفتم شاخص برسد. و چنانچه بخواند نافله ظهر یا نافله عصر را بعد از وقت آنها بخواند بنابر احتیاط واجب باید نافله ظهر را بعد از نماز ظهر و نافله عصر را بعد از نماز عصر بخواند و بنابر احتیاط واجب نیت اداء و قضا نکند.

وقت نافله مغرب بعد از تمام شدن نماز مغرب است تا وقتی که سرخی طرف مغرب که بعد از غروب کردن آفتاب در آسمان پیدا می شود از بین برود.

وقت نافله عشا بعد از تمام شدن نماز عشا تا نصف شب است و بهتر است بعد از نماز عشا بلافاصله خوانده شود.

نافله صبح پیش از نماز صبح خوانده می شود و وقت آن بعد از گذشتن از نصف شب به مقدار خواندن یازده رکعت نماز شب است ولی احتیاط مستحب آن است که قبل از فجر اول نخوانند.

وقت نافله شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.

مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند یا ترس آن دارد که در وقت بیدار نمی شود می تواند آن را در اول شب بجا آورد.

### نماز غفیله

یکی از نمازهای مستحبی نماز غفیله است که بین نماز مغرب و عشا خوانده می شود، و وقت آن بعد از نماز مغرب است تا وقتی که سرخی طرف مغرب از بین برود و آن دو رکعت است، در رکعت اول بعد از حمد باید بجای سوره این آیه را بخوانند:

«وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ»

و در رکعت دوم بعد از حمد به جای سوره این آیه را بخوانند:

«وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي البُرِّ وَالبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»

و در قنوت آن بگویند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا» به جای کلمه کذا و کذا حاجتهای خود را بگویند، بعد بگویند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَالقَادِرُ عَلَيَّ طَلَبْتِي تَعَلَّمْ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي»

### نماز عید فطر و قربان

نماز عید فطر و قربان در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و باید بجماعت خوانده شود و در زمان ما که امام علیه السلام غائب است، مستحب می باشد. و می شود آنرا بجماعت یا فرادی خواند.

وقت نماز عید فطر و قربان از اول آفتاب روز عید است تا ظهر.



مستحب است نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخوانند، و در عید فطر مستحب است بعد از بلند شدن آفتاب افطار کنند و زکات فطره را هم بدهند، بعد نماز عید را بخوانند.

نماز عید فطر و قربان دو رکعت است که در رکعت اول بعد از خواندن

حمد و سوره باید پنج تکبیر بگوید، و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و برکوع رود و دو سجده بجا آورد و برخیزد و در رکعت دوم چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و برکوع رود و بعد از رکوع دو سجده کند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

در قنوت نماز عید فطر و قربان هر دعا و ذکر بخوانند کافی است ولی بهتر است این دعا را بخوانند:

«اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَشَرَفاً وَكِرَامَةً وَمَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ»

مستحب است در نماز عید فطر و قربان قرائت را بلند بخوانند.

نماز عید سوره مخصوصی ندارد ولی بهتر است که در رکعت اول آن سوره شمس (سوره ۹۱) و در رکعت دوم سوره غاشیه (سوره ۸۸) را بخوانند یا در رکعت اول سوره سبح اسم (سوره ۸۷) و در رکعت دوم سوره شمس را بخوانند.

مستحب است روز عید فطر قبل از نماز عید، به خرما افطار کند و در عید قربان بعد از نماز از گوشت قربانی بخورد.

مستحب است پیش از نماز عید غسل کند و پیاده و پابرهنه و با وقار به نماز عید برود و عمامه سفید بر سر بگذارد.

مستحب است در نماز عید بر زمین سجده کنند و در حال گفتن تکبیرها دستها را بلند کنند و نماز را بلند بخوانند.

مستحب است نماز عید را در صحرا بخوانند ولی در مکه مستحب است در مسجد الحرام خوانده شود.

بعد از نماز مغرب و عشاء شب عید فطر و بعد از نماز صبح و ظهر و

عصر روز عید و نیز بعد از نماز عید فطر مستحب است این تکبیرها را بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا.

مستحب است انسان در عید قربان بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز دوازدهم است تکبیرهایی را که در مسأله پیش گفته شد بگوید و بعد از آن بگوید: **اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بِهيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَأَنَا.** ولی اگر عید قربان را در منی باشد مستحب است بعد از پانزده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز سیزدهم ذی حجه است، این تکبیرها را بگوید.

کراهت دارد نماز عید را زیر سقف بخوانند.

اگر شك کند در تکبیرهای نماز و قنوت های آن، چنانچه از محل آن تجاوز کرده بشك خود اعتنا نکند، ولی اگر از محل آن تجاوز نکرده است بنابر اقل بگذارد و اگر بعد معلوم شد که گفته بوده اشکال ندارد.

اگر قرائت یا تکبیرات یا قنوتها را فراموش کند و نیارد و بعد از رفتن برکوع یادش بیاید نمازش صحیح است.

اگر رکوع یا دو سجده یا تکبیره الاحرام را فراموش کند نمازش باطل می شود.

اگر در نماز عید یک سجده یا تشهد را فراموش کند احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز آنرا رجاء بجا آورد. و اگر کاری کند که برای آن سجده سهو در نمازهای یومیه لازم است، احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز رجاء دو سجده سهو برای آن بنماید.

# احكام واجبات نماز

فهرست عناوين مبحث واجبات نماز

✕ واجبات نماز

✕ نِيَّت

✕ تكبيرة الاحرام

✕ قيام نماز

✕ قرائت

✕ ركوع

✕ سجود

✕ تشهد

✕ سلام نماز

✕ ترتيب

✕ مُوالات

✕ قنوت

✕ ترجمه نماز

## واجبات نماز

واجبات نماز یازده چیز است (با کلیک کردن بر روی هر قسمت می توانید توضیحات مربوطه را مشاهده نمایید)

۱. نیت
۲. قیام یعنی ایستادن
۳. تکبیره الاحرام یعنی گفتن الله اکبر در اول نماز
۴. رکوع
۵. سجود
۶. قرائت
۷. ذکر
۸. تشهد
۹. سلام
۱۰. ترتیب
۱۱. موالات یعنی پی در پی بودن اجزاء نماز

بعضی از واجبات نماز رکن است یعنی اگر انسان آنها را بجا نیاورد یا در نماز اضافه کند عمداً باشد یا اشتبهاً نماز باطل می شود و بعضی از آنها رکن نیست یعنی اگر عمداً کم یا زیاد شود نماز باطل می شود و چنانچه اشتبهاً کم یا زیاد شود نماز را باطل نمی کند. و ارکان نماز پنج چیز است: اول نیت، دوم تکبیره الاحرام، سوم قیام در موقع گفتن تکبیره الاحرام و قیام متصل به رکوع یعنی ایستادن پیش از رکوع، چهارم رکوع، پنجم دو سجده .

### نیت

انسان باید نماز را به نیت قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد، و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذرانند یا مثلاً به زبان بگویند که چهار رکعت نماز ظهر می خوانم قربه الی الله.

اگر در نماز ظهر یا عصر نیت کند که چهار رکعت نماز می خوانم و معین نکند که نماز ظهر است یا عصر، نماز او باطل است. و نیز کسی که مثلاً قضای نماز ظهر بر او واجب است اگر در وقت نماز ظهر بخواهد نماز قضایا نماز ظهر را بخواند باید نمازی را که می خواند در نیت معین کند.

انسان باید از اول تا آخر نماز به نیت خود باقی باشد پس اگر در بین نماز به طوری غافل شود که اگر پرسند چه می کنی نداند نمازش باطل است.

انسان باید فقط برای انجام امر خداوند عالم نماز بخواند پس کسی که ریا کند یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است خواه فقط برای مردم باشد یا خدا و مردم یعنی هر دو را در نظر بگیرد.

اگر قسمتی از نماز را هم برای غیر خدا بجا آورد نماز باطل است؛ چه آن قسمت ریائی واجب باشد مثل حمد و سوره و چه مستحب مانند قنوت بلکه اگر تمام نماز را برای خدا بجا آورد ولی برای نشان دادن به مردم در جای مخصوصی مثل مسجد یا در وقت مخصوصی مثل اول وقت یا به طرز مخصوصی مثلاً با جماعت نماز بخواند نمازش باطل است.

### تکبیره الاحرام

گفتن «الله اکبر» در اول هر نماز واجب و رکن است و باید حروف الله و حروف اکبر و دو کلمه «الله» و «اکبر» را پشت سرهم بگوید و نیز باید این دو کلمه به عربی صحیح گفته شود و اگر به عربی غلط بگوید یا مثلاً ترجمه آن را به فارسی بگوید صحیح نیست.

احتیاط واجب آن است که تکبیره الاحرام نماز را به چیزی که پیش از آن می خواند مثلاً به اقامه یا به دعائی که پیش از تکبیر می خواند نچسباند.

اگر انسان بخواهد «الله اکبر» را به چیزی که بعد از آن می خواند مثلاً به بسم الله الرحمن الرحیم بچسباند بهتر است حرف (ر) اکبر را ضمه بدهد. هر چند احتیاط مستحب است که در نماز واجب متصل نکند.

موقع گفتن تکبیره الاحرام باید بدن آرام باشد و اگر عمدأ در حالی که بدنش حرکت دارد تکبیره الاحرام را بگوید باطل است و چنانچه سهواً حرکت کند بنابر احتیاط واجب باید اول عملی که نماز را باطل می کند انجام دهد و بعد از آن دوباره تکبیر بگوید.

تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را باید طوری بخواند که خودش بشنود و اگر به واسطه سنگینی یا کوری گوش و یا سرو صدای زیاد نمی شنود باید طوری بگوید که اگر مانعی نباشد بشنود.

کسی که لال است یا زبان او مرضی دارد که نمی تواند «الله اکبر» را درست بگوید باید به هر طور که می تواند بگوید و اگر هیچ نمی تواند بگوید باید در قلب خود بگذراند و برای تکبیر اشاره کند و زبانش را هم اگر می تواند حرکت دهد.

مستحب است قبل از تکبیره الاحرام بگوید: «یا مُحْسِنُ قَدْ آتَاكَ الْمُسِيءُ وَقَدْ أَمَرْتُ الْمُحْسِنَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِيءِ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَأَنَا الْمُسِيءُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجَاوَزَ عَنِ قَبِيحٍ مَا تَعَلَّمُ مِنِّي» یعنی ای خدائی که به بندگان احسان می کنی بنده گنهکار به در خانه تو آمده و تو امر کرده ای که نیکوکار از گنهکار بگذرد

تو نیکوکاری و من گنهکار به حق محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) رحمت خود را بر محمد و آل محمد بفرست و از بدی هائی که می دانی از من سر زده بگذر.

مستحب است موقع گفتن تکبیر اول نماز و تکبیرهای بین نماز دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد.

اگر شک کند که تکبیره الاحرام را گفته یا نه چنانچه مشغول خواندن چیزی از قرائت یا ذکرهای مستحب قبل از آن مثل استعاذه شده به شک خود اعتنا نکند و اگر چیزی نخوانده باید تکبیر را بگوید.

اگر بعد از گفتن تکبیره الاحرام شک کند که آن را صحیح گفته یا نه باید به شک خود اعتنا نکند ولی اگر بعد از تکبیر و قبل از خواندن چیزی شک کند که آنرا صحیح خوانده، مستحب است نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

### قیام نماز

قیام در موقع گفتن تکبیره الاحرام و قیام پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می گویند رکن است ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع رکن نیست و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند نمازش صحیح است.

واجب است پیش از گفتن تکبیر و بعد از آن مقداری بایستد تا یقین کند که در حال ایستاده تکبیر گفته است.

قیام متصل به رکوع یعنی انسان از حالت ایستاده به قصد رکوع خم شود، بنابر این اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره به نیت سجده خم شود و یادش بیاید که رکوع نکرده باید بایستد و به رکوع رود و اگر بدون اینکه بایستد به حال خمیدگی به رکوع برود چون قیام متصل به رکوع را بجا نیاورده نماز او باطل است.

موقعی که ایستاده است باید بدن را حرکت ندهد و به طرفی خم نشود و به جائی تکیه نکند ولی اگر از روی ناچاری باشد یا در حال خم شدن برای رکوع پاها را حرکت دهد اشکال ندارد.

اگر موقعی که ایستاده از روی فراموشی بدن را حرکت دهد یا به طرفی خم شود و یا به جائی تکیه کند اشکال ندارد ولی در قیام موقع گفتن تکبیره الاحرام و قیام متصل به رکوع اگر از روی فراموشی هم باشد بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.

واجب است در موقع ایستادن هردو پا روی زمین باشد ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هردو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد.

کسی که می تواند درست بایستد اگر پاها را خیلی گشاد بگذارد که عرفاً قیام بر آن صدق نکند نمازش باطل است.

موقعی که انسان در نماز می خواهد کمی جلو یا عقب رود یا کمی بدن را به طرف راست یا چپ حرکت دهد باید چیزی نگوید ولی «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومٌ وَأَقْعُدُ» را باید در حال برخاستن بگوید، و در موقع گفتن ذکرهای واجب هم بدن باید بی حرکت باشد بلکه احتیاط واجب آن است که در موقع گفتن ذکرهای مستحبی هم بدنش آرام باشد.

اگر در حال حرکت بدن ذکر بگوید مثلاً موقع رفتن به رکوع یا رفتن به سجده تکبیر بگوید چنانچه آن را به قصد ذکری که در نماز دستور داده اند بگوید باید احتیاطاً نماز را دوباره بخواند و اگر به این قصد نگوید بلکه بخواد ذکری گفته باشد نمازش صحیح است.

حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد اشکال ندارد اگرچه احتیاط مستحب آن است که آنها را هم حرکت ندهد.

اگر موقع خواندن حمد و سوره یا ذکر واجب بی اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود احتیاط واجب آن است که بعد از آرام گرفتن بدن آنچه را در حال حرکت خوانده دوباره بخواند.

اگر در بین نماز از ایستادن عاجز شود باید بنشیند و اگر از نشستن هم عاجز شود باید بخوابد ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی از واجبات نماز را نخواند.

تا انسان می تواند ایستاده نماز بخواند نباید بنشیند مثلاً کسی که در موقع ایستادن بدنش حرکت می کند یا مجبور است به چیزی تکیه دهد یا بدنش را کج کند یا خم شود و یا پاها را بیشتر از معمول گشاد بگذارد باید به هر طور که می تواند ایستاده نماز بخواند ولی اگر به هیچ قسم حتی مثل حال رکوع هم نتواند بایستد باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.

تا انسان می تواند بنشیند نباید خوابیده نماز بخواند و اگر نتواند راست بنشیند باید هر طور که می تواند بنشیند و اگر به هیچ قسم نمی تواند بنشیند باید به طوری که در احکام قبله گفته شد به پهلو راست بخوابد و اگر نمی تواند به پهلو چپ و اگر آن هم ممکن نیست به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

کسی که نشسته نماز می خواند اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را ایستاده بجا آورد باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع رود و اگر نتواند باید رکوع را هم نشسته بجا آورد.

کسی که خوابیده نماز می خواند اگر در بین نماز بتواند بنشیند باید مقداری را که می تواند نشسته بخواند و نیز اگر می تواند بایستد باید مقداری را که می تواند ایستاده بخواند ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی از واجبات نماز را نخواند.

کسی که می تواند بایستد اگر بترسد که به واسطه ایستادن مریض شود یا ضرری به او برسد می تواند نشسته نماز بخواند و اگر از نشستن هم بترسد می تواند خوابیده نماز بخواند.

اگر اطمینان دارد که تا آخر وقت عذر او برطرف شده و می تواند ایستاده نماز بخواند به احتیاط واجب باید صبر کند تا آخر وقت که اگر توانست ایستاده نماز بخواند و اگر ممکن نشد نشسته بخواند، اما اگر احتمال بدهد که تا آخر وقت عذر او برطرف می شود بهتر است تا آخر وقت صبر کند.

مستحب است در حال ایستادن بدن را راست نگهدارد، شانه ها را پائین بیندازد، دستها را روی رانها بگذارد، انگشتها را بهم بچسباند، جای سجده را نگاه کند، سنگینی بدن را به طور مساوی روی دو پا بیندازد، با خضوع و خشوع باشد، پاها را پس و پیش نگذارد، اگر مرد است پاها را از سه انگشت باز تا یک وجب فاصله دهد، و اگر زن است پاها را به هم بچسباند.

### قراءت

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، انسان باید اول حمد و بعد از آن یک سوره تمام بخواند.

اگر وقت نماز تنگ باشد یا انسان ناچار شود که سوره را نخواند مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند دزد یا درنده یا چیز دیگری به او صدمه بزند نباید سوره را بخواند و اگر در کاری عجله داشته باشد می تواند سوره را نخواند.

اگر عمداً سوره را پیش از حمد بخواند نمازش باطل است و اگر اشتبهاً سوره را پیش از حمد بخواند و در بین آن یادش بیاید باید سوره را رها کنند و بعد از خواندن حمد سوره را از اول بخواند.

اگر حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کند و بعد از رسیدن به رکوع بفهمد نمازش صحیح است.

اگر پیش از آنکه برای رکوع خم شود بفهمد که حمد و سوره را نخوانده باید بخواند و اگر بفهمد سوره را نخوانده باید فقط سوره را بخواند ولی اگر بفهمد حمد تنها را نخوانده باید اول حمد و بعد از آن دوباره سوره را بخواند و نیز اگر خم شود و پیش از آنکه به رکوع برسد بفهمد حمد و سوره یا سوره تنها و یا حمد تنها را نخوانده باید بایستد و به همین دستور عمل نماید.

اگر در نماز واجب، یکی از چهار سوره ای را که آیه سجده دارد و در مسأله «۱۱۰۵» گفته می شود عمداً بخواند نمازش باطل است.

اگر اشتبهاً مشغول خواندن سوره ای شود که سجده واجب دارد چنانچه پیش از رسیدن به آیه سجده بفهمد باید آن سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند و اگر بعد از خواندن آیه سجده بفهمد باید در بین نماز بنا بر احتیاط با اشاره، سجده آن را بجا آورد و به همان سوره که خوانده می تواند اکتفا نماید.



اگر در نماز آیه سجده را بشنود و به اشاره سجده کند نمازش صحیح است.

در نماز مستحبی خواندن سوره لازم نیست اگرچه آن نماز به واسطه نذر کردن واجب شده باشد ولی در بعضی از نمازهای مستحبی مثل نماز وحشت که سوره مخصوصی دارد اگر بخواند به دستور آن نماز رفتار کرده باشد باید همان سوره را بخواند هر چند به نصف آن نرسیده باشد.

در نماز جمعه و در نماز ظهر روز جمعه مستحب است در رکعت اول بعد از حمد سوره جمعه و در رکعت دوم بعد از حمد سوره منافقین بخواند و اگر مشغول یکی از اینها شود بنا بر احتیاط واجب نمی تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند.

اگر بعد از حمد مشغول خواندن سوره قل هو الله احد یا سوره قل یا ایها الکافرون شود نمی تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند، ولی در نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سوره جمعه و منافقین یکی از این دو سوره را بخواند تا به نصف نرسیده می تواند آن را رها کند و سوره جمعه و منافقین را بخواند.

اگر در نماز جمعه یا نماز ظهر روز جمعه عمداً سوره قل هو الله احد یا سوره قل یا ایها الکافرون بخواند اگرچه به نصف نرسیده باشد بنا بر احتیاط واجب نمی تواند آن را رها کند و سوره جمعه و منافقین را بخواند.

اگر در نماز، غیر سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون سوره دیگری بخواند تا به نصف نرسیده می تواند رها کند و سوره دیگری بخواند.

اگر مقداری از سوره را فراموش کند یا از روی ناچاری مثلاً به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر نشود آن را تمام کند می تواند آن سوره را رها کند و سوره دیگری بخواند اگرچه از نصف گذشته باشد یا سوره ای را که می خواند قل هو الله احد یا قل یا ایها الکافرون باشد.

بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند، و بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخواند.

مرد باید در نماز صبح و مغرب و عشا مواظب باشد که تمام کلمات حمد و سوره حتی حرف آخر آنها را بلند بخواند.

زن می تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخواند.

اگر در جائی که باید نماز را بلند خواند عمداً آهسته بخواند یا در جائی که باید آهسته خواند عمداً بلند بخواند نمازش باطل است ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد صحیح است و اگر در بین خواندن حمد و سوره هم بفهمد اشتباه کرده لازم نیست مقداری را که خوانده دوباره بخواند.

اگر کسی در خواندن حمد و سوره بیشتر از معمول صدایش را بلند کند مثل آنکه آنها را با فریاد بخواند نمازش باطل است.

انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که به هیچ قسم نمی تواند صحیح آن را یاد بگیرد باید هر طور که می تواند بخواند و احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت بجا آورد.

کسی که حمد و سوره و چیزهای دیگر نماز را به خوبی نمی داند و می تواند یاد بگیرد چنانچه وقت نماز وسعت دارد باید یاد بگیرد و اگر وقت تنگ است بنابر احتیاط واجب در صورتی که ممکن باشد باید نمازش را به جماعت بخواند.

احتیاط مستحب آن است که برای یاد دادن واجبات نماز مزد نگیرد ولی برای مستحبات آن اشکال ندارد.

اگر یکی از کلمات حمد یا سوره را نداند یا عمداً آن را نگوید یا به جای حرفی حرف دیگر بگوید مثلاً به جای (ض) (ظ) بگوید یا جائی که باید بدون زیر و زبر خوانده شود زیر و زبر بدهد یا تشدید را نگوید نماز او باطل است.

اگر اطمینان داشته باشد که حمد و سوره و اذکار واجب نماز را به صورت صحیح می خواند و بعد متوجه شود که غلط بوده نمازهایی را که خوانده صحیح است و قضا ندارد هر چند احتیاط مستحب آن است که قضا کند. اما اگر احتمال غلط بودن حمد و سوره و سایر اذکار واجب نماز را می داده و سهل انگاری کرده و نماز خوانده و بعد متوجه شده که غلط بوده نمی تواند به نمازهایی که خوانده اکتفا کند. و اگر به جهت لهجه خاصی که دارد نتواند نماز خود را به صورت عربی صحیح بخواند به همان مقدار که قدرت دارد بخواند و صحیح است.

اگر زیر و زبر کلمه ای را نداند باید یاد بگیرد ولی اگر کلمه ای را که وقف کردن آخر آن جایز است همیشه وقف کند یاد گرفتن زیر و زبر آن لازم نیست و نیز اگر نداند مثلاً کلمه ای به (س) است یا به (ص) باید یاد بگیرد و چنانچه دو جور یا بیشتر بخواند که یکی از آن دو غلط و داخل در کلام زائد است مثل آنکه در اهدنا الصراط المستقیم، مستقیم را یک مرتبه با سین و یک مرتبه با صاد بخواند نمازش باطل است.

اگر در کلمه ای واو باشد و حرف قبل از واو در آن کلمه ضمه داشته باشد و حرف بعد از واو در آن کلمه همزه (ء) باشد مثل کلمه سوء بهتر است آن واو را مد بدهد یعنی آن را بکشد و همچنین اگر در کلمه ای الف باشد و حرف قبل از الف در آن کلمه زبر داشته باشد و حرف بعد از الف در آن کلمه همزه باشد مثل جاء بهتر است الف آن را بکشد و نیز اگر در کلمه ای (ی) باشد و حرف قبل از (ی) در آن کلمه زیر داشته باشد و حرف بعد از (ی) در آن کلمه همزه باشد مثل جیء بهتر است (ی) را با مد بخواند و اگر بعد از این واو و الف و (ی) به جای همزه (ء) حرفی باشد که ساکن است یعنی زیر و زبر و ضمه ندارد باز هم بهتر آن است که این سه حرف را با مد بخواند مثلاً در *واللضّالین* که بعد از الف حرف لام ساکن است بهتر آن است که الف آن را با مد بخواند.

اقوی این است که لازم نیست در نماز وقف به سکون و وصل به حرکت را مراعات نماید لذا اگر زیر یا زیر یا پیش آخر کلمه ای را بگوید و بین آن کلمه و کلمه بعدش فاصله دهد مثلاً بگوید الرحمن الرحیم و میم الرحیم را زیر بدهد و بعد قدری فاصله دهد و بگوید مالک یوم الدین. یا این که زیر یا زیر یا پیش کلمه ای را نگوید و آن کلمه را به کلمه بعد بچسباند مثل آنکه بگوید الرحمن الرحیم و میم الرحیم را زیر ندهد و فوراً مالک یوم الدین را بگوید نماز باطل نیست.

در رکعت سوم و چهارم نماز می تواند فقط یک حمد بخواند یا سه مرتبه تسبیحات اربعه بگوید یعنی سه مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ و احتیاط واجب آن است که سه مرتبه تسبیحات اربعه را بگوید و می تواند در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند. در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید.

بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوّم و چهارم نماز، حمد و تسبیحات را آهسته بخواند.

اگر در رکعت سوّم و چهارم، حمد بخواند بنا بر احتیاط واجب باید بسم الله آن را هم آهسته بگوید خصوصاً برای مأموم و کسی که نمازش را فرادا می خواند.

کسی که نمی تواند تسبیحات را یاد بگیرد یا درست یا صحیح بخواند باید در رکعت سوّم و چهارم حمد بخواند.

کسی که در دو رکعت اول نماز به خیال اینکه دو رکعت آخر است تسبیحات بگوید چنانچه پیش از رکوع بفهمد باید حمد و سوره را بخواند، و بنا بر احتیاط مستحب بعد از نماز سجده سهو برای تسبیحات زیادی انجام بدهد و اگر در رکوع بفهمد نمازش صحیح است.

اگر در دو رکعت آخر نماز به خیال اینکه در دو رکعت اول است حمد بخواند یا در دو رکعت اول نماز با اینکه گمان می کرده در دو رکعت آخر است حمد بخواند چه پیش از رکوع بفهمد و چه بعد از آن نمازش صحیح است.

اگر در رکعت سوم یا چهارم می خواست حمد بخواند اما تسبیحات به زبانش آمد، یا می خواست تسبیحات بخواند حمد به زبانش آمد در چنین صورتی اقوی آن است آن را رها کند و دوباره حمد یا تسبیحات را بخواند، ولی اگر عادتش خواندن چیزی بوده که به زبانش آمده و در خزانه قلبش آن را قصد داشته می تواند همان را تمام کند و نمازش صحیح است.

کسی که عادت دارد در رکعت سوم و چهارم تسبیحات بخواند اگر بدون قصد مشغول حمد خواندن شود اقوی آن است که آن را رها کند و دوباره حمد یا تسبیحات را بخواند.

در رکعت سوم و چهارم مستحب است بعد از تسبیحات استغفار کند مثلاً بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَآتُوبُ اِلَيْهِ يَا بَـگَـوِـيـد: اللّهُمَّ اغْفِرْ لِي و اگر به گمان آنکه حمد یا تسبیحات را گفته مشغول گفتن استغفار شود و شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، به شک خود اعتنا ننماید و اگر نماز گزار پیش از خم شدن برای رکوع در حالی که مشغول گفتن استغفار نیست شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه به شک خود اعتنا کند و تسبیحات را بگوید.

اگر در رکوع رکعت سوم یا چهارم یا در حال رفتن به رکوع شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه به شک خود اعتنا نکند.

هرگاه شک کند که آیه یا کلمه ای را درست گفته یا نه اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول نشده، بنابر احتیاط واجب باید آن آیه یا کلمه را به طور صحیح بگوید و اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول شده چنانچه آن چیز رکن باشد مثل آنکه در رکوع شک کند که فلان کلمه از سوره را درست گفته یا نه باید به شک خود اعتنا نکند و اگر رکن نباشد مثلاً موقع گفتن اللّهُ الصّمد شک کند که قُلْ هُوَ اللهُ احد را درست گفته یا نه باز هم می تواند به شک خود اعتنا نکند ولی اگر احتیاطاً آن آیه یا کلمه را به طور صحیح بگوید اشکال ندارد و اگر چند مرتبه هم شک کند می تواند چند بار بگوید اما اگر به وسواس برسد و باز هم بگوید بنابر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.

مستحب است در رکعت اول پیش از خواندن حمد بگوید اَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، و در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر اگر امام جماعت است «بسم الله» را بلند بگوید و در حال فرادی آهسته بگوید و حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند یعنی آن را به آیه بعد نچسباند و در حال خواندن حمد و سوره به معنای آیه توجه داشته باشد. اگر نماز را به جماعت می خواند بعد از تمام شدن حمد امام و اگر فرادی می خواند بعد از آنکه حمد خودش تمام شد بگوید: اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، و بعد از خواندن سوره قل هو الله احد یک یا دو یا سه مرتبه كَذَلِكَ اللهُ رَبِّي يَا كَذَلِكَ اللهُ رَبُّنَا بگوید و بعد از خواندن سوره کمی صبر کند بعد تکبیر پیش از رکوع را بگوید یا قنوت را بخواند.

مستحب است در تمام نمازها در رکعت اول بعد از حمد سوره انا انزلناه و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد را بخواند.

مکروه است انسان در تمام نمازهای یک شبانه روز سوره قل هو الله احد را نخواند.

خواندن سوره قل هو الله احد را به یک نفس، مکروه است. چنانکه خواندن حمد هم با یک نفس، مکروه است.

سوره ای را که در رکعت اول خوانده، مکروه است که در رکعت دوم بخواند ولی اگر سوره قل هو الله احد را در هر دو رکعت بخواند مکروه نیست.

## رکوع

در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را رکوع می گویند.

اگر به اندازه رکوع خم شود ولی دستها را به زانو نگذارد خلاف احتیاط است پس احتیاط آن است که دستها را به روی زانو بگذارد گرچه ظاهر این است که واجب نیست.

هرگاه رکوع را به طور غیر معمول بجا آورد مثلاً به چپ یا راست خم شود اگرچه دستهای او به زانو برسد صحیح نیست.

قیام متصل به رکوع واجب و رکن است یعنی این که نماز گزار باید از حالت ایستاده با قصد رکوع برای رکوع خم شود لذا اگر به قصد کار دیگری خم شود مثلاً برای برداشتن چیزی یا به قصد سجده خم شود و متوجه شود که رکوع نکرده در این صورت باید مستقیم بایستد و بعد به رکوع برود و اگر قبل از ایستادن رکوع به جا آورد چون قیام متصل به رکوع را مراعات نکرده نمازش باطل است.

خم شدن باید به قصد رکوع باشد پس اگر به قصد کار دیگری مثلاً برای کشتن جانور خم شود نمی تواند آن را رکوع حساب کند بلکه باید بایستد و دوباره برای رکوع خم شود و به واسطه این عمل، رکن زیاد نشده و نماز باطل نمی شود.

کسی که دست یا زانوی او با دست و زانوی دیگران فرق دارد مثلاً دستش خیلی بلند است که اگر کمی خم شود به زانو می رسد یا زانوی او پائین تر از مردم دیگر است که باید خیلی خم شود تا دستش به زانو برسد باید به اندازه معمول خم شود.

کسی که نشسته رکوع می کند باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد و بهتر است به قدری خم شود که صورت نزدیک جای سجده برسد.

انسان هر ذکری در رکوع بگوید کافی است ولی باید از سه مرتبه «سبحان الله» یا یک مرتبه «سبحان ربی العظیم و بحمده» کمتر نباشد.

ذکر رکوع باید دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود و مستحب است آن را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگویند.

در رکوع باید به مقدار ذکر واجب بدن آرام باشد و در ذکر مستحب هم اگر آن را به قصد ذکری که برای رکوع دستور داده اند بگویند بنا بر احتیاط واجب باید بدن آرام باشد.

اگر موقعی که ذکر واجب رکوع را می گوید بی اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن، خارج شود بنابر احتیاط واجب بعد از آرام گرفتن بدن دوباره ذکر را بگوید ولی اگر کمی حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج نشود یا انگشتان را حرکت دهد اشکال ندارد.

اگر پیش از آنکه به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد عمداً ذکر رکوع را بگوید نمازش باطل است.

اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است و اگر سهواً سر بردارد چنانچه پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود یادش بیاید که ذکر رکوع را تمام نکرده، باید در حال آرامی بدن دوباره ذکر را بگوید و اگر بعد از آنکه از حال رکوع خارج شد یادش بیاید نماز او صحیح است.

اگر نتواند به مقدار ذکر در رکوع بماند، در صورتی که بتواند پیش از آنکه از حد رکوع بیرون رود ذکر را بگوید باید در آن حال ذکر را بگوید و اگر نتواند بنابر احتیاط در حال برخاستن ذکر را بگوید.

اگر به واسطه مرض و مانند آن نتواند در رکوع آرام بگیرد، نماز صحیح است ولی باید پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود ذکر واجب یعنی «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» یا سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» را بگوید.

هرگاه نتواند به اندازه رکوع خم شود باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند باید به هر اندازه می تواند خم شود و اگر هیچ نتواند خم شود باید موقع رکوع بنشیند و نشسته رکوع کند و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و برای رکوع آن با سر اشاره نماید.

کسی که می تواند ایستاده نماز بخواند اگر در حال ایستاده یا نشسته نتواند رکوع کند باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره کند و اگر نتواند اشاره کند باید به نیت رکوع چشم ها را هم بگذارد و ذکر آن را بگوید و به نیت برخاستن از رکوع چشمها را باز کند و اگر از این هم عاجز است باید در قلب نیت رکوع کند و ذکر آن را بگوید.

کسی که نمی تواند ایستاده یا نشسته رکوع کند و برای رکوع فقط می تواند در حالی که نشسته است کمی خم شود یا در حالی که ایستاده است با سر اشاره کند احتیاط واجب این است که یک نماز ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید، و نماز دیگری هم بخواند و موقع رکوع آن بنشیند و هر قدر می تواند برای رکوع خم شود.

اگر بعد از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن سر بردارد و دو مرتبه به قصد رکوع به اندازه رکوع خم شود نمازش باطل است، و نیز اگر بعد از آنکه به اندازه رکوع خم شد و بدنش آرام گرفت به قصد رکوع به قدری خم شود که از اندازه رکوع بگذرد و دوباره به رکوع برگردد نمازش باطل است.

بعد از تمام شدن ذکر رکوع باید راست بایستد و بعد از آنکه بدن آرام گرفت به سجده رود و اگر عمداً پیش از ایستادن یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده رود نمازش باطل است.

اگر رکوع را فراموش کند و پیش از آنکه به سجده برسد یادش بیاید باید بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردد نمازش باطل است.

اگر بعد از آنکه پیشانی به زمین برسد یادش بیاید که رکوع نکرده بنابر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند و اگر در سجده دوم یادش بیاید، نمازش باطل است و باید آن را از سر بگیرد.

مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید و در رکوع زانوها را به عقب دهد و پشت را صاف نگهدارد و گردن را بکشد و مساوی پشت نگهدارد و بین دو قدم را نگاه کند و پیش از ذکر یا بعد از آن صلوات بفرستد و بعد از آنکه از رکوع برخاست و راست ایستاد در حال آرامی بدن بگوید سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ.

مستحب است در رکوع، زنها دست را از زانو بالاتر بگذارند و زانوها را به عقب ندهند.

### سجده

نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب بعد از رکوع دو سجده کند. و سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را به زمین بگذارد.

دو سجده روی هم یک رکن است که اگر کسی در نماز واجب عمداً یا از روی فراموشی هر دو را ترک کند، یا دو سجده دیگر به آنها اضافه نماید، نمازش باطل است.

اگر عمداً یک سجده کم یا زیاد کند نماز باطل می شود و اگر سهواً یک سجده کم کند حکم آن بعداً گفته خواهد شد.

اگر پیشانی را عمداً یا سهواً به زمین نگذارد، سجده نکرده است. اگرچه جاهای دیگر به زمین برسد ولی اگر پیشانی را به زمین بگذارد و سهواً جاهای دیگر را به زمین نرساند، یا سهواً ذکر نگوید سجده صحیح است.

در سجده هر ذکر بگوید کافی است به شرط آنکه مقدار ذکر از سه مرتبه «سُبْحَانَ اللهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» کمتر نباشد و مستحب است «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» را سه یا پنج یا هفت مرتبه بگوید.

در سجود باید به مقدار ذکر واجب بدن آرام باشد و موقع گفتن ذکر مستحب هم بنابر احتیاط اگر آن را به قصد ذکر که برای سجده دستور داده اند بگوید آرام بودن بدن لازم است.

اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد و بدن آرام بگیرد عمداً ذکر سجده را بگوید یا پیش از تمام شدن ذکر عمداً سر از سجده بردارد نماز باطل است.

اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد و بدن آرام گیرد سهواً ذکر سجده را بگوید و پیش از آنکه سر از سجده بردارد بفهمد اشتباه کرده باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.

اگر بعد از آنکه سر از سجده برداشت بفهمد که پیش از آرام گرفتن بدن، ذکر را گفته یا پیش از آنکه ذکر سجده تمام شود سر برداشته نمازش صحیح است.

اگر موقعی که ذکر سجده را می گوید یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد نماز باطل می شود ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست اگر غیر پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد دوباره بگذارد اشکال ندارد.

اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده سهواً پیشانی را از زمین بردارد نمی تواند دوباره به زمین بگذارد و باید آن را یک سجده حساب کند، ولی اگر جاهای دیگر را سهواً از زمین بردارد باید دو مرتبه به زمین بگذارد و ذکر را بگوید.

بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

جای پیشانی نماز گزار باید از جای زانوها و از جای انگشتانش پست تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.

در زمین سرایش که سرایشی آن درست معلوم نیست احتیاط آن است که جای پیشانی نماز گزار از جای انگشتهای پا و سر زانوهای او بیش از چهار انگشت بسته بلندتر نباشد و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود.

اگر پیشانی را سهواً به چیزی بگذارد که از جای انگشتهای پا و سر زانوهای او بلندتر از چهار انگشت بسته است، چنانچه بلندی آن به قدری است که نمی گویند در حال سجده است می تواند سر را بردارد و به چیزی که بلندی آن به اندازه چهار انگشت یا کمتر است بگذارد و می تواند سر را بر روی آنچه به اندازه چهار انگشت یا کمتر است بکشد، و اگر بلندی آن به قدری است که می گویند در حال سجده است احتیاط واجب آن است که پیشانی را از روی آن بروی چیزی که بلندی آن به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است بکشد، و اگر کشیدن پیشانی ممکن نیست بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

باید بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می کند چیزی نباشد پس اگر مهر به قدری چرک باشد که پیشانی به خود مهر نرسد سجده باطل است، ولی اگر مثلاً رنگ مهر تغییر کرده باشد اشکال ندارد.

در سجده باید کف دست را بر زمین بگذارد ولی در حال ناچاری پشت دست هم مانعی ندارد، و اگر پشت دست ممکن نباشد باید میچ دست را بگذارد و چنانچه آن را هم نتواند باید تا آرنج هر جا را که می تواند بر زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست گذاشتن بازو کافی است.



در سجده باید دو انگشت بزرگ پاها را به زمین بگذارد و احتیاط واجب این است که سر دو انگشت بر زمین گذاشته شود و اگر انگشت های دیگر را، یا روی پا را به زمین بگذارد یا به واسطه بلند بودن ناخن سر شست به زمین نرسد نماز باطل است. و قرار گرفتن انگشت های دیگر پا همراه انگشت بزرگ بر روی زمین مانعی ندارد.

کسی که مقداری از شست پایش بریده، باید بقیه آن را به زمین بگذارد و اگر چیزی از آن نمانده یا اگر مانده خیلی کوتاه است، باید بقیه انگشتان را بگذارد و اگر هیچ انگشت ندارد باید هر مقدار از پا باقی مانده، به زمین بگذارد.

اگر به طور غیر معمول سجده کند مثلاً سینه و شکم را به زمین بچسباند و یا پاها را دراز کند اگرچه هفت عضوی که گفته شد به زمین برسد باید بنا بر احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند.

مهر یا چیزی دیگری که بر آن سجده می کند باید پاک باشد. ولی اگر مثلاً مهر را روی فرش نجس بگذارد، یا یک طرف مهر نجس باشد و پیشانی را به طرف پاک آن بگذارد اشکال ندارد.

اگر در پیشانی دمل و مانند آن باشد چنانچه ممکن است باید با جای سالم پیشانی سجده کند، و اگر ممکن نیست باید زمین را گود کند و دمل را در گودال و جای سالم را به مقداری که برای سجده کافی باشد بر زمین بگذارد.

اگر دمل یا زخم تمام پیشانی را گرفته باشد باید به یکی از دو طرف پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست به چانه و اگر به چانه هم ممکن نیست بنا بر احتیاط واجب باید به هر جای از صورت ممکن است سجده کند و اگر به هیچ جای از صورت ممکن نیست باید با جلو سر سجده نماید.

کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند باید به قدری که می تواند خم شود و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است روی چیز بلندی گذاشته و پیشانی را طوری بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است ولی اگر مهر را بالا بیاورد و به پیشانی بچسباند سجده صحیح نیست. اما کف دست ها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول باید به زمین بگذارد.

کسی که هیچ نمی تواند خم شود باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند و اگر نتواند باید با چشمها اشاره نماید، و در هر دو صورت احتیاط آن است که اگر می تواند مهر را بلند کند و بر پیشانی بگذارد، و اگر با سر یا چشمها هم نمی تواند اشاره کند باید در قلب نیت سجده کند و بنا بر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سجده اشاره نماید.

کسی که نمی تواند بنشیند، باید ایستاده نیت سجده کند و چنانچه می تواند برای سجده با سر اشاره کند و اگر نمی تواند با چشمها اشاره نماید (یعنی آن را به قصد سجده می بندد و به نیت سر برداشتن باز می کند)، و اگر این را هم نمی تواند در قلب نیت سجده کند، و بنا بر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سجده اشاره نماید.

اگر پیشانی بی اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد نباید بگذارد دوباره به جای سجده برسد و این یک سجده حساب می شود چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه و اگر نتواند سر را نگهدارد و بی اختیار دوباره به جای سجده برسد روی هم یک سجده حساب می شود و اگر ذکر نگفته باشد باید بگوید.

جائی که انسان باید تقیه کند می تواند بر فرش و مانند آن سجده کند و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود ولی اگر در آن مکان حصیر یا سنگ یا چیزی که سجده بر آن صحیح است وجود دارد و بتواند طوری بر آن سجده کند که خلاف تقیه نباشد باید بر آن سجده نماید.

اگر روی چیزی که بدن روی آن آرام نمی گیرد سجده کند باطل است ولی روی تشک پر یا چیز دیگری که بعد از سر گذاشتن و مقداری پائین رفتن آرام می گیرد سجده کند اشکال ندارد.

اگر انسان ناچار شود که در زمین گل نماز بخواند چنانچه آلوده شدن بدن و لباس برای او مشقتی که معمولاً تحمل نمی شود ندارد، باید سجده و تشهد را به طور معمول به جا آورد و اگر مشقت دارد می تواند در حالی که ایستاده، برای سجده با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند و اگر سجده و تشهد را به طور معمول هم به جا آورد، نمازش صحیح است.

بعد از سجده دوم در جائی که تشهد واجب نیست مثل رکعت سوم نماز ظهر و عصر و عشا بهتر است لحظه ای بنشیند سپس برای رکعت بعد برخیزد و این عمل را جلسه استراحت می گویند.

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است

باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی که از زمین می روید مانند چوب و برگ درخت سجده کرد، و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی صحیح نیست و نیز سجده کردن بر چیزهای معدنی مانند: فلزات، طلا و نقره، عقیق و فیروزه باطل است اما سجده کردن بر سنگهای معدنی مانند سنگ مرمر و سنگهای سیاه اشکال ندارد.

سجده کردن بر برگ درخت مو اگر تازه باشد جایز نیست ولی پس از خشک شدن می توان بر آن سجده کرد.

سجده بر چیزهایی که از زمین می روید و خوراک حیوانات است مثل علف و گاه، صحیح است.

سجده بر گلهایی که خوراکی نیستند صحیح است ولی سجده بر دواهای خوراکی که از زمین می روید مانند گل بنفشه و گل گاوزبان، صحیح نیست.

سجده بر گیاهی که خوردن آن در بعضی از شهرها معمول است و در شهرهای دیگر معمول نیست و نیز سجده بر میوه نارس، صحیح نیست ولی سجده بر توتون جایز است.

سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ صحیح است بلکه به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم می شود سجده کرد.

اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است مثلاً از کاه یا چوب ساخته باشند می شود بر آن سجده کرد و سجده بر کاغذی که از پنبه تهیه می شود اشکال ندارد.

برای سجده بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) می باشد و بعد از آن خاک، بعد از خاک سنگ و بعد از سنگ گیاه است.

اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، یا اگر دارد به واسطه سرما یا گرمای زیاد یا تقیه و مانند اینها نمی تواند بر آن سجده کند، باید به لباسش اگر از کتان یا پنبه است سجده کند و اگر لباسش از چیز دیگر است بر همان لباس سجده کند، و اگر آن هم نیست باید بر پشت دست و چنانچه آن هم ممکن نباشد بنا بر احتیاط به چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید.

سجده بر گل و خاک سستی که پیشانی روی آن آرام نمی گیرد اگر بعد از آنکه مقداری فرو رفت آرام بگیرد اشکال ندارد.

اگر در سجده اول مهر به پیشانی بچسبد و بدون اینکه مهر را بردارد دوباره به سجده رود اشکال ندارد و دو سجده حساب می شود ولی بهتر است مهر را از پیشانی جدا کند.

اگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده می کند گم شود و چیزی که سجده بر آن صحیح است نداشته باشد چنانچه وقت وسعت دارد و در جای دیگر چیزی که سجده بر آن صحیح است وجود داشته باشد باید نماز را بشکنند، و اگر وقت تنگ باشد یا چیزی که سجده بر آن صحیح است وجود نداشته باشد باید به لباسش اگر از پنبه یا کتان است سجده کند و اگر از چیز دیگری است بر همان لباس سجده کند و اگر آن هم ممکن نیست بر پشت دست و اگر آن هم نمی شود بنا بر احتیاط به چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید.

هرگاه در حال سجده بفهمد پیشانی را بر چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است اگر ممکن باشد باید پیشانی را از روی آن بروی چیزی که سجده بر آن صحیح است بکشد و اگر وقت تنگ است به دستوری که در مسأله پیش گفته شد عمل کند.

اگر بعد از سجده بفهمد پیشانی را روی چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است اشکال ندارد.

## سجده واجب قرآن

در چهار سوره از قرآن مجید آیه سجده است سوره های

۱. وَالنَّجْمِ (53)

۲. اِقْرَأْ (96)

۳. وَالْم تَنْزِيلِ (32)

۴. حَم سَجْدَه (41)

هرگاه انسان آیه سجده را بخواند یا گوش کند باید فوراً به سجده رود، و اگر فراموش کرد هر زمان یادش آید سجده واجب است و اگر گوش ندهد بلکه آیه سجده به گوشش بخورد بنا بر احتیاط واجب باید سجده کند.

اگر انسان موقعی که آیه سجده را می خواند، از دیگری هم بشنود باید دو سجده انجام دهد.

در غیر نماز اگر در حال سجده آیه سجده را بخواند یا به آن گوش بدهد باید سر از سجده بردارد و دوباره سجده کند.

اگر آیه سجده را از صدا و سیما یا ضبط صوت یا رایانه بشنود لازم نیست سجده کند، بلی اگر به صورت مستقیم از صدا و سیما پخش شود، مثل اینکه از بلندگو بشنود باید سجده کند.

بنا بر احتیاط واجب در سجده واجب قرآن، نمی شود بر چیزهای خوراکی و پوشاکی سجده کرد ولی سایر شرایطی که در سجده نماز لازم است در این سجده واجب نیست.

در سجده واجب قرآن باید طوری عمل کند که بگویند سجده کرد یعنی نیت و صورت ظاهری سجده کفایت می کند.

هرگاه در سجده قرآن پیشانی را به قصد سجده به زمین بگذارد، اگرچه ذکر نگوید کافی است و گفتن ذکر مستحب است و بهتر است بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَصَدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عِبَادِيَّةً وَرِقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا، لَا مُسْتَكْبِرًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ.

سجده واجب قرآن، تکبیره الاحرام، تشهد و سلام ندارد و احتیاط مستحب آن است که پس از سر برداشتن از سجده، تکبیر بگوید.

در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشا باید انسان بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن تشهد بخواند یعنی بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

کلمات تشهد باید به عربی صحیح و به طوری که معمول است پشت سر هم گفته شود. اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهد را قضا کند، و برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو بجا آورد.

مستحب است در حال تشهد بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را به کف پای چپ بگذارد و پیش از تشهد بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ** یا بگوید: **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ**، و نیز مستحب است دستها را بر رانها بگذارد و انگشتها را به یکدیگر بچسباند و به دامان خود نگاه کند و بعد از تمام شدن تشهد بگوید: **وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ** و احتیاط این است که در تشهد دوم این جمله را به قصد قربت مطلقه بگوید.

مستحب است زنها در وقت خواندن تشهد، رانها را به هم بچسبانند.

### سلام نماز

بعد از تشهد رکعت آخر نماز، مستحب است در حالی که نشسته و بدن آرام است بگوید: **السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ** و بعد از آن باید بگوید: **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ** یا بگوید: **السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ** ولی اگر این سلام را بگوید احتیاط واجب آن است که بعد از آن **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ** را هم بگوید.

اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که صورت نماز بهم نخورده و کاری هم که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند مثل پشت به قبله کردن انجام نداده، باید سلام را بگوید و نمازش صحیح است.

اگر بعد از این که کاری انجام دهد که نماز را باطل می کند یادش بیاید که سلام نداده نمازش باطل است و اگر بعد از مدتی که صورت نماز به هم خورده یادش بیاید که سلام نداده در حالی که هیچ کاری که مبطل نماز باشد انجام نداده سلام بدهد و نمازش صحیح است و مستحب است دو سجده سهو به جا آورد.

## ترتیب

اگر عمداً ترتیب نماز را بهم بزند، مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع بجا آورد، نماز باطل می شود.

اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد، مثلاً پیش از آنکه رکوع کند دو سجده نماید، نماز باطل است.

اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست بجا آورد مثلاً پیش از آنکه دو سجده کند تشهد بخواند باید رکن را بجا آورد و آنچه را اشتهاً پیش از آن خوانده دوباره بخواند، و بنا بر احتیاط مستحب برای هر زیاده دو سجده سهو بجا آورد.

اگر یکی از واجبات غیر رکنی فراموش شود چنانچه آن واجب، واجب مستقل است مثل حمد و سوره در این صورت اگر بعد از توجه بخواهد برگردد مستلزم زیادی رکن شود مثلاً سوره را فراموش کرده و در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید نمازش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که دو سجده سهو بجا آورد و اگر بازگشت مستلزم زیادی رکن نشود باید برگردد و جزء فراموش شده را بجا آورد و اعمال بعدی را بجا آورد و به احتیاط مستحب برای هر جزئی که اضافه کرده دو سجده سهو بجا آورد. اما اگر واجبی که ترک شده مستقل نباشد بلکه در ضمن واجب دیگری باشد مثل ذکر سجده در این فرض اگر بعد از انجام واجب اصلی (سر برداشتن از سجده) یادش بیاید نمازش صحیح است و مستحب است دو سجده سهو بجا آورد.

اگر سجده اول را به خیال اینکه سجده دوم است یا سجده دوم را به خیال اینکه سجده اول است بجا آورد نماز صحیح است و سجده اول او سجده اول و سجده دوم او سجده دوم حساب می شود.

## مُوالات

انسان باید نماز را با موالات بخواند یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سرهم بجا آورد و چیزهایی را که در نماز می خواند به طوری که معمول است پشت سرهم بخواند و اگر به قدری بین آنها فاصله بیاندازد که نگویند نماز می خواند نمازش باطل است گرچه به طور سهوی باشد.

اگر در نماز عمداً بین حرفها یا کلمات فاصله بیاندازد و فاصله به قدری نباشد که صورت نماز از بین برود نمازش باطل نمی شود، و اگر سهواً باشد چنانچه مشغول رکن بعد نشده باشد باید آن حرفها یا کلمات را به طور معمول بخواند و اگر مشغول رکن بعد شده باشد، نمازش صحیح است مگر در تکبیره الاحرام که اگر فاصله بین کلمات آن به قدری باشد که از صورت تکبیره الاحرام خارج شود نماز باطل است.

طول دادن رکوع و سجود و قنوت و خواندن سوره های بزرگ، موالات را بهم نمی زند.

### قنوت

در تمام نمازهای واجب و مستحب پیش از رکوع رکعت دوّم مستحب است قنوت بخواند، و در نماز وتر با آنکه یک رکعت می باشد، خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است. و نماز جمعه در هر رکعت یک قنوت دارد؛ در رکعت اوّل پیش از رکوع و در رکعت دوّم بعد از رکوع. و نماز آیات پنج قنوت و نماز عید فطر و قربان در رکعت اوّل پنج قنوت و در رکعت دوّم چهار قنوت دارد.

اگر بخواهد قنوت بخواند باید دستها را مقابل صورت بلند کند و سزاوار نیست که ترک بشود و مستحب است کف آنها را رو به آسمان و پهلوی هم نگهدارد و غیر از شست، انگشتهای دیگر را به هم بچسباند و به کف دستها نگاه کند.

در قنوت هر ذکر بگوید، اگرچه یک سُبْحَانَ اللَّهِ باشد کافی است و بهتر است بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

مستحب است انسان قنوت را بلند بخواند، ولی برای کسی که نماز را به جماعت می خواند اگر امام جماعت صدای او را بشنود، بلند خواندن قنوت مستحب نیست.

اگر عمداً قنوت نخواند قضا ندارد و اگر فراموش کند و پیش از آنکه به اندازه رکوع خم شود یادش بیاید، مستحب است بایستد و بخواند، و اگر در رکوع یادش بیاید، مستحب است بعد از رکوع قضا کند و اگر در سجده یادش بیاید، مستحب است بعد از سلام نماز قضا نماید.

### ترجمه نماز

ترجمه سوره حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ یعنی ابتدا می کنم بنام خداوندی که در دنیا بر مؤمن و کافر رحم می کند و در آخرت بر مؤمن رحم می نماید.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ یعنی ثنا مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده همه موجودات است.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ یعنی در دنیا بر مؤمن و کافر و در آخرت بر مؤمن رحم می کند.

يَوْمَ الدِّينِ یعنی پادشاه و صاحب اختیار روز قیامت است.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ یعنی فقط تورا عبادت می کنیم و فقط از تو کمک می خواهیم.

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ یعنی هدایت کن ما را به راه راست که آن دین اسلام است.

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ یعنی به راه کسانی که به آنان نعمت دادی که آنان پیغمبران و جانشینان پیغمبران هستند.

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ یعنی نه به راه کسانی که غضب کرده ای بر ایشان و نه آن کسانی که گمراهند.

### ترجمه سوره قبل هو الله احد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ یعنی بگو ای محمد (صلی الله علیه وآله) که خداوند، خدائی است یگانه.

اللَّهُ الصَّمَدُ یعنی خدائی که از تمام موجودات بی نیاز است.

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ فرزندی ندارد و فرزند کسی نیست.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ یعنی هیچ کس از مخلوقات، مثل او نیست.

ترجمه ذکر رکوع و سجود و ذکرهایی که بعد از آنها مستحب است

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ یعنی پروردگار بزرگ من از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم.

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ یعنی پروردگار من که از همه کس بالاتر می باشد از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم.

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ یعنی خدا بشنود و بپذیرد ثنای کسی که او را ستایش می کند.

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ یعنی طلب آمرزش و مغفرت می کنم از خداوندی که پرورش دهنده من است و من به طرف او بازگشت می نمایم.

بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ یعنی به یاری خداوند متعالوقوه او برمی خیزم و می نشینم.

### ترجمه قنوت

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيمُ الْكَرِيمُ یعنی نیست خدائی سزاوار پرستش مگر خدای یکتای بی همتائی که صاحب حلم و کرم است.



لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ یعنی نیست خدائی سزاوار پرستش مگر خدای یکتای بی همتائی که بلند مرتبه و بزرگ است.

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ یعنی پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار هفت آسمان و پروردگار هفت زمین است.

وَمَا يَبْنَهُنَّ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ یعنی پروردگار هر چیزی است که در آسمانها و زمینها و مابین آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ یعنی حمد و ثنا مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده تمام موجودات است.

#### ترجمه تسبیحات اربعه

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ یعنی پاک و منزّه است خداوند تعالی و ثنا مخصوص اوست و نیست خدائی سزاوار پرستش مگر خدای بی همتا و بزرگتر است از اینکه او را وصف کنند.

#### ترجمه تشهد و سلام

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ یعنی ستایش مخصوص پروردگار است و شهادت می دهم که خدائی سزاوار پرستش نیست مگر خدائی که یگانه است و شریک ندارد.

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ یعنی شهادت می دهم که محمد (صلی الله علیه و آله) بنده خدا و فرستاده اوست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ یعنی خدایا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد.

وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ یعنی قبول کن شفاعت پیغمبر را و درجه آن حضرت را نزد خود بلند کن.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ یعنی سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ یعنی سلام از خداوند عالم بر ما نماز گزاران و تمام بندگان خوب او.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ یعنی سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما مؤمنین باد.

# احکام مُبطلات نماز

## فهرست عناوین مبطلات نماز

✕ مبطلات نماز

✕ شکّیات نماز

### مبطلات نماز

دوازده چیز نماز را باطل می کند و آنها را مبطلات می گویند:

اول: آنکه در بین نماز یکی از شرطهای آن از بین برود، مثلاً در بین نماز لباس و بدن او نجس شود.

دوم: آنکه در بین نماز عمداً یا سهواً یا از روی ناچاری، چیزی که وضو یا غسل را باطل می کند پیش آید، مثلاً بول از او بیرون آید، ولی کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر در بین نماز بول یا غائط از او خارج شود چنانچه به دستوری که در احکام وضو گفته شد رفتار نماید نمازش باطل نمی شود و نیز اگر در بین نماز از زن مستحاضه خون خارج شود، در صورتی که به دستور استحاضه رفتار کرده باشد نمازش صحیح است.

کسی که بی اختیار خوابش برده اگر نداند که در بین نماز خوابش برده یا بعد از آن باید نمازش را دوباره بخواند، ولی اگر تمام شدن نماز را بداند و شک کند که خواب در بین نماز بوده یا بعد نمازش صحیح است.

اگر بداند به اختیار خودش خوابیده و شک کند که بعد از نماز بوده، یا در بین نماز یادش رفته که مشغول نماز است و خوابیده نمازش صحیح است.

اگر در حال سجده از خواب بیدار شود و شک کند که در سجده آخر نماز است یا در سجده شکر، باید آن نماز را دوباره بخواند.

سوم: از مبطلات نماز آن است که مثل بعض کسانی که شیعه نیستند دستها را روی هم بگذارد.

هرگاه برای ادب دستها را روی هم بگذارد اگرچه مثل آنها نباشد بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند، ولی اگر از روی فراموشی یا ناچاری یا برای کار دیگر مثل خاراندن دست و مانند آن، دستها را روی هم بگذارد اشکال ندارد.

چهارم: از مبطلات نماز آن است که بعد از خواند حمد، آمین بگوید. ولی اگر اشتهاً یا از روی تقیه بگوید، نمازش باطل نمی شود.

پنجم: از مبطلات نماز آن است که عمداً یا از روی فراموشی پشت به قبله کند، یا به طرف راست یا چپ قبله برگردد، بلکه اگر عمداً به قدری برگردد که نگویند رو به قبله است، اگرچه به طرف راست یا چپ نرسد، نمازش باطل است.

اگر عمداً یا سهواً سر را به قدری برگرداند که بتواند پشت سر را ببیند نماز باطل است ولی اگر سر را کمی بگرداند عمداً باشد یا اشتهاً نمازش باطل نمی شود.

ششم: از مبطلات نماز آن است که عمداً کلمه ای را بگوید و آن را در معنایی استعمال کند خواه یک حرف باشد یا بیشتر و اگر سهواً بگوید، نمازش باطل نمی شود.

اگر کلمه ای بگوید چنانچه آن کلمه معنی داشته باشد مثل (ق) که در زبان عرب به معنای این است که «نگهداری کن» چنانچه معنی آن را بداند و قصد آن معنی را نماید نمازش باطل می شود، و اگر قصد معنای آن را نکند ولی ملتفت معنای آن باشد نمازش باطل نمی شود و نیز اگر آن کلمه معنایی نداشته باشد و او هم آن را در معنایی استعمال نکند ولی اگر دو حرف یا بیشتر باشد در این دو صورت نیز بنا بر احتیاط واجب نماز را باطل می کند.

سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد، ولی گفتن آخ و آه و مانند اینها که دو حرف است اگر عمدی باشد نماز را باطل می کند.

اگر کلمه ای را به قصد ذکر بگوید مثلاً به قصد ذکر بگوید: الله اکبر ولی در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد ولی چنانچه به قصد اینکه چیزی را به کسی بفهماند آن را بگوید اگرچه قصد ذکر هم داشته باشد نماز باطل می شود.

خواندن قرآن در نماز، غیر از چهار سوره ای که سجده واجب دارد و در احکام جنابت گفته شد و نیز دعا کردن در نماز اشکال ندارد ولی احتیاط واجب این است که به عربی باشد.

اگر چیزی از حمد و سوره و ذکرهای نماز را عمداً یا احتیاطاً چند مرتبه بگوید اشکال ندارد ولی اگر از روی وسواس چند مرتبه بگوید نماز اشکال پیدا می کند.

در حال نماز، انسان نباید به دیگری سلام کند و اگر دیگری به او سلام کند باید طوری جواب دهد که سلام مقدم باشد مثلاً بگوید: السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یا سلام عَلَیْکُمْ و نباید عَلَیْکُمُ السَّلَامُ بگوید.

انسان باید جواب سلام را چه در نماز یا در غیر نماز فوراً بگوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی جواب سلام را به قدری طول دهد که اگر جواب بگوید جواب آن سلام حساب نشود چنانچه در نماز باشد نباید جواب بدهد و اگر در نماز نباشد، جواب دادن واجب نیست.

باید جواب سلام را طوری بگوید که سلام کننده بشنود و اگر سلام کننده کر باشد باید با بلند کردن صدا یا به اشاره طوری جواب او را بدهد که بشنود یا متوجه جواب سلام شود.

نماز گزار می تواند جواب سلام را به قصد جواب بگوید و لازم نیست به قصد دعا بگوید.

اگر زن یا مرد نامحرم یا بچه ممیز یعنی بچه ای که خوب و بد را می فهمد به نماز گزار سلام کند نماز گزار می تواند جواب او را بدهد و بهتر است به قصد دعا جواب بگوید.

اگر نماز گزار جواب سلام را ندهد معصیت کرده ولی نمازش صحیح است.

اگر کسی به نماز گزار غلط سلام کند به طوری که سلام حساب نشود جواب او واجب نیست و اگر سلام حساب شود جواب او واجب است و بهتر است به قصد دعا جواب بدهد.

جواب سلام کسی که از روی مسخره یا شوخی سلام می کند واجب نیست، و احتیاط واجب آن است که در جواب سلام مرد و زن غیر مسلمان اهل ذمه بگوید «علیک».

اگر کسی به عده ای سلام کند، جواب سلام او بر همه آنان واجب است، ولی اگر یکی از آنان جواب دهد کافی است.

اگر کسی به عده ای سلام کند و فردی که سلام کننده قصد سلام دادن به او را نداشته جواب دهد، باز هم جواب سلام او بر آن عده واجب است.

اگر به عده ای سلام کند و کسی که بین آنها مشغول نماز است شک کند که سلام کننده قصد سلام کردن به او را هم داشته یا نه، نباید جواب بدهد، و همچنین است اگر بداند که قصد او را هم داشته ولی دیگری جواب سلام را بدهد. اما اگر بداند که قصد او را هم داشته و دیگری جواب ندهد باید جواب او را بدهد.

سلام کردن مستحب است و خیلی سفارش شده است که سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و کوچکتر به بزرگتر سلام کند.

اگر دو نفر با هم به یکدیگر سلام کنند بر هر یک واجب است جواب سلام دیگری را بدهد.

در غیر نماز، مستحب است جواب سلام را بهتر از سلام بگوید مثلاً اگر کسی گفت: سلامٌ علیکم در جواب بگوید سلامٌ علیکم ورحمةُ الله.

هفتم: از مبطلات نماز خنده با صدا و مدّو ترجیح است، و نیز بنا بر احتیاط واجب هر نوع خنده با صدا اگر عمدی باشد و چنانچه سهواً هم با صدا بخندد به طوری که صورت نماز از بین برود نماز باطل است ولی لبخند نماز را باطل نمی کند.

اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند، مثلاً رنگش سرخ شد چنانچه به حدّی باشد که از صورت نماز گزار خارج شود نمازش باطل است.

هشتم: از مبطلات نماز آن است که برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند، و احتیاط واجب آن است که برای کار دنیا بی صدا هم گریه نکند، ولی اگر از ترس خدا یا برای آخرت گریه کند، آهسته باشد یا بلند اشکال ندارد، بلکه از بهترین اعمال است.

نهم: از مبطلات نماز کاری است که صورت نماز را بهم بزند مثل دست زدن، رقصیدن و به هوا پریدن و مانند اینها، کم باشد یا زیاد، عمداً باشد یا از روی فراموشی فرقی ندارد. ولی کاری که صورت نماز را بهم نزند مثل اشاره کردن به دست اشکال ندارد.

اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که از صورت نماز گزار خارج شود نمازش باطل می شود.

اگر در بین نماز کاری انجام دهد یا مدّتی ساکت شود و شک کند که نماز بهم خورده یا نه، نمازش صحیح است.

دهم: از مبطلات نماز خوردن و آشامیدن است، اگر در نماز طوری بخورد یا بیاشامد که صورت نماز بهم بخورد نمازش باطل می شود حتی اگر صورت نماز بهم نخورد بنا بر احتیاط واجب نماز باطل می شود.

اگر در بین نماز، ذراتی از غذا که در دهان یا لای دندانها باقیمانده فرو ببرد نماز را باطل نمی کند. ولی اگر قند یا شکر و مانند اینها در دهان مانده باشد و مقصودش آن باشد که در حال نماز کم کم آب شود و فرو رود نمازش اشکال پیدا می کند.

یازدهم: از مبطلات نماز شک در رکعتهای نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا شک در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی است.

دوازدهم: از مبطلات نماز آن است که رکن نماز را عمداً یا سهواً کم یا زیاد کند، یا چیزی را که رکن نیست عمداً کم یا زیاد نماید.

اگر بعد از نماز شک کند که در بین نماز کاری که نماز را باطل می کند انجام داده یا نه نمازش صحیح است.

### شکایات نماز

شکایات نماز ۲۳ قسم است: هشت قسم آن شکهایی است که نماز را باطل می کند و به شش قسم آن نباید اعتنا کرد و نه قسم دیگر آن صحیح است.

### شکهای مبطل

شک هایی که نماز را باطل می کند از این قرار است:

۱. شک در شماره رکعتهای نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و نماز مسافر، ولی شک در شماره رکعتهای نماز مستحب دورکعتی و بعضی نمازهای احتیاط، نماز را باطل نمی کند.
۲. شک در شماره رکعتهای نماز سه رکعتی.
۳. آنکه در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر.
۴. آنکه در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم شک کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر (برای تفصیل این مسأله به صورت چهارم شکهای صحیح مراجعه شود)
۵. شک بین دو و پنج رکعت یا دو و بیشتر از پنج رکعت.
۶. شک بین سه و شش رکعت یا سه و بیشتر از شش رکعت.
۷. شک در رکعتهای نماز به صورتی که نداند چند رکعت خوانده است.
۸. شک بین چهار و شش رکعت یا چهار و بیشتر از شش رکعت چه پیش از تمام شدن سجده دوم باشد یا بعد از آن، ولی اگر بعد از سجده دوم شک بین چهار و شش رکعت و چهار و بیشتر از شش برای او پیش آید احتیاط مستحب آن است که بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از آن دو سجده سهو به جا آورد و نماز را هم دوباره بخواند.

هرگاه برای نماز گزار شک پیدا شود باید مقداری فکر کند تا شاید شک او برطرف شود لذا اگر شک او برطرف شد و نسبت به یک طرف یقین یا گمان پیدا کرد بنا را بر آن گذاشته و نماز را ادامه دهد و نمازش صحیح است و اگر با مقداری فکر کردن چیزی یادش نیامد و به شک خود باقی ماند و اصطلاحاً شک مستقر شد باید به وظیفه شاک عمل کند. و اگر یکی از شک های مبطل مستقر شد نماز را قطع کند و در اینجا قطع نماز حرام نیست.

### شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد

شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد از این قرار است:

۱. شک در چیزی که محل بجا آوردن آن گذشته است.
۲. شک بعد از سلام.
۳. شک بعد از گذشتن وقت نماز.

۴. شك كثيرالشك يعنى كسى كه زياد شك مى كند.

۵. شك امام و مأموم.

۶. شك در نماز مستحبى.

### شك در چيزى كه محل آن گذشته است

اگر در بين نماز شك كند كه يكى از كارهاى واجب آن را انجام داده يا نه مثلاً شك كند كه حمد را خوانده يا نه چنانچه مشغول كارى كه بايد بعد از آن انجام دهد يا مستحب است انجام دهد نشده باشد؛ بايد آنچه را كه در انجام آن شك كرده بجا آورد، و اگر مشغول كارى كه بايد يا مستحب است بعد از آن انجام دهد شده، به شك خود اعتنا نكند.

اگر در بين خواندن آيه اى شك كند كه آيه پيش از آن را خوانده يا نه و يا وقتى آخر آيه را مى خواند شك كند كه اول آن را خوانده يا نه بايد به شك خود اعتنا نكند.

اگر بعد از ركوع يا سجود شك كند كه كارهاى واجب آن مانند ذكر و آرام بودن بدن را انجام داده يا نه بايد به شك خود اعتنا نكند.

اگر در حالى كه به سجده مى رود شك كند كه ركوع كرده يا نه يا شك كند كه بعد از ركوع ايستاده يا نه به شك خود اعتنا نكند.

اگر در حال برخاستن شك كند كه تشهد را به جا آورده يا نه، به شك خود اعتنا نكند، ولى اگر شك كند كه سجده را بجا آورده يا نه بايد برگردد و بجا آورد.

كسى كه نشسته يا خوابيده نماز مى خواند اگر موقعى كه حمد يا تسبيحات مى خواند شك كند كه سجده يا تشهد را بجا آورده يا نه بايد به شك خود اعتنا نكند و اگر پيش از آنكه مشغول حمد يا تسبيحات شود شك كند كه سجده يا تشهد را بجا آورده يا نه بايد بجا آورد.

اگر شك كند كه يكى از ركنهاى نماز را بجا آورده يا نه چنانچه مشغول كارى كه بعد از آن است نشده بايد آن را بجا آورد مثلاً اگر پيش از خواندن تشهد شك كند كه دو سجده را بجا آورده يا نه بايد بجا آورد و چنانچه بعد يادش بيايد كه آن را بجا آورده بوده - چون ركن زياد شده - نمازش باطل است.

اگر شك كند كه ركنى را بجا آورده يا نه چنانچه مشغول كارى كه بعد از آن است شده نبايد به شك خود اعتنا كند مثلاً اگر مشغول تشهد است و شك كند كه دو سجده را بجا آورده يا نه، بايد به شك خود اعتنا نكند و اگر يادش بيايد كه آن ركن را بجا نياورده در صورتى كه مشغول ركن بعد نشده بايد آن را بجا آورد و اگر مشغول ركن بعد شده

نمازش باطل است؛ مثلاً اگر پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید که دو سجده را بجا نیاورده باید بجا آورد و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید نمازش باطل است.

اگر شك کند عملی را که رکن نیست بجا آورده یا نه چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده باید آن را بجا آورد، مثلاً اگر پیش از خواندن سوره شك کند که حمد را خوانده یا نه باید حمد را بخواند و اگر بعد از انجام آن یادش بیاید که آن را بجا آورده بوده چون رکن زیاد نشده نماز صحیح است.

اگر شك کند عملی را که رکن نیست بجا آورده یا نه چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است شده، به شك خود اعتنا نکند؛ مثلاً موقعی که مشغول خواندن سوره است شك کند که حمد را خوانده یا نه باید به شك خود اعتنا نکند و اگر بعد یادش بیاید که آن را بجا نیاورده در صورتی که مشغول رکن بعد نشده باید بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش صحیح است بنابراین اگر مثلاً در قنوت یادش بیاید که حمد را نخوانده باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید نماز او صحیح است، ولی بنا بر احتیاط مستحب دو سجده سهو برای حمد که نخوانده بجا آورد، و اگر واجبی که نخوانده تشهد یا سجده باشد قضای آن را واجب است انجام دهد و بعد از آن دو سجده سهو به جا آورد.

اگر شك کند که سلام نماز را گفته یا نه یا شك کند درست گفته یا نه چنانچه مشغول تعقیب نماز یا نماز دیگر شده یا مشغول انجام کاری شده که نماز گزار را از حال نماز بیرون می برد باید به شك خود اعتنا نکند، و اگر پیش از اینها شك کند باید سلام را بگوید و اگر قبل از این ها در صحیح گفتن سلام شك کند نیز بنا بر احتیاط واجب یک بار دیگر سلام را تکرار کند.

### شك بعد از سلام

اگر بعد از سلام نماز شك کند که نمازش صحیح بوده یا نه؛ مثلاً شك کند رکوع کرده یا نه، یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شك کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت به شك خود اعتنا نکند، ولی اگر هر دو طرف شك او باطل باشد مثلاً بعد از سلام نماز چهار رکعتی شك کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت نمازش باطل است.

### شك بعد از وقت

اگر بعد از گذشتن وقت نماز شك کند که نماز خوانده یا نه یا گمان کند که نخوانده به شك خود اعتنا نکند، ولی اگر پیش از گذشتن وقت شك کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده باید آن نماز را بخواند بلکه اگر گمان هم کند که خوانده، باید آن را بجا آورد.

اگر بعد از گذشتن وقت نماز، شك کند نماز را درست خوانده یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند.



اگر بعد از گذشتن وقت نماز ظهر و عصر بداند فقط چهار رکعت نماز خوانده ولی نداند به نیت ظهر خوانده یا به نیت عصر باید چهار رکعت نماز قضا به نیت نمازی که بر او واجب است (مافی الذمّة) بخواند.

اگر بعد از گذشتن وقت نماز مغرب و عشاء بداند یک نماز خوانده ولی نداند سه رکعتی خوانده یا چهار رکعتی باید قضای نماز مغرب و عشاء را بخواند.

كثيرُ الشكِّ «کسی که زیاد شك می کند»

میزان در تشخیص كثير الشك عرف است و اگر کسی در یک نماز سه مرتبه شك کند یا در سه نماز پشت سر هم مثلاً در نماز صبح و ظهر و عصر شك کند كثير الشك است، و چنانچه زیاد شك کردن او از روی غضب یا ترس یا پریشانی حواس نباشد باید به شك خود اعتنا نکند.

كثير الشك اگر در بجا آوردن چیزی شك کند باید بنا بر این بگذارد که آن فعل را انجام داده است و نماز را ادامه دهد مثلاً اگر شك کند که سجده کرده یا خیر بنا بگذارد که انجام داده است و اگر شك کند که دو رکعت خوانده است یا سه رکعت بنا بگذارد که سه رکعت خوانده است. و اگر بنا بر انجام آن فعل نماز باطل می شود بنا بگذارد که آن را انجام نداده است مثلاً اگر در نماز صبح شك کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت بنا بگذارد که دو رکعت خوانده و نماز را تمام کند.

کسی که در یک چیز نماز زیاد شك می کند چنانچه در چیزهای دیگر نماز شك کند باید به دستور آن عمل نماید؛ مثلاً کسی که زیاد شك می کند که سجده کرده یا نه اگر در بجا آوردن رکوع شك کند باید به دستور آن رفتار نماید یعنی اگر هنوز ایستاده، رکوع را بجا آورد و اگر به سجده رفته اعتنا نکند.

کسی که در نماز مخصوصی مثلاً در نماز ظهر زیاد شك می کند اگر در نماز دیگر مثلاً در نماز عصر شك کند باید به دستور شك رفتار نماید.

کسی که وقتی در جای مخصوصی نماز می خواند زیاد شك می کند اگر در غیر آن جا نماز بخواند و شکی برای او پیش آید به دستور شك عمل نماید.

اگر انسان شك کند که كثير الشك شده یا نه یعنی چون نمی داند که آیا در سه نماز قبلی شك کرده تا كثير الشك باشد یا فقط در دو نماز قبلی شك کرده تا كثير الشك نباشد باید به دستور شك عمل نماید. و كثير الشك تا وقتی یقین نکند که به حال معمولی مردم برگشته باید به شك خود اعتنا نکند.

کسی که زیاد شك می کند اگر شك کند رکنی را به جا آورده یا نه و اعتنا نکند بعد یادش بیاید که آن را بجا نیاورده چنانچه مشغول رکن بعد نشده باید آن را بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش باطل است؛ مثلاً اگر شك کند

رکوع کرده یا نه و اعتنا نکند چنانچه پیش از سجده یادش بیاید که رکوع نکرده باید رکوع کند و اگر در سجده یادش بیاید نمازش باطل است.

کسی که زیاد شک می کند اگر شک کند چیزی را که رکن نیست بجا آورده یا نه و اعتنا نکند و بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده چنانچه از محل بجا آوردن آن نگذشته باید آن را بجا آورد و اگر از محل آن گذشته یعنی وارد رکن بعد شده نمازش صحیح است؛ مثلاً اگر شک کند که حمد را خوانده یا نه و اعتنا نکند چنانچه در قنوت یادش بیاید که حمد را نخوانده باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید نماز او صحیح است.

### شک امام و مأوم

اگر امام جماعت در شماره رکعتهای نماز شک کند؛ مثلاً شک کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت چنانچه مأوم یقین یا گمان داشته باشد که چهار رکعت خوانده و به امام بفهماند که چهار رکعت خوانده است امام باید نماز را تمام کند و خواندن نماز احتیاط لازم نیست، و نیز اگر امام یقین یا گمان داشته باشد که چند رکعت خوانده است و مأوم در شماره رکعتهای نماز شک کند باید به شک خود اعتنا ننماید.

### شک در نماز مستحبی

اگر در شماره رکعتهای نماز مستحبی شک کند چنانچه طرف بیشتر شک نماز را باطل می کند باید بنا را بر کمتر بگذارد؛ مثلاً اگر در نافله صبح شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده و اگر طرف بیشتر شک، نماز را باطل نمی کند مثلاً شک کند که دو رکعت خوانده یا یک رکعت به هر طرف شک عمل کند نمازش صحیح است.

بنابر احتیاط واجب کم شدن رکن، نماز نافله را باطل می کند ولی زیاد شدن رکن آن را باطل نمی کند، پس اگر یکی از کارهای نافله را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که مشغول رکن بعد از آن شده باید آن کار را انجام دهد و دوباره آن رکن را بجا آورد؛ مثلاً اگر در بین رکوع یادش بیاید که سوره را نخوانده باید برگردد و سوره را بخواند و دوباره به رکوع رود.

اگر در یکی از کارهای نافله شک کند خواه رکن باشد یا غیر رکن چنانچه محل آن نگذشته باید بجا آورد و اگر محل آن گذشته به شک خود اعتنا نکند.

اگر در نماز مستحبی دو رکعتی گمانش به سه رکعت یا بیشتر برود یا گمانش به دو رکعت یا کمتر برود باید به همان گمان عمل کند مگر آنکه موجب بطلان باشد که در این صورت گمان حکم شک را دارد مثلاً اگر گمانش به یک رکعت می رود احتیاطاً باید یک رکعت دیگر بخواند.

اگر در نماز نافله کاری کند که برای آن سجده سهو واجب می شود یا یک سجده یا تشهد را فراموش کند لازم نیست بعد از نماز سجده سهو یا قضای سجده و تشهد را بجا آورد.

اگر شك کند که نماز مستحبی را خوانده یا نه چنانچه آن نماز مثل نماز جعفر طیار وقت معین نداشته باشد بنا بگذارد که نخوانده است. و همچنین است اگر مثل نافله یومیه، وقت معین داشته باشد و پیش از گذشتن وقت آن شك کند که آن را بجا آورده یا نه ولی اگر بعد از گذشت وقت شك کند که خوانده است یا نه به شك خود اعتنا نکند.

### شکهای صحیح

در نه صورت اگر در شماره رکتهای نماز چهار رکعتی شك کند باید فکر نماید پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شك پیدا کرد باید همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند و گرنه به دستورهائی که گفته می شود عمل نماید و آن نه صورت از این قرار است:

۱. آنکه بعد از سر برداشتن از سجده دوّم شك کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت که باید بنا بگذارد سه رکعت خوانده و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به دستوری که بعداً گفته می شود بجا آورد.

۲. شك بین دو و چهار رکعت بعد از سر برداشتن از سجده دوّم که باید بنا بگذارد که چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

۳. شك بین دو و سه و چهار رکعت بعد از سر برداشتن از سجده دوّم، که باید بنا بگذارد که چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نماز احتیاط نشسته بجا آورد، ولی اگر بعد از سجده اول یا پیش از سر برداشتن از سجده دوّم یکی از این سه شك برایش پیش آید نماز را دوباره بخواند.

۴. شك بین چهار و پنج رکعت بعد از سر برداشتن از سجده دوّم، که باید بنا بگذارد چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز، دو سجده سهو بجا آورد. پنجم: شك بین سه و چهار رکعت، که در هر جای نماز باشد باید بنابر چهار رکعت بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نماز احتیاط نشسته بجا آورد.

۵. شك بین چهار و پنج رکعت در حال ایستاده، که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد.

۶. شك بین سه و پنج رکعت در حال ایستاده، که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد.

۷. شك بين سه و چهار و پنج ركعت در حال ايستاده، كه بايد بنشيند و تشهد بخواند و بعد از سلام نماز، دو ركعت نماز احتياط ايستاده و بعد دو ركعت نماز احتياط نشسته بجا آورد.
۸. شك بين پنج و شش ركعت در حال ايستاده، كه بايد بنشيند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و سجده سهو بجا آورد.

اگر يكي از شكهاي صحيح براي انسان پيش آيد نبايد نماز را بشكند و چنانچه نماز را بشكند معصيت کرده است. پس اگر پيش از انجام كاري كه نماز را باطل مي كند مثل روگرداندن از قبله نماز را از سر گيرد نماز دوّمش هم باطل است و اگر بعد از انجام كاري كه نماز را باطل مي كند مشغول نماز شود نماز دوّمش صحيح است.

اگر يكي از شكهاي كه نماز احتياط براي آنها واجب است در نماز پيش آيد چنانچه انسان نماز را تمام كند و بدون خواندن نماز احتياط نماز را از سر بگيرد معصيت کرده است. پس اگر پيش از انجام كاري كه نماز را باطل مي كند نماز را از سر گرفته باشد نماز دوّمش هم باطل است و اگر بعد از انجام كاري كه نماز را باطل مي كند مشغول نماز شده نماز دوّمش صحيح است.

وقتي يكي از شكهاي صحيح براي انسان پيش آيد چنانچه گفته شد بايد فوراً فكر كند پس اگر چيزهائي كه به واسطه آنها ممكن است يقين يا گمان به يك طرف شك پيدا شود براي او پيش نيايد شك او از بين نمي رود و چنانچه كمی بعد هم فكر كند اشكال ندارد؛ مثلاً اگر در سجده شك كند مي تواند تا بعد از سجده، فكر كردن را تأخير بيندازد.

اگر اول گمانش به يك طرف بيشتر باشد بعد دو طرف در نظر او مساوي شود بايد به دستور شك عمل نمايد و اگر اول دو طرف در نظر او مساوي باشد و به طرفي كه وظيفه اوست بنا بگذارد، بعد گمانش به طرف ديگر برود بايد همان طرف را بگيرد و نماز را تمام كند.

كسي كه نمي داند گمانش به يك طرف بيشتر است يا هر دو طرف در نظر او مساوي است طبق وظيفه شك عمل مي نمايد.

اگر بعد از نماز بفهمد در بين نماز حال ترديدی داشته كه مثلاً دو ركعت خوانده يا سه ركعت و بنا را بر سه گذاشته ولي نداند كه اين بنا را روي گمانش به خواندن سه ركعت بوده يا از باب اين بوده كه هر دو طرف در نظر او مساوي بوده بايد به احتياط واجب نماز احتياط را بخواند.

اگر موقعي كه تشهد مي خواند يا بعد از ايستادن شك كند كه دو سجده را بجا آورده يا نه و در همان موقع يكي از شكهاي كه اگر بعد از تمام شدن دو سجده اتفاق بيفتد صحيح مي باشد، براي او پيش آيد مثلاً شك كند كه دو ركعت خوانده يا سه ركعت بايد به دستور آن شك عمل كند.

اگر پیش از آنکه مشغول تشهد شود یا در رکعتی که تشهد ندارد پیش از ایستادن شك کند که دو سجده را بجا آورده یا نه و در همان موقع یکی از شکهای که بعد از تمام شدن دو سجده صحیح است برایش پیش آید، نمازش باطل است.

اگر موقعی که ایستاده بین ۳ و ۴ یا بین ۳ و ۴ رکعت شك کند و یادش بیاید که دو سجده از رکعت پیش بجا نیاورده نمازش باطل است.

اگر شك او از بین برود و شك دیگری برایش پیش آید مثلاً اول شك کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت بعد شك کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، باید به دستور شك دوم عمل نماید.

اگر بعد از نماز شك کند که در نماز مثلاً بین دو و چهار رکعت شك کرده یا بین سه و چهار رکعت، احتیاط واجب آن است که به دستور هر دو عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند.

اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز شکی برای او پیش آمده ولی نداند که از شکهای باطل بوده یا از شکهای صحیح و اگر از شکهای صحیح بوده کدام قسم آن بوده است، بنابر احتیاط واجب باید به دستور شکهای صحیح بوده و احتمال می‌دهد عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند.

کسی که نشسته نماز می‌خواند اگر شکی کند که باید برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند، باید یک رکعت نشسته بجا آورد و اگر شکی کند که باید برای آن، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند باید دو رکعت نشسته بجا آورد.

کسی که ایستاده نماز می‌خواند اگر موقع خواندن نماز احتیاط از ایستادن عاجز شود و مجبور شود نشسته نماز بخواند باید طبق آنچه در مسأله قبل آمده به تعداد رکعاتی که باید ایستاده بخواند نشسته بخواند.

کسی که نشسته نماز می‌خواند اگر موقع خواندن نماز احتیاط بتواند بایستد باید به وظیفه کسی که نماز را ایستاده می‌خواند عمل کند.

### نماز احتیاط

کسی که نماز احتیاط بر او واجب است بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و تکبیر بگوید و حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید پس اگر یک رکعت نماز احتیاط بر او واجب است بعد از دو سجده تشهد بخواند و سلام دهد، و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر او واجب است بعد از دو سجده یک رکعت دیگر مثل رکعت اول بجا آورد و بعد از تشهد سلام دهد.

نماز احتیاط سوره و قنوت ندارد و باید آن را آهسته بخواند و نیت آن را به زبان نیاورد، و احتیاط واجب آن است که بسم الله آن را هم آهسته بگوید.

اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد نمازی را که خوانده درست بوده لازم نیست نماز احتیاط را بخواند و اگر در بین نماز احتیاط بفهمد لازم نیست آن را تمام نماید.

اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد که رکعت‌های نمازش کم بوده چنانچه کاری که نماز را باطل می کند انجام نداده باید آنچه را از نماز نخوانده بخواند و برای سلام بی جا دو سجده سهو بجا آورد و اگر کاری که نماز را باطل می کند انجام داده مثلاً پشت به قبله کرده باید نماز را دوباره بجا آورد.

اگر بعد از نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش به مقدار نماز احتیاط بوده مثلاً در شک بین سه و چهار یک رکعت نماز احتیاط بخواند بعد بفهمد نمازش را سه رکعت خوانده نمازش صحیح است.

اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسری نماز کمتر از نماز احتیاط بوده مثلاً در شک بین دو و چهار دو رکعت نماز احتیاط بخواند بعد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده باید نماز را دوباره بخواند.

اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش بیشتر از نماز احتیاط بوده مثلاً در شک بین سه و چهار یک رکعت نماز احتیاط بخواند بعد بفهمد نماز را دو رکعت خوانده چنانچه بعد از نماز احتیاط کاری که نماز را باطل می کند انجام داده باید کسری نمازش را بجا آورد و احتیاط این است که اصل نماز را هم دوباره بخواند.

اگر بین دو و سه و چهار شک کند و بعد از خواندن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده، یادش بیاید که نماز را دو رکعت خوانده لازم نیست دو رکعت نماز احتیاط نشسته را بخواند.

اگر بین ۳ و ۴ شک کند و موقعی که نماز احتیاط را می خواند یادش بیاید که سه رکعت خوانده باید نماز احتیاط را تمام کند هر چند دو رکعت نشسته باشد و احتیاط در اعاده نماز در این صورت ترک نشود.

اگر بین دو و سه و چهار شک کند و موقعی که دو رکعت نماز احتیاط ایستاده را می خواند پیش از رکوع رکعت دوم یادش بیاید که نمازش را سه رکعت خوانده، باید بنشیند و نماز احتیاط را یک رکعتی تمام کند و احتیاط به اعاده نماز ترک نشود.

اگر در بین نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش بیشتر یا کمتر از نماز احتیاط بوده چنانچه نتواند نماز احتیاط را مطابق کسری نمازش تمام کند باید آن را رها کند و نماز را دوباره بخواند مثلاً در شک بین دو و چهار اگر موقعی که دو

رکعت نماز احتیاط ایستاده را می خواند و به رکوع رکعت دوم رفته یادش بیاید که نماز راسه رکعت خوانده باید نماز را دوباره بجا آورد.

اگر شک کند نماز احتیاط را که بر او واجب بوده بجا آورده یا نه چنانچه وقت نماز گذشته به شک خود اعتنا نکند و اگر وقت دارد در صورتی که مشغول کار دیگری نشده و از جای نماز برنخاسته و کاری هم مثل روگرداندن از قبله که نماز را باطل می کند انجام نداده باید نماز احتیاط را بخواند و اگر مشغول کار دیگری شده یا کاری که نماز را باطل می کند بجا آورده یا بین نماز و شک او زیاد طول کشیده احتیاط آن است که نماز احتیاط را بجا آورد و نماز را هم دوباره بخواند.

اگر در نماز احتیاط رکعتی را زیاد کند یا مثلاً به جای یک رکعت دو رکعت بخواند نماز احتیاط باطل می شود و بعید نیست که در این حال تنها به اعاده اصل نماز اکتفا کند.

موقعی که مشغول نماز احتیاط است اگر در یکی از کارهای آن شک کند چنانچه محل آن نگذشته باید بجا آورد و اگر محلش گذشته باید به شک خود اعتنا نکند مثلاً اگر شک کند که حمد را خوانده یا نه چنانچه به رکوع نرفته باید بخواند و اگر به رکوع رفته به شک خود اعتنا نکند.

اگر در شماره رکعت های نماز احتیاط شک کند باید بنا را بر بیشتر بگذارد و نماز را ادامه دهد و صحیح است. ولی چنانچه طرف بیشتر شک، نماز را باطل می کند باید بنا را بر اقل گذاشته و نماز را تمام کند و اصل نماز را هم اعاده کند.

اگر در نماز احتیاط چیزی که رکن نیست سهواً کم یا زیاد شود اقوی این است که سجده سهو ندارد.

اگر بعد از سلام نماز احتیاط شک کند که یکی از اجزاء یا شرائط آن را بجا آورده یا نه به شک خود اعتنا نکند.

اگر در نماز احتیاط تشهد یا یک سجده را فراموش کند احتیاط واجب آن است که بعد از سلام آن را قضا نماید.

اگر نماز احتیاط و قضای یک سجده یا قضای یک تشهد یا دو سجده سهو بر او واجب شود بنا بر اقوی باید اول نماز احتیاط را بجا آورد.

حکم گمان در رکعتهای نماز حکم یقین است مثلاً اگر در نماز چهار رکعتی انسان گمان دارد که نماز را چهار رکعت خوانده نباید نماز احتیاط بخواند و همینطور در غیر رکعتها گمان معتبر است هر چند بهتر است به احتیاط عمل کند.

حکم شک و سهو و گمان در نمازهای واجب یومیه و نمازهای واجب دیگر غیر یومیه فرق ندارد مثلاً اگر در نماز آیات شک کند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت چون شک او در نماز دو رکعتی است نمازش باطل می شود.

برای پنج چیز بعد از سلام نماز، انسان باید دو سجده سهو به دستوری که بعداً گفته می شود بجا آورد:

۱. آنکه در بین نماز سهواً حرف بزند.
۲. آنکه یک سجده را فراموش کند.
۳. آنکه در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شك کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت.
۴. در جائی که نباید نماز را سلام دهد مثلاً در رکعت اول سهواً سلام بدهد.
۵. آنکه تشهد را فراموش کند.

احتیاط مستحب این که برای قیام و یا جلوس زاید بلکه برای هر زیادی یا نقصی سجده سهو به جا آورد.

اگر انسان اشتبهاً یا به خیال اینکه نمازش تمام شده حرف بزند باید دو سجده سهو بجا آورد.

برای حرفی که از آه کشیدن و سرفه پیدا می شود سجده سهو واجب نیست ولی اگر مثلاً سهواً آخ یا آه بگوید باید سجده سهو بجا آورد.

اگر چیزی را که غلط خوانده دوباره به طور صحیح بخواند، برای دوباره خواندن آن، سجده سهو واجب نیست.

اگر در نماز سهواً مدتی حرف بزند و تمام آنها یک مرتبه حساب شود دو سجده سهو بعد از سلام نماز برای تمام آنها کافی است.

اگر سهواً تسیحات اربعه را نگوید یا بیشتر و یا کمتر از سه مرتبه بگوید احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد.

اگر در جائی که نباید سلام نماز را بگوید سهواً بگوید: السلام علينا وعلى عبادالله الصالحين «یا بگوید: السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته باید دو سجده سهو انجام دهد و اگر اشتبهاً مقداری از این دو سلام را بگوید یا بگوید السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته احتیاط آن است که دو سجده سهو بجا آورد.

اگر در جایی که نباید سلام دهد اشتبهاً هر سه سلام را بگوید دو سجده سهو کافی است.

اگر یک سجده یا تشهد را فراموش کند و پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید باید برگردد و آن را بجا آورد، و سجده سهو برای زیادی ها که انجام شده واجب نیست.



اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید که یک سجده یا تشهد را از رکعت پیش فراموش کرده باید بعد از سلام نماز سجده یا تشهد را قضا نماید و بعد از آن دو سجده سهو بجا آورد.

اگر سجده سهو را بعد از سلام نماز عمداً بجا نیاورد معصیت کرده و واجب است هرچه زودتر آن را انجام دهد و چنانچه سهواً بجا نیاورد هر وقت یادش آمد باید فوراً انجام دهد و لازم نیست نماز را دوباره بخواند.

اگر شک دارد که سجده سهو بر او واجب شده یا نه، لازم نیست بجا آورد.

کسی که شک دارد مثلاً دو سجده سهو بر او واجب شده یا چهار تا اگر دو سجده بجا آورد کافی است.

اگر بداند یکی از دو سجده سهو را بجا نیاورده باید دو سجده سهو بجا آورد و اگر بداند سهواً سه سجده کرده باید دوباره سجده سهو بجا آورد.

### دستور سجده سهو

دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز فوراً نیت سجده سهو کند و پیشانی را به چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ يَا بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» ولی بنابر احتیاط بهتر است بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» و بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهائی را که گفته شد بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهد سلام دهد.

### قضای سجده و تشهد فراموش شده

سجده و تشهد را که انسان فراموش کرده و بعد از نماز، قضای آن را بجا می آورد باید تمام شرائط نماز مانند پاک بودن بدن و لباس و رو به قبله بودن و شرطهای دیگر را داشته باشد.

اگر سجده یا تشهد را چند دفعه فراموش کند مثلاً یک سجده از رکعت اول و یک سجده از رکعت دوم را فراموش نماید باید بعد از نماز، قضای هر دو را با سجده های سهوی که برای آنها لازم است بجا آورد، و لازم نیست معین کند که قضای کدام یک آنها است که انجام می دهد.

اگر یک سجده و تشهد را فراموش کند احتیاط واجب آن است که هر کدام را اول فراموش کرده اول قضا نماید و اگر نداند اول کدام یک فراموش شده باید احتیاطاً یک سجده و تشهد و بعد یک سجده دیگر بجا آورد و یا یک تشهد و یک سجده و بعد یک تشهد دیگر بجا آورد تا یقین کند سجده و تشهد را به ترتیبی که فراموش کرده قضا نموده است.

اگر به خیال اینکه اول سجده را فراموش کرده اول قضای آن را بجا آورد و بعد از خواندن تشهد یادش بیاید که اول تشهد را فراموش کرده، احتیاط واجب آن است که دوباره سجده را قضا نماید و نیز اگر به خیال اینکه اول تشهد را فراموش کرده اول قضای آن را بجا آورد بعد از سجده یادش بیاید که اول سجده را فراموش کرده بنا بر احتیاط واجب باید دوباره تشهد را بخواند.

اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند که چنانچه عمداً یا سهواً در نماز اتفاق بیفتد نماز باطل می شود مثلاً پشت به قبله نماید باید قضای سجده و تشهد را بجا آورد و احتیاط واجب اعاده نماز است.

اگر بعد از سلام نماز و بعد از انجام دادن کاری که عمداً و سهواً نماز را باطل می کند یادش بیاید که یک سجده از رکعت آخر را فراموش کرده باید قضای سجده ای را که فراموش کرده بجا آورد و بعد از آن دو سجده سهو بجا آورد، و اگر قبل از آن باشد باید از آن سجده به بعد را تدارک کند و برای سلام زاید دو سجده سهو به جا آورد. و اگر تشهد رکعت آخر را فراموش کرده باشد حکم فراموشی سجده را دارد.

اگر در اثناء نماز و یا بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند که برای آن سجده سهو واجب می شود مثل آنکه سهواً حرف بزند باید بنا بر احتیاط واجب اول سجده یا تشهد را قضا کند.

اگر نداند که سجده را فراموش کرده یا تشهد را، باید هر دو را قضا نماید و هر کدام را اول بجا آورد اشکال ندارد.

اگر شک دارد که سجده یا تشهد را فراموش کرده یا نه واجب نیست قضا نماید.

اگر بداند سجده یا تشهد را فراموش کرده و شک کند که پیش از رکوع رکعت بعد بجا آورده یا نه احتیاط واجب آن است که آن را قضا نماید.

اگر شک دارد که بعد از نماز، قضای سجده یا تشهد فراموش شده را بجا آورده یا نه چنانچه وقت نماز نگذشته باید سجده یا تشهد را قضا نماید و اگر وقت نماز هم گذشته بنا بر احتیاط واجب باید سجده یا تشهد را قضا نماید.

# احکام اذان و اقامه

فهرست عناوین مبحث اذان و اقامه

✕ اذان و اقامه

✕ ترجمه اذان و اقامه

✕ احکام اذان و اقامه

## اذان و اقامه

برای مرد و زن مستحب است پیش از نمازهای یومیّه اذان و اقامه بگویند ولی پیش از نماز عید فطر و قربان مستحب است سه مرتبه بگویند «الصَّلوة» و در نمازهای واجب دیگر سه مرتبه «الصَّلوة» را به قصد رجاء بگویند . مستحب است در روز اولی که بچه به دنیا می آید یا پیش از آنکه بند نافش بیفتد در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.

اذان هیجده جمله است:

الله اکبرُ چهار مرتبه

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ - حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ - حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ - حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ،  
الله اکبرُ - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ هر یک دو مرتبه

و اقامه هفده جمله است یعنی

دو مرتبه الله اکبرُ از اول اذان

و یک مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ از آخر آن کم می شود

و بعد از گفتن حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ باید دو مرتبه قَد قَامَتِ الصَّلَاةُ اضافه نمود.

أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ جزو اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ به قصد قربت گفته شود.

ترجمه اذان و اقامه

الله اکبرُ: یعنی خدای تعالی بزرگتر از آن است که او را وصف کنند.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: یعنی شهادت می دهم که غیر خدائی که یکتا و بی همتا است خدای دیگری وجود ندارد.

أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ: یعنی شهادت می دهم که حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه وآله) پیغمبر و فرستاده خداست.

أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيًّا لِلَّهِ: یعنی شهادت می دهم که حضرت علی (علیه السلام) امیرالمؤمنین و ولی خدا بر همه خلق است.

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ: یعنی بشتاب برای نماز.

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ: یعنی بشتاب برای رستگاری.

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ: یعنی بشتاب برای بهترین کارها که نماز است.

قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ: یعنی به تحقیق نماز برپا شد.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: یعنی نیست خدائی مگر خدائی که یکتا و بی همتا است.

### احکام اذان و اقامه

بین جمله های اذان و اقامه باید خیلی فاصله نشود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد باید دوباره آن را از سر بگیرد.

اگر در اذان و اقامه صدا را در گلو بیندازد چنانچه غنا شود، یعنی به طور آوازه خوانی که در مجالس لهو و بازیگری معمول است، اذان و اقامه را بگوید حرام و باطل است.

هر نمازی که با نماز قبل همراه خوانده شود اذان آن ساقط می شود چه همراه خواندن مستحب باشد یا نباشد، بنابراین در موارد زیر اذان ساقط می شود.

۱. اذان نماز عصر روز جمعه هنگامی که با نماز جمعه یا ظهر همراه خوانده شود.
۲. نماز عصر روز عرفه که روز نهم ذی الحجه است اگر همراه ظهر خوانده شود.
۳. نماز عشاء شب عید قربان برای کسی که در مشعرالحرام است و آن را با مغرب همراه می خواند، همراه خواندن و جمع کردن بین دو نماز در سه مورد مذکور مستحب است.
۴. نماز عصر و عشاء زن مستحاضه که باید آن را بلافاصله بعد از نماز ظهر یا مغرب بخواند.
۵. نماز عصر و عشاء کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند.

در این پنج نماز در صورتی اذان ساقط می شود که با نماز قبلی فاصله نشود یا فاصله کمی بین آنها باشد و ظاهراً با خواندن نافله فاصله حاصل می شود.

اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند کسی که با آن جماعت نماز می خواند نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید گرچه اذان و اقامه را نشنیده باشد و یا موقع گفتن آن در جماعت حاضر نباشد.

اگر برای خواندن نماز به مسجد برود و ببیند نماز جماعتی که در مسجد تشکیل شده بود تمام شده تا وقتی که صفها بهم نخورده و جمعیت متفرق نشده، در صورتی که برای نماز جماعت اذان و اقامه گفته شده باشد، نمی تواند برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

در جائی که عدّه ای مشغول نماز جماعتند یا نماز آنان تازه تمام شده و صفها بهم نخورده است اگر انسان بخواهد فرادی یا با جماعت دیگری که برپا می شود نماز بخواند با پنج شرط اذان و اقامه از او ساقط می شود:

۱. برای نماز جماعت اول اذان و اقامه گفته باشند.
۲. آن نماز جماعت باطل نباشد.
۳. نماز او و نماز جماعت در یک مکان باشد پس اگر نماز جماعت داخل مسجد باشد و بخواهد در بام مسجد نماز بخواند مستحب است اذان و اقامه بگوید.
۴. نماز او و نماز جماعت هر دو اداء باشد.
۵. وقت نماز او و نماز جماعت مشترک باشد مثلاً هر دو نماز ظهر یا هر دو نماز عصر بخوانند یا نمازی که به جماعت خوانده می شود نماز ظهر باشد و او نماز عصر بخواند یا او نماز ظهر بخواند و نماز جماعت نماز عصر باشد.

اگر در شرط دوم از شرطهایی که در مسأله پیش گفته شد شك کند یعنی شك کند که نماز جماعت صحیح بوده یا نه، اذان و اقامه از او ساقط است ولی اگر در چهار شرط دیگر شك کند بهتر است به قصد رجاء اذان و اقامه را بگوید.

کسی که اذان و اقامه دیگری را می شنود مستحب است هر قسمتی را که می شنود بگوید ولی از «حَى عَلَى الصَّلَاةِ» تا «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» را به امید ثواب بگوید.

کسی که اذان و اقامه دیگری را شنیده چه با او گفته باشد یا نه، در صورتی که بین آن اذان و اقامه و نمازی که می خواهد بخواند زیاد فاصله نشده باشد می تواند برای نماز خود اذان و اقامه نگوید.

اگر مرد اذان زن را با قصد لذت بشنود اذان از او ساقط نمی شود بلکه اگر قصد لذت هم نداشته باشد بنا بر احتیاط واجب اذان از او ساقط نمی شود، ولی اگر زن اذان مرد را بشنود اذان از او ساقط می شود.

اذان و اقامه نماز جماعت را باید مرد بگوید.

اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگویند صحیح نیست.

اگر کلمات اذان و اقامه را بدون ترتیب بگوید، مثلاً «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» را پیش از «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» بگوید باید برگردد و از جایی که ترتیب بهم خورده دوباره بگوید.

باید بین اذان و اقامه فاصله ندهد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که اذانی را که گفته اذان این اقامه حساب نشود مستحب است دوباره اذان و اقامه را بگوید و نیز اگر بین اذان و اقامه و نماز به قدری فاصله دهد که اذان و اقامه آن نماز حساب نشود مستحب است دوباره برای آن نماز، اذان و اقامه بگوید.

اذان و اقامه باید به عربی صحیح گفته شود پس اگر به عربی غلط بگوید یا به جای یک حرف دیگری بگوید یا مثلاً ترجمه آنها را به فارسی یا زبان دیگر بگوید صحیح نیست.

اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود و اگر عمداً یا از روی فراموشی پیش از وقت بگوید باطل است.

اگر پیش از گفتن اقامه شك کند که اذان گفته یا نه باید اذان را بگوید، ولی اگر مشغول اقامه شود و شك کند که اذان گفته یا نه، گفتن اذان لازم نیست.

اگر در بین اذان یا اقامه پیش از آنکه قسمتی را بگوید شك کند که قسمت پیش از آن را گفته یا نه، باید قسمتی را که در گفتن آن شك کرده بگوید ولی اگر در حال گفتن قسمتی از اذان یا اقامه شك کند که آنچه پیش از آن است گفته یا نه گفتن آن لازم نیست.

مستحب است انسان در موقع گفتن اذان رو به قبله بایستد و با وضو یا غسل باشد و دستها را به گوش بگذارد و صدا را بلند نماید و بکشد و بین جمله های اذان کمی فاصله دهد و بین آنها حرف نزند.

مستحب است بدن انسان در موقع گفتن اقامه آرام باشد و آن را از اذان آهسته تر بگوید و جمله های آن را به هم نچسباند ولی به اندازه ای که بین جمله های اذان فاصله می دهد بین جمله های اقامه فاصله ندهد.

مستحب است بین اذان و اقامه یک قدم بردارد، یا قدری بنشیند یا سجده کند یا ذکر بگوید یا دعا بخواند یا قدری ساکت باشد یا حرفی بزند یا دو رکعت نماز بخواند، ولی حرف زدن بین اذان و اقامه نماز صبح و نماز خواندن بین اذان و اقامه نماز مغرب مستحب نیست.

مستحب است کسی را که برای گفتن اذان معین می کنند عادل و وقت شناس و صدایش بلند باشد و اذان را در جای بلند بگوید. و در صورتی که از بلندگوها استفاده شود مانعی ندارد گوینده اذان در محلّ پائین قرار گیرد.

شنیدن اذان از رادیو و ضبط صوت و مانند آن برای نماز کافی نیست بلکه خود نمازگزاران باید اذان بگویند.

احتیاط واجب آن است که اذان را همیشه به قصد نماز بگویند و گفتن اذان برای اعلام دخول وقت بدون قصد نماز بعد از آن، مشکل است.

اگر اذان و اقامه را به قصد نماز فرادی بگوید، بعد جماعتی از او تقاضا کنند تا امام جماعت آنان شود یا بخواهد به عنوان مأموم نمازش را به جماعت بخواند آن اذان و اقامه کافی نیست و مستحب است دوباره بگویند.

# احکام نماز مسافر و نماز قضا

## فهرست عناوین مبحث نماز مسافر و نماز قضا

✕ نماز مسافر

✕ نماز قضا

### نماز مسافر

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با هشت شرط، شکسته بجا آورد یعنی دو رکعت بخواند:

شرط اول: آنکه سفر او هشت فرسخ شرعی یعنی ۴۵ کیلومتر باشد.

کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است اگر رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد باید نماز را شکسته بخواند بنابراین اگر رفتن سه فرسخ و برگشتن پنج فرسخ باشد باید نماز را تمام بخواند.

اگر رفتن و برگشتن هشت فرسخ باشد باید نماز را شکسته بخواند چه همان روز و شب بخواهد برگردد یا غیر آن روز و شب.

اگر سفر مختصری از هشت فرسخ کمتر باشد یا انسان نداند که سفر او هشت فرسخ است یا نه نباید نماز را شکسته بخواند و چنانچه شک کند که سفر او هشت فرسخ است یا نه در صورتی که تحقیق کردن برایش مشقتی دارد که معمولاً تحمل نمی شود باید نمازش را تمام بخواند و اگر مشقت (به معنایی که گفته شد) ندارد بنابر احتیاط واجب باید تحقیق کند که اگر دو عادل بگویند یا بین مردم معروف باشد که سفر او هشت فرسخ است نماز را شکسته بخواند و یا نمازش را احتیاطاً هم شکسته و هم تمام بخواند.

اگر یک عادل خبر دهد که سفر انسان هشت فرسخ است ظاهر این است که با خبر عادل واحد سفر هشت فرسخ ثابت نمی شود و باید نماز را تمام بخواند و احوط آن است که هم شکسته و هم تمام (جمع) بخواند.

کسی که یقین دارد سفر او هشت فرسخ است اگر نماز را شکسته بخواند و بعد بفهمد که هشت فرسخ نبوده باید آن را چهار رکعتی بجا آورد و اگر وقت گذشته باید قضا نماید.

کسی که یقین دارد سفرش هشت فرسخ نیست یا شک دارد که هشت فرسخ هست یا نه چنانچه در بین راه بفهمد که سفر او هشت فرسخ بوده اگر چه کمی از راه باقی باشد باید نماز را شکسته بخواند و اگر تمام خوانده دوباره شکسته بجا آورد.



اگر بین دو محلی که فاصله آنها کمتر از چهار فرسخ است چند مرتبه رفت و آمد کند اگرچه روی هم رفته هشت فرسخ شود باید نماز را تمام بخواند.

اگر محلی دو راه داشته باشد یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد چنانچه انسان از راهی که هشت فرسخ است به آنجا برود باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود باید تمام بخواند.

اگر شهر دیوار دارد باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار شهر حساب کند و اگر دیوار ندارد باید از خانه های آخر شهر حساب نماید و در شهرهای بزرگ خارق العاده در صورتی که خارج شدن از یک محله تا محله بعدی، در نظر عرف سفر به حساب بیاید ابتدای هشت فرسخ از آخر محله محاسبه می شود.

شرط دوّم: آنکه از اوّل مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد، با توجه به این شرط، اگر فرد قصد داشته باشد به جایی برود که کمتر از هشت فرسخ می شود و بعد از رسیدن به آنجا تصمیم بگیرد به جایی دیگر برود چنانچه پس از آن هشت فرسخ می شود و حداقل چهار فرسخ آن رفتن است نمازش شکسته است و اگر پس از آن هشت فرسخ نمی شود هرچند با محاسبه مسیر قبلی هشت فرسخ بشود نمازش تمام است. و اگر از ابتدا قصد داشته باشد که به مقصد اول رفته و پس از آن به مقصد دوم برود چنانچه مجموعاً هشت فرسخ می شود نمازش شکسته است هرچند مقصد اول کمتر از هشت فرسخ باشد.

کسی که نمی داند سفرش چند فرسخ است؛ مثلاً برای پیدا کردن گمشده ای مسافرت می کند و نمی داند که چه مقدار باید برود تا گمشده را پیدا کند، باید نماز را تمام بخواند ولی در برگشتن چنانچه تا وطنش یا جایی که می خواهد ده روز در آنجا بماند هشت فرسخ یا بیشتر باشد، باید نماز را شکسته بخواند و نیز اگر در بین رفتن قصد کند که چهار فرسخ برود و برگردد چنانچه رفتن و برگشتن هشت فرسخ شود با شرط آنکه رفتن چهار فرسخ کمتر نباشد باید نماز را شکسته بخواند.

مسافر در صورتی باید نماز را شکسته بخواند که تصمیم داشته باشد هشت فرسخ برود پس کسی که از شهر بیرون می رود و مثلاً قصدش این است که اگر رفیق پیدا کند سفر هشت فرسخی برود چنانچه اطمینان دارد که رفیق پیدا می کند باید نماز را شکسته بخواند و اگر اطمینان ندارد باید تمام بخواند.

کسی که قصد هشت فرسخ دارد اگرچه در هر روز مقدار کمی راه برود وقتی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و اذان آن را نشود باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر در هر روز مقدار خیلی کمی راه برود که نگویند مسافر است باید نمازش را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

کسی که در سفر به اختیار دیگری است مانند نوکری که با آقای خود مسافرت می کند چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است باید نماز را شکسته بخواند و در صورت شک در قصد او احتیاط واجب این است که فحص کند ولی بر آن شخص لازم نیست به او خبر بدهد.

کسی که در سفر به اختیار دیگری است اگر بداند یا گمان داشته باشد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می شود باید نماز را تمام بخواند

کسی که در سفر به اختیار دیگری است اگر شک دارد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می شود یا نه ظاهر این است که باید تمام بخواند مگر اطمینان به عدم مفارقت داشته باشد و نیز اگر شک او از این جهت است که احتمال می دهد مانعی برای سفر او پیش آید چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا نباشد باید نمازش را شکسته بخواند.

شرط سوّم: آنکه در بین راه از قصد خود برنگردد پس اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردد شود باید نماز را تمام بخواند.

اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود چنانچه تصمیم داشته باشد که همان جا بماند یا بعد از ده روز برگردد یا در برگشتن و ماندن مردد باشد باید نماز را تمام بخواند.

اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود و تصمیم داشته باشد که برگردد باید نماز را شکسته بخواند.

اگر برای رفتن به محلی حرکت کند و بعد از رفتن مقداری از راه بخواهد جای دیگری برود چنانچه از محل اولی که حرکت کرده تا جایی که می خواهد برود هشت فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

اگر پیش از آنکه به هشت فرسخ برسد مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و در موقعی که مردد است راه نرود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود باید تا آخر مسافرت نماز را شکسته بخواند.

اگر پیش از آنکه به هشت فرسخ برسد مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و در موقعی که مردد است مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود چنانچه باقی مانده سفر او هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد ولی بخواهد برود و برگردد، باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر راهی که پیش از مردد شدن و راهی که بعد از آن می رود روی هم هشت فرسخ باشد، بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

شرط چهارم: آنکه نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند، پس کسی که می خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن بگذرد یا ده روز در محلی بماند باید نماز را تمام بخواند.

کسی که نمی داند پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش می گذرد یا نه یا ده روز در محلی می ماند یا نه، باید نماز را تمام بخواند.

کسی که می خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد یا ده روز در محلی بماند اگر از ماندن ده روز یا گذشتن از وطن منصرف شود باز هم باید نماز را تمام بخواند ولی اگر باقی مانده راه هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد و بخواد برود و برگردد باید نماز را شکسته بخواند.

شرط پنجم: آنکه برای کار حرام سفر نکند و اگر برای کار حرامی مانند دزدی سفر کند باید نماز را تمام بخواند و همچنین است اگر خود سفر، حرام باشد مثل آنکه سفر برای او ضرر داشته باشد یا زن بدون اجازه شوهر و فرزند با نهدی پدر و مادر در صورتی که مخالفت با آن موجب اذیت و ناراحتی یا اسائه ادب به پدر و مادر باشد سفری برونند که بر آنان واجب نباشد ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد باید نماز را شکسته بخواند.

سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد.

کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمی کند اگرچه در سفر معصیتی انجام دهد مثلاً غیبت کند یا شراب بخورد باید نماز را شکسته بخواند.

اگر مخصوصاً برای آنکه کار واجبی را ترک کند مسافرت نماید، نمازش تمام است. پس کسی که بدهکار است اگر بتواند بدهی خود را بدهد و طلب کار هم مطالبه کند چنانچه در سفر نتواند بدهی خود را بدهد و مخصوصاً برای فرار از دادن قرض مسافرت نماید نماز را تمام بخواند ولی اگر مخصوصاً برای ترک واجب مسافرت نکند باید نماز را شکسته بخواند و احتیاط آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

اگر سفر او سفر حرام نباشد ولی حیوان سواری یا مرکب دیگری که سوار است غصبی باشد نمازش شکسته است ولی اگر در زمین غصبی مسافرت کند بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

کسی که با ظالم مسافرت می کند اگر ناچار نباشد و مسافرت او کمک به ظالم باشد باید نماز را تمام بخواند و اگر ناچار باشد یا مثلاً برای نجات دادن مظلومی با او مسافرت کند نمازش شکسته است.

اگر به قصد تفریح و گردش مسافرت کند حرام نیست و باید نماز را شکسته بخواند.

اگر برای لهو و خوش گذرانی به شکار رود نمازش تمام است و چنانچه برای تهیه معاش به شکار رود نمازش شکسته است و اگر برای کسب و زیاد کردن مال برود احتیاط واجب آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند ولی باید روزه نگیرد.

کسی که برای معصیت سفر کرده موقعی که از سفر برمی گردد اگر توبه کرده باشد باید نماز را شکسته بخواند و اگر توبه نکرده باشد باید نماز را تمام بخواند. و اگر برگشتن از سفر در نظر عرف جزء رفتن به سفر، معصیت محسوب شود، بعید نیست وظیفه اش تمام باشد گرچه احتیاط آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

کسی که سفر او سفر معصیت است اگر در بین راه از قصد معصیت برگردد چنانچه باقی مانده راه هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد و بخواهد برود و برگردد به شرط آنکه رفتن آن از چهار فرسخ کمتر نباشد باید نماز را شکسته بخواند.

کسی که برای معصیت سفر نکرده اگر در بین راه قصد کند که بقیه راه را برای معصیت برود باید نماز را تمام بخواند ولی نمازهایی را که شکسته خوانده صحیح است.

شرط ششم: آنکه از صحرائشینهائی نباشد که در بیابانها گردش می کنند و هر جا که آب و خوراک برای خود و حشمتان پیدا کنند می مانند و بعد از چندی به جای دیگر می روند و صحرائشینهائی در این مسافرتها باید نماز را تمام بخوانند.

اگر یکی از صحرائشینهائی پیدا کردن منزل و چراگاه حیواناتشان سفر کند بدون این که منزلش همراهش باشد چنانچه سفر او هشت فرسخ باشد و قبل از این سفر هم ده روز در یکجا نمانده است، باید نمازش را تمام بخواند.

اگر صحرائشینهائی برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند اینها قبل از اینکه ده روز در یکجا بماند مسافرت کند باید نماز را تمام بخواند.

شرط هفتم: آنکه شغل او مسافرت نباشد بنابراین شتردار و راننده و چوبدار و کشتیان و مانند اینها اگر چه برای بردن اثاثیه منزل خود مسافرت کنند در غیر سفر اول باید نماز را تمام بخوانند ولی در سفر اول اگر چه طول بکشد نمازشان شکسته است.

کسی که شغلش مسافرت است اگر برای کار دیگری مثلاً برای زیارت یا حج مسافرت کند باید نماز را تمام بخواند ولی اگر مثلاً راننده ماشین و اتومبیل خود را برای زیارت کرایه بدهد و در ضمن خودش هم زیارت کند باید نماز را تمام بخواند.

حمله دار یعنی کسی که فقط در ماههای حج به مسافرت اشتغال می‌ورزد، نماز را باید شکسته بخواند.

کسی که شغل او حمله داری است و حاجیها را از راه دور به مگه می برد چنانچه تمام سال یا بیشتر سال را در راه باشد باید نماز را تمام بخواند.

کسی که در مقداری از سال شغلش مسافرت است مثل شوفری که فقط در تابستان یا زمستان اتومبیل خود را کرایه می دهد باید در زمانی که اشتغال به سفر دارد نماز را تمام بخواند، و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

راننده و دوره گردی که در دو سه فرسخی شهر رفت و آمد می کند چنانچه اتفاقاً سفر هشت فرسخی برود باید نماز را شکسته بخواند.

کسی که شغلش مسافرت است اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد و چه بدون قصد بماند باید در سفر اولی که بعد از ده روز می رود نماز را شکسته بخواند.

کسی که شغلش مسافرت است اگر در غیر وطن خود ده روز با قصد بماند در سفر اولی که بعد از ده روز می رود باید نماز را شکسته بخواند. و اگر قصد ده روز ماندن را نداشته به احتیاط واجب جمع بخواند.

الف. کسانی که بهر علتی معمولاً در هر کمتر از ده روز حداقل یک سفر بیش از ۴۵ کیلومتر دارند در تمام سفرها و تمام مکانها نمازشان تمام است و روزه آنها صحیح می باشد.

ب. این افراد لازم نیست حداقل سه ماه یا چهار ماه مسافرت کنند. بلکه همین که در طول یک ماه حداقل چهار سفر پی در پی بدون فاصله ده روز داشته باشند نمازشان تمام است.

ج. بطور کلی کسانی که نمازشان تمام است اگر ده روز در وطن یا در جایی با قصد اقامه بمانند در سفر اول بعد از ده روز نمازشان شکسته و در سفر بعد نمازشان تمام است.

د. محل تحصیل و محل کار در حکم وطن نیست. بلکه وطن جایی است که انسان به قصد سکونت همیشگی و مادام العمر در آنجا ساکن شده باشد. پس کسانی که بصورت مأموریت در شهر دیگری برای مدتی معین و لو طولانی سکونت می کنند آنجا وطن آنها محسوب نمی شود.

و. این حکم مربوط به افرادی است که حداقل در کمتر از ده روز یک سفر داشته باشند. اما دانشجویان و کارمندان و طلاب و کسانی که در محل تحصیل یا محل کار بیش از ده روز می مانند یا هنگام مرخصی در وطن بیش از ده روز می مانند شامل این حکم نمی شوند. و نماز آنها در سفر شکسته است مگر اینکه قصد اقامت ده روز کنند.

کسی که در شهرها سیاحت می کند و برای خود وطنی اختیار نکرده باید نماز را تمام بخواند.

کسی که شغلش مسافرت نیست اگر مثلاً در شهری یا در دهی جنسی دارد که برای حمل آن مسافرتهای پی در پی می کند، اگر حداقل چهار سفر یا بیشتر داشته باشد، نمازش تمام است.

کسی که از وطنش صرف نظر کرده و می خواهد وطن دیگری برای خود اختیار کند اگر شغلش مسافرت نباشد باید در این مسافرت نماز را شکسته بخواند.

شرط هشتم: آنکه از حد ترخص بگذرد یعنی از وطنش به قدری دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان را هم نشود ولی باید در هوا غبار یا چیز دیگری نباشد که از دیدن دیوار و شنیدن اذان جلوگیری کند، و لازم نیست به قدری دور شود که مناره و گنبد را نبیند یا دیوارها پیدا نباشد، بلکه همین قدر که دیوار کاملاً تشخیص داده نشود کافی است، و کسی که از جایی که قصد کرده ده روز در آنجا بماند به قصد هشت فرسخ خارج شود تا به حد ترخص نرسیده بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

کسی که به سفر می رود اگر به جایی برسد که اذان را نشنود ولی دیوار شهر را ببیند یا دیوارها را نبیند ولی صدای اذان را بشنود چنانچه بخواهد در آنجا نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسافری که به وطنش برمی گردد وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود باید نماز را تمام بخواند ولی مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند وقتی دیوار آنجا را ببیند و صدای اذان را بشنود بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تأخیر بیندازد تا به منزل برسد یا نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

هرگاه شهر در بلندی باشد که از دور دیده شود یا به قدری گود باشد که اگر انسان کمی دور شود دیوار آن را نبیند کسی که از آن شهر مسافرت می کند وقتی به اندازه ای دور شود که اگر آن شهر در زمین هموار بود دیوارش از آنجا دیده نمی شد باید نماز را شکسته بخواند و نیز اگر پستی و بلندی خانه ها بیشتر از معمول باشد باید ملاحظه معمول را بنماید.

اگر از محلی مسافرت کند که خانه و دیوار ندارد وقتی به جایی برسد که اگر آن محل دیوار داشت از آنجا دیده نمی شد باید نماز را شکسته بخواند.

اگر به قدری دور شود که نداند صدائی را که می شنود صدای اذان است یا صدای دیگر باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر بفهمد اذان می گویند لکن کلمات آن را تشخیص ندهد باید نماز را تمام بخواند.

اگر به قدری دور شود که اذان خانه های آخر شهر را نشنود ولی اذان شهر را که معمولاً در جای بلند می گویند بشنود نباید نماز را شکسته بخواند.

اگر به جایی برسد که اذان شهر را که معمولاً در جای بلند می گویند نشنود ولی اذانی را که در جای خیلی بلند می گویند بشنود، باید نماز را شکسته بخواند.

اگر چشم یا گوش او یا صدای اذان غیر معمولی باشد در محلی باید نماز را شکسته بخواند که چشم متوسط دیوار خانه ها را نبیند و گوش متوسط صدای اذان معمولی را نشنود.

اگر بخواهد در محلی نماز بخواند که شک دارد به حد ترخص یعنی جائی که اذان را نشنود و دیوار را نبیند رسیده یا نه باید نماز را تمام بخواند و در موقع برگشتن اگر شک کند که به حد ترخص رسیده یا نه باید شکسته بخواند و چون در بعضی موارد اشکال پیدا می کند یا آنجا نماز نخواند یا هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسافری که در سفر از وطن خود عبور می کند وقتی به جائی برسد که دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود باید نماز را تمام بخواند.

مسافری که در بین مسافرت به وطنش رسیده تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند ولی اگر بخواهد از آنجا هشت فرسخ برود یا چهار فرسخ برود و برگردد وقتی به جائی برسد که دیوار وطن را نبیند و صدای اذان آن را نشنود باید نماز را شکسته بخواند.

وطن بر دو قسم است: ۱- وطن اصلی، یعنی جایی که وطن پدر و مادر یا یکی از آنها باشد و انسان همراه آنها در آنجا مدتی زندگی کرده باشد و چه در آنجا متولد شده باشد یا در جای دیگر. ۲- وطن غیر اصلی، یعنی جایی که انسان با اختیار خود به عنوان وطن انتخاب کند که در دو صورت محقق می شود:

الف: جایی را برای زندگی خود انتخاب کند و قصد داشته باشد تا آخر عمر در آنجا بماند.

ب: جایی را برای زندگی خود انتخاب کند و قصد رفتن از آنجا را نداشته باشد و آن قدر آنجا بماند که عرفاً او را اهل آنجا بدانند. بنابراین کسی که قصد داشته باشد مدتی هر چند طولانی در محلی بماند و بعد به جای دیگر برود آنجا وطن او نمی شود.

کسی که در دو محل زندگی می کند؛ مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر می ماند هر دو وطن او است اما اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد بنابر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته بخواند و هم تمام.

در غیر وطن اصلی و وطن غیر اصلی که ذکر شد در جاهای دیگر اگر قصد اقامه نکند نمازش شکسته است چه ملکی در آنجا داشته باشد یا نداشته باشد و چه در آنجا شش ماه مانده باشد یا نمانده باشد.

اگر به جائی برسد که وطن اصلی او بوده و عملاً از آنجا صرف نظر کرده یا به جائی برسد که وطن غیر اصلی او بوده و دیگر قصد ماندن در آنجا را ندارد، نباید نماز را تمام بخواند اگرچه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.

مسافری که قصد دارد ده روز پشت سرهم در محلی بماند یا می داند که بدون اختیار ده روز در محلی می ماند در آن محل باید نمازهای خود را تمام بخواند.

هرگاه شخصی بخواهد ۲۴۰ ساعت یا بیشتر در محلی بماند قصد اقامت محقق می شود و باید نماز را تمام بخواند. بنابراین اگر ساعت ۱۰ صبح وارد شهری شود در صورتی قصد اقامت محقق می شود که بخواهد بعد از ساعت ۱۰ صبح روز یازدهم آنجا را ترک کند. و اگر اذان صبح در محلی حضور پیدا کرد لازم نیست ۲۴۰ ساعت تمام شود بلکه اگر بخواهد تا غروب روز دهم بماند کفایت می کند و باید نماز را تمام بخواند.

مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند در صورتی باید نماز را تمام بخواند که بخواهد تمام ده روز را در یک جا بماند، پس اگر بخواهد مثلاً ده روز در نجف و کوفه بماند باید نماز را شکسته بخواند.

مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند اگر از اول قصد داشته باشد که در بین ده روز به اطراف آنجا برود چنانچه جائی که می خواهد برود از توابع آن باشد مانند باغ های اطراف شهر باید در همه ده روز نماز را تمام بخواند و اگر از توابع آن نباشد و کمتر از مسافت شرعی باشد، اگر به گونه ای باشد که شب و در زمان استراحت در محل قصد اقامت باشد، نمازش تمام است.

مسافری که تصمیم ندارد ده روز در جائی بماند مثلاً قصدش این است که اگر رفیقش بیاید یا منزل خوبی پیدا کند ده روز بماند باید نماز را شکسته بخواند.

کسی که تصمیم دارد ده روز در محلی بماند اگرچه احتمال دهد که برای ماندن او مانعی پیش بیاید، در صورتی که مردم به احتمال او اعتنائی نکنند باید نماز را تمام بخواند.

اگر مسافر بداند که مثلاً ده روز یا بیشتر، به آخر ماه مانده و قصد کند که تا آخر ماه در جائی بماند باید نماز را تمام بخواند ولی اگر نداند تا آخر ماه چقدر مانده و قصد کند که تا آخر ماه بماند باید نماز را شکسته بخواند اگرچه از موقعی که قصد کرده تا آخر ماه ده روز یا بیشتر باشد.

اگر مسافر قصد کند که ده روز در محلی بماند چنانچه پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود یا مردد شود که در آنجا بماند یا به جای دیگر برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود یا مردد شود، تا وقتی در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر روزه بگیرد و بعد از ظهر از ماندن در آنجا منصرف شود چنانچه یک نماز چهار رکعتی خوانده باشد روزه اش صحیح است و تا وقتی که در آنجا هست باید نمازهای خود را تمام بخواند و اگر یک نماز چهار رکعتی نخوانده باشد روزه آن روزش صحیح است اما نمازهای خود را باید شکسته بخواند و روزه های بعد هم نمی تواند روزه بگیرد.

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر از ماندن منصرف شود و شک کند که پیش از آنکه از قصد ماندن برگردد یک نماز چهار رکعتی خوانده یا نه باید نمازهای خود را شکسته بخواند.



اگر مسافر به نیت اینکه نماز را شکسته بخواند مشغول نماز شود و در بین نماز تصمیم بگیرد که ده روز یا بیشتر بماند باید نماز را چهار رکعتی تمام نماید.

مسافری که قصد کرده ده روز در جائی بماند اگر در بین نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد چنانچه مشغول رکعت سوم نشده باید نماز را دو رکعتی تمام کند و بقیه نمازهای خود را هم شکسته بخواند و اگر داخل رکوع رکعت سوم شده احتیاط واجب آن است که نماز را تمام بخواند و دو رکعت شکسته هم بخواند و تا آنجا می ماند این احتیاط را ترک نکند.

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بیشتر از ده روز در آن جا بماند تا وقتی که مسافرت نکرده باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند باید روزه واجب را بگیرد و می تواند روزه مستحبی را هم بجا آورد و نماز جمعه و نافله ظهر و عصر و عشا را هم بخواند.

مسافری که قصد کرده ده روز در جائی بماند اگر به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود و برگردد به محل اقامه خود، باید نماز را تمام بخواند.

مسافری که قصد کرده ده روز در جائی بماند اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی و تحقق قصد اقامت تصمیم بگیرد به جای دیگری که کمتر از هشت فرسخ است برود و ده روز در آنجا بماند باید در رفتن و در جائی که قصد ماندن ده روز کرده نمازهای خود را تمام بخواند ولی اگر جائی که می خواهد برود هشت فرسخ یا بیشتر باشد باید موقع رفتن نمازهای خود را شکسته بخواند و چنانچه در آنجا قصد ماندن ده روز کرد نمازش را تمام بخواند.

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بخواند به جائیکه کمتر از چهار فرسخ است برود چنانچه مردد باشد که به محل اولش برگردد یا نه، یا به کلی از برگشتن به آنجا غافل باشد باید از وقتی که می رود تا برمی گردد و بعد از برگشتن نمازهای خود را تمام بخواند بلی اگر تصمیم دارد که دیگر به عنوان رجوع به محل اقامت به آنجا برنگردد احتیاط واجب این است که در راه رفتن به آن محل و در آنجا هم نماز شکسته بخواند و هم تمام ولی هنگام برگشت از آنجا نمازش شکسته است و اگر مسافت تا آن محل چهار فرسخ کمتر نباشد هنگام خروج از محل اقامت شکسته بخواند کافیست.

اگر به خیال این که رفقایش می خواهند ده روز در محلی بمانند قصد کند که ده روز در آنجا بماند و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بفهمد که آنها قصد نکرده اند اگرچه خودش هم از ماندن منصرف شود تا مدتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.

اگر مسافر بعد از رسیدن به هشت فرسخ، سی روز در محلی بماند و در تمام سی روز در رفتن و ماندن مردد باشد در طول این مدت نمازش شکسته است ولی بعد از گذشتن سی روز اگرچه مقدار کمی در آنجا بماند باید نماز را تمام بخواند ولی اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ در رفتن بقیه راه مردد شود از وقتی که مردد می شود باید نماز را تمام بخواند.

مسافری که می خواهد نه روز یا کمتر در محلی بماند اگر بعد از آنکه نه روز یا کمتر را در آنجا ماند بخواند دوباره نه روز دیگر یا کمتر بماند در تمام این مدت تا سی روز نمازش شکسته است ولی از روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند اگرچه به مقدار یک نماز بماند.

مسافری که سی روز مردد بوده در صورتی باید نماز را تمام بخواند که سی روز را در یکجا بماند پس اگر مقداری از آن را در جائی و مقداری را در جای دیگر بماند بعد از تمام شدن سی روز هم باید نماز را شکسته بخواند.

### نماز قضا

کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده باید قضای آن را بجا آورد، اگرچه در تمام وقت نماز خواب مانده یا به واسطه مستی نماز نخوانده باشد. ولی نمازهای یومیه ای را که زن در حال حیض یا نفاس نخوانده است، قضا ندارد.

اگر بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده، باید قضای آن را بجا آورد.

اگر بچه قبل از تمام شدن وقت ولو به مقدار یک رکعت بالغ شود، نماز به نحو اداء بر او واجب است و چنانچه ترک نماید، قضا آن نماز بر او واجب است و همچنین اگر زن حائض یا نفاس قبل از تمام شدن وقت، عذر آنان برطرف شود و بتوانند با غسل ولو یک رکعت از نماز را در وقت درک بکنند.

بر شخصی که نماز جمعه واجب است چنانچه آن را در وقتش انجام ندهد لازم است نماز ظهر را بخواند و چنانچه نماز ظهر را هم ترک کرد باید قضا نماز ظهر را بجا آورد.

قضاء نمازهای واجب را در هر وقتی از شبانه روز می توان انجام داد چه در سفر و چه در حضر، لکن در حضر چنانچه بخواند نماز در سفر را قضا کند باید به صورت قصر قضا کند و برعکس چنانچه بخواند در سفر نماز قضا شده در حضر را انجام دهد باید به صورت تمام قضا کند.

چنانچه نماز در مکانهایی که مانند مسجد الحرام مکلف مخیر بین قصر و اتمام است خوانده نشود، احتیاط واجب آن است که چنانچه در غیر آن امکانه قضاء کند به صورت قصر انجام دهد و چنانچه در همان امکانه بخواند قضا کند مخیر است بین قصر و اتمام.

کسی که نماز قضا دارد باید در خواندن آن سستی نکند لکن واجب نیست فوراً آن را انجام دهد.

کسی که نماز قضا روزی که می خواهد نماز اداء را بخواند بر او واجب باشد، احتیاط واجب تقدیم نماز قضا بر نماز اداء همان روز است.

کسی که نماز قضا دارد می تواند نماز مستحبی بخواند.

احتیاط واجب، رعایت ترتیب در قضا نمازهای یومیه است، برای کسی که ترتیب قضا شدن نمازهای خود را می داند و در نمازهایی که در اداء آنها ترتیب لازم است مانند نماز ظهر و عصر، لازم است در قضا ترتیب بین آنها رعایت شود.

اگر بخواند قضا چند نماز غیر یومیه مانند نماز آیات را بخواند یا مثلاً بخواند قضا یک نماز یومیه و چند نماز غیر یومیه را بخواند، لازم نیست آنها را به ترتیب قضا نماید.

اگر کسی نداند که نمازهایی که از او قضا شده کدام یک جلوتر بوده لازم نیست به طوری بخواند که ترتیب حاصل شود و می تواند هر کدام را مقدم بدارد.

اگر برای میتی می خواهند نماز قضا بدهند و ورثه علم به ترتیب نمازهای فوت شده داشته باشند بنابر احتیاط لازم است ترتیب رعایت شود، و بنابراین صحیح نیست برای میت چند نفر را در یک وقت برای نماز اجیر نمود و لازم است برای هر یک از آنها وقتی را معین نمود و اگر ترتیب قضا شدن را نمی دانند این شرط لازم نیست.

کسی که چند نماز از او قضا شده و شماره آنها را نمی داند مثلاً نمی داند چهار تا بوده یا پنج تا، چنانچه مقدار کمتر را بخواند کافی است، لکن احتیاط واجب آن است چنانچه شماره آنها را قبلاً می دانسته و بعد فراموش نموده مقدار زیادتر را بخواند.

تا انسان زنده است اگرچه از خواندن نماز قضاهاى خود عاجز باشد، دیگری نمی تواند به عنوان نائب نمازهای او را قضا کند.

نماز قضا را با جماعت می شود خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا و لازم نیست هر دو یک نماز را بخواند مثلاً اگر نماز قضاى صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.

مستحب است بچه ممیز یعنی بچه ای که خوب و بد را می فهمد به نماز خواندن و عبادتهای دیگر عادت دهند، بلکه مستحب است او را به قضاى نمازها هم وادار نمایند.

نماز قضاى پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است

اگر پدر نماز خود را به جهت عذری که داشته است بجا نیاورده باشد، بر پسر بزرگتر واجب است که بعد از مرگش بجا آورد، یا برای او اجیر بگیرد بلکه اگر از روی نافرمانی

هم ترک کرده باشد، بنابر احتیاط واجب همینطور عمل کند. و اگر پدر روزه را به جهت مرض یا سفر نگرفته باشد در صورتی که در زمان حیات می توانسته قضا کند و نکرده باید پسر بزرگتر قضا کند.

احتیاط واجب آن است که پسر بزرگتر نماز و روزه فوت شده مادر را قضا نماید.

بر پسر بزرگتر قضاء نمازهای مربوط به خود پدر و مادر واجب است اما قضاء نمازهایی که بر آنها به نحو استیجار واجب شده یا اینکه از پدر یا مادر آنها بر ذمه آنها بوده، واجب نیست.

بر پسر پسر (نوه) قضای نماز میت در صورتی که در حال مردن میت، از همه بچه های او بزرگتر باشد واجب نیست، و احتیاط واجب آن است که اگر میت فرزندی نداشته باشد، نمازهای او را قضا کند.

لازم نیست که پسر بزرگتر در حال مردن پدر یا مادر، بالغ باشد بلکه چنانچه طفل باشد بعد از بلوغ لازم است قضا کند و چنانچه قبل از بلوغ بمیرد بر فرزند بعدی واجب نیست.

چنانچه یکی از اولاد از نظر سنی بزرگتر و دیگری از جهت بلوغ بزرگتر باشد قضاء نماز بر اولی واجب است.

لازم نیست پسر بزرگتر وارث میت باشد، بنابراین حتی اگر از ارث به یکی از اسباب منع مانند قتل یا کفر، ممنوع باشد، قضا واجب است.

اگر معلوم نباشد که پسر بزرگتر کدام است، قضا بر هیچ کدام واجب نیست، لکن احتیاط مستحب آن است که نماز و روزه پدر یا مادر را بین خودشان تقسیم کنند یا به وسیله قرعه یکی را برای انجام آن معین نمایند.

اگر میت وصیت کرده باشد که برای نماز و روزه او اجیر بگیرند، بعد از آن که اجیر، نماز و روزه او را به طور صحیح بجا آورد، بر پسر بزرگتر چیزی واجب نیست و همچنین اگر کسی مجاناً از طرف میت، نماز و روزه او را قضا نماید.

در بلند خواندن یا آهسته خواندن نماز، پسر بزرگتر باید به وظیفه خویش عمل نماید یعنی قضاء نماز صبح و مغرب و عشاء را باید بلند بخواند اگرچه از طرف مادر قضا نماید.

چنانچه دو پسر با یکدیگر دوقلو باشند، آن کسی که زودتر متولد شده است بزرگتر است ولو اینکه نطفه دیگری زودتر منعقد شده باشد.

در صورتی که شخص در وسط وقت بعد از گذشتن مقداری که امکان خواندن نماز در آن بود بمیرد، قضاء آن نماز بر پسر بزرگتر واجب است.

در صورتی که میت پسر نداشته باشد بر دیگران واجب نیست نماز قضای میت را بخوانند، و چنانچه وصیت به قضا کرده باشد باید از ثلث مال او انجام داد.

اگر پسر بزرگ تر قبل از تمکن از قضا نمازها و روزه های فوت شده پدر بمیرد باید پسر کوچک تر از او آنها را قضا کند.

# احکام مسجد و نماز جماعت

## فهرست عناوین مبحث مسجد و نماز جماعت

✕ احکام مسجد

✕ نماز جماعت

✕ احکام نماز جمعه

### احکام مسجد

نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است و هر کس بفهمد که نجس شده است باید فوراً نجاست آن را برطرف کند، و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون مسجد را هم نجس نکنند، و اگر نجس شود نجاستش را برطرف نمایند، مگر آنکه واقف آن را جزء مسجد قرار نداده باشد.

اگر نتواند مسجد را تطهیر کند یا کمک لازم داشته باشد و پیدا نکند تطهیر مسجد بر او واجب نیست ولی باید به کسی که می تواند تطهیر کند اطلاع دهد.

اگر جائی از مسجد نجس شود که تطهیر آن بدون کردن یا خراب کردن ممکن نیست باید آنجا را بکنند، یا اگر خرابی زیاد لازم نمی آید خراب نمایند. و پر کردن جائی که کنده اند و ساختن جائی که خراب کرده اند واجب نیست، بلی اگر آن کس که نجس کرده بکند یا خراب کند در صورت امکان باید پر کند و تعمیر نماید.

اگر مسجدی را غضب کنند و به جای آن خانه و مانند آن بسازند یا در طرح توسعه و تعریض کوچه و خیابانهای شهر و روستا قسمتی از مسجد در کوچه و خیابان واقع شود بنا بر احتیاط واجب تنجیس آن جایز نیست و تطهیر آن واجب است.

جسد میت را پیش از غسل دادن در مسجد گذاشتن اگر موجب سرایت نجاست به مسجد یا مستلزم بی احترامی به مسجد نباشد مانعی ندارد ولی بهتر آن است که جنازه میت را در مسجد نگذارند اما بعد از غسل بی اشکال است.

نجس کردن حرم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و حرم امامان (علیه السلام) حرام است، و اگر نجس شود چنانچه نجس ماندن آن بی احترامی باشد تطهیر آن واجب است، بلکه احتیاط مستحب آن است که اگر بی احترامی هم نباشد آن را تطهیر کنند.

اگر حصیر یا فرش مسجد نجس شود، بنا بر احتیاط واجب باید آن را آب بکشند.

بردن عین نجاست مانند خون و بول در مسجد اگر بی احترامی به مسجد باشد حرام است و همچنین بردن چیزی که نجس شده (مانند لباس و کفش نجس) در صورتی که بی احترامی به مسجد باشد حرام است.

اگر برای مراسم عزاداری و روضه خوانی و سوگواری یا جشنهای مذهبی و مانند آن مسجد را چادر بزنند و سیاهی بکوبند و اسباب چای و غذا در مسجد ببرند در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود اشکال ندارد.

بنابر احتیاط واجب نباید مسجد را به طلا زینت کنند و همچنین نباید بنابر احتیاط صورت چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد در مسجد نقش کنند، ولی نقاشی چیزهایی که روح ندارد، مثل گل و بوته مکروه است.

اگر مسجد خراب هم شود نمی توانند آن را بفروشند یا داخل ملک یا جاده کنند.

فروختن در و پنجره و چیزهای دیگر مسجد حرام و اگر مسجد خراب شود، باید آنها را صرف تعمیر همان مسجد کنند، و چنانچه به درد آن مسجد نخورد، باید در مسجد دیگر مصرف شود، ولی اگر به درد مسجدهای دیگر هم نخورد می توانند آن را بفروشند و پول آن را اگر ممکن است صرف تعمیر همان مسجد و گرنه صرف تعمیر مسجد دیگر نمایند.

ساختن مسجد و تعمیر مسجدی که نزدیک به خرابی می باشد مستحب است و اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد می توانند آن را خراب کنند و دوباره بسازند بلکه می توانند مسجدی را که خراب نشده برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگتر بسازند.

تمیز کردن مسجد و روشن کردن چراغ آن مستحب است، و کسی که می خواهد مسجد بروود مستحب است خود را خوشبو کند و لباس پاکیزه و فاخر و قیمتی بپوشد، و ته کفش خود را واری کند که نجاستی به آن نباشد، و موقع داخل شدن به مسجد مستحب است اول پای راست و موقع بیرون آمدن اول پای چپ را بگذارد و همچنین مستحب است از همه زودتر به مسجد آید و از همه دیرتر از مسجد بیرون رود.

وقتی انسان وارد مسجد می شود مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند کافی است.

خواهید در مسجد اگر انسان ناچار نباشد و صحبت کردن راجع به کارهای دنیا و مشغول صنعت شدن و خواندن شعری که نصیحت و مانند آن نباشد مکروه است، و نیز مکروه است آب دهان و بینی و اخلاط سینه را در مسجد بیندازد و گمشده ای را طلب کند و صدای خود را بلند کند ولی بلند کردن صدا برای اذان مانعی ندارد.

راه دادن بچه و دیوانه به مسجد مکروه است ولی اگر آوردن بچه ها مزاحمتی ایجاد نکند و باعث علاقمندی آنان به نماز و مسجد شود مستحب است.

کسی که سیر و پیاز و مانند اینها خورده و بوی دهانش مردم را آزار می دهد مکروه است به مسجد برود.

## نماز جماعت

مستحب است نمازهای واجب خصوصاً نمازهای یومیّه را به جماعت بخوانند، و در نماز صبح و مغرب و عشا خصوصاً برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می شنود بیشتر سفارش شده است.

در روایتی وارد شده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعتی ثواب ششصد نماز دارد و هرچه بیشتر شوند ثواب نمازشان بیشتر می شود تا به ده نفر برسند و عدّه آنان که از ده گذشت اگر تمام آسمانها کاغذ و دریاها مرکب و درختان قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی اعتنائی جایز نیست و سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند، و نماز با جماعت از نماز اول وقت که فرادی یعنی تنها خوانده شود بهتر است. و نیز نماز جماعتی را که مختصر بخوانند از نماز فرادی که آن را طول بدهند بهتر می باشد.

وقتی که جماعت برپا می شود مستحب است کسی که نمازش را فرادی خوانده دوباره با جماعت بخواند و اگر بعد بفهمد که نماز اولش باطل بوده نماز دوّم او کافی است.

اگر امام یا مأوم بخواند نمازی را که به جماعت خوانده دوباره با جماعت بخواند در صورتی که جماعت دوّم و اشخاص آن غیر از اول باشند و او امام باشد اشکال ندارد.

کسی که در نماز وسواس دارد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می شود باید نماز را با جماعت بخواند.

اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کنند که نماز را به جماعت بخواند در صورتی که ترک آن موجب اذیت و ناراحتی یا اسائه ادب به پدر یا مادر باشد واجب است نماز را به جماعت بخواند.

نمازهای مستحبی را نمی شود به جماعت خواند مگر نماز استسقاء که برای آمدن باران می خوانند و همچنین نماز عید فطر و قربان را نیز می توانند به جماعت بخوانند.



موقعی که امام جماعت نماز یومیه می خواند هر کدام از نمازهای یومیه را می شود به او اقتداء کرد ولی اگر امام نماز یومیه اش را احتیاطاً دوباره می خواند مأوموم نمی تواند نماز خود را با او بخواند، مگر اینکه هر دو از جهت احتیاط مثل هم و از یک جهت باشند.

اگر امام جماعت قضای نماز یومیه خود را می خواند می شود به او اقتدا کرد ولی اگر نمازش را احتیاطاً قضا می کند یا قضای احتیاطی نماز کس دیگر را می خواند اگر چه برای آن پول نگرفته باشد اقتدای به او اشکال دارد، مگر اینکه مأوموم هم نماز احتیاطی از جهت احتیاطی که امام دارد، بخواند، ولی اگر انسان بداند نماز کسی که برای او قضا می خواند، فوت شده، اشکال ندارد.

اگر امام در محراب باشد و کسی پشت سر او اقتدا کرده باشد کسانی که دو طرف محراب ایستاده اند و به واسطه دیوار محراب امام را نمی بینند نمی توانند اقتدا کنند بلکه اگر کسی هم پشت سر امام اقتدا کرده باشد اقتدا کردن کسانی که دو طرف او ایستاده اند و به واسطه دیوار محراب، امام را نمی بینند بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست.

اگر به واسطه درازی صف اول کسانی که دو طرف صف ایستاده اند امام را نبینند می توانند اقتداء کنند، و نیز اگر به واسطه درازی یکی از صفهای دیگر کسانی که دو طرف آن ایستاده اند صف جلوی خود را نبینند می توانند اقتداء نمایند.

اگر صفهای جماعت تا درب مسجد برسد، کسی که مقابل درب پشت صف ایستاده نمازش صحیح است و نیز نماز کسانی که پشت سر او اقتدا می کنند صحیح است، ولی کسانی که دو طرف او ایستاده اند و صف جلو را نمی بینند بنا بر احتیاط واجب اقتدا آنها صحیح نیست.

کسی که پشت ستون ایستاده اگر از طرف راست یا چپ به واسطه مأوموم دیگر به امام متصل نباشد نمی تواند اقتداء کند ولی اگر از طرف راست یا چپ متصل باشد می تواند اقتدا کند.

جای ایستادن امام باید از جای مأوموم بلندتر نباشد ولی اگر مکان امام مقدار خیلی کمی بلندتر باشد اشکال ندارد. و نیز اگر زمین سرایش باشد و امام در طرفی که بلندتر است بایستد در صورتی که سرایشی آن زیاد نباشد و طوری باشد که به آن زمین مسطح بگویند مانعی ندارد.

در صحت اقتدا وحدت اجتماع و اتصال صفوف معتبر است بنابراین در ساختمان چند طبقه اگر طبقات فوقانی زیاد مرتفع نباشد و اتصال صفوف و وحدت عرفی جماعت صدق کند اقتدا صحیح است والا صحیح نیست.

اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده اند بچه ممیز یعنی بچه ای که خوب و بد را می فهمد فاصله شود، چنانچه ندانند نماز او باطل است می توانند اقتدا کنند.

بعد از تکبیر امام اگر صفِ جلو آماده نماز و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد کسی که در صف بعد ایستاده می تواند تکبیر بگوید ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا تکبیر صف جلو تمام شود.

اگر بداند نماز یک صف از صفهای جلو باطل است در صفهای بعد نمی تواند اقتدا کند، و اگر نداند نماز آنان صحیح است یا نه، می تواند اقتدا کند.

هرگاه بداند نماز امام باطل است مثلاً بداند امام وضو ندارد اگرچه خود امام ملتفت نباشد نمی تواند به او اقتدا کند.

اگر مأوم بعد از نماز بفهمد که امام عادل نبوده یا کافر بوده یا به جهتی نمازش باطل بوده مثلاً بی وضو نماز خوانده نماز جماعت مأوم صحیح است.

اگر در بین نماز شک کند که اقتداء کرده یا نه، چنانچه در حالی باشد که وظیفه مأوم است مثلاً به حمد و سوره امام گوش می دهد می تواند نماز را به جماعت تمام کند و اگر مشغول کاری باشد که هم وظیفه امام و هم وظیفه مأوم است مثلاً در رکوع یا سجده باشد، باید نماز را به نیت فرادی تمام نماید.

انسان در بین نماز جماعت می تواند نیت فرادی کند.

اگر مأوم بعد از حمد و سوره امام نیت فرادی کند لازم نیست حمد و سوره را بخواند ولی اگر پیش از تمام شدن حمد و سوره نیت فرادی نماید و یا بلافاصله پس از اقتدا قصد داشته که بعد از حمد و سوره امام نیت فرادی نماید بنا بر احتیاط واجب حمد و سوره را از اول بخواند.

اگر در بین نماز جماعت نیت فرادی کند نباید دوباره نیت جماعت کند، حتی اگر بلافاصله بعد از نیت انفراد باشد - بنا بر احتیاط واجب - ولی اگر مردّد شود که نیت فرادی کند یا نه و بعد تصمیم بگیرد که نماز را با جماعت تمام کند، نمازش صحیح است.

اگر شک کند که نیت فرادی کرده یا نه، باید بنا بگذارد که نیت فرادی نکرده است.

اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به رکوع امام برسد، اگرچه ذکر امام تمام شده باشد، نمازش به طور جماعت صحیح است و یک رکعت حساب می شود، اما اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امام نرسد جماعتش باطل است. ولی نماز او به صورت فرادی صحیح است لذا آن را رکوع رکعت اول حساب کند و نماز خود را ادامه دهد هر چند احتیاط مستحب اعاده این نماز است.

اگر موقعی که امام در رکوع است اقتداء کند و به مقدار رکوع خم شود و شک کند که به رکوع امام رسیده یا نه حکم مسأله قبل را دارد.

اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و پیش از آنکه به اندازه رکوع خم شود امام سر از رکوع بردارد، می تواند نیت فرادی کند یا صبر کند تا امام برای رکعت بعد برخیزد و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند. ولی اگر برخاستن امام به قدری طول بکشد که نگویند این شخص نماز جماعت می خواند، باید نیت فرادی نماید.

اگر از اول نماز یا بین حمد و سوره اقتدا کند و پیش از آنکه به رکوع رود امام سر از رکوع بردارد نماز او به طور جماعت صحیح است و باید رکوع کند و خود را به امام برساند.

اگر موقعی برسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است چنانچه بخواهد به ثواب جماعت برسد، باید بعد از نیت و گفتن تکبیرة الأحرام بنشیند و تشهد را با امام بخواند ولی سلام را نگوید و صبر کند تا امام سلام نماز را بدهد، بعد بایستد و بدون آنکه دوباره نیت کند و تکبیر بگوید حمد و سوره را بخواند و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند.

مأموم نباید جلوتر از امام بایستد و بنا بر احتیاط واجب قدری عقب تر از امام بایستد و چنانچه قامت او بلندتر از امام باشد به طوری که عقب تر از امام می ایستد اما در رکوع و سجودش جلوتر از امام باشد اشکال ندارد.

احتیاط واجب آن است که اگر مأموم یک مرد باشد، طرف راست امام بایستد، و اگر زن باشد، در طرف راست امام طوری بایستد که جای سجده اش مساوی زانو یا قدم امام باشد، و اگر یک مرد و یک زن و یا یک مرد و چند زن باشند مرد طرف راست امام و باقی پشت سر امام بایستند، و اگر چند مرد و چند زن باشند مردها عقب امام و زنها پشت مردها بایستند.

### احکام نماز جمعه

کسی که نماز جمعه را به امامی اقتدا کرده می تواند نماز عصر را نیز به همان امام اقتدا کند ولی اگر بخواهد احتیاطاً نماز ظهر را هم بخواند راه آن این است که پس از پایان نماز جماعت مجدداً نماز ظهر و عصر را بجا آورد مگر اینکه امام هم بعد از خواندن نماز جمعه احتیاطاً نماز ظهر را بجا آورده باشد که در این صورت اگر مأموم نیز همین طور عمل کرده لازم نیست نماز عصر را تکرار کند.

اگر امام و مأموم بخواهند پس از نماز جمعه، نماز ظهر را احتیاطاً بجا آوردند می توانند آنرا به جماعت برگزار کنند ولی مأمومی که در نماز جمعه شرکت نکرده نمی تواند به این نماز اقتدا کند و اگر به این نماز اقتدا کند از نماز ظهر او مجزی نیست و باید آن را اعاده نماید.

اگر مأمومی که رکوع رکعت اول امام جمعه را درک کرده به علت کثرت جمعیت یا غیر آن نتواند در سجده ها با امام همراهی کند در این صورت اگر بتواند (پس از قیام امام برای رکعت دوم) سجده ها را خود بجا آورده و قبل از رکوع رکعت بعد یا در حین آن به امام ملحق شود، نمازش صحیح است. و الا باید به حال خود باقی بماند تا امام به سجده های رکعت دوم برسد آنگاه دو سجده را به نیت سجده های رکعت اول نماز خود همراه امام بجا آورد و سپس

رکعت دوم را فرادی بخواند و نمازش صحیح است. ولی اگر آنها را به نیت سجده های رکعت دوم و یا به نیت متابعت امام انجام دهد احتیاط واجب آن است که از آن دو سجده صرف نظر کرده و دو سجده دیگر به نیت سجده های رکعت اول بجا آورد و سپس به رکعت دوم بپردازد و پس از اتمام نماز، نماز ظهر را هم بجا آورد.

اگر مأوموم به قصد اتصال به نماز، در رکوع رکعت دوم تکبیر بگوید و به رکوع برود ولی شک کند که رکوع امام را درک کرده یا نه، نماز جمعه او محقق نمی شود و احتیاط واجب آن است که آن نماز را به نیت نماز ظهر فرادی به پایان برساند و سپس نماز ظهر را اعاده کند.

اگر مأومومین پس از اتمام خطبه ها و شروع نماز امام، از اقتدا به او خودداری کنند و امام را تنها بگذارند نماز جمعه منعقد نشده و باطل است و امام می تواند آن نماز را رها نموده و به نماز ظهر بپردازد، ولی احتیاط مستحب آن است که نیت خود را به ظهر برگرداند و پس از اتمام آن مجدداً نماز ظهر را بخواند و احتیاط بیشتر در آنست که نماز را به همان نیت نماز جمعه تمام کند و سپس نماز ظهر را بجا آورد.

اگر نماز جمعه با عدد کامل (حداقل ۴ نفر به اضافه امام) منعقد شود - ولو اینکه فقط تکبیر آنرا گفته باشند - و سپس متفرق شوند، نماز باطل می شود چه همه مأومومین یا بعضی از آنها متفرق شوند و امام باقی بماند و چه برعکس، چه یک رکعت کامل نماز را خوانده باشند و چه کمتر ولی احتیاط مستحب آن است که افراد باقیمانده نماز جمعه را تمام کنند سپس نماز ظهر را بجا آورند اما اگر بعضی از آنها در اواخر رکعت دوم بلکه بعد از رکوع رکعت دوم متفرق شوند نماز جمعه صحیح است و احتیاط مستحب آن است که پس از آن نماز ظهر را بجا آورند.

اگر عدد مأومومین بیش از حد لازم (۴ نفر) برای نماز جمعه باشد پراکندگی عده ای از آنها مطلقاً ضرر ندارد، به شرط آنکه افراد باقیمانده از (۴ نفر) کمتر نباشد.

اگر پنج نفر (یا بیشتر) برای نماز جمعه مهیا شوند ولی در اثناء خطبه ها یا بعد از آنها و قبل از اقامه نماز متفرق شوند و برنگردند به طوری که کمتر از ۵ نفر باقی مانده باشند وظیفه افراد باقی مانده، نماز ظهر است.

در صورتی که قبل از انجام مسامی واجب در خطبه (یعنی حداقلی از واجبات خطبه ها که بتوان آنها را خطبه نامید) عده ای از مأومومین متفرق شوند و کمتر از ۴ نفر بمانند و پس از مدت کوتاهی برگردند (به طوری که عدد لازم - ۵ نفر - کامل شود) اگر امام در این فاصله سکوت کرده باشد، پس از مراجعت مأومومین باید از نقطه ای که خطبه را قطع نموده ادامه دهد ولی اگر (با وجود تقلیل مأومومین از حد نصاب لازم) قسمت های واجب خطبه را ادامه داده و جریان امر به صورتی بوده که افراد پراکنده صدای او را نشنیده اند باید پس از مراجعت آنها و تکمیل عدد قسمت های واجب را که در غیاب آنها خوانده اعاده کند و اگر زمان بازگشت مأومومین طولانی باشد به طوری که عرفاً به یکپارچگی خطبه لطمه بزند باید امام خطبه را اعاده کند. چنانچه اگر با ورود مأومومین جدید هم عدد لازم - ۵ نفر - کامل بشود اعاده خطبه ضروری است.

اگر مأمومین بعد از خطبه یا در اثنای آن متفرق شوند (به طوری که کمتر از ۵ نفر باقی بمانند) و سپس برگردند تا عدد لازم کامل شود در صورتی که مسمای خطبه محقق شده باشد اعاده خطبه واجب نیست، گر چه مدت تفرق طولانی باشد. و در صورتی که مسمای خطبه محقق نشده باشد، اگر علت تفرق، انصراف مأمومین از نماز جمعه بوده احتیاط واجب آن است که پس از بازگشت آنها، امام، خطبه ها را از نو بخواند (ولو اینکه مدت تفرق کم باشد) و اگر علت تفرق و پراکندگی امری نظیر باران و غیره بوده در این صورت اگر مدت آن به قدری طولانی شود که عرفاً به یکپارچگی خطبه لطمه بزند واجب است خطبه ها را از نو بخواند و الا خطبه قبلی را ادامه دهد و صحیح است.

اگر در جایی نماز جمعه برگزار شد نباید در فاصله ای کمتر از یک فرسخی آن نماز جمعه دیگری منعقد شود. پس اگر با فاصله یک فرسخ دو نماز جمعه اقامه شود هر دو صحیح است. لازم به تذکر است که میزان در مسافت، محل نماز جمعه است نه شهری که نماز جمعه در آن تشکیل شده است بنابراین در شهرهای بزرگی که طول آن چند فرسخ است می توان چند نماز جمعه تشکیل داد.

احتیاط مستحب آن است که قبل از اقامه نماز جمعه مطمئن شوند که در کمتر از حد مقرر نماز جمعه دیگری قبل از آنها و یا مقارن آنها برگزار نشده و نمی شود.

اگر دو نماز جمعه در یک زمان و با فاصله کمتر از حد معین (یک فرسخ) تشکیل شود هر دو باطل است. ولی اگر یکی از آنها قبلاً شروع شده ولو فقط تکبیر الاحرام را گفته باشد دیگری باطل است، چه نماز گزاران بدانند که قبل از آنها یا بعد از آنها نماز جمعه دیگری در فاصله کمتر برقرار شده و یا می شود و چه ندانند. و میزان در صحت، تقدم در نماز است نه در خطبه ها. بنابراین اگر یکی از دو نماز جمعه در خطبه ها مقدم بوده امانماز دوم در شروع نماز تقدم داشته نماز دوم صحیح و اولی باطل خواهد بود.

اگر یقین دارند که در فاصله کمتر از حد لازم (یک فرسخ) نماز جمعه ای بر پا شده ولی شک دارند که آن نماز قبلاً برگزار شده یا نه، و یا شک دارند که آن نماز مقارن با آنها برگزار می شود یا نه، در هر دو صورت می توانند خود نماز جمعه ای تشکیل دهند. و همچنین است در صورتی که نسبت به اصل انعقاد نماز جمعه دیگر اطمینان نداشته باشند.

اگر پس از پایان نماز جمعه متوجه شوند که نماز جمعه دیگری در کمتر از حد مقرر تشکیل شده و هر یک از دو گروه احتمال دهد قبل از دیگری به اقامه جمعه پرداخته، بر هیچ یک اعاده جمعه و نیز نماز ظهر واجب نیست. گر چه اعاده مطابق احتیاط استحبابی است ولی اگر گروه سومی خواسته باشند در همان محدوده اقامه جمعه دیگری بنمایند، باید یقین داشته باشند که آن دو نماز جمعه باطل است و اگر احتمال صحت یکی از آن دو را بدهند نمی توانند اقامه جمعه دیگری بنمایند.

در زمان غیبت ولی عصر (عج) که نماز جمعه واجب تعیینی نیست خرید و فروش و سایر معاملات هنگام اقامه نماز جمعه حرام نیست.

# احکام روزه

فهرست عناوین مبحث روزه

✕ نیت

✕ مبطلات روزه

✕ احکام مبطلات روزه

✕ آنچه برای روزه دار مکروه است

✕ جاهای که قضا و کفاره واجب است

✕ کفاره روزه

✕ احکام روزه مسافر

روزه آن است که انسان برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می کند و شرح آن بعداً گفته می شود خودداری نماید.

## نیت

لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب خود بگذراند یا مثلاً بگوید فردا را روزه می گیرم، بلکه همینقدر که برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد کافی است برای اینکه یقین کند تمام این مدت را روزه بوده باید مقداری پیش از اذان صبح، و مقداری هم بعد از مغرب از انجام کاری که روزه را باطل می کند خودداری نماید.

در روزه واجب معین مثل رمضان از اول شب تا اذان صبح هر وقت نیت روزه فردا بکند اشکال ندارد، و آنچه مهم است این است که مقارن با اذان صبح نیت روزه ولو ارتکازاً (به این نحو که اگر از او پرسند بگوید روزه هستم) و اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است یا واجب معین دیگر، و پیش از ظهر ملتفت شود چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد باید نیت کند و روزه او صحیح است، و اگر کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد، یا بعد از ظهر ملتفت شود روزه او باطل می باشد ولی باید تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد، و بعداً آن روزه را قضاء نماید. اما وقت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد، که اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحبی کند روزه او صحیح است.

اگر بخواهد غیر روزه رمضان روزی دیگری بگیرد باید آنرا معین نماید مثلاً نیت کند که روزه قضاء یا روزه نذر می گیرم، ولی در ماه رمضان لازم نیست نیت کند که روزه ماه رمضان می گیرم، بلکه اگر نداند ماه رمضان است یا فراموش نماید و روزی دیگری را نیت کند، روزه ماه رمضان حساب می شود.

اگر بداند که ماه رمضان است، و عمداً نیت روزه غیر رمضان کند، نه روزه رمضان حساب می شود، و نه روزه ای که قصد کرده است.

اگر بعد از نیت روزه مست شود و بعد به هوش آید بنا بر احتیاط واجب باید آن روز را روزه بگیرد و قضای آن را نیز بگیرد ولی اگر بی هوش شود و بعد به هوش آید روزه را تمام کند و صحیح است .

اگر بدون نیت روزه مست شود و در بین روز به هوش آید باید آن روز را روزه بگیرد و قضای آن را هم بگیرد ولی اگر بی هوش شود و در بین روز به هوش آید فقط قضای آن را بگیرد.

اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بخوابد، و بعد از مغرب بیدار شود روزه اش صحیح است.

اگر مثلاً به نیت روز اول ماه رمضان روزه بگیرد بعد بفهمد دوم یا سوم بوده روزه او صحیح است.

اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است و پیش از ظهر ملتفت شود؛ چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد، یا بعد از ظهر ملتفت شود که ماه رمضان است روزه او باطل می باشد، ولی باید در ماه رمضان تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد، و بعد از رمضان هم قضا آن را بگیرد.

اگر بچه پیش از اذان صبح ماه رمضان بالغ شود باید روزه بگیرد، و اگر بعد از اذان بالغ شود روزه آنروز بر او واجب نیست.

کسی که برای بجا آوردن روزه میتی اجیر شده اگر روزه مستحبی بگیرد اشکال ندارد، ولی کسی که روزه قضا دارد نمی تواند روزه مستحبی بگیرد، و اگر روزه واجب دیگری دارد بنا بر احتیاط واجب نمی تواند روزه مستحبی بگیرد، و چنانچه فراموش کند و روزه مستحبی بگیرد در صورتی که پیش از ظهر یادش بیاید روزه مستحبی او بهم می خورد، می تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند، و اگر بعد از ظهر ملتفت شود روزه او باطل است، و اگر بعد از مغرب یادش بیاید روزه اش صحیح است.

اگر در ماه رمضان پیش از ظهر کافر مسلمان شود و از اذان صبح تا آنوقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد احتیاط واجب آن است که نیت کند و روزه بگیرد و اگر روزه نگرفت قضا کند.

اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، باید نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد، و چنانچه بعد از ظهر خوب شود روزه آن روز بر او واجب نیست و باید بعداً آن را قضا کند.

انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه همه ماه را بنماید و آنچه مهم است این است که مقارن اذان صبح هر روز نیت روزه ولو ارتکازاً داشته باشد.

روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، واجب نیست روزه بگیرد، و اگر بخواهد روزه بگیرد نمی تواند نیت روزه رمضان کند، ولی اگر نیت روزه قضاء و مانند آن بنماید چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده از رمضان حساب می شود.

اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان به نیت روزه قضاء یا روزه مستحبی و مانند آن روزه بگیرد، و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است

باید نیت روزه رمضان کند، و لو اینکه بعد از ظهر ملتفت شود، و اگر به نیت رمضان روزه بگیرد باطل است و لو اینکه در واقع رمضان باشد.

اگر در روزه واجب معینی مثل روزه رمضان از نیت روزه گرفتن برگردد، روزه اش باطل است ولی چنانچه نیت کند که چیزی را که روزه را باطل می کند انجام دهد در صورتی که آن را انجام ندهد روزه اش صحیح است. همین طور در روزه مستحبی و روزه واجب غیر معین اگر پیش از ظهر بعد از این که از نیت روزه برگشت دوباره نیت روزه کند، روزه او صحیح است.

### مبطلات روزه

ده چیز روزه را باطل می کند

۱. خوردن
۲. آشامیدن
۳. جماع
۴. استمناء (استمناء آن است که انسان با خود کاری کند که منی از او بیرون آید)
۵. دروغ بستن به خدا و پیغمبر و جانشینان پیغمبر علیهم السلام
۶. رساندن غبار غلیظ به حلق
۷. فرو بردن تمام سر در آب
۸. باقیماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح



### خوردن و آشامیدن

اگر روزه دار عمداً چیزی را بخورد یا بیاشامد روزه او باطل می شود چه خوردن و آشامیدن آن چیز معمول باشد مثل نان و آب، چه معمول نباشد مثل خاک و شیره درخت و چه کم باشد یا زیاد، حتی اگر کسی نخ را با آب دهانش تر کند، و دوباره بدهانش ببرد، و رطوبت آنرا فرو برد روزه او باطل می شود و همینطور رطوبت مسواک، مگر اینکه رطوبت آنها بطوری در آب دهان از بین برود که رطوبت خارج بآن گفته نشود، و همین طور با فرو بردن بقایای غذایی که از بین دندانها بیرون می آید روزه باطل می شود.

اگر روزه دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد روزه اش باطل نمی شود.

باید روزه دار از استعمال آمپولی که به جای غذا بکار می رود خودداری کند، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می کند یا بجای دوا استعمال می شود اشکال ندارد.

اگر موقعی که مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح شده باید لقمه را از دهان بیرون آورد، و چنانچه عمداً فرو برد روزه اش باطل است، و بدستوری که بعداً گفته خواهد شد کفاره هم بر او واجب می شود.

اگر روزه دار بقدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد، می تواند باندازه ای که از مردن نجات پیدا کند آب بیاشامد، ولی روزه او باطل می شود، و اگر ماه رمضان باشد باید در بقیه روز از بجا آوردن کاری که روزه را باطل می کند خودداری نماید و قضای آن را هم بگیرد.

کسی که می خواهد روزه بگیرد لازم نیست پیش از اذان دندانهایش را خلال کند، ولی اگر بداند غذایی که لای دندان مانده در روز فرو می رود، چنانچه خلال نکند، روزه اش باطل می شود، و فرق نمی کند که چیزی از آن فرو رود یا نرود.

فرو بردن آب دهان اگر چه بواسطه خیال کردن ترشی و مانند آن در دهان جمع شده باشد روزه را باطل نمی کند.

فرو بردن اخلاط سر و سینه، تا بفضای دهان نرسیده اشکال ندارد، ولی اگر داخل فضای دهان شود احتیاط واجب آن است که آنرا فرو نبرد.

جویدن غذا برای بچه یا پرنده، و چشیدن غذا و مانند اینها که معمولاً بحلق نمی رسد، اگر چه اتفاقاً بحلق برسد روزه را باطل نمی کند ولی اگر انسان از اول بداند که بحلق می رسد، چنانچه فرو رود، روزه اش باطل می شود، و باید قضای آن را بگیرد، و کفاره هم بر او واجب است.

انسان نمی تواند بخاطر ضعف روزه اش را بخورد ولی اگر ضعف او بقدری است که معمولاً نمی شود آنرا تحمل کرد خوردن روزه اشکال ندارد.

## جماع

جماع اعم از اینکه از جلو باشد از پشت، صغیر باشد یا کبیر، روزه جماع کننده و جماع شده را باطل می کند اگر چه فقط به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، و اگر کمتر از مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید روزه باطل نمی شود.

اگر فراموش کند که روزه است و جماع نماید یا در خواب باشد، یا او را به جماع مجبور نمایند به نحوی که اختیار از او سلب شود روزه او باطل نمی شود ولی چنانچه در بین جماع یادش بیاید یا دیگر مجبور نباشد فوراً از حال جماع خارج شود، و اگر خارج نشود روزه او باطل می شود.

اگر شك کند که به اندازه ختنه گاه داخل شده یا نه روزه او صحیح است، و کسی هم که مقدار ختنه گاهش قطع شده اگر شك کند که دخول شده یا نه روزه او صحیح است.

## استمناء

اگر روزه دار استمناء کند یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید روزه اش باطل می شود، ولی اگر بی اختیار از او منی بیرون آید روزه اش باطل نیست، ولی اگر کاری کند که بی اختیار منی از او بیرون آید روزه اش باطل می شود.

هرگاه روزه دار بداند که اگر در روز بخوابد محتلم می شود، یعنی در خواب منی از او بیرون می آید می تواند بخوابد، و چنانچه بخوابد و محتلم شود روزه اش صحیح است مخصوصاً اگر ترک خواب موجب حرج باشد.

روزه داری که محتلم شده می تواند قبل از غسل کردن بول کند و بدستوری که قبلاً گفته شد استبراء نماید، ولی اگر غسل کرده باشد، و بداند که بواسطه بول یا استبراء کردن باقیمانده منی از مجری بیرون می آید، بنابر احتیاط واجب نمی تواند استبراء کند، و اگر روزه دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود واجب نیست از بیرون آمدن آن جلوگیری کند.

روزه داری که محتلم شده اگر بداند منی در مجرا مانده و در صورتی که پیش از غسل بول نکند بعد از غسل منی از او بیرون می آید بهتر است که پیش از غسل بول نکند.

اگر به قصد بیرون آمدن منی کاری بکند در صورتی که منی از او بیرون نیاید روزه اش باطل نمی شود.

اگر روزه دار بدون قصد بیرون آمدن منی با کسی بازی و شوخی کند و منی از او خارج شود، در صورتی که عادت داشته که با اینگونه کارها منی از او بیرون می آمده، روزه اش باطل است، و اگر عادت نداشته که با این کارها از او منی خارج شود و اتفاقاً خارج شده باز روزه اش باطل است، مگر اینکه اطمینان داشته باشد که منی از او خارج نمی شود.

### دروغ بستن به خدا و پیغمبر

اگر روزه دار بگفتن یا بنوشتن با اشاره و مانند اینها بخدا و پیغمبر و جانشینان آن حضرت عمداً نسبت دروغ بدهد اگر چه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند؛ روزه او باطل است، و احتیاط واجب آن است که سایر پیغمبران و جانشینان آنان، و حضرت زهرا سلام الله علیها هم در این حکم فرقی ندارند.

اگر بخواهد خبری را که نمی داند راست است یا دروغ نقل کند، نباید خودش آن را به طور جزم بگوید ولیکن اگر خودش هم به طور جزم خبر بدهد روزه اش باطل نمی شود گر چه ظن به کذب خبر یا احتمال کذب خبر را بدهد.

اگر چیزی را باعتقاد اینکه راست است از قول خدا یا پیغمبر نقل کند، و بعد بفهمد دروغ بوده روزه اش باطل نمی شود.

اگر بداند دروغ بستن به خدا و پیغمبر روزه را باطل می کند و چیزی را که می داند دروغ است بآنان نسبت دهد، و بعداً بفهمد آنچه را که گفته راست بوده روزه اش صحیح است.

اگر دروغی را که دیگری ساخته عمداً بخدا و پیغمبر و جانشینان پیغمبر نسبت دهد روزه اش باطل می شود، ولی اگر از قول کسی که آن دروغ را ساخته نقل کند روزه او باطل نمی شود.

اگر از روزه دار پرسند که آیا پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین مطلبی فرموده اند و او جائی که در جواب باید بگوید نه، عمداً بگوید بلی، یا جائی که باید بگوید بلی عمداً بگوید نه روزه اش باطل می شود.

اگر از قول خدا یا پیغمبر حرف راستی را بگوید بعد بگوید دروغ گفتم، یا در شب دروغی را به آنان نسبت دهد، و فردای آن روز که روزه می باشد بگوید آنچه دیشب گفتم راست است روزه اش باطل می شود.

### رساندن غبار غلیظ به حلق

رساندن غبار غلیظ بحلق روزه را باطل می کند، چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مثل آرد، یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است، مثل خاک.

احتیاط واجب آن است که روزه دار بخار غلیظ، و دود سیگار و تنباکو و مانند اینها را هم به حلق نرساند.

اگر مواظبت نکند و غبار یا بخار یا دود و مانند اینها داخل حلق شود چنانچه اطمینان داشته که بحلق نمی رسد روزه اش صحیح است، و اگر فراموش کند که روزه است و مواظبت نکند یا بی اختیار غبار و مانند آن بحلق او برسد اشکال ندارد.

### فرو بردن سر در آب

اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگر چه باقی بدن او از آب بیرون باشد، بنابر احتیاط واجب روزه او باطل می شود ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد، و مقداری از سر بیرون باشد روزه باطل نمی شود.

اگر نصف سر را یک دفعه و نصف دیگر آنرا دفعه دیگر در آب فرو برد روزه اش باطل نمی شود.

اگر شك کند که تمام سر زیر آب رفته روزه اش صحیح است.

اگر تمام سر زیر آب برود ولی مقداری از موها بیرون بماند روزه اش باطل می شود.

احتیاط واجب آن است که سر را در آب مضاف به خصوص گلاب فرو نبرد، ولی در چیزهای دیگری که روان است اشکال ندارد.

اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد یا فراموش کند که روزه است، و سر در آب فرو برد روزه او باطل نمی شود.

اگر عادتاً با افتادن در آب سرش زیر آب می رود، چنانچه با توجه باین مطلب خود را در آب بیندازد و سرش زیر آب برود روزه اش - بنابر احتیاط واجب - باطل می شود.

اگر فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد یا دیگری به زور سر او را در آب فرو برد؛ چنانچه در زیر آب یادش بیاید که روزه است، یا آنکس دست خود را بردارد، باید فوراً سر را بیرون آورد، و چنانچه بیرون نیاورد بنابر احتیاط واجب روزه اش باطل می شود.

اگر فراموش کند که روزه است و به نیت غسل سر در آب فرو برد، روزه و غسل او صحیح است.

اگر بداند که روزه است، و عمداً برای غسل سر را در آب فرو برد، چنانچه روزه او مثل روزه رمضان واجب معین باشد، بنابر احتیاط واجب باید دوباره غسل کند، و روزه را هم باید بنابر احتیاط واجب قضا نماید، و اگر روزه مستحب یا روزه واجبی باشد که مثل روزه کفاره وقت معینی ندارد، غسل صحیح و روزه بنابر احتیاط واجب باطل می باشد.

اگر برای آن که کسی را از غرق شدن نجات دهد سر را در آب فرو برد، اگر چه نجات دادن او واجب باشد روزه اش - بنا بر احتیاط واجب - باطل می شود.

### باقیمانده ن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

کسی که بخواند روزه ماه مبارک رمضان یا قضای آن را بگیرد نباید تا اذان صبح عمداً در حال جنابت باقی بماند بنابراین اگر عمداً غسل نکند و در تنگی وقت تیمم نیز نکند روزه اش باطل است. بقای عمدی بر جنابت در روزه های دیگر چه واجب باشد یا مستحب ضرری برای روزه ندارد.

اگر در روزه ماه رمضان و قضای آن تا اذان صبح غسل نکند، و تیمم هم ننماید ولی از روی عمد نباشد مثل آن که دیگری نگذارد غسل و تیمم کند، روزه اش صحیح است.

کسی که جنب است و می خواهد روزه ماه رمضان یا قضای آن را بگیرد چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و صحیح است.

اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند، و بعد از یک یا چند روز یادش بیاید، باید روزه آن روزها را قضا نماید، و اگر بعد از چند روز یادش بیاید، روزه هر چند روزی را که یقین دارد جنب بوده قضا نماید، مثلاً اگر نمی داند سه روز جنب بوده یا چهار روز، باید روزه سه روز را قضا کند.

کسی که در شب ماه رمضان برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد اگر خود را جنب کند روزه اش باطل است، و قضا و کفاره بر او واجب می شود. ولی اگر برای تیمم وقت دارد، چنانچه خود را جنب کند با تیمم روزه او صحیح است، گناهکار هم حساب نمی شود.

کسی که در شب ماه رمضان جنب است، و می داند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی شود، نباید بخوابد، و چنانچه بخوابد، و تا صبح بیدار نشود، روزه اش باطل است، و قضا و کفاره بر او واجب می شود.

هرگاه جنب در شب ماه رمضان بخوابد، و بیدار شود، اگر احتمال بدهد که اگر دوباره بخوابد برای غسل بیدار می شود می تواند بخوابد در صورتی که عادتاً خواب نمی ماند.

کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند یا احتمال می دهد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند، و با این تصمیم بخوابد و تا اذان خواب بماند روزه اش صحیح است.

کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند یا احتمال می دهد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود، چنانچه غفلت داشته باشد که بعد از بیدار شدن باید غسل کند، در صورتی که بخوابد، و تا اذان صبح خواب بماند روزه اش صحیح است.

کسی که در شب ماه رمضان جنب است، و می داند یا احتمال می دهد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود، چنانچه نخواهد بعد از بیدار شدن غسل کند، یا تردید داشته باشد که غسل کند یا نه، در صورتی که بخوابد و بیدار نشود روزه اش باطل است.

اگر جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود و بداند یا احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود، و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند، چنانچه دوباره بخوابد و تا اذان بیدار نشود، باید آن روز را قضا کند، و همچنین است اگر از خواب دوم بیدار شود و برای مرتبه سوم بخوابد، و بنابر احتیاط واجب در خواب سوم کفاره هم لازم است.

خوابی را که در آن محتلم شده نباید خواب اول حساب کرد بلکه اگر از آن خواب بیدار شود، و دوباره بخوابد خواب اول حساب می شود.

اگر روزه دار در روز محتلم شود، واجب نیست فوراً غسل کند گرچه احتیاط مستحب آن است که فوراً غسل کند.

هرگاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتلم شده است، اگر چه بداند پیش از اذان محتلم شده، روزه او صحیح است.

کسی که می خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد هرگاه تا اذان صبح جنب بماند اگر چه از روی عمد نباشد روزه او باطل است.

کسی که می خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد اگر بعد از اذان صبح بیدار شود، و ببیند محتلم شده، و بداند پیش از اذان محتلم شده است چنانچه وقت قضای روزه تنگ است مثلاً پنج روز روزه قضای رمضان دارد و پنج روز هم به رمضان مانده است، احتیاط واجب آن است که هم آنروز را روزه بگیرد هم عوض آنرا بعد از رمضان، و اگر وقت قضای روزه تنگ نیست باید روز دیگری روزه بگیرد.

اگر در روزه ماه مبارک رمضان محتلم شود، می تواند قبل از غسل استبراء کند، ولی اگر غسل کرد، بعد از غسل در صورتی که بداند منی از او خارج می شود، نباید استبراء کند.

اگر در روزه مستحب یا واجب غیر رمضان و قضای آن تا اذان صبح جنب بماند روزه اش صحیح است چه وقت آن معین باشد و چه نباشد.

اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و عمداً غسل نکند یا اگر وظیفه او تیمم است عمداً تیمم نکند روزه اش در ماه رمضان یا قضای آن باطل است و احتیاطاً مستحب آن است که در روزه های واجب و مستحب دیگر هم این امر رعایت شود .

اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای غسل وقت نداشته باشد، چنانچه بخواهد روزه رمضان بگیرد با تیمم روزه اش صحیح است، و لازم نیست که تا صبح بیدار بماند و اگر برای تیمم هم وقت نباشد به همان نحو روزه اش صحیح است.

اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود یا در بین روز خون حیض یا نفاس ببیند، اگر چه نزدیک مغرب باشد روزه او باطل است.

اگر زن غسل حیض یا نفاس را فراموش کند و بعد از یک روز یا چند روز یادش بیاید روزه هائی که گرفته صحیح است، و بنابر احتیاط مستحب قضای آنرا نیز بگیرد.

اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و در غسل کردن کوتاهی کند، و تا اذان غسل نکند، و در تنگی وقت تیمم هم نکند روزه اش در ماه رمضان باطل است، ولی چنانچه کوتاهی نکند مثلاً منتظر باشد که حمام، زنانه شود، اگر چه سه مرتبه بخواهد و تا اذان غسل نکند در صورتی که تیمم کند روزه او صحیح است.

اگر زنی که در حال استحاضه است غسلهای خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شد بجا آورده روزه او صحیح است.

کسی که مس میت کرده یعنی جائی از بدن خود را به بدن میت رسانده می تواند بدون غسل مس میت روزه بگیرد، و اگر در حال روزه هم میت را مس نماید روزه او باطل نمی شود.

### اماله کردن

اماله کردن با چیزهای روان اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه باشد روزه را باطل می کند، ولی استعمال شیافهای غیر روان که برای معالجه است اشکال ندارد، و احتیاطاً مستحب است که از استعمال آنها نیز خودداری کند و احتیاطاً مستحب آن است که از چیزی که جامد و مایع بودن آن مشکوک است اجتناب کند.

### قی کردن عمدی

هرگاه روزه دار عمداً قی کند اگر چه بواسطه مرض و مانند آن ناچار باشد، روزه اش باطل می شود، ولی اگر سهواً یا بی اختیار قی کند اشکال ندارد.

اگر در شب چیزی بخورد که می داند بواسطه خوردن آن در روز بی اختیار قی می کند؛ به احتیاط واجب روزه او باطل می شود.

اگر روزه دار بتواند از قی کردن خودداری کند چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد، باید خودداری نماید.

اگر مگس در گلوی روزه دار برود چنانچه بقدری پائین رود که به فرو بردن آن خوردن نمی گویند لازم نیست آنرا بیرون آورد، و روزه او صحیح است و اگر به این مقدار پائین نرود، و بیرون آوردن آن ممکن باشد باید آنرا بیرون آورد و اگر باعث قی کردن شود، روزه او باطل می شود.

اگر سهواً چیزی را فرو ببرد، و پیش از رسیدن به شکم یادش بیاید که روزه است، چنانچه بقدری پائین رفته باشد که اگر آنرا داخل شکم کند خوردن نمی گویند لازم نیست آنرا بیرون آورد و روزه او صحیح است و اگر به وسط یا ابتداء حلق رسیده باشد باید آنرا بیرون آورد، و در این مورد قی کردن صدق نمی کند.

اگر یقین داشته باشد که بواسطه آروغ زدن چیزی از گلو بیرون می آید نباید عمداً آروغ بزند، ولی اگر یقین نداشته باشد اشکال ندارد.

اگر آروغ بزند و بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید، باید آنرا بیرون بریزد، و اگر بی اختیار فرو رود اشکال ندارد، و احتیاط مستحب آن است که قضای آنرا نیز بجا آورد.

### احکام مبطلات روزه

اگر انسان عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد روزه او باطل می شود، و چنانچه از روی عمد نباشد اشکال ندارد، و فرقی نمی کند بین روزه ماه رمضان و غیر آن و بین روزه واجب و مستحب، ولی جنب اگر بخوابد و به تفصیلی که در مسأله (۱۶۷۹) گفته شد تا اذان صبح غسل نکند روزه او باطل است.

اگر روزه دار سهواً یکی از کارهایی که روزه را باطل می کند انجام دهد، و بخیال این که روزه اش باطل شده، عمداً دوباره یکی از آنها را بجا آورد روزه او باطل می شود.

اگر چیزی بزور در گلوی روزه دار بریزند یا سر او را بزور در آب فرو برند، روزه او باطل نمی شود، ولی اگر مجبورش کنند که روزه خود را باطل کند مثلاً به او بگویند اگر غذا نخوری ضرر مالی یا جانی بتو می زنیم، و خودش برای جلوگیری از ضرر چیزی بخورد روزه او باطل می شود.

روزه دار نباید جایی برود که می داند چیزی در گلویش می ریزند یا مجبورش می کنند که خودش روزه خود را باطل کند، اما اگر قصد رفتن کند و نرود، یا بعد از رفتن چیزی بخوردش ندهند روزه او صحیح است و چنانچه از روی ناچاری کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد و از اوّل هم بداند که ناچار می شود، روزه او باطل می شود.



## آنچه برای روزه دار مکروه است

چند چیز برای روزه دار مکروه است، و از آن جمله است: دوا ریختن به چشم، و سرمه کشیدن در صورتی که مزه یا بوی آن بحلق برسد، انجام دادن هر کاری که مانند خون گرفتن و حمام رفتن باعث ضعف می شود، آنفیه کشیدن اگر نداند که بحلق می رسد و اگر بداند بحلق می رسد جایز نیست، بو کردن گیاههای معطر، نشستن زن در آب، استعمال شیاف، تر کردن لباس که در بدن است، کشیدن دندان و هر کاری که بواسطه آن از دهان خون بیاید، مسواک کردن به وسیله چوب تر، و نیز مکروه است انسان بدون قصد بیرون آمدن منی، زن خود را بیوسد یا کاری کند که شهوت خود را به حرکت آورد، و مطمئن باشد که با این قبیل کارها از او منی بیرون نمی آید و اگر اطمینان نداشته باشد که منی بیرون نمی آید در صورتی که منی بیرون آید روزه او باطل می شود.

## جاهایی که قضا و کفاره واجب است

اگر در روزه رمضان عمداً قی کند فقط قضای آنروز را باید بگیرد و چنانچه در شب جنب شود و بتفصیل گفته شد؛ سه مرتبه بیدار شود و بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود، یا عمداً اماله کند، یا سر زیر آب ببرد، یا دروغی را بخدا و پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نسبت بدهد، بنابر احتیاط واجب کفاره هم باید بدهد، ولی اگر غیر از اینها کار دیگری که روزه را باطل می کند عمداً انجام دهد، در صورتی که می دانسته آن کار روزه را باطل می کند قضا و کفاره بر او واجب است.

اگر بواسطه ندانستن مسأله کاری انجام دهد که روزه را باطل می کند چنانچه جاهل مقصر بوده بنابر احتیاط کفاره بر او واجب می شود و اگر جاهل قاصر بوده یعنی در ندانستن خود معذور بوده است مانند این که یقین داشته که فلان چیز روزه را باطل نمی کند کفاره بر او واجب نیست.

## کفاره روزه

کسی که کفاره روزه رمضان بر او واجب است، باید یک بنده آزاد کند، یا بدستوری که در مسأله بعد گفته می شود دو ماه روزه بگیرد یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام یک مد که تقریباً ده سیر است، طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها بدهد، و چنانچه برایش ممکن نباشد مخیر است بین اینکه هیجده روز روزه بگیرد، و یا اینکه هر چند مد که می تواند بفقرا اطعام بدهد، و اگر نتواند بدهد، باید استغفار کند اگر چه مثلاً یک مرتبه بگوید استغفر الله، و احتیاط واجب آن است که هر وقت بتواند کفاره را بدهد.

کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، باید سی و یک روز آن را پی در پی بگیرد، و اگر بقیه آن پی در پی نباشد اشکال ندارد.

کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد نباید موقعی شروع کند که در میان سی و یک روز روزه باشد که مانند عید قربان روزه آن حرام است.

کسی که باید پی در پی روزه بگیرد، اگر در بین آن بدون عذر یک روز، روزه نگیرد، یا وقتی شروع کند که در بین آن بروزی برسد که روزه آن واجب است، مثلاً بروزی برسد که نذر کرده آنروز را روزه بگیرد باید روزه ها را از سر بگیرد.

اگر در بین روزهایی که باید پی در پی روزه بگیرد عذری مثل حیض یا نفاس یا سفری که در رفتن آن مجبور است؛ برای او پیش آید، بعد از بر طرف شدن عذر واجب نیست روزه ها را از سر بگیرد بلکه بقیه را بعد از بر طرف شدن عذر بجا می آورد.

اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، چه آن چیز أصلاً حرام باشد مثل شراب و زنا یا به جهتی حرام شده باشد مثل نزدیکی با عیال خود در حال حیض، بنابر احتیاط واجب کفاره جمع بر او واجب می شود، یعنی باید یک بنده آزاد کند، و دو ماه روزه بگیرد، و شصت فقیر را سیر کند، یا بهر کدام اینها یک مد طعام بدهد، و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد، هر کدام آنها ممکن است باید انجام دهد.

اگر روزه دار دروغی را بخدا و پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نسبت دهد که بنابر احتیاط واجب کفاره دارد یک کفاره بر او لازم است نه کفاره جمع.

اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه جمع کند بنابر احتیاط واجب به همان اندازه کفاره بر او واجب است، و نیز اگر جمع او حرام باشد بنابر احتیاط واجب به همان اندازه کفاره جمع واجب می شود.

اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه کاری که روزه را باطل می کند غیر از جمع انجام دهد بنابر احتیاط مستحب باید به همان اندازه که افطار کرده کفاره بدهد. هر چند یک کفاره کافی است.

اگر روزه دار جمع حرام کند و بعد با حلال خود جمع نماید - بنابر احتیاط واجب - برای هر کدام کفاره مستقل واجب است.

اگر روزه دار کاری که حلال است و روزه را باطل می کند، انجام دهد، مثلاً آب بیاشامد، و بعد کار دیگری که حرام است و روزه را باطل می کند - به جز جمع که حکم آن گذشت - انجام دهد، مثلاً غذای حرامی بخورد، یک کفاره کافی است.

اگر روزه دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید، چنانچه عمداً آنرا فرو ببرد، روزه اش باطل است، و باید قضای آنرا بگیرد، و کفاره هم بر او واجب می شود، و اگر خوردن آن چیز حرام باشد، مثلاً موقع آروغ زدن خون یا غذایی که از

صورت غذا بودن خارج شده بدهان او بیاید، و عمداً آنرا فرو ببرد، روزه او باطل می شود، و بنا بر احتیاط کفاره جمع هم بر او واجب می شود.

اگر نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه در آن روز عمداً روزه خود را باطل کند باید یک بنده آزاد کند، یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد یا شصت فقیر را اطعام کند، یعنی کفاره نذر را بدهد و قضای آن را هم بگیرد.

کسی که اگر صرفاً به گفته کسی که می گوید مغرب شده افطار کند، و بعد بفهمد مغرب نبوده است قضاء و کفاره بر او واجب است.

کسی که عمداً روزه خود را باطل کرده، اگر بعد از ظهر مسافرت کند یا پیش از ظهر برای فرار از کفاره سفر نماید، کفاره او ساقط نمی شود، بلکه اگر قبل از ظهر مسافرتی برای او پیش آمد کند، بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب است.

اگر عمداً روزه خود را باطل کند، و بعد عذری مانند حیض یا نفاس یا مرض برای او پیدا شود کفاره بر او واجب نیست.

اگر یقین کند که روز اول ماه رمضان است و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود که آخر شعبان بوده کفاره بر او واجب نیست، همچنین است اگر انسان شک کند که آخر رمضان است یا اول شوال و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود اول شوال بوده کفاره بر او واجب نمی باشد.

اگر روزه دار در ماه رمضان با زن خود که روزه دار است جماع کند، چنانچه زن را مجبور کرده باشد، کفاره روزه خودش و روزه زن را باید بدهد و اگر زن به جماع راضی بوده بر هر کدام یک کفاره واجب می شود و هر یک باید کفاره خودش را بدهد.

اگر زنی شوهر روزه دار خود را مجبور کند که جماع نماید، یا کاری دیگری که روزه را باطل می کند انجام دهد، واجب نیست کفاره روزه شوهر را بدهد.

اگر روزه دار در ماه رمضان، با زن خود که روزه دار است جماع کند، چنانچه در ابتدا زن را مجبور کرده باشد ولی در بین جماع زن راضی شود، بنا بر احتیاط واجب باید مرد دو کفاره و زن یک کفاره بدهد.

اگر روزه دار در ماه رمضان با زن روزه دار خود که خواب است جماع نماید، یک کفاره بر او واجب می شود، و روزه زن صحیح است و کفاره هم بر او واجب نیست.

اگر مرد زن خود را مجبور کند که غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل می کند بجا آورد، کفاره زن را نباید بدهد، و بر خود زن هم کفاره واجب نیست.

کسی که بواسطه مسافرت یا مرض روزه نمی گیرد، نمی تواند زن روزه دار خود را مجبور به جماع نماید، ولی اگر مجبور کند، کفاره بر او واجب نیست.

انسان نباید در بجا آوردن کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوراً آنرا انجام دهد.

اگر کفاره بر انسان واجب شود، و چند سال آنرا بجا نیاورد، چیزی بر آن اضافه نمی شود.

کسی که باید برای کفاره یک روز شصت فقیر را طعام بدهد، اگر به شصت فقیر دسترسی دارد، نباید به هر کدام از آنها بیشتر از یک مد که تقریباً ده سیر است طعام بدهد، یا یک فقیر را بیشتر از یک مرتبه سیر نماید، ولی چنانچه فقیر، دارای عائله باشد انسان می تواند، برای هر یک از عیالات فقیر او اگر چه صغیر باشند یک مد به آن فقیر بدهد، بلی اگر فرزندان او صغیر باشند سهم او و بچه ها را یک جا تحویل دهد.

کسی که قضای روزه رمضان را گرفته اگر بعد از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، باید به ده فقیر هر کدام یک مد که تقریباً ده سیر است طعام بدهد و اگر نمی تواند سه روز روزه بگیرد، و بنا بر احتیاط مستحب شصت فقیر را طعام بدهد.

### احکام روزه مسافر

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد، و مسافری که نمازش را تمام می خواند مثل کسی که شغلش مسافرت یا سفر او معصیت است باید در سفر روزه بگیرد.

مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است.

اگر غیر از روزه ماه رمضان روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد مثل این که نذر کند روز معینی را روزه بگیرد، می تواند در آن روز مسافرت نماید همچنین است در تنگی وقت اگر قضاء ماه رمضان به عهده اش باشد.

اگر نذر کند روزه بگیرد و روز آن را معین نکند، نمی تواند آن را در سفر بجا آورد، ولی چنانچه نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد، باید آن را در سفر بجا آورد، و نیز اگر نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد یا نباشد روزه بگیرد باید آن روز را اگر چه مسافر باشد روزه بگیرد.

مسافر می تواند برای خواستن حاجت سه روز در مدینه طیبه روزه مستحبی بگیرد و احتیاط آن است که سه روز پشت سر هم و چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد.

کسی که نمی داند روزه مسافر باطل است اگر در سفر روزه بگیرد و در بین روز مسأله را بفهمد روزه اش باطل می شود، و اگر تا مغرب نفهمد روزه اش صحیح است.

اگر فراموش کند که مسافر است، یا فراموش کند روزه مسافر باطل می باشد و در سفر روزه بگیرد، روزه او باطل است.

اگر روزه دار بعد از ظهر مسافرت نماید، باید روزه خود را تمام کند، و اگر پیش از ظهر مسافرت کند وقتی بحدّ ترخص برسد یعنی بجائی برسد که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان را نشنود باید روزه خود را باطل کند، اگر پیش از آن روزه را باطل کند، بنابر احتیاط کفّاره واجب می شود.

اگر مسافر پیش از ظهر بوطنش برسد، یا بجائی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، باید آنروز را روزه بگیرد، و اگر انجام داده یا بعد از ظهر به وطنش برسد، یا بجایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند، نمی تواند در آن روز روزه بگیرد.

مسافر و کسی که از روزه گرفتن عذر دارد، مکروه است در روز ماه رمضان جماع نماید، و در خوردن و آشامیدن کاملاً خود را سیر کند.

# احکام خمس و زکات

## فهرست عناوین مبحث خمس و زکات

⊗ احکام خمس

⊗ مصرف خمس

⊗ احکام زکات

⊗ شرایط واجب شدن زکات

⊗ مصرف زکات

## احکام خمس

در هفت چیز خمس واجب می شود

۱. منفعت کسب
۲. معدن
۳. گنج
۴. مال حلال مخلوط به حرام
۵. جواهری که بواسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا بدست می آید
۶. غنیمت جنگ
۷. زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد

## منفعت کسب

هر گاه انسان از تجارت یا صنعت یا کسبهای دیگر مالی بدست آورد مثلاً نماز و روزه میّتی را بجا آورد و از اجرت آن مالی تهیه کند چنانچه از مخارج سال خود او و عیالاتش زیاد بیابد باید خمس یعنی یک پنجم آنرا بدستوری که بعداً گفته می شود بدهد.

اگر از غیر کسب، مالی بدست آورد مثلاً چیزی به او ببخشند چنانچه از مخارج سالش زیاد بیاید احتیاط واجب آن است که خمس آن را بدهد.

سرمایه (یعنی هر چه انسان برای کسب درآمد از آن استفاده می کند مثل زمین کشاورزی، گاو و گوسفند، ماشین سواری یا مغازه و خانه برای اجاره دادن) تا مقداری که انسان برای امرار معاش خود به آن نیاز دارد خمس ندارد و لو از درآمد سال خود یا از پولی تهیه شده که اگر باقی بماند، خمس به آن تعلق می گیرد.

کسی که بیش از مقدار مورد نیاز سرمایه دارد باید خمس مقدار مازاد را بدهد.

مهری را که زن می گیرد خمس ندارد و همچنین است ارثی که به انسان می رسد ولی اگر مثلاً با کسی خویشاوندی داشته و گمان ارث بردن از او نداشته احتیاط واجب آن است که خمس ارثی را که از او می برد اگر از مخارج سالش زیاد می آید بدهد.

اگر مالی به ارث به انسان برسد و انسان بداند که مورث خمس بدهکار است مثلاً با حاکم شرع دستگردان کرده و پرداخته یا مالی را که خمس به آن تعلق گرفته مصرف کرده بدون این که خمس آن را بدهد، این شخص باید بدهی خمسی او را بدهد. اگر آن مال از درآمد همان سال فوت بوده و خمس آن را نداده باید خمس آن را بدهد و اگر از درآمد سال های قبل بوده و خمس آن را به علت این که به خمس اعتقادی نداشته پرداخته است بر او واجب نیست خمس آن را بدهد هر چند بهتر است خمس آن را بدهد تا متوفی عذاب اخروی نداشته باشد.

اگر از مالی که به انسان به ارث می رسد سودی حاصل شود یا آن مال نما داشته باشد سود و نمای آن جزء منافع سال حصول قرار می گیرد که اگر تا آخر سال خمسی باقی ماند به احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد و اگر قیمت این مال افزایش پیدا کند به قیمت افزوده شده خمس تعلق نمی گیرد.

اگر بواسطه قناعت کردن چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید باید خمس آن را بدهد.

کسی که دیگری مخارج او را می دهد باید خمس تمام مالی را که بدست می آید بدهد، ولی اگر مقداری از آن را خرج زیارت و مانند آن کرده باشد فقط باید خمس باقیمانده را بدهد.

اگر ملکی را بر افراد معینی مثلاً بر اولاد خود وقف نماید چنانچه در آن ملک زراعت و درختکاری کنند و از آن چیزی بدست آورند و از مخارج سال آنان زیاد بیاید باید خمس آن را بدهند.

اگر مالی را که فقیر به عنوان خمس و زکات گرفته از مخارج سالش زیاد بیاید واجب نیست خمس آن را بدهد ولی اگر از مالی که به او داده اند منفعتی ببرد مثلاً از درختی که بابت خمس به او داده اند میوه ای بدست آورد و از مخارج سالش زیاد بیاید، حکم نماند ارث را دارد که قبلاً گفته شد، و در مالی که فقیر به عنوان صدقه مستحبی گرفته احتیاط واجب آن است که خمس آن را بدهد.

اگر با عین پول خمس نداده جنسی را بخرد یعنی به فروشنده بگوید این جنس را با این پول می خرم چنانچه مجتهد جامع الشرائط معامله یک پنجم آن را اجازه بدهد معامله آن مقدار صحیح است و انسان باید یک پنجم جنسی را که خریده به مجتهد جامع الشرائط بدهد و اگر اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است. پس اگر پولی را که فروشنده گرفته از بین نرفته مجتهد جامع الشرائط خمس همان پول را می گیرد و اگر از بین رفته عوض خمس را از فروشنده یا خریدار مطالبه می کند.

اگر جنسی را بخرد و بعد از معامله قیمت آن را از پول خمس نداده بدهد معامله ای که کرده صحیح است ولی چون از پولی که خمس در آن است بفروشنده داده فروشنده باید خمس آن را بدهد و به همان مقدار از خریدار طلب کار است و پولی را که به فروشنده داده اگر از بین نرفته مجتهد جامع الشرائط پنج یک آن را می گیرد و اگر از بین رفته عوض آن را از خریدار یا فروشنده مطالبه می کند، و چنانچه جنسی را بخرد و هنگام معامله قصدش این باشد با پولی که خمس آن را نداده قیمت آن را بدهد بنا بر احتیاط واجب یک پنجم معامله نیاز به اجازه حاکم شرع دارد. و چنانچه اجازه داد بنا بر احتیاط یک پنجم آن جنس را به حاکم شرع به عنوان خمس بدهد.

اگر مالی را که خمس آن داده نشده بخرد چنانچه مجتهد جامع الشرائط معامله پنج یک آن را اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است و مجتهد جامع الشرائط می تواند پنج یک آن مال را بگیرد و اگر اجازه بدهد معامله صحیح است و خریدار باید مقدار پنج یک پول آن را به مجتهد جامع الشرائط بدهد، و اگر به فروشنده داده می تواند از او پس بگیرد.

اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشند پنج یک آن چیز مال او نمی شود. و باید خمس آن را بدهد.

اگر کافر یا کسی که به خمس اعتقادی ندارد چیزی را به انسان هدیه بدهد انسان مالک آن می شود و لازم نیست خمس آن را بدهد. بلی اگر آنچه را که گرفته در طول سال صرف مؤونه او نشود و از درآمد سال او زیاد بیاید باید خمس آن را پردازد.

تاجر و کاسب و صنعتگر و مانند اینها که در کسب آنها تدریجاً سود حاصل می شود از وقتی که شروع به کاسبی می کنند یک سال که بگذرد باید خمس آنچه را که از خرج سالشان زیاد می آید بدهند و کسی که شغلش کاسبی نیست مانند کشاورز که دفعتاً سود به دستش می آید مبدأ سال خمسی وی از موقعی که فایده برده است می باشد.

انسان می تواند در بین سال هر وقت منفعتی بدستش آید خمس آن را بدهد و جایز است دادن خمس را تا آخر سال تأخیر بیندازد و اگر برای دادن خمس سال شمسی را ملاک شروع قرار دهد مانعی نیست.

اگر کسی منفعتی بدست آورد و در بین سال بمیرد باید مخارج تا موقع مرگش را از آن منفعت کسر کنند و خمس باقیمانده را بدهد.



اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده بالا رود و آن را بفروشد و در بین سال قیمتش پائین آید خمس مقداری که بالا رفته بر او واجب نیست ولی چنانچه بعد از رسیدن سال خمسی عمداً آن را بفروشد و قیمتش پایین بیاید خمس آن را باید بدهد.

اگر غیر مال التجاره مالی داشته باشد که خمسش را داده یا خمس ندارد چنانچه قیمتش بالا رود و آن را بفروشد مقداری که بر قیمتش اضافه شده خمس ندارد.

اگر چیزی را با پول مخمس خریده تا از منافع آن استفاده کند مثلاً درختی خریده تا میوه آن را بفروشد یا گاو خریده تا شیر آن را بفروشد میوه و نمای آن جزء درآمد سال او محسوب می شود که اگر تا آخر سال خمسی صرف مؤونه نشد باید تخمیس شود.

اگر باغی احداث کند برای آنکه بعد از بالا رفتن قیمتش بفروشد میوه و نمو درخت ها و زیادی قیمت باغ جزء درآمد سال او است و اگر صرف مؤونه نشد باید خمس آن را بدهد. ولی اگر قصدش این باشد که میوه آن را بفروشد باید خمس میوه را اگر صرف مؤونه او نشود بدهد. و اصل باغ حکم سرمایه را دارد که باید طبق احکام خمس سرمایه تخمیس شود.

اگر درخت بید و چنار بکارد یا قالی بزند جزء درآمد سالی است که وقت فروش آنها است لذا اگر در آن سال صرف مؤونه نشد و عین یا پول آن باقی ماند در آخر سال باید تخمیس شود. شاخه ها یا منافی که معمولاً در هر سال از آن استفاده می کنند جزء درآمد همان سال محسوب می شود که اگر تا آخر سال باقی ماند باید تخمیس شود.

کسی که چند رشته کسب دارد مثلاً اجاره ملک می گیرد و خرید و فروش و زراعت هم می کند باید خمس آنچه را در آخر سال از مخارج او زیاد می آید بدهد، و چنانچه از یک رشته نفع ببرد و از رشته دیگر ضرر کند، می تواند ضرر یکی را با نفع دیگری جبران نماید گرچه احتیاط در ترک آن است و نیز اگر دو تجارت داشته باشد می تواند ضرر یکی را با نفع دیگری جبران نماید.

اگر غیر از سرمایه چیز دیگری از مالهای او از بین برود نمی تواند از منفعتی که بدستش می آید آن چیز را تهیه کند، ولی اگر در همان سال به آن چیز احتیاج داشته باشد می تواند در بین سال از منافع کسب، آن چیز را تهیه نماید.

خرجهائی را که انسان برای بدست آوردن فایده می کند مانند دلالتی و حملاتی می تواند جزء مخارج سالیانه حساب نماید.

آنچه از منافع کسب در بین سال به مصرف خوراک و پوشاک و اثاثیه و خرید منزل و عروسی و جهیزیه دختر و زیارت و مانند اینها می رساند در صورتی که از شان او زیاد نباشد و در وقتی تهیه شود که معمولاً تهیه آن مورد حاجت است و زیاده روی نکرده باشد خمس ندارد.

مالی را که انسان به مصرف نذر و کفاره می رساند جزء مخارج سالیانه است، و نیز مالی را که به کسی می بخشد یا جایزه می دهد در صورتی که از شأن او زیاد نباشد از مخارج سالیانه حساب می شود.

اگر انسان نتواند یک جا جهیزیّه دختر را تهیه کند و مجبور باشد که هر سال مقداری از آن را تهیه نماید و یا در شهری باشد که معمولاً هر سال مقداری از جهیزیّه دختر را تهیه می کنند و تهیه آن مورد حاجت باشد چنانچه در بین سال از منافع آن سال جهیزیّه بخرد خمس آن را لازم نیست بدهد و همین طور اگر برای تهیه جهیزیّه مجبور باشد پول پس انداز کند.

مالی را که خرج سفر حج و زیارت‌های دیگر می کند اگر مانند مرکب سواری باشد که عین آن باقی است و از منفعت آن استفاده شده، از مخارج سالی حساب می شود که در آن سال شروع به مسافرت کرده اگر چه سفر او تا مقداری از سال بعد طول بکشد، ولی اگر مثل خوراکی ها از بین رفتنی باشد باید خمس مقداری را که سر سال خمسی باقی مانده بدهد.

کسی که از کسب و تجارت فایده ای برده اگر مال دیگری هم دارد که خمس آن واجب نیست می تواند مخارج سال خود را فقط از فایده کسب حساب کند.

اگر از منفعت کسب، آذوقه ای که برای مصرف سالش خریده در آخر سال زیاد بیاید باید خمس آن را بدهد، و چنانچه بخواهد قیمت آن را بدهد در صورتی که قیمتش از وقتی که خریده زیاد شده باشد باید قیمت آخر سال را حساب کند.

اگر از درآمد سال و منفعت کسب (بدون پرداخت خمس) وسیله ای که مورد نیاز اوست بخرد و استفاده کند و در همان سال احتیاجش برطرف شود و تا آخر سال خمسی بماند واجب است خمس آن را بدهد. و اگر احتیاجش به این وسیله در سال های برطرف شود (یعنی در طول سال خرید به آن احتیاج داشته) لازم نیست خمس آن را بدهد. زیور آلات زنانه هم همین حکم را دارد یعنی اگر سال پس از خرید دیگر به آن نیاز نداشته باشد یا وقت زینت آنها گذشته باشد لازم نیست خمس آن را بدهد.

اگر در یک سال منفعتی نبرد نمی تواند مخارج آن سال را از منفعتی که در سال بعد میبرد کسر نماید.

اگر در اول سال خمسی منفعتی به دست نیاورند و از سرمایه خود خرج کنند یا قرض کنند و خرج کند و بعد در آمدی کسب کنند می توانند مقداری را که در اول سال صرف مؤونه آنها شده از آن کسر کنند .

به طور کلی قرض داشتن مانع تعلق خمس نمی شود .

۱. مثلاً کسی که یک میلیون تومان قرض دارد اگر سر سال خمسی یک میلیون تومان درآمد مازاد داشته باشد باید خمس آن را بدهد و نمی تواند آن را بابت بدهی خود کسر کند .
۲. اگر عین پولی که قرض کرده موجود باشد یا آن را تبدیل به چیز دیگری کرده باشد لازم نیست خمس آن را بدهد .
۳. اگر عین پولی که قرض کرده موجود باشد یا آن را تبدیل به چیز دیگری کرده باشد که مؤونه او نیست چنانچه مقداری از قرض خود یا تمام آن را از درآمد خود باز پرداخت کرده باشد باید به میزان باز پرداخت خمس آن را بپردازد .
۴. اگر مبلغی را که خرج کرده صرف مؤونه خود کرده باشد یا تلف شده باشد می تواند از درآمد سال بدون پرداخت خمس قرض خود ادا کند.

اگر در تمام سال منفعتی نبرد و برای مخارج خود قرض کند نمی تواند از منافع سالهای بعد مقدار قرض خود را کسر نماید. و در این صورت می تواند قرض خود را از ارباح اثناء سال اداء نماید و به آن مقدار، خمس تعلق نمی گیرد.

اگر برای زیاد کردن مال یا خریدن ملکی که به آن احتیاج ندارد قرض کند دادن آن قرض از مخارج زندگی که خمس به آن تعلق نمی گیرد حساب نمی شود، ولی اگر مالی را که قرض کرده و چیزی را که از قرض خریده از بین برود ادای قرض جزو مخارج سال حساب می شود و خمس ندارد.

انسان می تواند خمس هر چیز را از همان چیز یا قیمت آن را بدهد و اما اگر جنس دیگر بخواهد بدهد محل اشکال است مگر آنکه با اجازه مجتهد جامع الشرائط باشد.

تا خمس مال را ندهد نمی تواند در آن مال تصرف کند اگر چه قصد دادن خمس را داشته باشد.

کسی که خمس به مالش تعلق گرفته است نمی تواند آن را به ذمه بگیرد یعنی خود را بدهکار اهل خمس بداند و در تمام مال تصرف کند و چنانچه تصرف کند، و آن مال تلف شود باید خمس آن را بدهد.

کسی که خمس به مالش تعلق گرفته است اگر با مجتهد جامع الشرائط دستگردان کند می تواند در تمام مال تصرف نماید، و بعد از آن منافی که از آن مال بدست می آید مال خود اوست.

کسی که با دیگری شریک است اگر خمس منافع خود را بدهد و شریک او ندهد و در سال بعد از مالی که خمسش را نداده برای سرمایه شرکت بگذارد هیچکدام نمی توانند در آن تصرف کنند.

اگر بچه صغیر مالی داشته باشد که متعلق خمس شده مثلاً در آمدی کسب کرده که زائد بر مؤونه سال او بوده یا معدن استخراج کرده، پرداخت خمس آن واجب است و بنابر احتیاط واجب ولی او باید خمس آن را بدهد والا خود او بعد از بلوغ باید بلافاصله خمس آن را بدهد.

کسی که از اول تکلیف، خمس نداده اگر ملکی بخرد و قیمت آن بالا رود اگر پول خمس نداده را بفروشنده داده و به او گفته: این ملک را به این پول می خرم در صورتی که مجتهد جامع الشرائط معامله پنج یک آن را اجازه بدهد خریدار باید خمس مقداری که آن ملک فعلاً ارزش دارد بدهد.

کسی که حساب سال نداشته و تا به حال خمس نداده است اگر فردی حقوق بگیر، کارمند یا کارگر است و با دستمزد خود اشیایی فراهم کرده که مطابق شأن و مورد نیاز است خمس ندارد و اگر چیزی تهیه کرده که زائد بر شأن اوست یا جزء مؤونه او محسوب نمی شود باید خمس آن را بدهد. و همچنین اگر چیزی تهیه کرده که می داند پول آن را قبل از خرید یک سال داشته است باید خمس آن را بدهد. و اگر درآمد او از سرمایه ای تهیه می شده که به آن خمس تعلق گرفته و پرداخت نشده مثلاً کارخانه ای داشته و خمس آن را نداده است باید خمس تمام اموال خود را بدهد.

#### مصرف خمس

خمس را باید دو قسمت کرد: یک قسمت آن سهم سادات است و بنابر احتیاط واجب باید یا به مجتهد جامع الشرائط بدهند یا با اذن او به سید فقیر یا سید یتیم یا به سیدی که در سفر درمانده شده بدهند، و نصف دیگر آن سهم امام (علیه السلام) است که در شرایط فعلی هر فردی آن را فقط به مرجع تقلید خود بدهد یا با اجازه مستقیم از دفتر ایشان مصرف نماید.

سید یتیمی که به او خمس می دهند باید فقیر باشد ولی به سیدی که در سفر درمانده شده؛ اگر در وطنش فقیر هم نباشد می شود خمس داد و اگر به سیدی که فقیر نیست خمس بدهند کفایت نمی کند و دو مرتبه باید بپردازند.

به سیدی که در سفر درمانده شده اگر سفر او سفر معصیت باشد بنابر احتیاط واجب نباید خمس بدهند.

به سیدی که عادل نیست می شود خمس داد ولی به سیدی که دوازده امامی نیست نباید خمس بدهند.

به سیدی که معصیت کار است اگر خمس دادن کمک به معصیت او باشد، نمی شود خمس داد و به سیدی هم که آشکارا معصیت می کند، اگر چه دادن خمس کمک به معصیت او نباشد، بنابر احتیاط واجب نباید خمس بدهند.

اگر کسی بگوید: سیدم نمی شود به او خمس داد مگر آنکه دو نفر عادل، سید بودن او را تصدیق کنند یا در بین مردم بطوری معروف باشد که انسان یقین یا اطمینان پیدا کند که سید است.

به کسی که در شهر خودش مشهور باشد سید است می شود خمس داد در صورتی که به سید بودن او وثوق پیدا کند.

کسی که زنش سیده است بنا بر احتیاط واجب نباید به او خمس بدهد که به مصرف مخارج خودش برساند، ولی اگر مخارج دیگران بر آن زن واجب باشد و نتواند مخارج آنان را بدهد. جایز است خمس خود را به زنش بدهد که به مصرف آنان برساند.

انسان نمی تواند خمس مال خود را به افرادی بدهد که واجب النفقه او می باشند و اگر مخارج سید دیگری بر انسان واجب باشد مثل پدر یا فرزند بنا بر احتیاط واجب نمی توان از خمس مال خود برای نفقه او داد.

به سید فقیری که مخارجش بر دیگری واجب است و او نمی تواند مخارج آن سید را بدهد می شود خمس داد.

احتیاط واجب آن است که بیشتر از مخارج یک سال بیک سید فقیر خمس ندهند.

اگر در شهر انسان سید مستحق نباشد و احتمال هم ندهد که پیدا شود، یا نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممکن نباشد، باید خمس را به شهر دیگری ببرد و به مستحق برساند و می تواند مخارج بردن را از خمس بردارد، و اگر خمس از بین برود چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده باید عوض آن را بدهد و اگر کوتاهی نکرده، چیزی بر او واجب نیست.

هر گاه در شهر خودش مستحق نباشد ولی احتمال دهد که پیدا شود اگر چه نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممکن باشد، می تواند خمس را به شهر دیگر ببرد، و چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکند و تلف شود نباید چیزی بدهد، ولی نمی تواند مخارج بردن آن را از خمس بردارد.

اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، باز هم می تواند خمس را به شهر دیگر ببرد و به مستحق برساند ولی مخارج بردن آن را باید از خودش بدهد و در صورتی که خمس از بین برود اگر چه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد ضامن است حتی اگر با اذن مجتهد جامع شرایط باشد - بنابه احتیاط واجب در این صورت - بلی اگر به وکالت از او قبض کند و یا به وکیل او پرداخت نماید و سپس به شهر دیگر برده شده چنانچه با اذن حاکم شرع بوده ضامن نیست.

خمس را می توان از عین مال متعلق خمس بدهد یا از قیمت آن ولی نمی توان از جنس دیگری داد.

کسی که از مستحق طلبکار است نمی تواند طلب خود را بابت خمس حساب کند بلی بنا بر احتیاط واجب باید خمس را به او بدهد و بعد مستحق بابت بدهی خود به او برگرداند.

مستحق نمی تواند خمس را بگیرد و به مالک ببخشد، ولی کسی که مقدار زیادی خمس بدهکار است و فقیر شده و امید چیزدار شدنش هم نمی رود و می خواهد مدیون اهل خمس نباشد، مستحق می تواند خمس را از او بگیرد و به او ببخشد.

اگر خمس را با مرجع تقلید خود یا وکیل او دستگردان کند و بخواهد در سال بعد پردازد اگر عین چیزی که خمس به آن تعلق گرفته باقی باشد باید خمس خمس را هم بدهد و در حقیقت ۴۱ آنچه که موجود است به عنوان خمس بدهد مثلاً اگر صد هزار تومان موجود بوده و خمس آن را دستگردان کرده مبلغ بیست و پنج هزار تومان بدهد. و اگر عین چیز متعلق به خمس مصرف شود و از بین برود پرداخت همان مبلغ کافی است و لازم نیست خمس آن را بدهد.

## احکام زکات

زکات نُه چیز واجب است: اول: گندم. دوم: جو. سوم: خرما. چهارم: کشمش. پنجم: طلا. ششم: نقره. هفتم: شتر. هشتم: گاو. نهم: گوسفند. و اگر کسی مالک یکی از این نُه چیز باشد، با شرایطی که بعداً گفته می شود باید مقداری که معین شده به یکی از مصرفهائی که دستور داده اند برساند. ولی مستحب است زکات سرمایه کسب و کار و تجارت را نیز همه ساله بدهند.

سُئِت که دانه ای است به نرمی گندم و خاصیت جو، زکات ندارد ولی عَلس که مثل گندم است و خوراک مردم صنعا می باشد، بنا بر احتیاط واجب زکات دارد.

## شرایط واجب شدن زکات

زکات در صورتی واجب می شود که مال به مقدار نصاب که بعداً گفته می شود برسد و مالک آن، بالغ و عاقل و آزاد باشد و بتواند در آن مال تصرف کند.

اگر انسان یازده ماه مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره باشد، اول ماه دوازدهم باید زکات آنرا بدهد. ولی اول سال بعد را باید بعد از تمام شدن ماه دوازدهم حساب کند.

اگر مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در بین سال بالغ شود احتیاط واجب آن است که زکات را بدهد.

زکات گندم و جو وقتی واجب می شود که به آن گندم و جو گفته شود و زکات کشمش وقتی واجب می شود که انگور صدق کند و زکات خرما هم موقعی واجب می شود که به آن خرما گفته شود. ولی وقت دادن زکات در گندم و جو، موقع خرمن و جدا کردن کاه آنها، و در خرما و کشمش موقعی است که انگور خشک شده کشمش شود و رطب، تمر شده باشد.

اگر موقع واجب شدن زکات گندم و جو و کشمش و خرما که در مسأله پیش گفته شد، صاحب آنها بالغ باشد، باید زکات آنها را بدهد.

اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در تمام سال دیوانه باشد، زکات بر او واجب نیست. و اگر در مقداری از سال دیوانه باشد و در آخر سال عاقل گردد هر چند مدت دیوانگی او کم باشد در وجوب زکات اشکال است و همین طور اگر بچه در اثنای سال بالغ شود.

اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در مقداری از سال مست یا بیهوش شود، زکات از او ساقط نمی شود. و همچنین است اگر موقع واجب شدن زکات گندم و جو و خرما و کشمش، مست یا بیهوش باشد.

مالی را که از انسان غصب کرده اند و نمی تواند در آن تصرف کند زکات ندارد.

اگر طلا و نقره یا چیز دیگری را که زکات آن واجب است قرض کند و یک سال نزد او بماند، باید زکات آنرا بدهد و بر کسی که قرض داده چیزی واجب نیست.

زکات گندم و جو و خرما و کشمش

زکات گندم و جو و خرما و کشمش وقتی واجب می شود که بمقدار نصاب برسد و نصاب آن ها ۲۸۸ من تبریز، ۴۵ مثقال کم است که حدود ۸۴۷ کیلو گرم برآورد شده است.

اگر بعد از آنکه زکات گندم و جو و خرما و انگور واجب شد مالک آن بمیرد، باید مقدار زکات را از مال او بدهند. ولی اگر پیش از واجب شدن زکات بمیرد، هر یک از ورثه که سهم او باندازه نصاب است، باید زکات سهم خود را بدهد.

کسی که از طرف مجتهد جامع الشرائط مأمور جمع آوری زکات است موقع خرمن که گندم و جو را از کاه جدا می کنند و بعد از کشمش شدن انگور و تمر شدن رطب می تواند زکات را مطالبه کند. و اگر مالک ندهد و چیزی که زکات آن واجب شده، از بین برود باید عوض آن را بدهد.

اگر بعد از مالک شدن درخت خرما و انگور یا زراعت گندم و جو زکات آنها واجب شود، مثلاً خرما در ملک او زرد یا سرخ شود، باید زکات آن را بدهد.

اگر بعد از آنکه زکات گندم و جو و خرما و انگور واجب شد زراعت و درخت را بفروشد، باید فروشنده زکات آنها را بدهد.

اگر انسان گندم یا جو یا خرما یا انگور را بخرد و بداند که فروشنده زکات آن را داده، یا شک کند که داده یا نه، چیزی بر او واجب نیست. و اگر بداند که زکات آن را نداده چنانچه مجتهد جامع الشرائط معامله مقداری را که باید از بابت زکات داده شود، اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است. و مجتهد جامع الشرائط می تواند آن مقدار را از

خریدار بگیرد، و اگر معامله مقدار زکات را اجازه دهد معامله صحیح است و خریدار باید قیمت آن مقدار را به مجتهد جامع الشرائط بدهد، و در صورتیکه قیمت آن مقدار را بفروشنده داده باشد، میتواند از او پس بگیرد.

اگر وزن گندم و جو و خرما و کشمش موقعی که تر است به ۲۸۸ من، ۴۵ مثقال کم برسد و بعد از خشک شدن کمتر از این مقدار شود، زکات آن واجب نیست.

خرمایی که تازه آن را می خورند و اگر بماند خیلی کم می شود چنانچه مقداری باشد که وزن خشک آن به ۲۸۸ من، ۴۵ مثقال کم برسد، زکات آن واجب است.

گندم و جو و خرما و کشمش که زکات آنها را داده اگر چند سال هم نزد او بماند زکات ندارد.

اگر گندم و جو و خرما و انگور از آب باران یا نهر مشروب شود یا مثل زراعتهای مصر از رطوبت زمین استفاده کند زکات آن ده یک (۱۰۱) است، و اگر با دلو و موتور و پمپ از چاههای عمیق و نیمه عمیق که فعلاً متداول است آبیاری شود زکات آن بیست یک (۲۰۱) است. و اگر مقداری از باران یا نهر یا رطوبت زمین استفاده کند و بهمان مقدار از آبیاری با دلو و موتور و پمپ استفاده نماید، زکات نصف آن ده یک (101) و زکات نصف دیگر آن بیست یک (۲۰۱) می باشد یعنی از چهل قسمت سه قسمت آن را بابت زکات پردازد.

اگر گندم و جو و خرما و انگور، هم از آب باران و نهر مشروب شود و هم از آب دلو و موتور و پمپ استفاده کند، چنانچه طوری باشد که عرفاً بگویند با دلو و موتور مثلاً آبیاری شده نه باران، زکات آن بیست یک است (۲۰۱) و اگر عرفاً بگویند با آب باران مثلاً آبیاری شده نه دلو، زکات آن ده یک (۱۰۱) است.

اگر شک کند که با آب باران یا با دلو و موتور و پمپ آبیاری شده، بیست یک (۲۰۱) بر او واجب می شود و احتیاط مستحب آن است که ده یک (۱۰۱) بدهد.

اگر گندم و جو و خرما و انگور با آب باران یا نهر مشروب شود و به آب دلو و موتور و پمپ محتاج نباشد ولی با آب دلو و موتور هم آبیاری شود لیکن آب دلو و موتور تأثیری در زیاد شدن محصول نداشته باشد، زکات آن ده یک (۱۰۱) است، و اگر با دلو و موتور آبیاری شود و به آب نهر یا باران محتاج نباشد ولی با آب نهر یا باران هم مشروب شود لیکن در زیاد شدن محصول تأثیری نگذارد، زکات آن بیست یک (۲۰۱) است.

اگر زراعتی را با دلو و یا موتور یا پمپ آبیاری کند و در زمینی که پهلوئی آن است زراعتی کنند، که از رطوبت آن زمین استفاده نماید و محتاج به آبیاری نشود، زکات زراعتی که با دلو آبیاری شده بیست یک (۲۰۱) و زکات زراعتی که پهلوئی آن است ده یک (۱۰۱) می باشد.



مخارجی را که برای گندم و جو و خرما و انگور کرده است حتی مقداری از قیمت اسباب و لباس را که بوسیله زراعت کم شده، میتواند از حاصل کسر کند، و چنانچه پیش از کم کردن اینها وزن محصول به ۲۸۸ من، ۴۵ مثقال کم برسد، بنا بر احتیاط واجب باید زکات باقیمانده آن را بدهد.

قیمت بذری که زکات به آن تعلق نگرفته یا زکاتش را پرداخته است می تواند جزء مخارج زراعت حساب نماید، ولی باید قیمت زمان کاشت را حساب کند.

اگر زمین و اسباب زراعت یا یکی از این دو ملک خود او باشد نباید کرایه آنها را جزء مخارج حساب کند، و نیز برای کارهایی که خودش کرده یا دیگری بدون اجرت انجام داده، چیزی از حاصل کسر نمی شود.

اگر درخت انگور یا خرما را بخرد، قیمت آن جزء مخارج نیست، ولی اگر خرما یا انگور را پیش از چیدن و قبل از تعلق زکات بخرد، پولی را که برای آن داده جزء مخارج حساب می شود.

اگر زمینی را بخرد و در آن زمین گندم یا جو بکارد، پولی را که برای خرید زمین داده جزء مخارج حساب نمی شود، ولی اگر زراعت را پیش از تعلق زکات بخرد پولی را که برای خرید آن داده می تواند جزء مخارج حساب کند و از حاصل کم نماید، اما باید قیمت گاهی را که از آن بدست می آید از پولی که برای خرید زراعت داده کسر نماید مثلاً اگر زراعتی را پانصد تومان بخرد و قیمت گاه آن صد تومان باشد فقط چهار صد تومان آن را می تواند جزء مخارج حساب نماید.

کسی که گاو و وسایل کشاورزی دیگری که عرفاً برای زراعت به کار می رود بخرد اگر به واسطه زراعت بکلی از بین برود، می تواند تمام قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید و اگر مقداری از قیمت آنها کم شود، می تواند آن مقدار را جزء مخارج حساب کند، ولی اگر بعد از زراعت چیزی از قیمتشان کم نشود، نباید چیزی از قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید.

اگر در یک زمین جو و گندم و چیزی مانند برنج و لویا که زکات آن واجب نیست بکارد، خرجهایی که برای هر یک از آنها کرده فقط پای همان حساب می شود، ولی اگر برای هر دو مخارجی کرده باید دو قسمت نماید، مثلاً اگر هر دو به یک اندازه بوده، می تواند نصف مخارج را از جنسی که زکات دارد کسر نماید.

اگر برای شخم زدن یا کار دیگری که تا چند سال برای زراعت فایده دارد خرجی کند بنا بر احتیاط واجب باید مخارج آن را بین چند سال تقسیم کند.

اگر انسان در چند شهر که فصل آنها با یکدیگر اختلاف دارد و زراعت و میوه آنها در یک وقت بدست نمی آید گندم یا جو یا خرما یا انگور داشته باشد و همه آنها محصول یک سال حساب شود، چنانچه چیزی که اول می رسد به اندازه نصاب باشد، باید زکات آن را موقعی که می رسد بدهد و زکات بقیه را هر وقت بدست می آید ادا نماید، و

اگر آنچه اول می رسد باندازه نصاب نباشد در صورتی که علم و یقین دارد با آنچه بعد بدست می آید باندازه نصاب می شود، باز هم واجب است زکات آنچه را که رسیده همان وقت و زکات بقیه را موقعی که می رسد بدهد و اگر یقین و علم ندارد که همه آنها باندازه نصاب شود، صبر می کند تا بقیه آن برسد، پس اگر روی هم به مقدار نصاب شود، زکات آن واجب است و اگر به مقدار نصاب نشود زکات آن واجب نیست.

اگر درخت خرما یا انگور در یک سال دو مرتبه میوه دهد اگر در هر مرتبه به مقدار نصاب نباشد زکات آن واجب نیست برای این که زراعت دو فصل مثل زراعت دو سال است.

اگر مقداری خرما یا انگور تازه دارد که خشک آن باندازه نصاب می شود، چنانچه بقصد زکات از تازه آن بقدری به مستحق بدهد که اگر خشک شود به اندازه زکاتی باشد که بر او واجب است، اشکال ندارد.

اگر زکات خرمای خشک یا کشمش بر او واجب باشد نمی تواند زکات آن را خرمای تازه یا انگور بدهد و نیز اگر زکات خرمای تازه یا انگور بر او واجب باشد، نمی تواند زکات آن را خرمای خشک یا کشمش بدهد. اما اگر یکی از اینها را به قصد قیمت زکات بدهد مانعی ندارد.

کسی که بدهکار است و مالی هم دارد که زکات آن واجب شده اگر بمیرد باید اول تمام زکات را از مالی که زکات آن واجب شده بدهند، بعد قرض او را ادا نمایند.

کسی که بدهکار است و گندم یا جو یا خرما یا انگور هم دارد، اگر بمیرد و پیش از آن که زکات اینها واجب شود ورثه قرض او را از مال دیگر بدهند هر کدام که سهمشان به ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم برسد، باید زکات بدهند، و اگر پیش از آن که زکات اینها واجب شود، قرض او را ندهند چنانچه مال میت فقط باندازه بدهی او باشد واجب نیست زکات اینها را بدهند، و اگر مال میت بیشتر از بدهی او باشد، در صورتی که بدهی او بقدری است که اگر بخواهند ادا نمایند باید مقداری از گندم و جو و خرما و انگور را هم به طلبکار بدهند، آنچه را به طلبکار می دهند زکات ندارد و بقیه مال ورثه است و هر کدام آنان که سهمش باندازه نصاب شود، باید زکات آن را بدهد.

اگر گندم و جو و خرما و کشمشی که زکات آنها واجب شده خوب و بد دارد، بنابر احتیاط واجب باید زکات هر کدام از خوب و بد را از خود آنها بدهد و یا زکات همه را از خوب بدهد ولی بنابر احتیاط واجب زکات همه را از بد نمی تواند بدهد.

### نصاب طلا

طلا دو نصاب دارد: نصاب اول آن، بیست مثقال شرعی است که هر مثقال آن ۱۸ نخود است، پس وقتی طلا به بیست مثقال شرعی که پانزده مثقال معمولی است برسد، اگر شرایط دیگر را هم که گفته خواهد شد داشته باشد انسان باید چهل یک (5/2 %) آن را که نه نخود می شود بابت زکات بدهد و اگر به این مقدار نرسد زکات آن واجب

نیست. و نصاب دوّم آن، چهار مثقال شرعی است که سه مثقال معمولی می شود یعنی اگر سه مثقال به پانزده مثقال اضافه شود، باید زکات تمام ۱۸ مثقال را از قرار چهل یک (۲/۵٪) بدهد و اگر کمتر از سه مثقال اضافه شود، فقط باید زکات ۱۵ مثقال آن را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است هر چه بالا رود، یعنی اگر سه مثقال اضافه شود، باید زکات تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود، مقداری که اضافه شده زکات ندارد.

### نصاب نقره

نقره دو نصاب دارد: نصاب اوّل آن، ۱۰۵ مثقال معمولی است که اگر نقره به ۱۰۵ مثقال برسد و شرایط دیگر را هم که گفته خواهد شد داشته باشد انسان باید چهل یک (۲/۵٪) آن را که ۲ مثقال و ۱۵ نخود است از بابت زکات بدهد و اگر به این مقدار نرسد زکات آن واجب نیست. و نصاب دوّم آن، ۲۱ مثقال است یعنی اگر ۲۱ مثقال به ۱۰۵ مثقال اضافه شود، باید زکات تمام ۱۲۶ مثقال را به طوری که گفته شد بدهد و اگر کمتر از ۲۱ مثقال اضافه شود فقط باید زکات ۱۰۵ مثقال آن را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است هر چه بالا رود، یعنی اگر ۲۱ مثقال دیگر اضافه شود باید زکات تمام آنها را بدهد، و اگر کمتر اضافه شود مقداری که اضافه شده و کمتر از ۲۱ مثقال است زکات ندارد. بنابر این اگر انسان چهل یک (۲/۵٪) هر چه طلا و نقره دارد بدهد، زکاتی را که بر او واجب بوده داده و گاهی هم بیشتر از مقدار واجب داده است مثلاً کسیکه ۱۱۰ مثقال نقره دارد، اگر چهل یک (۲/۵٪) آن را بدهد، زکات ۱۰۵ مثقال آن را که واجب بوده داده و مقداری هم برای ۵ مثقال آن داده که واجب نبوده است.

کسی که طلا یا نقره او باندازه نصاب است، اگر چه زکات آن را داده باشد، تا وقتی از نصاب اوّل کم نشده، همه ساله باید زکات آن را بدهد.

زکات طلا و نقره در صورتی واجب می شود که آن را سگه زده باشند و معامله با آن رایج باشد و اگر سگه آن از بین هم رفته باشد باید زکات آن را بدهند. ولی سکه های بهار آزادی در زمان ما چون با آن معامله نمی شود زکات ندارند.

طلا و نقره سگه داری که زنها برای زینت بکار می برند در صورتی که معامله با آن رایج باشد، یعنی مثل پول با آن معامله شود، بنابر احتیاط زکات آن واجب است. ولی اگر معامله با آن رایج نباشد، زکات آن واجب نیست.

کسی که طلا و نقره دارد، اگر هیچ کدام آنها باندازه نصاب اوّل نباشد مثلاً ۱۰۴ مثقال نقره و ۱۴ مثقال طلا داشته باشد، زکات بر او واجب نیست.

زکات طلا و نقره در صورتی واجب می شود که انسان یازده ماه مالک مقدار نصاب باشد و اگر در بین یازده ماه، طلا و نقره او از نصاب اوّل کمتر شود، زکات بر او واجب نیست.

اگر در بین یازده ماه طلا و نقره ای را که دارد با طلا یا نقره یا چیز دیگر عوض نماید یا آنها را آب کند، زکات بر او واجب نیست، ولی اگر برای فرار از دادن زکات آنها را تبدیل کند، احتیاط مستحب آن است که زکات را بدهد.

اگر در ماه دوازدهم پول طلا و نقره را آب کند، باید زکات آنها را بدهد، و چنانچه بواسطه آب کردن، وزن یا قیمت آنها کم شود، باید زکاتی را که پیش از آب کردن بر او واجب بوده بدهد.

اگر طلا و نقره ای که دارد خوب و بد داشته باشد، میتواند زکات هر کدام از خوب و بد را از خود آن بدهد ولی بهتر است زکات همه آنها را از طلا و نقره خوب بدهد و احتیاط واجب آن است که زکات همه را از بد ندهد.

طلا و نقره ای که بیشتر از اندازه معمولی فلز دیگری دارد، اگر خالص آن باندازه نصاب که مقدار آن گفته شد، برسد انسان باید زکات آن را بدهد، و همچنین پول طلا و نقره ای که بیشتر از اندازه معمولی فلز دیگر دارد اگر به آن پول طلا و نقره بگویند در صورتی که بحدّ نصاب برسد زکاتش بنابر احتیاط، واجب است هر چند خالصش بحدّ نصاب نرسد. و چنانچه شک دارد که خالص آن باندازه نصاب هست یا نه، بنابر احتیاط واجب باید بوسیله آب کردن یا از راه دیگر خالص آن را معلوم کند یا بمقداری زکات پردازد تا یقین کند برئ الذمه شده است و مقدار لازم را پرداخته است.

اگر طلا و نقره ای که دارد بمقدار معمول فلز دیگر با آن مخلوط باشد، نمی تواند زکات آن را از طلا و نقره ای بدهد که بیشتر از معمول فلز دیگر دارد ولی اگر بقدری بدهد که یقین کند طلا و نقره خالصی که در آن هست باندازه زکاتی می باشد که بر او واجب است، اشکال ندارد.

### زکات شتر و گاو و گوسفند

زکات شتر و گاو و گوسفند غیر از شرطهایی که گفته شد دو شرط دیگر دارد:

۱. حیوان در تمام سال بیکار باشد، ولی اگر در تمام سال یکی دو روز کار کرده باشد بطوری که حیوان کارگر محسوب نشود زکات آن واجب است.
۲. حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد، پس اگر تمام سال یا مقداری از آن را از علف چیده شده، یا از زراعتی که ملک مالک یا ملک کسی دیگر است بچرد زکات ندارد ولی اگر در تمام سال یکی دو روز از علف مالک چریده باشد باز زکات آن واجب است.

اگر انسان برای شتر و گاو و گوسفند خود چراگاهی را که کسی نکاشته بخرد یا اجاره کند وجوب زکات در آن مشکل است ولی اگر برای چراندن در آن باج بدهد، باید زکات را بدهد.

## نصاب شتر

شتر دوازده نصاب دارد:

۱. پنج شتر، و زکات آن یک گوسفند است و تا شماره شتر به این مقدار نرسد زکات ندارد.
۲. ده شتر، و زکات آن دو گوسفند است.
۳. پانزده شتر، و زکات آن سه گوسفند است.
۴. بیست شتر، و زکات آن چهار گوسفند است.
۵. بیست و پنج شتر، و زکات آن پنج گوسفند است.
۶. بیست و شش شتر، و زکات آن یک شتر است که داخل سال دوّم شده باشد.
۷. سی و شش شتر، و زکات آن یک شتر است که داخل سال سوّم شده باشد.
۸. چهل و شش شتر، و زکات آن یک شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.
۹. شصت و یک شتر، و زکات آن یک شتر است که داخل سال پنجم شده باشد.
۱۰. هفتاد و شش شتر، و زکات آن دو شتر است که داخل سال سوّم شده باشد.
۱۱. نود و یک شتر، و زکات آن دو شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.
۱۲. صد و بیست و یک شتر و بالاتر از آن است که باید یا چهل تا چهل تا حساب کند و برای هر چهل تا یک شتری که داخل سال سوّم شده باشد، یا پنجاه تا پنجاه تا حساب کند و برای هر پنجاه تا یک شتری که داخل سال چهارم شده باشد، بدهد. یا با چهل و پنجاه حساب کند. ولی در هر صورت باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می ماند، از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر ۱۴۰ شتر دارد، باید برای صدتا، دو شتری که داخل سال چهارم شده و برای چهل تا یک شتر ماده ای که داخل سال سوّم شده باشد بدهد.

زکات ما بین دو نصاب واجب نیست. پس اگر شماره شترهائی که دارد از نصاب اوّل که پنج است بگذرد، تا به نصاب دوّم که ده تا است نرسیده، فقط باید زکات پنج تای آن را بدهد و همچنین است در نصابهای بعد.

## نصاب گاو

گاو دو نصاب دارد: نصاب اوّل آن ۳۰ رأس است که وقتی شماره گاو به سی رسید، اگر شرایطی را که گفته شد داشته باشد، انسان باید یک گوساله ای که داخل سال دوّم شده از بابت زکات بدهد. و نصاب دوّم آن، چهل است و زکات آن یک گوساله ماده ای است که داخل سال سوّم شده باشد. و زکات ما بین سی و چهل واجب نیست مثلاً کسی که سی و نه گاو دارد، فقط باید زکات سی تای آنها را بدهد، و نیز اگر از چهل گاو زیادتر داشته باشد تا به شصت نرسیده، فقط باید زکات چهل تای آن را بدهد و بعد از آن که به شصت رسید، چون دو برابر نصاب اوّل را دارد، باید

دو گوساله ای که داخل سال دوّم شده بدهد و همچنین هر چه بالا رود، باید یا سی تا سی تا حساب کند یا چهل تا چهل تا یا با سی و چهل حساب نماید و زکات آن را بدستوری که گفته شده بدهد، ولی باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می ماند از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر هفتاد گاو دارد، باید بحساب سی و چهل حساب کند و برای سی تا آن زکات سی تا و برای چهل تا آن زکات چهل تا را بدهد چون اگر با سی تا حساب کند، ده تا زکات نداده باقی می ماند.

### نصاب گوسفند

گوسفند پنج نصاب دارد:

۱. چهل گوسفند است، و زکات آن یک گوسفند است و تا گوسفند به چهل نرسد زکات ندارد.
۲. صد و بیست و یک گوسفند است، و زکات آن دو گوسفند است.
۳. دویست و یک گوسفند است، و زکات آن سه گوسفند است.
۴. سیصد و یک گوسفند است، و زکات آن چهار گوسفند است.
۵. چهار صد و بالاتر از آن است که باید آنها را صدتا صدتا حساب کند و برای هر صدتای آنها یک گوسفند بدهد. و لازم نیست زکات را از خود گوسفندا بدهد، بلکه اگر گوسفند دیگری بدهد، یا مطابق قیمت گوسفند پول بدهد کافی است، اما چیز دیگری غیر از این دو را بدهد اشکال دارد.

زکات ما بین دو نصاب واجب نیست، پس اگر شماره گوسفندهای کسی از نصاب اول که چهل است بیشتر باشد تا به نصاب دوّم که صد و بیست و یک گوسفند است نرسیده، فقط باید زکات چهل تا آن را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است در نصابهای بعد.

زکات شتر و گاو و گوسفندی که بمقدار نصاب برسد واجب است چه همه آنها نر باشند یا ماده، یا بعضی نر باشند و بعضی ماده.

در زکات، گاو و گاو میش یک جنس حساب می شود و شتر عربی و غیر عربی یک جنس است، و همچنین بز و میش و شیشک در زکات با هم فرق ندارند.

اگر برای زکات گوسفند بدهد، بنابر احتیاط واجب باید داخل سال دوّم شده باشد و اگر بُز بدهد احتیاطاً باید داخل سال سوّم شده باشد.

گوسفندی را که بابت زکات می دهد، اگر قیمتش مختصری از گوسفندهای دیگر او کمتر باشد اشکال ندارد. ولی بهتر است گوسفندی را که قیمت آن از تمام گوسفندهایش بیشتر است بدهد، و همچنین است در گاو و شتر.

اگر چند نفر با هم شریک باشند هر کدام آنان که سهمش به نصاب اول رسیده باید زکات بدهد و بر کسی که سهم او کمتر از نصاب اول است زکات واجب نیست.

اگر یک نفر در چند جا گاو یا شتر یا گوسفند داشته باشد و روی هم باندازه نصاب باشند، باید زکات آنها را بدهد.

اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد مریض و معیوب هم باشند، باید زکات آنها را بدهد.

اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد همه مریض یا معیوب یا پیر باشند، می تواند زکات را از خود آنها بدهد. ولی اگر همه سالم و بی عیب و جوان باشند نمی تواند زکات آنها را مریض، یا معیوب یا پیر بدهد. بلکه اگر بعضی از آنها سالم و بعضی مریض و دسته ای معیوب و دسته دیگری بی عیب و مقداری پیر و مقداری جوان باشند، احتیاط واجب آن است که برای زکات آنها سالم و بی عیب و جوان بدهد.

اگر پیش از تمام شدن ماه یازدهم، گاو و گوسفند و شتری را که دارد با چیز دیگر عوض کند، یا نصابی را که دارد با مقدار نصاب از همان جنس عوض نماید، مثلاً چهل گوسفند بدهد و چهل گوسفند دیگر بگیرد، زکات بر او واجب نیست.

کسی که باید زکات گاو و گوسفند و شتر را بدهد، اگر زکات آنها را از مال دیگری بدهد، تا وقتی شماره آنها از نصاب کم نشده، همه ساله باید زکات را بدهد، و اگر از خود آنها بدهد و از نصاب اول کمتر شوند، زکات بر او واجب نیست مثلاً کسی که چهل گوسفند دارد، اگر از مال دیگری زکات آنها را بدهد تا وقتی که گوسفندهای او از چهل کم نشده، همه ساله باید یک گوسفند بدهد و اگر از خود آنها بدهد تا وقتی به چهل نرسیده، زکات بر او واجب نیست.

### مصرف زکات

انسان می تواند زکات را در هشت مورد مصرف کند:

۱. فقیر، و آن کسی است که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد. ولی کسی که صنعت، یا ملک یا سرمایه ای دارد که می تواند مخارج سال خود را به تدریج کسب کند، فقیر نیست.
۲. مسکین، و او کسی است که از فقیر سخت تر می گذارند.

۳. کسی که از طرف امام (علیه السلام) (یا نایب امام مأمور است که زکات را جمع و نگهداری نماید و به حساب آن رسیدگی کند و آن را به امام) (علیه السلام) (یا نایب امام یا فقرا برساند، که می تواند باندازه زحمتی که می کشد از زکات استفاده کند.
۴. کافرهائی که اگر زکات به آنان بدهند به دین اسلام مایل می شوند، یا در جنگ به مسلمانان کمک می کنند و همچنین مسلمانانی که ایمان آنان ضعیف است که اگر زکات به آنان بدهند ایمانشان قوی می شود.
۵. خریداری بنده ها و آزاد کردن آنان.
۶. بدهکاری که نمی تواند قرض خود را بدهد، به شرط آن که قرض در معصیت صرف نشده باشد.
۷. سیل الله، یعنی کاری که مانند ساختن مسجد و مدرسه، منفعت عمومی دینی دارد، یا مثل ساختن پل و اصلاح راه، که نفعش به عموم مسلمانان می رسد و آنچه برای اسلام و مسلمین نفع داشته باشد بهر نحو که باشد.
۸. ابن السبیل، یعنی مسافری که در سفر درمانده شده است. احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد.

احتیاط واجب آن است که فقیر و مسکین بیشتر از مخارج سال خود و عیالاتش را از زکات نگیرد و اگر مقداری پول یا جنس دارد، فقط باندازه کسری مخارج یک سالش زکات بگیرد.

کسی که مخارج سالش را داشته اگر مقداری از آنرا مصرف کند و بعد شک کند که آنچه باقیمانده باندازه مخارج سال او هست یا نه، نمی تواند زکات بگیرد.

صنعتگر یا مالک یا تاجری که درآمد او از مخارج سالش کمتر است می تواند برای کسری مخارجش زکات بگیرد. و لازم نیست ابزار کار یا ملک یا سرمایه خود را بصرف مخارج برساند.

فقیری که خرج سال خود و عیالاتش را ندارد، اگر خانه ای دارد که ملک او است و در آن نشسته، یا مال سواری دارد، چنانچه بدون اینها نتواند زندگی کند، اگر چه برای حفظ آبرویش باشد، می تواند زکات بگیرد و همچنین است اثاث خانه و ظرف و لباس تابستانی و زمستانی و چیزهائی که به آنها احتیاج دارد. و فقیری که اینها را ندارد، اگر به اینها احتیاج داشته باشد، می تواند از زکات خریداری نماید.

فقیری که یاد گرفتن صنعت برای او مشکل نیست، بنابر احتیاط واجب باید یاد بگیرد و با گرفتن زکات زندگی نکند، ولی تا وقتی مشغول یاد گرفتن است، می تواند زکات بگیرد.

به کسی که قبلاً فقیر بوده و می گوید: فقیرم، اگر چه انسان از گفته او اطمینان پیدا نکند می شود زکات داد.



کسی که می گوید: فقیرم، و قبلاً فقیر نبوده، یا معلوم نیست فقیر بوده یا نه، چنانچه از گفته او اطمینان پیدا نشود، احتیاط واجب آن است که به او زکات ندهند.

کسی که باید زکات بدهد، اگر از فقیری طلبکار باشد، می تواند طلبی را که از او دارد بابت زکات حساب کند.

اگر فقیر بمیرد و مال او به اندازه قرضش نباشد، انسان می تواند طلبی را که از او دارد بابت زکات حساب کند بلکه اگر مال او به اندازه قرضش باشد و ورثه قرض او را ندهند، یا به جهت دیگر انسان نتواند طلب خود را بگیرد، نیز می تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند.

چیزی را که انسان بابت زکات به فقیر می دهد لازم نیست به او بگوید که زکات است، بلکه اگر فقیر خجالت بکشد، مستحب است مال را به قصد زکات به او داده ولی زکات بودنش را اظهار ننماید.

اگر به اعتقاد این که کسی فقیر است زکات به او بدهد بعد بفهمد فقیر نبوده، یا از روی ندانستن مسأله به کسی که فقیر نیست زکات بدهد، چنانچه چیزی را که به او داده باقی باشد می تواند پس بگیرد و به مستحق بدهد و اگر از بین رفته هر گاه کسی که آن چیز را گرفته می دانسته یا احتمال می داده که زکات است باید عوض آن را بدهد و او به مستحق برساند، ولی اگر به غیر عنوان زکات داده نمی تواند چیزی از او بگیرد و چنانچه در تشخیص مستحق کوتاهی نکرده باشد مثلاً بی‌بینه شرعیّه گواهی بر فقر او داده باشد لازم نیست دوباره از مال خود زکات پردازد.

کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد اگر چه مخارج سال خود را داشته باشد می تواند برای دادن قرض خود زکات بگیرد ولی باید مالی را که قرض کرده در معصیت خرج نکرده باشد و اگر در معصیت خرج کرده چنانچه از آن معصیت توبه کرده باشد در این صورت از سهم فقرا می شود به او داد.

اگر به کسی که بدهکار و مقروض است و نمی تواند بدهی خود را بدهد زکات بدهد، بعد بفهمد قرض را در معصیت مصرف کرده، چنانچه آن بدهکار فقیر باشد می تواند آنچه را به او داده بابت زکات حساب کند ولی اگر از آن معصیت توبه نکرده باشد بنا بر احتیاط واجب چیزی را که به او داده، بابت زکات حساب نکنند.

کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد اگر چه فقیر نباشد، انسان می تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند.

مسافری که خرجی او تمام شده، یا مرکبش از کار افتاده، چنانچه سفر او سفر معصیت نباشد و نتواند با قرض کردن یا فروختن چیزی خود را به مقصد برساند، اگر چه در وطن خود فقیر نباشد، می تواند زکات بگیرد. ولی اگر بتواند در جای دیگر با قرض کردن یا فروختن چیزی مخارج سفر خود را فراهم کند، فقط به مقداری که به آنجا برسد، می تواند زکات بگیرد.

مسافری که در سفر درمانده شده و زکات گرفته بعد از آنکه به وطنش رسید، اگر چیزی از زکات زیاد آمده باشد باید آن را به مجتهد جامع الشرائط بدهد و بگوید آن چیز زکات است.

### شرایط کسانی که مستحق زکاتند

کسی که زکات می گیرد باید شیعه دوازده امامی باشد و اگر از راه شرعی شیعه بودن کسی ثابت، و به او زکات بدهند، و زکات تلف شود بعد معلوم شود شیعه نبوده لازم نیست دوباره زکات بدهد.

اگر طفل یا دیوانه ای از شیعه فقیر باشد، انسان می تواند به ولیّ او زکات بدهد به قصد این که آنچه را می دهد ملک طفل یا دیوانه باشد.

اگر به ولیّ طفل و دیوانه دسترسی ندارد می تواند خودش یا بوسیله یک نفر امین زکات را به مصرف طفل یا دیوانه برساند و باید موقعی که زکات را به مصرف آنان می رساند نیت زکات کند.

به فقیری که گدائی می کند، می شود زکات داد، ولی به کسی که زکات را در معصیت مصرف می کند نمی شود زکات داد.

به کسی که معصیت کبیره را آشکارا انجام می دهد احتیاط واجب آن است که زکات ندهند و همچنین است به شارب الخمر.

به کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد اگر چه مخارج او بر انسان واجب باشد می شود زکات داد تا قرضش را بدهد. ولی اگر زن یا کس دیگری که مخارجش بر انسان واجب است برای خرجی خود قرض کند انسان نمی تواند بدهی او را از زکات بدهد.

انسان نمی تواند مخارج کسانی را که خرجشان بر او واجب است مانند زن دائمی و اولاد و نوه ها و پدر و مادر و اجداد را از زکات بدهد. ولی اگر مخارج آنان را ندهد دیگران می توانند به آنان زکات بدهند.

اگر انسان زکات به پسرش بدهد که خرج زن و نوکر و کلفت خود نماید اشکال ندارد.

اگر پسر به کتابهای علمی دینی احتیاج داشته باشد پدر می تواند برای خریدن آنها به او زکات بدهد.

پدر می تواند به پسرش زکات بدهد که برای خود زن بگیرد پسر هم می تواند برای آن که پدرش زن بگیرد زکات خود را به او بدهد.

به زنی که شوهرش مخارج او را می دهد، یا خرجی نمی دهد ولی ممکن است او را به دادن خرجی مجبور کنند، نمی شود زکات داد.

زنی که صیغه شده اگر فقیر باشد، شوهرش و دیگران می توانند به او زکات بدهند ولی اگر شوهرش در ضمن عقد شرط کند که مخارج او را بدهد، یا به جهت دیگری دادن مخارجش بر او واجب باشد در صورتی که بتواند مخارج آن زن را بدهد یا بتوان شوهر را مجبور کرد نمی شود به آن زن زکات داد.

زن می تواند به شوهر فقیر خود زکات بدهد، اگر چه شوهر زکات را صرف مخارج آن زن و اولادش کند.

سید می تواند از سید زکات بگیرد ولی سید نمی تواند از غیر سید زکات بگیرد، ولی اگر خمس و سایر وجوهات کفایت مخارج او را نکند و از گرفتن زکات ناچار باشد، می تواند از غیر سید زکات بگیرد. اما احتیاط واجب آن است که اگر ممکن باشد فقط به مقداری که برای مخارج روزانه اش ناچار است، بگیرد.

## احکام نگاه کردن و ازدواج

### فهرست عناوین مبحث نگاه کردن و ازدواج

#### احکام نگاه کردن

#### احکام ازدواج

#### احکام نگاه کردن

نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است، و نگاه کردن به صورت و دستها اگر به قصد لذت باشد حرام است، ولی اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد، اگر چه احوط اجتناب است. و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم با قصد لذت و به غیر صورت و دستها بدون آن حرام می باشد. و نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و موجب تحریک شهوت نگردد و بواسطه نگاه کردن انسان نترسد که به حرام بیفتد مانعی ندارد.

اگر انسان بدون قصد لذت به آن قسمت از بدن زنهای کافر که معمولاً نمی پوشانند نگاه کند در صورتی که نترسد بحرام بیفتد اشکال ندارد.

زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد و بعدی رسیده که مورد نظر شهوانی است بپوشاند.

نگاه کردن به عورت دیگری حرام است، اگر چه از پشت شیشه یا در آئینه یا آب صاف و مانند اینها باشد و نگاه کردن به عورت بچه غیر ممیز جایز است و زن و شوهر می توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

مرد و زنی که با یکدیگر محرمنند، اگر قصد لذت نداشته باشند می توانند غیر از عورت به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

مرد نباید به قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است.

چنانچه پزشک زن وجود داشته باشد پزشک مرد حق ندارد بیمار زن را معاینه کند کما این که بیمار زن حق ندارد با وجود پزشک زن اجازه دهد پزشک مرد او را معاینه کند. و چنانچه پزشک زن نباشد یا بیماری خاصی باشد که پزشک زن نتواند آن را معالجه کند زن بیمار می تواند به پزشک مرد مراجعه کند. در این صورت پزشک باید برای معاینه به حداقل اکتفا کند.

اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار شود که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد، ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید او را نگاه کند.

اگر انسان برای معالجه کسی ناچار شود که به عورت او نگاه کند، باید آئینه را در مقابل گذاشته و در آن نگاه کند ولی اگر چاره ای جز نگاه کردن به عورت نباشد اشکال ندارد.

### احکام ازدواج

کسی که به واسطه نداشتن زن به حرام می افتد، واجب است زن بگیرد این وجوب به خاطر جلوگیری از حرام است یعنی اگر مطمئن شود که به حرام می افتد واجب است زن بگیرد.

در ازدواج باید صیغه مخصوص آن خوانده شود و تنها راضی بودن دختر و پسر و علاقه داشتن کافی نیست، بنابر این خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج خوانده نشده، سبب محرم شدن نیست و با سایر زنان نامحرم تفاوتی ندارد.

اگر يك حرف عقد ازدواج، غلط خوانده شود که معنای آن عوض شود، عقد باصل است.